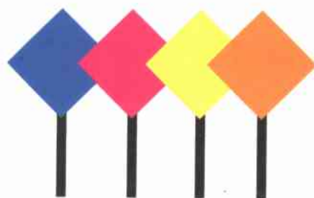
تصوير ابو عبدالرحمن الكردي



گلچینی از

ضرب المثل های جهان



دکتر سیف الله اسدی
عضو هیئت علمی دانشکده پزشکی

گلچینی از

ضرب‌المثل‌های جهان

دکتر سیف ا... اسدی



سرشناسه :اسدی، سیف الله گردآورنده و مترجم.
عنوان و نام پدیدآور : گلچینی از ضرب‌المثل‌های جهان/ نویسنده سیف‌الله اسدی.
ناشر : اشجع،میکائیل.تهران.
مشخصات ظاهری : ۳۳۶ص
شابک : 978-964-2613-05-2
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : ضرب المثل ها.
رده بندی کنگره : ۱۳۸۶ ۵الف۲ف/۶۴۰۹PN
شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۶۸۷۶۲





گلچینی از ضرب‌المثل‌های جهان

مؤلف: دکتر سیف‌اله اسدی

ناشر: اشجع، با همکاری میکاییل

چاپ: ششم، ۱۳۹۰

قیمت: ۵۵۰۰ تومان

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۲_۰۵_۲۶۱۳_۹۶۴_۹۷۸

ارتباط با مؤلف: ۴۴۰۷۹۱۲۸ و ۰۹۱۲۱۲۳۵۴۳۷

تهران، بزرگراه رسالت، مجیدیهٔ شمالی، خیابان برادران محمودی شرقی، کوچهٔ امید، پلاک ۱
تلفن: ۲۲۵۱۲۸۳۴ و ۲۲۵۲۰۷۰۲، دورنگار:۲۶۳۰۰۶۶۸
www.ashja.com info@ashja.com

سخنی چند با خوانندگان

کتاب حاضر تحت عنوان گلچینی از ضرب‌المثل‌های جهان می‌باشد و همان گونه که از نام آن هویداست ضرب‌المثل‌های انتخابی به گونه‌ای گلچین شده است که با توجه به روحیات، اخلاق و خصوصیات این مرز و بوم باشد. با توجه به این مسئله مهم که هر ضرب‌المثل در گویش یک کشور، یک منطقه لطف مخصوص به خویش را دارد، چرا که ترجمه نیز تا حدی از لطف و آهنگ سخن می کاهد.

ضرب‌المثل‌ها خود نشان‌دهنده قسمت اعظمی از فرهنگ بومی و عوام یک قوم یا یک ملت است که در بین مردمان ان سرزمین رایج می‌باشد. به عبارتی، جملاتی کوتاه هستند که می‌توانند در یک لحظه اثراتی به شگفتی خواندن یک کتاب قطور و یا یک نطق چندین ساعته را داشته باشند.

لذا بسیاری از ناطقان، نویسندگان بزرگ و مردمان عادی از این شیوه در سخن گفتن خود سود می‌برند. کتاب حاضر کتابی است که محدود به قشر خاصی از جامعه نمی باشد بلکه هر شخصی از هر قشری اعم از اینکه دارای تحصیلات عالی باشد یا خیر می‌توانند از آن بهره برداری کنند.

نکته مهم که در خواندن تمامی مطالب کتاب در لحظه اول به نظر می‌آید این است که نقاط مشترک بسیاری بین ضرب‌المثل‌هایِ نقاط مختلف جهان از شرق تا غرب، از شمال تا جنوب به چشم می‌خورد و چه بسا که یک ضرب‌المثل در سرزمین های مختلف و اما با گویش‌های متفاوت رواج دارد علت آن است که تمامی مردم دنیا با مشکلات گوناگون زندگی همچون عشق، فقر، گرسنگی، ...به نوعی درگیر می‌باشند.

واژه ضرب‌المثل در گویش ملل دیگر با واژه‌های تحت لفظی چون سخن عبرت آمیز،گفته عامیانه، سخن کهن، سخن برگزیده و ممتاز، سرمشق و سخنان پدربزرگ معنا شده است.

به عنوان نمونه آلمانی به ضرب‌المثل Spichworter، یونانیParoemia ، مجارستانی Kozmondas، لاتین Proverbiur، انگلیسی Proverb، ژاپنی Koto-Waza، هندی Lokokti، ترکی Atalar-sozu، سوئدی Ordsprak، اسپانیای Refrau، گرجستان شرقی Qudoza گفته اند.

خوانندگان عزیز همچنین این نکته را مدنظر داشته باشند که بعلت تفاوت ساختار نگارشی این کتاب با کتب دیگر خواندن این گونه کتابها با تأنی، تفکر و تدریجی، به آدمی لذتی صدچندان می‌دهد.

ایرانیان مردمانی ادب دوست هستند و از ادبیاتی بسیار غنی و گوهربار برخوردار هستند و از دسته مللی هستند که در مراودات اجتماعی خود بسیاری از سخنان خود را با ضرب‌المثل و شاید کنایه مطرح می‌نمایند و خود گنجینه‌ای پربار از ضرب‌المثل می‌باشند چه بسا بسیاری از ضرب‌المثل‌های ایرانی که در این مجموعه ذکر نشده است. هدف حذف نبوده است بلکه همچنان که یادآور شدیم گلچینی از آن مجموعه عظیم شده است.

باشد که این مجموعه کوچک مورد پسند ایرانیان و هموطنان عزیز قرار گیرد و نواقص و کاستی‌های این مجموعه را با دیده اغماض بپذیرند.

والسلام

دکتر سیف ا... اسدی

فهرست مطالب

حرف الف ۷

حرف ب.. ۵۷

حرف پ.. ۸۳

حرف ث.. ۱۰۱

حرف ج ۱۰۳

حرف چ ۱۰۷

حرف ح ۱۱۳

حرف خ ۱۲۱

حرف د ۱۳۱

حرف ذ ۱۵۳

حرف ر ۱۵۵

حرف ز ۱۶۱

حرف س ۱۷۵

حرف ش ۱۸۵

حرف ص ۱۹۳

حرف ض ۱۹۷

حرف ط ۱۹۹

حرف ظ ۲۰۱

حرف ع ۲۰۳

حرف غ ۲۱۳

حرف ف..۲۱۵
حرف ق ۲۲۱
حرف ک ۲۲۷
حرف گ ۲۵۳
حرف ل ۲۶۱
حرف م..۲۶۳
حرف ن ۲۸۳
حرف و ۲۹۱
حرف ه ۳۰۵
حرف ی ۳۲۷

حرف الف

۱ ـ انسان صد سال هم زندگی نمی‌کند، ولی غصه هزار سال را می‌خورد. چینی

۲ ـ آنها در رختخواب زن و شوهرند و خارج از رختخواب میهمان. چینی

۳ ـ اگر سالخورده هستی پند و اندرز بده و اگر جوان هستی به نصیحت دیگران گوش فراده. چینی

۴ ـ اگر نمی‌خواهی سرت کلاه برود قیمت جنس را از سه مغازه بپرس. چینی

۵ ـ از داخل باهوش باش و از خارج مسخره‌گی پیشه کن. چینی

۶ ـ انسان می‌میرد و نامی از خود باقی می‌گذارد. شیر می‌میرد و از خود پوستی بر جای می‌گذارد. چینی

۷ ـ اگر مرضی در معده نباشد بیمار نمی‌میرد. چینی

۸ ـ اگر نسبت به مردی بدگمان هستی استخدامش مکن و اگر استخدامش کردی دیگر نسبت به او سوءظن نداشته باش. چینی

۹ ـ اشتباه یک لحظه، یک عمر اندوه به بار می‌آورد. چینی

۱۰ ـ آنچه که چشم نمی‌بیند، دل غصه‌اش را نمی‌خورد. چینی

۱۱ ـ انسان عیوب خود را فقط از طریق چشمان افراد دیگر تواند دید. چینی

۱۲ ـ اگر گل سالم باشد، میوه‌اش سالم خواهد بود. چینی

۱۳ ـ اگر هیمه را از بین ببرید، شعله هم از بین خواهد رفت. چینی

۱۴ ـ ارزش دختر یک دهم ارزش پسر است! چینی

۱۵ ـ اگر می‌خواهی مزرعهٔ خوشبختی خود را توسعه بدهی، خاک قلبت را هموار کن. چینی

۱۶ ـ اگر به دیگران صدمه برسانی به‌خودت صدمه رسانده‌ای. چینی

۱۷ ـ آهن خوب برای ساختن میخ مصرف نمی‌شود و افراد خوب سربار نمی‌شوند. چینی

۱۸ ـ اگر یشم سبز(نوعی سنگ)صیقل نشود، نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. چینی

۱۹ ـ اگر نخ دراز باشد، بادباک خیلی دور پرواز می کند. چینی

۲۰ ـ آنهایی که می‌دانند چگونه باید کاری را انجام داد، آن را دشوار نمی‌یابند، فقط کسانی یک کار را دشوار می‌یابند که بلد نیستند انجامش دهند. چینی

۲۱ ـ اگر از تلاش دست برداری از زیستن هم دست برداشته‌ای. چینی

۲۲ ـ اگر مردی لئیم (خسیس) باشد، پسرش حتماً به اسراف خواهد پرداخت. چینی

۲۳ ـ اگر پول داشته باشی اژدها هستی و اگر پول نداشته باشی کرم. چینی

۲۴ ـ اعم از اینکه برحق باشی یا نباشی اهمیتی ندارد. اگر پول نداشته باشی خطاکار به شمار خواهی رفت. چینی

۲۵ ـ اگر سوگوار باشی نمی‌توانی آواز بخوانی، اگر آواز بخوانی نمی‌توانی به سوگواری بپردازی. چینی

۲۶ ـ اگر اقبال بیاید، کی نمی‌آید؟ اگر اقبال نیاید، کی می‌آید؟ چینی

۲۷ ـ اگر پیر هستید اندرز بدهید. اگر جوان هستید، اندرزپذیر باشید. چینی

۲۸ ـ انسان در هنگام خوردن غذای دیگران چندان می‌خورد که بدنش عرق کند ولی هنگام خوردن غذای خود، اشک از چشمانش جاری می‌شود. چینی

۲۹ ـ آن‌که دربارهٔ همه چیز می‌اندیشد، دربارهٔ هیچ‌چیز تصمیم نمی‌گیرد. چینی

۳۰ ـ اگر کسی بخواهد از حال و از گذشته با خبر باشد باید پنج‌گاری کتاب بخواند. چینی

۳۱ ـ اگر کتب دارید، خوش خواهید بود ولی خوشتر خواهید بود زمانی که دیگر احتیاجی به کتب ندارید. چینی

۳۲ ـ ابله هیچ وقت بیش از موقعی که یک شاهکار ابلهانه به انجام می‌رساند، به خود به اعجاب نمی‌نگرد. چینی

۳۳ ـ ایمان بیش از امید غذا می‌خورد. چینی

۳۴ـ آموختن هر چیز آسانست ولی متبحر شدن در آن سخت و مشکل. چینی

۳۵ـ اگر می‌خواهی بدانی چه بوده‌ای بنگر که چیستی؟ چینی

۳۶ـ اگر شما توانستید، یک روز خودتان را اصلاح کنید، خواهید توانست همین کار را در روزهای آینده تکرار کنید. چینی

۳۷ـ اگر نیکبخت هستید، لازم نیست به حیله متوسل شوید و اگر دلتان پاک است لازم نیست لباس تقوی بر تن کنید. چینی

۳۸ـ اگر به خاموش کردن آتش می‌روی، لباس علفی بر تن مکن. چینی

۳۹ـ اگر می‌خواهی کاری را خوب انجام بدهی با سه تن از سالخوردگان مشورت کن. چینی

۴۰ـ اگر خیلی مؤدب باشی هیچ‌کس ترا مقصر نخواهد دانست. چینی

۴۱ـ اگر فقیر با ثروتمند معاشرت کند، دیگر شلوار نخواهد داشت که به پا کند. چینی

۴۲ـ اگر به حسُن شهرت خود علاقه نداشته باشی می‌توانی به هر عملی که دلت بخواهد دست بزنی. چینی

۴۳ـ آن‌که تهمت می‌زند هزار بار می‌کشد و قاتل فقط یک بار. چینی

۴۴ـ از آهسته رفتن مترس؛ از بی‌حرکت ایستادن بترس. چینی

۴۵ـ اگر ریگ در کفشت باشد نمی‌توانی راه بروی و به ستارگان بنگری. چینی

۴۶ـ اگر در جوانی سوزنی بدزدی، در پیری پول خواهی دزدید. چینی

۴۷ـ انسان موفق در قید نیست و انسان لاقید، موفق نه. چینی

۴۸ـ آدم باهوش دردسرهای بزرگ را به دردسر کوچک تبدیل می‌کند و دردسرهای کوچک را از بین می‌برد. چینی

۴۹ـ اگر مردی نسبت به زنش بی‌وفا باشد مانند آن است که از درون خانه به خارج تف کند ولی اگر زنی نسبت به شوهرش بی‌وفا باشد مانند آن است که از خیابان در داخل منزل تف اندازد. چینی

۵۰ ـ از افراد انسانی هم‌چنان استفاده کن که از چوب، فقط به علت این‌که یک سانتی‌متر چوب کرم خورده و فرسوده است نباید تمام آن را به دور انداخت. چینی

۵۱ ـ اسب خوب برای خوردن علف به قفا بر نمی‌گردد؛ زن خوب نیز شوهر دوم اختیار نمی‌کند. چینی

۵۲ ـ اگر چه در کنار جنگل زندگی می‌کنی قدر چوب را بدان. چینی

۵۳ ـ اگر می‌خواهی برای یک روز معذب باشی مهمانی بگیر و اگر می‌خواهی برای یک سال معذب باشی پرنده نگاهدار و اگر می‌خواهی مادام‌العمر معذب باشی زن بگیر. چینی

۵۴ ـ اسب بی‌لگام و زن بی‌ادب انسان را به نابودی می‌کشد. چینی

۵۵ ـ اگر رقص هم بلد نباشی لااقل توانایی حرکت دادن دست و پا را که داری. چینی

۵۶ ـ او شاعر صله بگیر است (قابل اعتماد نیست) چینی

۵۷ ـ آزادی که نباشد لقمه را بی‌اجازه نمی‌توان برداشت. چینی

۵۸ ـ آنگاه که دروازهٔ شهر می‌سوزد ماهیان برکه نیز از حرارت آتش در عذابند. چینی

۵۹ ـ اول لاغرها سرمای زمستان را حس می‌کنند. چینی

۶۰ ـ اگر می‌خواهید دشمنان بر اسرار شما آگاه نشوند به دوستان خود افشا نکنید. چینی

۶۱ ـ آنکس که در هر جا دوستانی دارد همه جا را دوست داشتنی می‌یابد. چینی

۶۲ ـ آن‌که تف خونین بر دیگران می‌اندازد پیش از همه لبهای خود را می‌آلاید. چینی

۶۳ ـ افتادن در دریا بهتر از افتادن در دهان خان است. چینی

۶۴ ـ اگر برادران با هم کار کنند، کوه طلا می‌شود. چینی

۶۵ ـ آهو مشک را همراه دارد. چینی

۶۶ ـ اگر آب رودخانه را گل آلود کنی، ماهی توانی گرفت. چینی

۶۷ ـ افراد انسانی بالفطره شبیه به هم هستند ولی عاداتشان بین آن‌ها فاصله می‌اندازد. چینی

۶۸ ـ اگر می‌خواهی بر اسرار مردی واقف شوی، فقط از همسایگانش سؤال کن. چینی

۶۹ ـ آنهایی که پول تحصیل می کنند کم کار می کنند، کسانی که زیاد کار می کنند، پول تحصیل نمی کنند. چینی

۷۰ ـ از طریق ادب می‌توانی همه چیز تحصیل کنی. چینی

۷۱ ـ اگر گربه کور هم باشد باز عقب موش می‌رود. تازی

۷۲ ـ اگر می‌خواهی زنی را گولی بزنی، تعریفش کن. تازی

۷۳ ـ اطاعت از زنان مقدمه ندامت است. تازی

۷۴ ـ اگر به سخن دیگران گوش بدهم من بهره می‌برم و اگر من حرف بزنم دیگران مستفیض می‌شوند. تازی

۷۵ ـ اندوه زده، نمی‌تواند به اندوه زده تسلی دهد. تازی

۷۶ ـ اگر سندان باشی مانند سندان رنج خواهی برد و اگر چکش شوی مانند چکش ضربه وارد خواهی ساخت. تازی

۷۷ ـ اگر هم تو ارباب باشی و هم من ارباب باشم، پس کی الاغ‌ها را خواهد راند؟ تازی

۷۸ ـ آدم بیکاره و تنبل، اهل رَمل و اُصطُرلاب می‌شود. تازی

۷۹ ـ انسان عبد و عبید احسان است. تازی

۸۰ ـ اِمساک، بسیاری از ناخوشی‌های را از بین می‌برد. (خودداری از غذاخوردن) تازی

۸۱ ـ اگر زاغ را رهبر خودنمایی، به سوی لاشه‌ها و مردار رهنمون خواهی شد. تازی

۸۲ ـ اقامتگاه خود را دائم تغییر بده زیرا لذت زندگی در تنوع است. تازی

۸۳ ـ آدمی فرزند اشتباه است. تازی

۸۴ـ از خود گریختن بهتر از گریختن از شیر است. تازی

۸۵ـ افسانه پلی است که به حقیقت منتهی می‌شود. تازی

۸۶ـ آتش مختصری که انسان را گرم می‌کند بهتر از آتش زیادی است که او را می‌سوزاند. تازی

۸۷ـ اگر می‌خواهی همه به تو احترام بگذارند سعی کن وانمود کنی که احمق هستی. تازی

۸۸ـ انسان حریص است به چیزی که از او منع شده است. تازی

۸۹ـ اگر دوستت عسل است او را نخور. تازی

۹۰ـ آستانه در، چهل روز می‌گرید موقعی که دختری به دنیا می‌آید. تازی

۹۱ـ اگر همه یک طور فکر می‌کردند، اجناس در بازار کهنه و پوسیده می‌شد. تازی

۹۲ـ اگر نتوانی اشیاء را با سرشان بگیری، پس با دمشان بگیر! تازی

۹۳ـ آنچه از دهان بیرون می‌آید از دل هم بیرون می‌آید. تازی

۹۴ـ «اگر» را در دره «بود» کاشتم و از آن «ای کاش» سبز شد! تازی

۹۵ـ آیا پاداش مهربانی چیزی غیر از مهربانی است؟ تازی

۹۶ـ اگر می‌خواهی پادشاه باشی، گورخر شو؟ تازی

۹۷ـ انجمنی که در آن یک عده از دانایان جمع شده‌اند به منزلهٔ یک کتابخانه زنده است. تازی

۹۸ـ اگر یک مرد خوشبخت را در «نیل» بیندازی، در حال‌که ماهی در دهن دارد، از آن بیرون خواهد جست. تازی

۹۹ـ آن‌که اسیر عادت است لایق زندگی نیست. تازی

۱۰۰ـ اگر بشنوی که کوه از جای خود نقل مکان کرده است باور کن ولی اگر بشنوی که کسی اخلاقش را تغییر داده باور مکن. تازی

۱۰۱ـ آدم مغرور حاضر است گم بشود تا اینکه راه را از دیگران بپرسد. تازی

۱۰۲ ـ آنچه در شب گفته می‌شود روزش محوش می‌کند. تازی

۱۰۳ ـ اگر پدر پیاز باشد و مادر سیر، چگونه می‌توان انتظار بوی خوش را داشت؟ تازی

۱۰۴ ـ اگر از جغد متابعت کنی به ویرانه‌ات خواهد برد. تازی

۱۰۵ ـ اگر تو را دروگر خواندند، داست را تیز کن. تازی

۱۰۶ ـ اگر عزت نفس نداشته باشی می‌توانی هر کاری را که بخواهی بکنی. تازی

۱۰۷ ـ اگر خیلی نرم باشی تو را له می‌کنند و اگر خیلی خشک باشی تو را می‌شکنند. تازی

۱۰۸ ـ الاغ، صبر کن تا بهار بیاید! تازی

۱۰۹ ـ اگر می‌توانی بنشینی بایست و اگر می‌توانی دراز بکشی منشین. تازی

۱۱۰ ـ اگر کسی نسبت به تو حسن‌ظن داشت کاری بکن که گمان او تحقق یابد. تازی

۱۱۱ ـ انسان پشت زبانش مخفی است. تازی

۱۱۲ ـ از درخت سکوت، میوه آرامش آویزان است. تازی

۱۱۳ ـ استبداد و ظلم تُرک خیلی بهتر از عدالت عرب است! تازی

۱۱۴ ـ اگر گریه نبود سرز مین وداع آتش می‌رفت. تازی

۱۱۵ ـ از باران فرار کرده زیر ناوان پناهنده می‌شود. تازی

۱۱۶ ـ انسان فرزند کوشش خود می‌باشد. تازی

۱۱۷ ـ از بی‌ملاحظگی بپرهیز زیرا که مادر پشیمانی‌ها خوانده شده است. تازی

۱۱۸ ـ الاغ هفت طریقهٔ شنا بلدست ولی موقعی که آب را می‌بیند هر هفت طریقه را از یاد می‌برد. تازی

۱۱۹ ـ احمق هرگز اندوهگین، و دانا همیشه خوشحال نیست. تازی

۱۲۰ ـ ارزش یک دختر خوب خیلی بیش از هفت پسر است. ارمنی

۱۲۱ ـ اگر بنا باشد همه‌کس، کدخدا شود چه‌کسی آسیاب را خواهد چرخانید؟ ارمنی

۱۲۲ ـ اگر نمی‌توانی پولدار شوی، همسایه مرد پولدار شو. ارمنی

۱۲۳ ـ اگر می‌خواهی رازی بر تو فاش شود، از یک طفل، دیوانه، مرد مست و یا از زن خود بپرس! ارمنی

۱۲۴ ـ اگر افعی سرمازده را گرم کنی قبل از همه زهرش را روی خود تو خواهد پاشید. ارمنی

۱۲۵ ـ آبی که در آن غرق می‌شوم اقیانوس می‌خوانم. ارمنی

۱۲۶ ـ اقبال، حافظ مال است. برمائی

۱۲۷ ـ اگر سئوال هست، جوابی هم هست. برمائی

۱۲۸ ـ اشتهای زن دو برابر اشتهای مرد است، هوش او چهار برابر و هوس‌های او هشت برابر. برمائی

۱۲۹ ـ آبی که پر سر و صداست، ماهی ندارد. چاوتنک

۱۳۰ ـ اگر دل بخواهد هزار راه پیدا می‌شود و اگر نخواهد هزار عذر و بهانه می‌تراشد. برنئو

۱۳۱ ـ اگر درخت قرص و محکم باشد، از طوفان چه باک؟ برنئو

۱۳۲ ـ اگر با یک مرد عاقل به مشورت بپردازی، دارای نصف حکمت و خردمندی او خواهی گشت. عبری

۱۳۳ ـ اگر یک نفر به تو بگوید دارای گوشی شبیه الاغ هستی اعتنایی به او مکن، ولی اگر دو نفر این سخن را به تو گفتند برای خود پالانی تهیه کن! عبری

۱۳۴ ـ انسان می‌تواند خود را از دشمنانش پنهان کند ولی از دوستانش نمی‌تواند. عبری

۱۳۵ ـ اگر کسی سیر نخورد دهانش هم بوی بد نمی‌دهد. عبری

۱۳۶ ـ اول یاد بگیر و بعد مستقلانه به تفکر بپرداز. عبری

۱۳۷ ـ اشک‌ها زبان دارند و معنایش فقط بر کسی که گریسته است روشن است. عبری

۱۳۸ ـ اگر می‌خواهی نانت توی روغن باشد به دنیا تملق بگو. عبری

۱۳۹ ـ اندوه و شادی یک چرخ گردانند. عبری

۱۴۰ ـ امید و شجاعت دو الماس درخشانند که در تاج موفقیت دیده می‌شوند. عبری

۱۴۱ ـ اگر یک نفر را بکشی، قاتل هستی و اگر هزار نفر را بکشی، قهرمان. عبری

۱۴۲ ـ از کسی که نمی‌داند و نمی‌داند که نمی‌داند برحذر باش. به کسی که نمی‌داند و می‌داند که نمی‌داند، تعلیم بده. کسی که می‌داند و نمی‌داند که می‌داند، روشنش کن! از کسی که می‌داند و می‌داند که می‌داند پیروی کن. عبری

۱۴۳ ـ اگر معشوقه‌ات را دوست میداری، باید افکارش را هم دوست بداری. عبری

۱۴۴ ـ ارزان گران است و گران ارزان. عبری

۱۴۵ ـ اگر به عیوب افراد توجه کنی، هرگز دوست پیدا نخواهی کرد. عبری

۱۴۶ ـ آدم فربه، بی‌دین است. عبری

۱۴۷ ـ اگر مرد دنبال زن افتد به ازدواج گرفتار می‌شود، اگر زن به دنبال مرد افتد بدبخت و بیچاره می‌شود. عبری

۱۴۸ ـ ارزش پدر پس از مرگش معلوم می‌شود و ارزش نمک پس از تمام شدن. عبری

۱۴۹ ـ اگر عیوب خودمان را به خاطر داشته باشیم، عیوب دیگران را از یاد می‌بریم. عبری

۱۵۰ ـ اگر در رودخانه به سر می‌بری باید با تمساح دوست شوی. عبری

۱۵۱ ـ آنچه می کاری درو خواهی کرد. عبری

۱۵۲ ـ احمق پناهگاه احمق است. عبری

۱۵۳ ـ اگر بعد از صرف غذا چهار دانه خرما بخوری، هر چه خورده باشی هضم می‌شود. عبری

۱۵۴ ـ امراض مانند اسب‌های تیز پا می‌آیند و مانند شپش آهسته می‌روند. عبری

۱۵۵ ـ اشک‌های کسانی که گریان به نزدت می‌آیند پاک کن. عبری

۱۵۶ ـ آیا کسی هست که از زنان و ثروت خسته شود؟ عبری

۱۵۷ ـ اول ضررها را حساب کن و بعد منافع را. عبری

۱۵۸ ـ آیا بیماری‌های شیرین و دواهای خوشمزه وجود دارد؟ عبری

۱۵۹ ـ آن زن همسرش نیست بلکه سرنوشتش است. عبری

۱۶۰ ـ آهنگر می‌داند با آهن چه باید کرد. هندی

۱۶۱ ـ احمق چون نمی‌داند چطور راه برود، داد می‌زند که راه ناهموار است. هندی

۱۶۲ ـ آلک به سوزن می‌گوید: «زیر دمت سوراخ است». هندی

۱۶۳ ـ آنچه شروع می‌شود پایان می‌یابد. هندی

۱۶۴ ـ آن مرغ دلیر است که در گوش گربه مأوی می‌گیرد. هندی

۱۶۵ ـ از هنگام تولد کور است و «چشمان درخشان» نامیده شده است. هندی

۱۶۶ ـ اندوه نخست مغز را از بین می‌برد و سپس جسم را. هندی

۱۶۷ ـ انسان شیطان نفس خودش است. هندی

۱۶۸ ـ اگر یک در بسته شود هزار در باز می‌گردد. هندی

۱۶۹ ـ از دری که دارای چندین کلید است برحذر باش. هندی

۱۷۰ ـ اگر مرغ هستی تخم بگذار و اگر خروس هستی بانگ بردار. هندی

۱۷۱ ـ اعتدال و روزه‌داری بسیاری از امراض را درمان می‌کند. هندی

۱۷۲ ـ اگر می‌خواهی بدانی شیر چه قیافه‌ای دارد به گربه نگاه کن. هندی

۱۷۳ ـ آدم نابینا یک بار عصایش را گم می‌کند. هندی

۱۷۴ ـ از دل به دل راه هست. هندی

۱۷۵ ـ امید و توانایی دو گوهر درخشان افسر پیروزی هستند. هندی

۱۷۶ ـ آتش گرسنگی را نمی‌توان با شبنم فرو نشاند. هندی

۱۷۷ ـ انسان یک چشم در میان کوران پادشاه است. هندی

۱۷۸ ـ اگر خر نمی‌بود قاضی نمی‌شد. هندی

۱۷۹ ـ اندک دان بسیار گوست. فارسی

۱۸۰ ـ آئینه داری در محله کوران. فارسی

۱۸۱ ـ آدم دست‌پاچه، دو پا را می‌کند در یک پاچه. فارسی

۱۸۲ ـ از قاطر پرسیدند پدرت کیست؟ گفت: دائیم اسب است. فارسی

۱۸۳ ـ اندک اندک خیلی شود و قطره قطره سیلی. فارسی

۱۸۴ ـ آه، صاحب درد را، باشد اثر. فارسی

۱۸۵ ـ آب حیوان درون تاریکی است. فارسی

۱۸۶ ـ آن‌ها دو نفر بودند همراه، ما صد نفر بودیم تنها! فارسی

۱۸۷ ـ آدم و حوا به فارسی با هم معاشقه می‌کردند و فرشته‌ای که آنها را از بهشت بیرون کرد به ترکی صحبت کرد. فارسی

۱۸۸ ـ آن سبو بشکست و آن پیمانه ریخت. فارسی

۱۸۹ ـ آدم پول را پیدا می‌کند نه پول آدم را. فارسی

۱۹۰ ـ آدم بدحساب دو دفعه می‌دهد. فارسی

۱۹۱ ـ اگر عسل نمی‌دهی باری نیش مزن. فارسی

۱۹۲ ـ ارزان خری انبان خری. فارسی

۱۹۳ ـ اول چاه را بکن بعد منار را بدزد. فارسی

۱۹۴ ـ آن را که سخاوت است حاجت به شجاعت نیست. فارسی

۱۹۵ ـ آرزومند پیوسته نیازمند بود. فارسی

۱۹۶ـ آتش نشاندن و اخگر گذاشتن کار خردمندان نیست. فارسی

۱۹۷ـ اگر حسود نباشد، جهان گلستان است. فارسی

۱۹۸ـ «اگر» را با «مگر» تزویج کردند از آنان بچه‌ای شد «کاشکی» نام. فارسی

۱۹۹ـ آن کس که تن سالمی دارد گیجی دارد که خودش نمی‌داند. فارسی

۲۰۰ـ آزموده را، آزمودن خطاست. فارسی

۲۰۱ـ آب جو آبرو نمی‌آورد. فارسی

۲۰۲ـ آدمی را به ادب بشناسند. فارسی

۲۰۳ـ از کوزه برون همان تراود که در اوست. فارسی

۲۰۴ـ آدم گرسنه دین و ایمان ندارد. فارسی

۲۰۵ـ از پس هر گریه آخر خنده‌ایست. فارسی

۲۰۶ـ از تو حرکت از خدا برکت. فارسی

۲۰۷ـ آب که از سر گذشت چه یک نی، چه صد نی. فارسی

۲۰۸ـ آدم همه کاره، هیچ کاره است. فارسی

۲۰۹ـ آدم دروغگو کم حافظه است. فارسی

۲۱۰ـ احتیاج، مادر اختراع است. فارسی

۲۱۱ـ امروز همان فردایی است که دیروز این‌قدر منتظرش بودی. فارسی

۲۱۲ـ آب رفته را دوباره نتوان به جوی بازگرداند. فارسی

۲۱۳ـ از دل برود هر آن‌که از دیده برفت. فارسی

۲۱۴ـ آشپز که دوتا شد آش یا شور است یا بی‌نمک. فارسی

۲۱۵ـ از ماست که برماست. فارسی

۲۱۶ـ از کاه، کوه نساز. فارسی

۲۱۷ـ اگر هست مرد از هنر بهره‌ور فارسی

هنر خود بگوید، نه صاحب هنر

۲۱۸ ـ ادب مرد به زدولت اوست. فارسی

۲۱۹ ـ امیدواری یعنی پیروزی. فارسی

۲۲۰ ـ ابر و باد و مه و خورشید و فلک درکارند فارسی
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

۲۲۱ ـ اگرچه پیش خردمند خامشی ادبست فارسی
به وقت مصلحت آن به که در سخن کوشی

۲۲۲ ـ اول اندیشه وانگهی گفتار. فارسی

۲۲۳ ـ ادب از که آموختی؟ از بی‌ادبان. فارسی

۲۲۴ ـ آدمی اول اسیر نان بود بعد از آن طالب مدح است و بس. فارسی

۲۲۵ ـ آن‌کس که خود را بیشتر شناخت خدا را بیشتر شناخته است. فارسی

۲۲۶ ـ آن زنده که کاری نکند مرده به است. فارسی

۲۲۷ ـ آزموده کار دوباره فریب نمی‌خورد. فارسی

۲۲۸ ـ این دغل دوستان که می‌بینی فارسی
مگسانند گرد شیرینی

۲۲۹ ـ آیینه چون نقش تو بنمود راست فارسی
خودشکن آیینه شکستن خطاست

۲۳۰ ـ امروز توانی و ندانی، فردا که بدانی نتوانی. فارسی

۲۳۱ ـ آن‌که بر دینار دسترسی ندارد، در همه دنیا کس ندارد. فارسی

۲۳۲ ـ احمق را ستایش خوش آید. فارسی

۲۳۳ ـ از نفس‌پرور، هنروری نیاید و بی‌هنر، سروری را نشاید. فارسی

۲۳۴ ـ استعداد بی‌تربیت دریغ است و تربیت نامستعد ضایع. فارسی

۲۳۵ ـ اگر رفتی بُردی و گر خفتی مُردی. فارسی

۲۳۶ ـ اگر شب‌ها همه قدر بودی، شب قدر بی‌قدر بودی. فارسی

۲۳۷ ـ اندیشه کردن که چه گویم به از پشیمانی خوردن که چرا گفتم. فارسی

۲۳۸ ـ ای مردان، بکوشید یا جامهٔ زنان بپوشید. فارسی

۲۳۹ ـ اگر به فرمان زنت عمل می‌کنی نام مردی را از روی خود بردار. آذربایجانی

۲۴۰ ـ آن‌قدر به ماه بی‌اعتنا باش تا زیر پایت بیفتد. آذربایجانی

۲۴۱ ـ آنچه باهای می‌آید، با هوی هم می‌رود. آذربایجانی

۲۴۲ ـ اگر دروغگو نبود، راستگو شناخته نمی‌شد. آذربایجانی

۲۴۳ ـ آقا میاره نواله، خانم می‌ریزد تو گاله. آذربایجانی

۲۴۴ ـ آبستنی نهان بود، زادن آشکارا. آذربایجانی

۲۴۵ ـ اگر یابو را تیمار کنی جفتک می‌اندازد. آذربایجانی

۲۴۶ ـ از حرارتش خیری ندیدیم، از دودش کور شدیم. آذربایجانی

۲۴۷ ـ از بی‌آجیلی سنجد را قاقالی می‌خواند. آذربایجانی

۲۴۸ ـ اگر خوراک آسیا را نرسانی سنگ‌ها همدیگر را می‌سایند. آذربایجانی

۲۴۹ ـ از دشمن توقع دوستی داشتن به مثابه انتظار سازگاری بین پنبه و آتش است. آذربایجانی

۲۵۰ ـ آخر شوخی به دعوا می‌کشد. آذربایجانی

۲۵۱ ـ آوازخوانی در حمام، خودستایی در غربت. آذربایجانی

۲۵۲ ـ اگر خان لباس نو پوشد گویند: مبارک باد ولی اگر گدا پوشد همه پرسند: از کجا آورده‌ای؟ آذربایجانی

۲۵۳ ـ از یار فانی دوستی نیاید. آذربایجانی

۲۵۴ ـ اسب تیزرو مواظب جلوش است و مرد حسابی مواظب حرفش. آذربایجانی

۲۵۵ ـ اگر دیدی که یارت یار نیست، ترکش عار نیست. آذربایجانی

۲۵۶ ـ اجلش رسیده بود و اگر نه سردرد بهانه‌ای بیش نبود. آذربایجانی

۲۵۷ ـ اگر نمی‌توانی در را مجدداً ببندی چفت فنری را بیرون مکش. ترکی

۲۵۸ ـ انسان آنچه را که میل دارد نمی‌خورد بلکه آنچه را که بدست می‌آورد می‌خورد. ترکی

۲۵۹ ـ از چشم دور و از دل دورتر. ترکی

۲۶۰ ـ انسان عبد هدایاست. ترکی

۲۶۱ ـ امید نصف خوشبختی است. ترکی

۲۶۲ ـ ارباب خانه مهمان نوکر است. ترکی

۲۶۳ ـ انسان سخت‌تر از سنگ و لطیف‌تر از گل سرخ است. ترکی

۲۶۴ ـ از هر کجا اسب ترک می‌گذرد، در آن جا علف نمی‌روید. ترکی

۲۶۵ ـ اگر دعوت گرگ را قبول کردی سگ را هم همراه خود ببر. ترکی

۲۶۶ ـ اگر از قرض می‌ترسی در خانه‌ات را باز نکن. ترکی

۲۶۷ ـ اگر زن حسود است بدان که ترا دوست دارد. ترکی

۲۶۸ ـ آتش هر جا که افتد خودش جا باز می‌کند. ترکی

۲۶۹ ـ از جائیکه گمان نبری، روباه بیرون آید. ترکی

۲۷۰ ـ ابتکار مشکل است و انتقاد آسان. ترکی

۲۷۱ ـ از دشمن حذر کن ولو مورچه باشد. ترکی

۲۷۲ ـ آتشی مانند هوس نفسانی و کوسه‌ای مانند نفرت، دامی مانند جهالت و عذابی مانند آز وجود ندارد. کتب مقدس

۲۷۳ ـ آب‌ها سنگ‌ها را می‌سایند. کتب مقدس

۲۷۴ ـ ای تنبل، برو نزد مورچه و راه و روش او را بیاموز و عاقل باش. کتب مقدس

۲۷۵ ـ اگر کور، کور را هدایت کند هر دو در گودال می‌افتند. کتب مقدس

۲۷۶ ـ آنچه نمی‌خواهی دیگران به تو کنند، تو به دیگران روا مدار. کتب مقدس

۲۷۷ ـ آنچه هستیم نتیجه افکاری است که در سر می‌پرورانده‌ایم، مبنای وجود ما روی افکار ماست بلکه باید گفت تار و پود وجود ما از افکار ماست. کتب مقدس

۲۷۸ ـ آیا مرد حبشی پوستش را و پلنگ لکه‌هایش را عوض تواند کرد؟ کتب مقدس

۲۷۹ ـ آز ریشه گناه است. کتب مقدس

۲۸۰ ـ انسان در بیم و ترس بدنیا می‌آید و در بیم و ترس می‌میرد. کتب مقدس

۲۸۱ ـ ادب زیادی بی ادبی است. ژاپنی

۲۸۲ ـ این مرغ است که به خروس می گوید بانگ بردار. ژاپنی

۲۸۳ ـ اگر از کسی متنفری، بگذار زنده بماند. ژاپنی

۲۸۴ ـ اگر می‌خواهی در دنیا پیشرفت کنی، نخست به دیگران کمک کن که پیشرفت کنند. ژاپنی

۲۸۵ ـ آب صاف و روشن ماهی ندارد. ژاپنی

۲۸۶ ـ امراض از طریق دهان وارد بدن می‌شوند. ژاپنی

۲۸۷ ـ افرادی که بوی بد می‌دهند خود متوجه بوی بد خود نیستند. ژاپنی

۲۸۸ ـ اندوه مانند دل پرخارش است که با خاریدن بیشتر می‌شود. ژاپنی

۲۸۹ ـ اگر منبع یک جوی گل آلود باشد تمام جوی گل آلود خواهد بود. ژاپنی

۲۹۰ ـ انسان از پیروزی چیزی یاد نمی گیرد ولی از شکست خیلی چیزها فرا می گیرد. ژاپنی

۲۹۱ ـ از زنان زیبا هم‌چنان بپرهیزید که از فلفل سرخ هندی. ژاپنی

۲۹۲ ـ از دم سگ نمی‌توان دنبه بدست آورد. کردی

۲۹۳ ـ اگر دشمنت زیر پایت افتاده او را له کن. کردی

۲۹۴ ـ اگر در خانه همسایه‌ات را نزنی او هم در خانه ترا نخواهد زد. کردی

۲۹۵ ـ از آب آرام و بی‌حرکت بترسید که خیلی خطرناکتر از آبی است که جریان دارد. کردی

۲۹۶ ـ آنچه ترک برداشته است باید بشکنند. مالایا

۲۹۷ ـ اگر باید بمیری، خیلی بهتر است تمساح ترا بخورد تا این‌که ماهیان کوچک قطعه قطعه‌ات کنند. مالایا

۲۹۸ ـ آتش وقتی که کم است رفیق است ولی وقتی که زیاد می‌شود دشمن می‌گردد. مالایا

۲۹۹ ـ اگر باد نباشد درختان نمی‌لرزند. مالایا

۳۰۰ ـ اگر شب تاریک باشد، سیب‌ها را می‌شمارند (در حالی‌که احتمال خطر است، احتیاط لازم است) افغانی

۳۰۱ ـ اگر لازم شود حتّی الاغ پدر خوانده می‌شود. افغانی

۳۰۲ ـ آدم کَر دوبار می‌خندد (یکبار وقتی که می‌بیند دیگران می‌خندند و بار دیگر وقتی که می‌فهمد چرا می‌خندند!). افغانی

۳۰۳ ـ آنچه می‌کنی ممکن است گل سرخ شود، ولی آنچه می‌خوری به نجاست تبدیل خواهد شد. افغانی

۳۰۴ ـ اگر طلا ناب و خالص است چرا از آتش بترسد. افغانی

۳۰۵ ـ اسب می‌تواند لگد اسب را تحمل کند. افغانی

۳۰۶ ـ از کسی بد گفتن به منزلهٔ بدگفتن از خویشتن است. افغانی

۳۰۷ ـ از بین دو نفر خفته که صدای بانگ خروس را می‌شنوند، آن‌که اول از رختخواب برنخیزد به بهشت می‌رود. شرقی(متفرقه)

۳۰۸ ـ ابر سیاه فقط تهدید می‌کند. این ابرسفید است که باران می‌دهد. شرقی(متفرقه)

۳۰۹ ـ انسان شیطان واقعی است. شرقی(متفرقه)

۳۱۰ ـ اگر تقدیر به طرف تو کارد اندازد به دو طریق می‌توان آن را گرفت: یا از تیغه‌اش یا از دسته‌اش. شرقی(متفرقه)

۳۱۱ ـ آنچه در دیگ است توی بشقاب خواهد آمد. شرقی(متفرقه)

۳۱۲ ـ اگر به من اردیبهشت و خرداد را بدهی به تو تمام دنیا را می‌بخشم. اسپانیولی

۳۱۳ـ از کسی که گدا بوده گدایی مکن و پیش کسی هم که نوکر بوده خدمت مکن. اسپانیولی

۳۱۴ـ آیا می‌خواهی چیزی را ارزان بخری؟ از یک احمق محتاج بخر! اسپانیولی

۳۱۵ـ از مردی که چانه‌اش دراز است برحذر باش. اسپانیولی

۳۱۶ـ آغاز درمان، تشخیص بیماری است. اسپانیولی

۳۱۷ـ انسان باید به احمق و گاو نر راه بدهد. اسپانیولی

۳۱۸ـ اگر ابلهان به بازار نمی‌رفتند کالای بنجل به فروش نمی‌رفت. اسپانیولی

۳۱۹ـ از بزرگان نه تعریف کن و نه بد بگو زیرا اگر تعریف کنی دروغ گفتی و اگر بدگویی کنی خودت را به خطر می‌اندازی! اسپانیولی

۳۲۰ـ آزادی بها ندارد. اسپانیولی

۳۲۱ـ اگر می‌خواهی زیاد عمر کنی، در جوانی پیر بشو. اسپانیولی

۳۲۲ـ آنچه می‌کشد زیادی بار است نه نفس بار. اسپانیولی

۳۲۳ـ انسان از هر مرضی که بترسد می‌میرد. اسپانیولی

۳۲۴ـ ازدواج مانند داخل کردن دست در یک کیسه پر از مار است به خیال شانس بدست آوردن یک مارماهی! اسپانیولی

۳۲۵ـ از فرط غرور «نه» و از فرط ضعف «آری» مگو. اسپانیولی

۳۲۶ـ اگر می‌خواهی نیفتی راه میانه را گزین. اسپانیولی

۳۲۷ـ ایتالیا جای مناسبی است برای به دنیا آمدن، فرانسه برای زندگانی کردن و اسپانیا برای مردن. اسپانیولی

۳۲۸ـ اگر می‌خواهی شناخته شوی، حرف بزن. اسپانیولی

۳۲۹ـ این فردای شما تا ابد ادامه دارد. اسپانیولی

۳۳۰ـ از زن ظالم بپرهیز و به زن خوب اعتماد مکن. اسپانیولی

۳۳۱ـ اگر به زنی بگویی زیباست دیوانه می‌شود. اسپانیولی

۳۳۲ ـ الاغ‌های زیادی در بازار هست که شبیه به هم هستند. اسپانیولی

۳۳۳ ـ آدم متقلب مانند زنبور در دهان عسل دارد و در دم نیش. اسپانیولی

۳۳۴ ـ از تلخی بیماری می‌توان به شیرینی سلامتی پی برد. اسپانیولی

۳۳۵ ـ اگر می‌خواهی مردی را بشناسی بپرس ببین دوستانش چه کسانی هستند؟ اسپانیولی

۳۳۶ ـ آن‌که امید را از دست می‌دهد خیلی چیزها را از دست می‌دهد. اسپانیولی

۳۳۷ ـ از دعوای بزرگ دوستی بزرگ می‌زاید. اسپانیولی

۳۳۸ ـ آب دریا را از هر کجایش بچشی شور است. اسپانیولی

۳۳۹ ـ از آبی که روان نیست و گربه‌ای که «میو» نمی‌کند احتراز کن. اسپانیولی

۳۴۰ ـ اختلاف بین عشق زن و مرد این است که زن مرد را قلباً و روحاً دوست دارد ولی مرد جسماً و فکراً. اسپانیولی

۳۴۱ ـ از کسی که با چاقوی خود دست خود را می‌برد نترس. اسپانیولی

۳۴۲ ـ ای زن اگر خواستی اختیار شوهرت را در دست بگیری، اختیار شکمش را در دست بگیر. اسپانیولی

۳۴۳ ـ آسیبی که از پر غاز به انسان می‌رسد گاهی از آسیب چنگال شیر سخت‌تر است. اسپانیولی

۳۴۴ ـ این جزء نهاد زن است که از کسانی متنفر است که دوستش دارند و به کسانی مهر می‌ورزد که از او متنفرند. اسپانیولی

۳۴۵ ـ اگر به یک مرد بزرگ خدمت کنی خواهی فهمید که اندوه چیست؟ اسپانیولی

۳۴۶ ـ اگر زنان بَدند، تقصیر از مردان است. اسپانیولی

۳۴۷ ـ از افراد خاموش و سگ‌هایی که پارس نمی‌کنند برحذر باش. اسپانیولی

۳۴۸ ـ آن مرغ، مرغ بدی است که غذایش را در خانه می‌خورد و تخمش را در خارج از خانه می‌گذارد. اسپانیولی

۳۴۹ ـ اشتها با خوردن زیاد می‌شود. سوئدی

۳۵۰ ـ افتادن آسان است و برخاستن مشکل. سوئدی

۳۵۱ ـ اقبال دنبال کسی می‌رود که از او فرار می‌کند و فرار می‌کند از کسی که دنبالش می‌کند. سوئدی

۳۵۲ ـ اقبال حامی ابلهان است. سوئدی

۳۵۳ ـ افتخار سایه‌ای بزرگ است. سوئدی

۳۵۴ ـ آنچه یک نفر می‌داند هیچ‌کس نمی‌داند، آنچه دو نفر می‌دانند همه کس می‌داند. سوئدی

۳۵۵ ـ اگر دروغ‌ها به اندازه سنگ‌ها سنگین بودند، بسیاری از افراد راستی را ترجیح می‌دادند. سوئدی

۳۵۶ ـ آنچه زندگی می‌بخشد، مرگ پس می‌گیرد. سوئدی

۳۵۷ ـ اقبال هرگز چیزی را نمی‌بخشد بلکه فقط قرض می‌دهد. سوئدی

۳۵۸ ـ ابله‌ترین دهقانان درشت‌ترین سیب زمینی‌ها را بدست می‌آورند. سوئدی

۳۵۹ ـ آنچه آخر از همه داخل کیسه می‌رود، قبل از همه از آن بیرون می‌آید. سوئدی

۳۶۰ ـ اگر به نوکر غذای خوب بدهی گاو شیر بیشتری خواهد داد و گربه کمتر خواهد آشامید. سوئدی

۳۶۱ ـ آفتاب، حتی در داخل یک اطاق کوچک هم می‌تابد. سوئدی

۳۶۲ ـ اگر تله دنبال موش برود، زن نجیب هم دنبال مرد می‌رود. سوئدی

۳۶۳ ـ اول فکر نان کن، بعد فکر عروسی. نروژی

۳۶۴ ـ اقبال و بداقبالی همسایه یکدیگرند. نروژی

۳۶۵ ـ انسان می‌تواند به هر کجا که دلش خواست برود ولی نمی‌تواند از جلد خود خارج شود. نروژی

۳۶۶ ـ اسیدهای قوی ظروفی را که در آن ریخته شده‌اند، می‌سایند. آلبانی

۳۶۷ ـ استخوان خشک هرگز لیسیده نمی‌شود. آلبانی

۳۶۸ ـ آتش برده‌ای خوب ولی اربابی است بد. آلبانی

۳۶۹ ـ آتش و آب و دولت‌ها رحم سرشان نمی‌شود. آلبانی

۳۷۰ ـ اگر از مادرت اطاعت نکنی از زن پدرت اطاعت خواهی کرد. آلبانی

۳۷۱ ـ اگر «می‌داشتم» اگر «می‌بودم» دوش به دوش هم راه می‌روند. باسک

۳۷۲ ـ اگر می‌خواهی ترا گرگ ندانند خود را در پوست گرگ بپوشان. باسک

۳۷۳ ـ از زنان ریشدار و مردان بی‌ریش برحذر باش. باسک

۳۷۴ ـ اقبال در پرواز است، هر کس آن را بگیرد، مالکش خواهد گشت. بلژیکی

۳۷۵ ـ افراد طبقات پست از رفت و آمد در محل طبقات بالا سود چندانی نمی‌برند. بلژیکی

۳۷۶ ـ اگر شر تو را ترک نمی‌کند، تو شر را ترک کن. بوسنی

۳۷۷ ـ اگر خودت را با سبوس قاطی کنی، خوکان می‌خورندت. بوسنی

۳۷۸ ـ اگر با عسل قادری کسی را به قتل برسانی چرا سم به کار می‌بری. بوسنی

۳۷۹ ـ اگر همه بگویند خری، به عرعر پرداز! انگلیسی

۳۸۰ ـ اگر وکیل دادگستری را با اردنگی پایین پله‌ها اندازید تا پایان عمر به شما خواهد چسبید. انگلیسی

۳۸۱ ـ اگر کله‌ات از کره است آشپز مشو (برابری با ضرب‌المثل فارسی تو را که خانه نئین است بازی نه این است). انگلیسی

۳۸۲ ـ آدم بی‌اولاد شاه بی‌غم است. انگلیسی

۳۸۳ ـ انبارهای خالی احتیاج به سقف ندارند. انگلیسی

۳۸۴ ـ آنچه یکی را نوش است دیگری را نیش است. انگلیسی

۳۸۵ ـ آن‌طور بخور که خودخواهی و آن‌طور بپوش که مردم خواهند. انگلیسی

۳۸۶ ـ اسبی را که می‌خواهی کرایه کنی یک‌بار سوار شو! انگلیسی

۳۸۷ ـ اگر نمی‌توانی گاز بگیری دندانت را نشان مده. انگلیسی

۳۸۸ ـ آنهائی که در زمستان کار نمی‌کنند بایستی در تابستان گرسنه بمانند. انگلیسی

۳۸۹ ـ از شیرین‌ترین شراب‌ها تندترین سرکه‌ها ساخته می‌شود. انگلیسی

۳۹۰ ـ ازدواج دوباره یعنی تجربه روی تجربه، یعنی کار غلط. انگلیسی

۳۹۱ ـ آخرین قطره باعث لبریز شدن فنجان می‌شود. انگلیسی

۳۹۲ ـ ابر پر سر و صدا بارش ندارد. انگلیسی

۳۹۳ ـ آسان قول بده ولی در انجام آن سخت استوار باش. انگلیسی

۳۹۴ ـ آدم باشرف زود عروسی می‌کند اما آدم عاقل اصلاً زن نمی‌گیرد. انگلیسی

۳۹۵ ـ اگر می‌خواهی کاری انجام یابد، خودت آن را انجام بده. انگلیسی

۳۹۶ ـ اگر ابر نبود قدر آفتاب معلوم نبود. انگلیسی

۳۹۷ ـ از حسادت فقط یک نتیجه مثبت عاید حسود می‌شود و آن از بین رفتن تدریجی خود اوست. انگلیسی

۳۹۸ ـ اشک و عرق و خون هرگز بی‌نتیجه نمی‌ماند. انگلیسی

۳۹۹ ـ اگر می‌خواهی موفقیت از آن تو باشد به ظاهر احمق باش و در باطن عاقل. انگلیسی

۴۰۰ ـ اگر دشمنی به سلامتیت جامی نوشید کارت تمام است. انگلیسی

۴۰۱ ـ احمق خوشحال است که وعده کند و بدان عمل ننماید. انگلیسی

۴۰۲ ـ اگر می‌خواهی آسایش داشته باشید، اول باید بدانی همسایه‌ات کیست و بعد خانه را بخری. انگلیسی

۴۰۳ ـ ابلهان در کلیه کارها فضولی و مداخله می‌کنند به جز کار خود. آلمانی

۴۰۴ ـ از زن در همان حال که بازو به بازوی هم داده گردش می‌کنی برحذر باش. آلمانی

۴۰۵ ـ الاغ را در پوست شیر هم می‌شناسند. آلمانی

۴۰۶ ـ ازدواج غذایی است که تا دم مرگ باید جویده شود. آلمانی

۴۰۷ ـ ازدواج غصه‌های خیالی و موهوم را به غصه نقد و واقعی تبدیل می کند. آلمانی

۴۰۸ ـ اگر حادثه‌ای رخ ندهد دیوانه هم حکومت تواند کرد. آلمانی

۴۰۹ ـ امر محال را نمی‌توان از هیچ کس متوقع بود. آلمانی

۴۱۰ ـ اقبال اقلاً یک‌بار به هر در می‌زند. آلمانی

۴۱۱ ـ اول نان سیاه را بخور و بعد نان سفید را. سوئیسی

۴۱۲ ـ احمق بودن به هنگام خود نیز هنر است. سوئیسی

۴۱۳ ـ اسب پیر از شلاق نمی‌ترسد. سوئیسی

۴۱۴ ـ ازدواج بشقابی است که رویش پوشیده است. سوئیسی

۴۱۵ ـ آدمیان مانند پرندگان اجازه می‌دهند که در همان تورهایی که سابقاً گرفتار شده بودند مجدداً گرفتار شوند! سوئیسی

۴۱۶ ـ از ریش قرمز بر حذر باش، زیرا ریش قرمز هرگز خوب نبوده است. سوئیسی

۴۱۷ ـ آنچه هنگام روز نمی‌درخشد در هنگام شب می‌درخشد. سوئیسی

۴۱۸ ـ اگر از عهده نگهداری دو زن برنمی‌آیی نباید اصلاً زن بگیری. سوئیسی

۴۱۹ ـ اگر می‌خواهی خبری میان مردم پخش کنی آن را به یک زن بگو و ضمناً تذکر بده که این موضوع بسیار محرمانه است. سوئیسی

۴۲۰ ـ آنچه که زیباست عزیز نیست بلکه آنچه که عزیزست زیباست. اروپا

۴۲۱ ـ از عاقل مپرس؛ از آدم مجرب بپرس. اروپا

۴۲۲ ـ ازدواج مانند نردبان است: هر چه بیشتر خمش کنید بهتر می‌توانید بالا بروید. اروپا

۴۲۳ ـ آیینه، پرده از روی حقیقت بر می‌دارد. اروپا

۴۲۴ ـ انسان باید به درخت بلوطی که زیر سایه‌اش به سر می‌برد احترام بگذارد. اروپا

۴۲۵ ـ اگر دوستت پزشک است او را نزد دشمن خود فرست. اروپا

۴۲۶ ـ آب کثیف چیزی را پاک نمی‌شوید. ایتالیایی

۴۲۷ ـ آشفتگی غالباً موجب نظم و هماهنگی می‌گردد. ایتالیایی

۴۲۸ ـ انگلستان برای مردان جهنم است، برای زنان بهشت، برای نوکران برزخ و برای اسب‌ها دوزخ. ایتالیایی

۴۲۹ ـ از همه حسودتر چشم است. ایتالیایی

۴۳۰ ـ اگر می‌خواهی ماهی فراوانی بگیری به دریا برو. ایتالیایی

۴۳۱ ـ انسان عاقل احمق است در خانه دیگران و احمق عاقل است در خانهٔ خودش. ایتالیایی

۴۳۲ ـ از شوخی قاضی فقط خودش می‌خندد و همنشینش. ایتالیایی

۴۳۳ ـ اقبال گاوی است که به برخی سر خود را و به بعضی دم خود را نشان می‌دهد. ایتالیایی

۴۳۴ ـ از دوستت به نیکی یاد کن ولی از دشمنت نه تعریف کن و نه بدگویی. ایتالیایی

۴۳۵ ـ آنچه ارزش طلا را دارد نفس طلاست. ایتالیایی

۴۳۶ ـ آخرین چیزی که از دست می‌رود، امید است. ایتالیایی

۴۳۷ ـ امید، نان بیچارگان است. ایتالیایی

۴۳۸ ـ اگر بچه شیشه را نشکند بازرگان از گرسنگی می‌میرد. ایتالیایی

۴۳۹ ـ ایتالیایی‌ها قبل از عمل عاقل‌اند؛ آلمان‌ها در حین انجام آن، و فرانسوی‌ها پس از انجامش. ایتالیایی

۴۴۰ ـ اگر جوانان دارای عقل و پیران دارای قدرت شوند کارها درست خواهد شد. ایتالیایی

۴۴۱ ـ آیا از همسایه‌ات بیزار هستی؟ پول قرضش بده! ایتالیایی

۴۴۲ ـ آدم شتابزده دشمن خود است. ایتالیایی

۴۴۳ ـ از شعراء و خوبان فقط پس از مرگ قدردانی می‌شود. ایتالیایی

۴۴۴ ـ افرادی هستند که کبر و نخوت را با کبر و نخوت بیشتر تحقیر می‌کنند ایتالیایی

۴۴۵ ـ اشتباه چشم را کیف پول می‌پردازد. ایتالیایی

۴۴۶ ـ احترام مایهٔ آبادی و بی‌احترامی و بدگمانی مایه ویرانی دنیاست. ایتالیایی

۴۴۷ ـ آن که از زن خوشگل بدش می‌آید زن بدگل است. ایتالیایی

۴۴۸ ـ انسان تنها یا فرشته است یا حیوان. ایتالیایی

۴۴۹ ـ آن که تدریس می کند غالباً خود تعلیم می گیرد. ایتالیایی

۴۵۰ ـ از چشم زن دو نوع اشک سرازیر می‌شود: یکی برای ابراز غم و اندوه و دیگری به خاطر فریب دادن! ایتالیایی

۴۵۱ ـ آنچه را که می‌دانی مگو، آنچه را که می‌شنوی باور مکن، و هر آنچه را که می‌توانی انجام مده. ایتالیایی

۴۵۲ ـ اشیاء آنچنان که به خاطر می‌رسند نیستند بلکه آنچنانند که پنداشته می‌شوند که هستند. ایتالیایی

۴۵۳ ـ از سرکه‌ای که از شراب شیرین ساخته شده بپرهیز. ایتالیایی

۴۵۴ ـ آب، دود و زن بد، مردان را از خانه بیرون می‌راند. ایتالیایی

۴۵۵ ـ اگر زن مرتکب گناه شود، شوهر بی گناه نیست. ایتالیایی

۴۵۶ ـ اگر الاغ لگدت بزند، تو لگدش مزن. ایتالیایی

۴۵۷ ـ آن کس که پیشرفت نمی کند، عقب می‌افتد. لاتینی

۴۵۸ ـ از خود وام بگیر. لاتینی

۴۵۹ ـ انسان یک بطری چرمی مملو از بار است. لاتینی

۴۶۰ ـ اگر نمی‌توانی خوب باشی لااقل عفیف باش. لاتینی

۴۶۱ ـ اعتراف برای کسی که به ضلالت افتاده چون دواست. لاتینی

۴۶۲ ـ آن که نابه‌هنگام عاقل است، نابه‌هنگام هم می‌میرد! لاتینی

۴۶۳ ـ آن که دوبار روی سنگ واحد سکندری می‌خورد، احمق است. لاتینی

۴۶۴ ـ از یونانیان بترس حتّی وقتی که برای تو هدیه می‌آورند. لاتینی

۴۶۵ ـ اگر خودت را دوست نداری عده‌ای زیاد از تو متنفر خواهند شد. لاتینی

۴۶۶ ـ آنچه از طریق نامشروع تحصیل گشته در طریق نامشروع هم خرج می‌شود. لاتینی

۴۶۷ ـ استفاده از زیرکی دیگران خود نوعی زیرکی است. لاتینی

۴۶۸ ـ اگر عاقلی، بخند. لاتینی

۴۶۹ ـ از طریق تدریس، یاد بگیر. لاتینی

۴۷۰ ـ اگر می‌خواهی دوستت بدارند، دوست بدار. لاتینی

۴۷۱ ـ احتیاج آخرین و بزرگترین سلاح است. لاتینی

۴۷۲ ـ آن که نمی‌تواند اطاعت کند می‌تواند فرمان بدهد. لاتینی

۴۷۳ ـ اشیایی که دیگران دارند برای ما بیشتر دلپذیر است و اشیایی که ما داریم برای دیگران بیشتر دلپذیر است! لاتینی

۴۷۴ ـ افعی اژدها نمی‌شود مگر اینکه افعی‌های دیگر را ببلعد. لاتینی

۴۷۵ ـ آن که در انزوا و تنهایی به سر می‌برد، یا شیطان است یا خدا. لاتینی

۴۷۶ ـ اخگرها شعله می‌شوند. لاتینی

۴۷۷ ـ اندوه‌های کوچک حرف می‌زنند؛ ولی اندوه‌های بزرگ خاموشند. لاتینی

۴۷۸ ـ اول برگ‌ها می‌ریزند و بعد درختها می‌افتند. لاتینی

۴۷۹ ـ از حق، نفرت می‌زاید. لاتینی

۴۸۰ ـ آب در سرچشمه خوش طعم‌تر است. لاتینی

۴۸۱ ـ انسان، گرگ انسان است. لاتینی

۴۸۲ ـ آنچه را که نمی‌توانی بلند کنی حملش هم نتوانی کرد. لاتویا

۴۸۳ ـ آنچه صدا می‌کند باید روغن کاری شود لاتویا

۴۸۴ ـ اگر نمی‌توانی از چشمانت استفاده کنی، از بینی‌ات متابعت کن. لاتویا

۴۸۵ ـ اسب زین شده را هر کس بلد است براند. لاتویا

۴۸۶ ـ اگر یک گوسفند بع‌بع کند، رمه تغذیه می‌شود. لاتویا

۴۸۷ ـ اگر از خاک مواظبت کنی، خاک هم از تو مواظبت خواهد کرد. لاتویا

۴۸۸ ـ آن‌که سخن می‌گوید، می‌کارد و آن‌که می‌شنود درو می‌کند. لاتویا

۴۸۹ ـ این درخت‌های بزرگ هستند که در برابر وزش هر نوع باد به حرکت در می‌آیند. لاتویا

۴۹۰ ـ از هر نوع چوب نمی‌توان سوت ساخت. لاتویا

۴۹۱ ـ از کلمات تا اعمال راه دراز است. لاتویا

۴۹۲ ـ او کلبه کوچکی دارد ولی مال خودش است. لتوانی

۴۹۳ ـ از ابر بزرگ، باران کم می‌بارد. لتوانی

۴۹۴ ـ اگر می‌خواهی زود به هدف برسی، در کنار جاده منشین. لتوانی

۴۹۵ ـ اگر به کشوری می‌روی که مردمانش دارای یک چشم‌اند چشمان خود را هم کور کن. مالت

۴۹۶ ـ آن‌که زیاد وعده می‌دهد، چیزی نمی‌دهد. مالت

۴۹۷ ـ اگر می‌خواهی خشمگین شوی بهای چیزی را از قبل بپرداز. مونتونگرویی

۴۹۸ ـ اگر می‌خواهی کسی را بشناسی به او اختیار بده. مونتونگرویی

۴۹۹ ـ اگر بدهکار مرده، بدهی‌اش نمرده است. مونتونگرویی

۵۰۰ ـ اگر سگ عوعو می‌کند علتش را بجو. مونتونگرویی

۵۰۱ ـ اگر همه به تو بگویند مست هستی به بستر برو ولو اینکه فقط آب نوشیده باشی. مونتونگرویی

۵۰۲ ـ اگر دشمن تو به اندازه مورچه کوچک باشد از او همچنان برحذر باش که از یک شیر حذر می‌کنی. مونتونگرویی

۵۰۳ ـ احمق همیشه سرگرم آغاز کردن یک کار است. مونتونگرویی

۵۰۴ ـ اگر بز دروغ می‌گوید، شاخ‌هایش دروغ نمی‌گویند. مونتونگرویی

۵۰۵ ـ اگر «اگر» و «ولی» نبود همه سعادتمند می‌بودند. مونتونگرویی

۵۰۶ـ اگر ما برادر هم هستیم، کیف پول ما با هم خواهر نیستند. مونتونگرویی

۵۰۷ـ از آنچه اجتناب ناپذیر است، استقبال کن. مونتونگرویی

۵۰۸ ـ اطفال دهقان سرمایه اویند: اولاد یک «آقا» بدهی‌های اویند و فرزندان اعیان دزدانی بیش نیستند. لهستانی

۵۰۹ـ ارباب سرما خورده است و تمام نوکران عطسه می‌کنند. لهستانی

۵۱۰ـ اشتباهات پزشک را خاک می‌پوشاند. لهستانی

۵۱۱ـ آنقدر یک پزشک از یک پزشک دیگر متنفر است که یک گدا از یک گدای دیگر. لهستانی

۵۱۲ـ امید، مادر ابلهان است. لهستانی

۵۱۳ـ ارباب نجیب، خر رعیت می‌شود. لهستانی

۵۱۴ـ آزادی که زیاد شد مردم در لجن فرو می‌روند. لهستانی

۵۱۵ـ افراد علیل بیش از همه عمر می‌کنند. لهستانی

۵۱۶ـ از یک سالخورده مپرس: حالت چطور است؟ بلکه سؤال کن «چه کسالتی داری»؟ لهستانی

۵۱۷ ـ آتش فقط از نزدیک می‌سوزاند؛ یک زن زیبا، هم از نزدیک و هم از دور می‌سوزاند. لهستانی

۵۱۸ـ آنچه مفید است ممکن است مضر هم باشد. لهستانی

۵۱۹ـ این بیماری الاغ‌های ماست که ما را دامپزشک نموده است. پرتقالی

۵۲۰ـ آن‌که باد می‌کارد طوفان‌ها درو می‌کند. پرتقالی

۵۲۱ـ امروز دزدان در ادارات هستند نه در جنگل‌ها و بیابان‌ها. پرتقالی

۵۲۲ـ آنچه انسان را گرم نگه می‌دارد، نان است نه پتو. روسی

۵۲۳ـ انسان دژها را می‌سازد، روزگار ویرانشان می‌کند. روسی

۵۲۴ـ انسان نعش متحرکی است. روسی

۵۲۵ ـ آینده به کسی تعلق دارد که می‌داند چگونه منتظر نشیند. روسی

۵۲۶ ـ اجل تقویم ندارد. روسی

۵۲۷ ـ اگر شوهر به باده خواری پردازد نصف خانه مشتعل می‌شود و اگر زن باده بنوشد، تمام خانه دچار حریق می گردد. روسی

۵۲۸ ـ از زندگی بترس ولی از مرگ مترس. روسی

۵۲۹ ـ اگر احمق قوز داشته باشد هیچ‌کس به آن توجه ندارد، ولی اگر عاقل یک جوش درآورد همه از آن صحبت خواهند کرد. روسی

۵۳۰ ـ احمق امیدوار است حتّی از زنبور عادی عسل بدست آورد. روسی

۵۳۱ ـ آلمانی را به دار بیاویز ولو اینکه یک آدم خوبی باشد. روسی

۵۳۲ ـ آنچه گرانبهاست هدیه نیست بلکه محبت است. روسی

۵۳۳ ـ از یک «تشکر می کنم» نمی‌توان پالتو پوستی تهیه کرد. روسی

۵۳۴ ـ از دهان کسی که دلش گل سرخ است، سخنان معطر بیرون می‌آید. روسی

۵۳۵ ـ اسب‌های «امید» با یورتمه می‌دوند ولی اسب‌های «تجربه» آهسته گام برمی‌دارند. روسی

۵۳۶ ـ اگر سر یک یهودی کلاه بگذاری دستت را خواهد بوسید و اگر دست یک یهودی را ببوسی سرت کلاه خواهد گذاشت. روسی

۵۳۷ ـ اگر یک یهودی طنابی به رایگان بدست آورد، اجازه خواهد داد که با آن به دارش آویزند. روسی

۵۳۸ ـ احتیاج قانون را تغییر می‌دهد. روسی

۵۳۹ ـ از قانون مترس، از قانون بترس. روسی

۵۴۰ ـ اگر راست می گویی وقتی که سیاه هستم دوستم بدار، وقتی‌که سفید هستم همه دوستم دارند. روسی

۵۴۱ ـ اقبال بدون عقل مانند یک کوله‌پشتی پر از سوراخ است. (منظور این است که آدم بی‌عقل هر چه بدست می‌آورد از دست می‌دهد). روسی

۵۴۲ـ اگر از تیره‌روزی بترسی هرگز به خوشبختی نخواهی رسید. روسی

۵۴۳ـ ازدواج مسابقه نیست. شما همیشه می‌توانید به موقع به آن برسید. روسی

۵۴۴ـ ازدواج قبر عشق است. روسی

۵۴۵ـ اگر به جنگ می‌روی یک‌بار عبادت کن؛ اگر قصد مسافرت روی دریا داری دوبار عبادت کن ولی اگر قصد ازدواج داری سه بار عبادت کن. روسی

۵۴۶ـ اگر تند راه می‌روی بدبختی را خواهی گرفت؛ و اگر آهسته راه بروی بدبختی تو را خواهد گرفت. روسی

۵۴۷ـ اگر وارد دسته‌ای شدی لازم نیست پارس کنی ولی حتماً باید دمت را تکان بدهی. روسی

۵۴۸ـ از ضرر نترس تا نفع ببری. روسی

۵۴۹ـ اگر از آسمان شیر ببارد، فقط اغنیاء سطل در اختیار خواهند داشت که آنرا در داخلش جمع کنند. روسی

۵۵۰ـ اگر خویشان زنت آمدند در را برویشان بگشای؛ اگر خویشان خودت آمدند، در را برویشان ببند. روسی

۵۵۱ـ از حرف تا عمل صد منزل راه است. روسی

۵۵۲ـ اگر تزار به شما یک تخم مرغ ببخشد، از شما یک مرغ می‌گیرد. روسی

۵۵۳ـ آنچه چشم‌ها نمی‌بیند، دل نمی‌خواهد. روسی

۵۵۴ـ از من نپرس پسر کیستم، بلکه بپرس کیستم. روسی

۵۵۵ـ آزادی کامل برای زن نجیب خطر بزرگیست. روسی

۵۵۶ـ اگر پدر ماهیگیر باشد بچه‌اش نیز به آب تمایل دارد. روسی

۵۵۷ـ او، از خروس حسودتر است. روسی

۵۵۸ـ این سه چیز را نباید به دیگران قرض داد: زن، سگ، اسلحه. روسی

۵۵۹ـ آفتاب روشن را یک ابر کوچک تاریک می‌سازد. روسی

۵۶۰ـ اگر ماری بر شما حمله کند می‌توانید بگریزید ولی از تهمت مردم نمی‌توان گریخت. روسی

۵۶۱ـ انسان می‌تواند خود را حتّی به جهنم هم عادت دهد. روسی

۵۶۲ـ اگر در شناختن کسی درماندی، جستجو کن ببین با چه افرادی معاشرت می‌کند. در این‌صورت تو او را خواهی شناخت. یوگسلاوی

۵۶۳ـ اگر یگانه فضیلت و برتری در زور نهفته بود، گاوان، خرگوش شکار می‌کردند. یوگسلاوی

۵۶۴ـ از دست تا دهان راه دراز است. یوگسلاوی

۵۶۵ـ انسان نباید با دست عریان مار بگیرد. یوگسلاوی

۵۶۶ـ آن‌که در ۲۰ سالگی هنری یاد نمی‌گیرد و تا ۳۰ سالگی پول پس‌انداز نمی‌کند، سربار مردم خواهد شد. یوگسلاوی

۵۶۷ـ انداختن سنگ در رود دانوب آسان است ولی بیرون آوردنش دشوار. یوگسلاوی

۵۶۸ـ انسان سخت‌تر از صخره و شکننده‌تر از یک تخم‌مرغ است. یوگسلاوی

۵۶۹ـ انسان در طول عمر مشغول یادگرفتن است ولی معذلک نادان می‌میرد. یوگسلاوی

۵۷۰ـ اگر نمی‌توانی دندان بگیری نباید پارس کنی! یوگسلاوی

۵۷۱ـ از کسی که از تو تواناتر است برحذر باش. یوگسلاوی

۵۷۲ـ اگر حسادت خاصیت سوختن می‌داشت، احتیاجی به هیچ نوع سوخت دیگر نمی‌بود. یوگسلاوی

۵۷۳ـ انسان حریص چشم‌های درشت و شکم کوچک دارد. یوگسلاوی

۵۷۴ـ اعم از اینکه سنگ را به کوزه بزنی یا کوزه را روی سنگ بیندازی در هر حال کوزه می‌شکند! یوگسلاوی

۵۷۵ـ آنچه حیوان باربردار را می‌کشد بار نیست بلکه تحمل بار زیاد است. اسکاتلندی

۵۷۶ـ آن‌که خیلی مؤدب است خیلی محیل است. اسکاتلندی

۵۷۷ ـ اگر مدت یکسال با آدم لنگ معاشرت کنی در پایان سال با او خواهی لنگید. اسکاتلندی

۵۷۸ ـ از افراد چلاق کارهای بزرگ بر می‌آید ـ پایت را بشکن و امتحان کن. اسکاتلندی

۵۷۹ ـ اگر در میان زاغان می‌بودی، تیر نمی‌خوردی. اسکاتلندی

۵۸۰ ـ اگر شیطان می‌مرد، مردم خیلی کم محض رضای خدا کار می‌کردند. اسکاتلندی

۵۸۱ ـ اگر ما آنچه بایستی بکنیم می‌کردیم، به آنچه بایستی داشته باشیم می‌رسیدیم. اسکاتلندی

۵۸۲ ـ آن‌که با هدیه می‌آید لازم نیست زیاد دم در بایستد. اسکاتلندی

۵۸۳ ـ آنچه می‌بخشی همیشه می‌درخشد، آنچه می‌گیری روز بعد متعفن می‌شود. اسکاتلندی

۵۸۴ ـ اگر امید نبود دل می‌شکست! اسکاتلندی

۵۸۵ ـ او مانند مرغی که آب می‌نوشد همیشه سر به هوا است. اسکاتلندی

۵۸۶ ـ از کیف پولت بپرس که چه باید بخری. اسکاتلندی

۵۸۷ ـ اگر می‌خواهی جسمت آزاد باشد زبانت را زندانی کن. اسکاتلندی

۵۸۸ ـ اگر درخت پیر را جابه‌جا کنی خشک می‌شود. اسکاتلندی

۵۸۹ ـ انسان هر کجا که مایلست می‌تواند عشق ورزد ولی فقط در جایی ازدواج می‌کند که مقدر است ازدواج کند. اسکاتلندی

۵۹۰ ـ اگر آنچه کهنه است بخری، مجبوری مجدداً بخری. ولز

۵۹۱ ـ امید بدون تلاش مانند مسافرت بدون کشتی است. ولز

۵۹۲ ـ آدم تنبل عصای شیطان است. ولز

۵۹۳ ـ احتیاج قانون را نقض می‌کند. ولز

۵۹۴ ـ آیینه هر کس همسایه اوست. ولز

۵۹۵ ـ اسلحهٔ دلیر، در دلش نهفته است. ولز

۵۹۶ـ آسان‌ترین کارها شکست خوردن است. ولز

۵۹۷ـ الاغ به وین می‌رود و الاغ از وین برمی‌گردد. بلغارستانی

۵۹۸ـ آدم تمیز خیلی آسان‌تر کثیف می‌شود. بلغارستانی

۵۹۹ـ آب و آتش نوکِران خوب و اربابان بدی هستند. بلغارستانی

۶۰۰ـ اگر قلب حرف نزند، دل حرف می‌زند. بلغارستانی

۶۰۱ـ اگر مرگ نبود، زندگی عالی و با شکوه می‌بود بلغارستانی

۶۰۲ـ اگر مرگ نبود، زندگی عالی و با شکوه می‌بود. بلغارستانی

۶۰۳ـ اگر بداقبالی تو را پیدا نکرده، یک لحظه صبر تو، او را پیدا خواهد کرد. بلغارستانی

۶۰۴ـ از قول تا عمل به اندازه یک روز مسافت است. بلغارستانی

۶۰۵ـ او را «آقا» بخوان و خشنودش کن. بلغارستانی

۶۰۶ـ اول به درخت نگاه کن بعد زیرش بنشین. بلغارستانی

۶۰۷ـ آب ممکن است بخواب رود ولی دشمن بخواب نمی‌رود. بلغارستانی

۶۰۸ـ انسان ضعیف قوی می‌گردد و انسان قوی می‌میرد. بلغارستانی

۶۰۹ـ اگر وحشی را بزنی وحشی‌تر می‌شود. بلغارستانی

۶۱۰ـ آهسته آهسته پرنده آشیانه خود را می‌سازد. جزائر انگلیس

۶۱۱ـ اول کار کن و بعد استراحت. جزائر انگلیس

۶۱۲ـ اگر می‌خواهی چیزی را خوب فراگیری، باید خوب کار کنی. جزائر انگلیس

۶۱۳ـ اعمال ما معرف ماست نه گفتارمان. جزائر انگلیس

۶۱۴ـ اگر دو خرگوش را تعقیب کنی، هیچ یک را شکار نخواهی کرد. جزائر انگلیس

۶۱۵ـ اگر می‌خواهی راستی درو کنی، تخم راستی بکار. جزائر انگلیس

۶۱۶ـ اوقات تلف شده هرگز به کف نیاید باز. جزائر انگلیس

۶۱۷ـ آنجا که وحشت است، خوشی برگیرد رخت. جزائر انگلیس

۶۱۸ـ آدم بد بده دو مرتبه می‌دهد. جزائر انگلیس

۶۱۹ـ اشتهای خوب خورش لازم ندارد. جزائر انگلیس

۶۲۰ـ اخبار بد زود منتشر می‌شود. جزائر انگلیس

۶۲۱ـ آنچه را که درک نمی‌کنیم، با نظر اعجاب می‌نگریم. کرواتی

۶۲۲ـ اگر رگبار را تحمل کردی از طوفان ترس خواهی داشت. چک

۶۲۳ـ اگر آنچه را لازم نداری بخری، به زودی آنچه را که لازمش داری خواهی فروخت. چک

۶۲۴ـ اول بجو و بعد تف کن. چک

۶۲۵ـ آنجا که آفتاب نمی‌آید، پزشک می‌آید. چک

۶۲۶ـ اگر بز دم طویل‌تری می‌داشت ستارگان را با آن پاره می‌کرد. چک

۶۲۷ـ آنچه از آن متنفریم به ما می‌چسبد؛ آنچه را که دوست داریم ما را نمی‌خواهد. چک

۶۲۸ـ اسب را با چشمانت بخر نه با گوشهایت. چک

۶۲۹ـ ارباب باید برای نیکان سگک باشد و برای بدان چکش. چک

۶۳۰ـ از روز تعریف مکن قبل از این‌که آفتاب غروب کرده و از اسب قبل از این‌که سال به پایان رسیده و از زنت قبل از این‌که مرده باشد! چک

۶۳۱ـ ادب حتّی گربه را خشنود می‌کند. چک

۶۳۲ـ اگر می‌خواهی گرم باشی باید دود را تحمل کنی. چک

۶۳۳ـ آدم دست و دلباز مفلس می‌شود ولی لئیم همیشه مفلس است. چک

۶۳۴ـ آن‌که می‌دزدد به دار آویخته نمی‌شود بلکه آن‌که گِرفتار می‌گردد به دار آویخته می‌شود. چک

۶۳۵ـ آنچه مردان را طاس می‌کند گذر زمان است نه شانه. چک

۶۳۶ـ اگر شخص در ۲۰سالگی شکیل، در ۳۰سالگی نیرومند، در ۴۰سالگی پولدار و در ۵۰سالگی عاقل نشود، هرگز دارای این مزایا نخواهد شد. چک

۶۳۷ ـ اگر زن جوان باشد و شوهر پیر، بچه‌دار شدن حتمی است؛ و اگر زن پیر باشد و شوهر جوان، کتک خوردن حتمی است. چک

۶۳۸ ـ الاغ‌ها فقط برای این به دنیا می‌آیند که گونی‌ها را حمل می‌کنند. دانمارکی

۶۳۹ ـ اگر سر شما از کره است، نانوایی کار خوبی نیست. دانمارکی

۶۴۰ ـ اگر پرنده می‌دانست چقدر فقیر است این‌قدر شیرین آواز نمی‌خواند. دانمارکی

۶۴۱ ـ آدم مست یا بره است یا خوک، یا میمون و یا شیر. دانمارکی

۶۴۲ ـ انسان از طریق گوش بیش از طریق چشم چیز یاد می‌گیرد. دانمارکی

۶۴۳ ـ آن‌که موقع خرید چشمانش را باز نمی‌کند باید موقع پرداخت کیف پولش را بگشاید. دانمارکی

۶۴۴ ـ احمق همیشه در بازی اول برنده می‌شود. دانمارکی

۶۴۵ ـ اگر احمق را بستایی، دارای گوش الاغ خواهد شد. دانمارکی

۶۴۶ ـ احمق موقعی که ساکت است مانند سایر افراد است. دانمارکی

۶۴۷ ـ ابلهان احتیاجی به گذرنامه ندارند. دانمارکی

۶۴۸ ـ اگر می‌خواهی روباه را بگیری باید با غاز به شکار بروی. دانمارکی

۶۴۹ ـ آدم درستکار به خاطر یک قطعه استخوان خود را به سگ تبدیل نمی‌کند. دانمارکی

۶۵۰ ـ امید رؤیای بیداران است. دانمارکی

۶۵۱ ـ اگر کسی بخواهد از نردبان بالا برود باید از پایین‌ترین پله شروع کند. دانمارکی

۶۵۲ ـ آب به طرف ساحل می‌رود و پول به طرف مرد ثروتمند. دانمارکی

۶۵۳ ـ احتیاج انسان را مخترع و مبتکر می‌کند. دانمارکی

۶۵۴ ـ اگر بخواهی همیشه می‌توانی فرصت را در آستین خود بیابی. دانمارکی

۶۵۵ ـ از فقر، شپش و کک خود به خود پدید می‌آیند. دانمارکی

۶۵۶ ـ اگر بتوانی در فقر بسر بری، دیگر نیازی به ثروتمند شدن نیست. دانمارکی

۶۵۷ ـ آن کیفی که در آن طلای دیگری نهفته است، تهی است. دانمارکی

۶۵۸ ـ انسان باید انگشتان خوبی داشته باشد تا بتواند کینه قدیمی را از ریشه به در آورد. دانمارکی

۶۵۹ ـ انسان باید با دیگران کم و با خودش زیاد حرف بزند. دانمارکی

۶۶۰ ـ اگر مرد بد مانند شیطان باشد، زن بد مانند سرتاسر جهنم است. دانمارکی

۶۶۱ ـ اگر نمی‌توانی زخم را درمان کنی آن را باز مکن. دانمارکی

۶۶۲ ـ آنچه محال و امکان‌ناپذیر است احتیاجی به بهانه‌تراشی ندارد. دانمارکی

۶۶۳ ـ احتیاج قوانین را از بین می‌برد. دانمارکی

۶۶۴ ـ آنچه برای پا خوب است برای پوتین مضر است. دانمارکی

۶۶۵ ـ از کیسه چیزی غیر از آنچه نهاده شده بیرون نمی‌آید. دانمارکی

۶۶۶ ـ اسبهای‌مان نمی‌توانند در یک اصطبل بمانند. هلندی

۶۶۷ ـ اگر حق نوکرت را ندهی او حق خودش را به زور خواهد گرفت. هلندی

۶۶۸ ـ انسان می‌تواند همه چیز را تحمل کند غیر از ایام نیکبختی را. هلندی

۶۶۹ ـ اگر کاه دنبال اسب افتد، خورده می‌شود. هلندی

۶۷۰ ـ انسان فرزند مرگ است. هلندی

۶۷۱ ـ انسان پیرتر می‌شود و بیماری جوانتر. هلندی

۶۷۲ ـ از هر چه بترسی دچارش می‌شوی. استونی

۶۷۳ ـ آنچه خم نمی‌شود می‌شکند. استونی

۶۷۴ ـ اول تخم را بگذار بعد قدقد کن. استونی

۶۷۵ ـ اگر انبر داری چرا دست‌هایت را به کار می‌بری؟ استونی

۶۷۶ ـ اقبال کور است؛ نمی‌داند در بغل چه کسی خواهد نشست. استونی

۶۷۷ ـ آنچه امروز طلاست ممکن است فردا تبدیل به خاک شود. استونی

۶۷۸ ـ اعمال نیک را روی سنگ ثبت کن و اعمال بد را روی برف. استونی

۶۷۹ ـ انسانی که روزگار را به کاهلی و بطالت می‌گذراند، بزرگترین دزد است. استونی

۶۸۰ ـ اول خودت را بشناس، بعد همنوعانت را. استونی

۶۸۱ ـ اگر می‌خواهی دوست داشته شوی، دوست بدار. استونی

۶۸۲ ـ آن پیوند زناشویی سلامت بخش است، که در آن شوهر سر است و زن دل. استونی

۶۸۳ ـ آنها که سیرند نفس می‌کشند و آن‌ها که مریضند می‌نالند. استونی

۶۸۴ ـ آنچه که به دیگران می‌گویی نخست به خودت بگو. استونی

۶۸۵ ـ آهسته بران، خیلی دور خواهی رفت. استونی

۶۸۶ ـ آفتابه دزد به دار آویخته می‌شود؛ آن‌که اموال کلانی را می‌دزد با دلیجان در می‌رود. استونی

۶۸۷ ـ آن‌که رنج می‌برد زیاد عمر می‌کند. استونی

۶۸۸ ـ اگر مزه تلخی را نچشی، مزه شیرینی را هم هرگز نتوانی چشید. استونی

۶۸۹ ـ اگر می‌خواهی در زمستان مسافرت کنی در تابستان چرخ بساز. استونی

۶۹۰ ـ اگر انسان می‌دانست کجا سقوط می‌کند، اول زیر پای خود کاه پهن می‌کرد. فنلاندی

۶۹۱ ـ احمق ناراحتی‌های خود را برای کسی تعریف می‌کند که زندگی مرفهی دارد. فنلاندی

۶۹۲ ـ از بیماری اغنیاء همه خبردار می‌شوند؛ ولی حتّی از مرگ فقیر کسی اطلاع حاصل نمی‌کند. فنلاندی

۶۹۳ ـ امید فقراء فقیرتر از همه تیره‌روزان بدبخت‌تر کیست؟ فنلاندی

۶۹۴ ـ آدم عاقل فقط یک‌بار فریب می‌خورد. فنلاندی

۶۹۵ ـ اعجاب دختر جهالت است. فرانسوی

۶۹۶ ـ اندرز دادن خوب است ولی درمان کردن بهتر می‌باشد. فرانسوی

۶۹۷ ـ افتراهایی هست که در برابرش حتّی بی‌گناهی جرأت خود را از دست می‌دهد. فرانسوی

۶۹۸ـ اگر می‌خواهی با مادر آشنا شوی، به بچه‌اش ملاطفت کن. فرانسوی

۶۹۹ـ از پزشک باید بیش از نَفْس بیماری ترسید. فرانسوی

۷۰۰ـ انگلیسی‌ها صد مذهب دارند و فقط یک سُس! فرانسوی

۷۰۱ـ آنچه «کافی» است هرگز «کم» نبوده است. فرانسوی

۷۰۲ـ انسان هرگز نمی‌افتد مگر به طرفی که به سویش تکیه می‌کند. فرانسوی

۷۰۳ـ ابلهان برای دانایان بیشتر مفید واقع می‌شوند تا عقلا برای حمقاء! فرانسوی

۷۰۴ـ ازدواج زودش اشتباه است و دیرش اشتباهی بزرگتر. فرانسوی

۷۰۵ـ اگر می‌خواهی یک روز خوش باشی مست کن، اگر می‌خواهی سه روز خوش باشی زن بگیر، اگر می‌خواهی هشت روز خوش باشی خوکی بکش، اگر می‌خواهی تمام عمر خوش باشی کشیش شو! فرانسوی

۷۰۶ـ اگر دوستت فقط یک چشم دارد، به نیم‌رخش نگاه کن. فرانسوی

۷۰۷ـ اقبال وقتی به سراغ ما می‌آید که خواب هستیم. فرانسوی

۷۰۸ـ انسان در هر کار باید بداند کجا باید ترمز کرد. فرانسوی

۷۰۹ـ امید نان بیچارگان است. فرانسوی

۷۱۰ـ امید رؤیای مرد بیدار است. فرانسوی

۷۱۱ـ امید است که آینده را می‌سازد. فرانسوی

۷۱۲ـ از دو کس حقیقت را مپوش، یکی پزشک و دیگر وکیل عدلیه. فرانسوی

۷۱۳ـ افراد تنبل همیشه مشتاقند که کاری انجام بدهند. فرانسوی

۷۱۴ـ آن‌که می‌لیسد می‌تواند دندان هم بگیرد. فرانسوی

۷۱۵ـ اگر نتوانیم آنچه را که دوست داریم بدست بیاوریم باید آنچه را که در اختیار داریم دوست داشته باشیم. فرانسوی

۷۱۶ـ آن‌که دیرتر از همه می‌آید غالباً ارباب است. فرانسوی

۷۱۷ـ اشک، زبان خاموش اندوه است. فرانسوی

۷۱۸ ـ اگر می‌خواهی ارزش پول را بدانی مبلغی قرض کن. فرانسوی

۷۱۹ ـ اگر به اندازه توت سیاه، سیاه باشی برای کسی که دوستت دارد سفید و وجیه هستی. فرانسوی

۷۲۰ ـ اگر گزنه را نوازش کنی نیشت می‌زند ولی اگر آن را محکم قبضه کنی به اندازه حریر نرم خواهد بود. فرانسوی

۷۲۱ ـ از سئوالات یک مرد نه جواب‌هایش، درباره‌اش قضاوت کن. فرانسوی

۷۲۲ ـ آنجا که کاغذ سخن می گوید ریش حرف می‌زند. فرانسوی

۷۲۳ ـ اگر به زارع غذا بدهی چشمت را از حدقه بیرون خواهد آورد. فرانسوی

۷۲۴ ـ اگر کسی در اثر کار زیاد پولدار می‌شد، الاغ می‌بایست بار طلا بر پشتش داشته باشد. فرانسوی

۷۲۵ ـ اگر می‌خواهی یک جفت کفش محکم و خوب بسازی برای پاشنه‌اش از زبان زن استفاده کن که هرگز فرسوده نخواهد شد. فرانسوی

۷۲۶ ـ اگر می‌خواهی آب پاک بنوشی به چشمه سر بزن. فرانسوی

۷۲۷ ـ اسطبل بیش از جاده است را خسته می کند. فرانسوی

۷۲۸ ـ آدم بخیل همیشه فقیر است. فرانسوی

۷۲۹ ـ امروزه آنچه که ارزش گفتن ندارد، به صورت آواز خوانده می‌شود. فرانسوی

۷۳۰ ـ آب، چشم زمین است. فرانسوی

۷۳۱ ـ آنچه که زن می خواهد خدا می خواهد. فرانسوی

۷۳۲ ـ انتخاب یک زن و یک هندوانه دشوار است. فرانسوی

۷۳۳ ـ اگر می‌خواهی مردان را بشناسی زنان را مطالعه کن. فرانسوی

۷۳۴ ـ ارزش اشیاء بستگی دارد به طرزی که ما از آنها استفاده می کنیم. فرانسوی

۷۳۵ ـ اگر زنت خواست نقش گرگ را بازی کند تو هم سگ شو. فرانسوی

۷۳۶ ـ از دیدن خاکستر روی آتش خیال نکن که خاموش است. فرانسوی

۷۳۷ ـ اگر توانستی جلوی زبانت را بگیری توانایی زندگانی با زن را خواهی داشت. فرانسوی

۷۳۸ ـ اگر مار را می‌کشی بچه‌اش را هم بکش. فرانسوی

۷۳۹ ـ از زنِ بینی بزرگ، انتظار بوسه دلنشین را نداشته باش. فرانسوی

۷۴۰ ـ ازدواج قمار است؛ قماری که پس از باخت نمی‌شود بلیطش را پاره کرد. فرانسوی

۷۴۱ ـ اصلاح همه چیز ممکن است غیر از اصلاح زن. فرانسوی

۷۴۲ ـ اولادِ پدرِ خسیس، ولخرج می‌شوند. فرانسوی

۷۴۳ ـ انتقاد آسان است و هنر دشوار. فرانسوی

۷۴۴ ـ اشخاص پرگو فعال نیستند. فرانسوی

۷۴۵ ـ آنچه وعده داده شد مانند قرض به گردن آدمی است. فرانسوی

۷۴۶ ـ آن‌که «الف» می‌گوید سرانجام به «ی» می‌رسد. آلمانی

۷۴۷ ـ انسان عاقل دارای گوش‌های دراز و زبان کوتاه است. آلمانی

۷۴۸ ـ آدم سیب را خورد و ما هنوز به تب آن دچاریم. آلمانی

۷۴۹ ـ آوریل و مه، کلید تمام سالند. آلمانی

۷۵۰ ـ الاغی که بار دارد عرعر می‌کند. آلمانی

۷۵۱ ـ آنچه را که انسان نمی‌تواند درک کند باید به آن ایمان بیاورد. آلمانی

۷۵۲ ـ آواز کسی را می‌خوانم که نانش را می‌خورم. آلمانی

۷۵۳ ـ اضطراب و ناراحتی‌های کوچک، پر سر و صدا و ناراحتی‌های بزرگ خاموشند. آلمانی

۷۵۴ ـ اطفال مانند برف روی چمن‌اند. آلمانی

۷۵۵ ـ انسان می‌تواند حتّی از کوچکترین روزنه‌ها روشنایی روز را ببیند. آلمانی

۷۵۶ ـ اگر هر کس جلو خانه خود را بروید، شهر تمیز می‌شود. آلمانی

۷۵۷ ـ آسمان پتوی کسی است که بسترش زمین است. آلمانی

۷۵۸ ـ آدمی همان است که می‌خورد. آلمانی

۷۵۹ ـ انسان باید به دشمن خود احترام بگذارد زیرا می‌تواند از اشتباهات او عبرت گرفته، خود مرتکب اشتباه نشود. آلمانی

۷۶۰ ـ اقبال و زمان، طرفدار ابلهان و تهی مغزان است. آلمانی

۷۶۱ ـ اگر قورباغه را در صندلی طلا بگذاری مجدداً در مرداب می‌جهد. آلمانی

۷۶۲ ـ افتخار و جلال دایره‌ای است در آب که مرتب وسیع‌تر می‌شود و سپس ناپدید می‌گردد. آلمانی

۷۶۳ ـ آنچه با دست ساخته می‌شود با پا نابود و لگد مال می‌شود. آلمانی

۷۶۴ ـ از دست به دهان خیلی دورتر از دهان به شکم است. آلمانی

۷۶۵ ـ اگر می‌خواهی عمر طولانی داشته باشی مانند گربه بخور و مانند سگ بنوش. آلمانی

۷۶۶ ـ امید، دارایی مرد فقیر است. آلمانی

۷۶۷ ـ اگر خانه‌ای می‌سازی، آن را تا بامش بساز. آلمانی

۷۶۸ ـ آنچه مستقیماً از قلب بیرون می‌آید، مستقیماً در قلب فرومی‌نشیند. آلمانی

۷۶۹ ـ افتخار، روی چوب پای شیشه‌ای راه می‌رود. آلمانی

۷۷۰ ـ امید تخم‌مرغی است گه گروهی پوستش را در اختیار دارند و گروه دیگر سفیده‌اش را و گروه سوم زرده‌اش را. آلمانی

۷۷۱ ـ امید طنابی است که آن را با تمام قوای خود می‌کشیم. آلمانی

۷۷۲ ـ انسان باید یا شاه به دنیا آید یا یک دیوانه. آلمانی

۷۷۳ ـ آدم چلاق همیشه برای رقص آماده است. آلمانی

۷۷۴ ـ انسان نباید با چکش آهنین در قاضی را بزند. آلمانی

۷۷۵ ـ انسان باید خانه را طوری بسازد که گویی تا ابد زنده است و طوری زندگی کند که گویی فردا خواهد مرد. آلمانی

۷۷۶ـ آنچه از طریق ضرر فرا گرفته می‌شود تا زمانی دیر به خاطر می‌ماند. آلمانی

۷۷۷ـ انسان، عاشق هر چه که زیباست نمی‌شود. بلکه آنچه را که عاشق گشته در نظرش زیباست. آلمانی

۷۷۸ـ اقبال و شیشه زود می‌شکنند. آلمانی

۷۷۹ـ ازدواج تب معکوس است: با حرارت شروع می‌شود و به سردی خاتمه می‌یابد. آلمانی

۷۸۰ـ ازدواج مدرسه‌ای است که در آن انسان خیلی دیر چیز یاد می‌گیرد. آلمانی

۷۸۱ـ ازدواج بیمارستان عشق است. آلمانی

۷۸۲ـ آسیابی که گندم ندارد، خودش را می‌فرساید. آلمانی

۷۸۳ـ انسان نباید آرزوی مسطح کردن تمام کوه‌ها را داشته باشد و آنچه که کج و معوج است راست گرداند. آلمانی

۷۸۴ـ آنچه برای دهان تلخ است، در بدن سلامتی ایجاد می‌کند. آلمانی

۷۸۵ـ آن‌که یک‌بار در دهان مردم راه پیدا می‌کند، به ندرت از آن بیرون تواند آمد. آلمانی

۷۸۶ـ افتادن در گل و لای ننگ نیست؛ ننگ در این است که در همان جا بمانی. آلمانی

۷۸۷ـ آنچه را که طبیعت رنگ می‌کند هرگز نمی‌پرد. آلمانی

۷۸۸ـ اسب مانند تشکچه بادی است که اگر چه درونش تهی است، از شدت ضربات زندگی می‌کاهد. آلمانی

۷۸۹ـ آزادی مرد فقیر آن است که به او اجازه داده شود که گدایی کند. آلمانی

۷۹۰ـ انتقام غذایی است که باید همین‌طور سرد صرف شود. آلمانی

۷۹۱ـ استراحت دائم پا را خسته می‌کند. آلمانی

۷۹۲ـ آنچه را که انسان دوست دارد ببیند، دوست دارد که باور کند. آلمانی

۷۹۳ـ آنچه زیر آفتاب قرار می‌گیرد یا می‌رسد و یا پژمرده می‌شود. آلمانی

۷۹۴ ـ آفتابه دزدها را به دار می‌آویزیم و به دزدان بزرگ درود می‌فرستیم. آلمانی

۷۹۵ ـ اگر می‌خواهی قوی باشی نقاط ضعف خود را بدان. آلمانی

۷۹۶ ـ اوضاح را طوری جور کن که هم خشنودی گرگ حاصل شود و هم بره بتواند آسوده زندگی کند. آلمانی

۷۹۷ ـ آنچه که شیطان نمی‌تواند، زن می‌تواند. آلمانی

۷۹۸ ـ از کلمات مانند پول استفاده کن. آلمانی

۷۹۹ ـ اگر «مال تو» و «مال من» از بین برود، دنیا بهشت می‌شود. آلمانی

۸۰۰ ـ آنچه در جوانی کج و معوج شده، در پیری نمی‌توان راستش کرد. آلمانی

۸۰۱ ـ ارباب خشم خود شو. یونانی

۸۰۲ ـ آنچه برای کندو خوب است برای زنبور عسل خوب نیست. یونانی

۸۰۳ ـ اگر با تیرهای سیمین جنگ کنی، همه جا را تسخیر خواهی کرد. یونانی

۸۰۴ ـ آتش را نمی‌توان با آتش خاموش کرد. یونانی

۸۰۵ ـ اگر امید نبود دل می‌شکست. یونانی

۸۰۶ ـ از عدالت، عدالت می‌زاید و از آزار، آزار. یونانی

۸۰۷ ـ اگر پوست شیر در دسترس نیست پوست روباه را بر تن کن. یونانی

۸۰۸ ـ امری بی‌تفاوت است، چه انسان ازدواج بکند چه نکند زیرا در هر دو حال پشیمان خواهد بود. یونانی

۸۰۹ ـ انسان خدای انسان است. یونانی

۸۱۰ ـ اگر نمی‌توانی گاوها را برانی الاغ‌ها را بران. یونانی

۸۱۱ ـ انسان‌ها نه ناگهان ثروتمند می‌شوند و نه ناگهان خوب. یونانی

۸۱۲ ـ اگر از گرگ در زمستان نگاهداری کنی در تابستان می‌خوردت. یونانی

۸۱۳ ـ اگر دو نفر به تو گفتند که نابینا هستی، یک چشمت را ببند. گرجستانی

۸۱۴ ـ اگر روباه را برای دزدیدن مرغ ببخشی، گوسفندت را هم خواهد برد. گرجستانی

۸۱۵ـ اگر بینی بین دو چشم نبود، چشم‌ها همدیگر را می‌خوردند. گرجستانی

۸۱۶ ـ آدم محتاط از سکندری خوردن حذر می‌کند ولی وقتی که سکندری خورد، گردنش می‌شکند. گرجستانی

۸۱۷ـ آن‌کس که از همه کس متابعت می‌کند در اشتباه است و آن‌کس که از هیچ‌کس متابعت نمی‌کند دچار اشتباه بزرگتری است. طبرستانی

۸۱۸ـ اگر دردسر نمی‌خواهی روابطت را با دیگران مختصرتر کن. طبرستانی

۸۱۹ـ امید، زن بدی است. طبرستانی

۸۲۰ ـ از اسبت مانند یک دوست نگهداری کن و مانند یک دشمن سوارش شو. طبرستانی

۸۲۱ـ ازدواج در جوانی خیلی زود است و ازدواج در پیری خیلی دیر. طبرستانی

۸۲۲ـ اگر داخل آسیاب شوی، آلوده با آرد بیرون خواهی آمد. طبرستانی

۸۲۳ـ اگر می‌خواهی مردی را بشناسی، به او قدرت بده. طبرستانی

۸۲۴ـ اگر باد نمی‌بود عنکبوتان آسمان را با تار خود مستور می‌کردند. طبرستانی

۸۲۵ـ آتش، زن و دریا، چه کس می‌تواند بگوید کدامیک از این سه تا بدترند. طبرستانی

۸۲۶ـ اگر روزت کوتاه است، سال کوتاه نیست. اسلواکی

۸۲۷ـ انتظار نیکی نداشته باش ولی مگذار شر بر تو شبیخون بزنند. اسلواکی

۸۲۸ـ اسب تندرو زود خسته می‌شود. اسلواکی

۸۲۹ـ ارباب خانه بزرگترین نوکر است. اسلواکی

۸۳۰ـ آنچه را که می‌توانی با شاخ بگیری سعی مکن با دم بگیری. اسلواکی

۸۳۱ـ آب پاک نخستین و بهترین داروهای دنیاست. اسلواکی

۸۳۲ـ آدم عاقل فقط روزهای طلایی را می‌شمارد. اسلواکی

۸۳۳ـ ایمان آوردن ساده‌تر و آسان‌تر از تحقیق کردن است. اسلواکی

۸۳۴ـ آنچه از دل بیرون نمی‌آید. بر دل نمی‌نشیند. اسلواکی

۸۳۵ـ از آنچه چاره ناپذیرست باید استقبال کرد. اسلواکی

۸۳۶ـ آنچه که تعمیرناپذیر است. از یاد ببر و کمتر ناراحت شو. اسلواکی

۸۳۷ـ آن که لنگ است دورتر از کسی که نشسته پیش می‌رود. اسلواکی

۸۳۸ـ آنچه را که می‌توانی از دست بدهی به دوستت وام بده. اسلواکی

۸۳۹ـ اگر از پشه فرار کنی، نیشش تیزتر خواهد بود. اسلواکی

۸۴۰ـ اگر ثروت‌ها نبودند، فقر هم نمی‌بود. اسلواکی

۸۴۱ـ احمق، پزشک را وارث خود می‌سازد. مجارستان

۸۴۲ـ اگر می‌خواهی از شر دوستت خلاص شوی به او مبلغی پول قرض بده. مجارستان

۸۴۳ـ اخگرها می‌پرند حتّی از یک کوره کوچک. مجارستان

۸۴۴ـ اگر به یک نفر که «اسلواکی» است پناه بدهی، ترا از خانه بیرون خواهد کرد. مجارستان

۸۴۵ـ انسان پست‌تر از فرشتگان آفریده شده و روزبروز هم پست می‌شود. مجارستان

۸۴۶ـ «اشتباه» می‌تواند حتّی از یک شکاف بگذرد، ولی «حقیقت» در یک دروازه گیر می‌کند. اتازونی

۸۴۷ـ اگر نمی‌توانی هل بدهی، بکش، اگر نمی‌توانی بکشی، راه را سد مکن. اتازونی

۸۴۸ـ اگر کسی به اندازه مادر عاقل باشد، می‌تواند به اندازه کبوتر هم کم‌آزار باشد. اتازونی

۸۴۹ـ احمق از روی تجربه‌ای که خود می‌نماید درس عبرت می‌گیرد و دانا از روی تجربه احمق درس عبرت می‌گیرد. اتازونی

۸۵۰ـ اگر می‌خواهی دارای حسن شهرت باشی هرگز در رختخواب به ملاقات خورشید مرو. برزیلی

۸۵۱ـ ارادهٔ خوب، راه را کوتاه می‌کند. برزیلی

۸۵۲ـ اگر می‌خواهی قاضی خوبی باشی باید به حرف‌های همه گوش بدهی. برزیلی

۸۵۳ـ آنچه شب انجام می‌گیرد، هنگام روز آشکار می‌شود. برزیلی

۸۵۴ـ اگر سلیقه بد نبود، کالا به فروش نمی‌رفت. شیلی

۸۵۵ـ آنچه برای دیگران گناه است موقعی که در نفس خودمان وجود داشته باشد فضیلت است. شیلی

۸۵۶ـ آنچه با آب می‌آید، آبش هم می‌برد. شیلی

۸۵۷ـ از یک باران محصولی به بار نمی‌آید. کیچی (سرخپوستان شمالی)

۸۵۸ـ آن‌قدر بلند پروازی نکن که روی یک شمع افتی. کیچی

۸۵۹ـ اگر چاهی برای من بکنی، چاهی هم برای خود کنده‌ای. کیچی

۸۶۰ـ آتش، دیگ پر را نمی‌ترکاند. کیچی

۸۶۱ـ اقوام و خورشید هر چه دورتر باشند، بهتر است. مکزیکی

۸۶۲ـ اگر همه چیز را بخواهی، همه چیز را از دست خواهی داد. مکزیکی

۸۶۳ـ اگر تمساح بگوید که گذار عمیق است باورش کن. نگرویی (امریکایی)

۸۶۴ـ امروز نقد، فردا نسیه. نگرویی

۸۶۵ـ اگر مجبور به خوردن کثافت هستی، کثافت تمیز بخور! نگرویی

۸۶۶ـ آدم مست همیشه راست می‌گوید. نگرویی

۸۶۷ـ اگر می‌خواهی تخم‌مرغ بخوری باید پوستش را بشکنی. نگرویی

۸۶۸ـ ابرو سالخورده‌تر از ریش است. نگرویی

۸۶۹ـ آنچه در آتش گم می‌کنی در خاکستر پیدا می‌نمایی. نگرویی

۸۷۰ـ اگر احمق وجود نداشت، آدم نیرنگ باز هم نمی‌توانست زندگانی کند. نگرویی

۸۷۱ـ انگور زمستانی ترش است. اعم از آن‌که دستت به آن برسد یا نرسد. نگرویی

۸۷۲ـ اگر با گوش‌هایت نشنوی، با پوستت خواهی شنید. نگرویی

۸۷۳ـ امید، ستون دنیاست. نگرویی

۸۷۴ـ اقبال می‌گوید: «دهانت را باز کن و چشمانت را ببند». نگرویی

۸۷۵ـ از قهوه نمی‌توانی شیر بگیری. نگرویی

۸۷۶ـ اگر پول داشته باشید، دوست هم خواهید داشت. نگرویی

۸۷۷ـ اگر روی نداری که ببندی، دهانت را ببند. نگرویی

۸۷۸ـ اگر تماشای قوسِ قزح مجانی نبود، خیلی زیباتر از آنچه هست به نظر می‌رسید. نگرویی

۸۷۹ـ اگر کسی آه نمی‌کشید دنیا خفه می‌شد. نگرویی

۸۸۰ـ اگر زمین برای انسان‌ها خیلی لیز است برای قورباغه‌ها لیز نیست. نگرویی

۸۸۱ـ اگر روی چهره‌ات تبسم نداری، بهتر است دکان باز نکنی. نگرویی

۸۸۲ـ اگر از دم بترسی، نمی‌توانی سر را بخوری. نگرویی

۸۸۳ـ امروز نمی‌تواند فردا را بگیرد. نگرویی

۸۸۴ـ امروز برادر بزرگ فرداست. نگرویی

۸۸۵ـ اگر دنبال زن پیر بیفتی، ته‌دیگ خواهی خورد. نگرویی

۸۸۶ـ آنچه باید بشود خواهد شد. نگرویی

۸۸۷ـ اضطراب، رفیق دائمی حسادت است. استرالیایی

۸۸۸ـ از مردی که نمی‌تواند کتک بزند بر حذر باش. حبشه

۸۸۹ـ اگر درخت خرما هستی، باید سنگ‌هایی که به طرف انداخته می‌شود تحمل کنی. حبشه

۸۹۰ـ اگر رود نیل از اسرارت واقف باشد، به زودی در صحرا فاش خواهد شد. حبشه

۸۹۱ـ آب هرگز راهش را گم نمی‌کند. بانتو

۸۹۲ـ اگر رئیس قبیله به تو انگشتر هدیه داد آن را در لباست پنهان کن. کلیمانجارو

۸۹۳ـ از یک فرد همیشه پس از مرگ سپاسگزاری می‌شود. ترانسوال

۸۹۴ـ اگر به پزشک با چشم حقارت نگاه می‌کنی به بیماری هم به چشم حقارت نگاه کن. ترانسوال

۸۹۵ـ احمق برای دانا گنجی است. ترانسوال

۸۹۶ـ آب هرگز از جریان داشتن خسته نمی‌شود. ترانسوال

۸۹۷ـ آنجا که ثروت نیست؛ فقر هم نیست. ترانسوال

۸۹۸ـ «آری» مرد «آری» است ولی «آری» زن غالباً «نه» است. ترانسوال

۸۹۹ـ «آز» آنچه را که «ازمنه» به چنگ آورده است، از بین می‌برد. مصری

۹۰۰ـ انسان بندهٔ احسان است. مصری

۹۰۱ـ اگر چیزی به سگ بدهکار هستی او را «آقا» صدا بزن. مصری

۹۰۲ـ اگر تقصیری سر نمی‌زند، عذرخواهی هم لازم نمی‌بود. مصری

۹۰۳ـ آدم خوشبخت را در نیل بینداز، در حالی‌که یک ماهی در دهان دارد از آن بیرون خواهد آمد. مصری

۹۰۴ـ اگر عاشق می‌شوی، عاشق ماه شو و اگر می‌خواهی دزدی کنی، شتر بدزد! مصری

۹۰۵ـ اگر قوم و خویش نداری عروسی کن. مصری

۹۰۶ـ انسان می‌تواند بدون دوستان زندگی کند، ولی بدون همسایگان نمی‌تواند. مصری

۹۰۷ـ اگر از جغد متابعت کنی تو را به ویرانه خواهد برد. مصری

۹۰۸ـ از افراد مجرب درمان بخواه، نه از طبیب. مصری

۹۰۹ـ اگر بنا باشد، هم تو شاهزاده باشی و هم من شاهزاده باشم پس چه‌کسی الاغ را می‌راند؟ مصری

۹۱۰ـ اقارب تو، عقارب تواَند. (نزدیکان تو دشمنان تو هستند) مصری

۹۱۱ـ اگر زشت هستی، دلربا باش. مصری

۹۱۲ـ اشک در زن کید طلاق است. مصری

۹۱۳ـ اتاق خواب (مرگ) پایان همه راه‌هاست. مصری

۹۱۴ـ آب کثیف هم می‌تواند کثافت را پاک کند. داهومی

۹۱۵ـ آنچه گرم است می‌تواند سرد شود و آنچه سرد است می‌تواند گرم شود. گینه فرانسوی

۹۱۶ ـ اگر می‌خواهی سرزنشت کنند ازدواج کن و اگر می‌خواهی تعریفت کنند بمیر. گالا

۹۱۷ ـ احتیاط جبن (اجبار) نیست حتّی مورچه‌ها موقع حرکت خود را مسلح می‌کنند. اوگاندا

۹۱۸ ـ افراد انسانی به یکدیگر محبت ندارند. کنیا

۹۱۹ ـ احمق همیشه برده است. نیجریای

۹۲۰ ـ اگر خودت را دوست بداری، دیگران از تو متنفر خواهند بود، اگر از خود نفرت داشته باشی، دیگران دوستت خواهند داشت. نیجریای شمالی

۹۲۱ ـ آهسته رفتن مانع رسیده به مقصد نمی‌شود. نیجریای شمالی

۹۲۲ ـ آب کثیف را نمی‌توان شست. هو

۹۲۳ ـ اگر اوقات پزشکت را تلخ کنی، بیماری خنده‌کنان به نزدت خواهد آمد. رودسیای شمالی

۹۲۴ ـ افرادی هستند که به شما در برداشتن سبد کمک می‌کنند زیرا کنجکاوند بدانند داخل سبد چیست؟ لیبریا

۹۲۵ ـ اگر با زن زیبا عروسی کنی، با زحمت و دردسر عروسی کرده‌ای. لیبریا

۹۲۶ ـ آنچه را که دریا می‌بلعد، دوباره استفراغش نخواهد کرد. لیبریا

۹۲۷ ـ انسان نمی‌تواند از سایه خود دور شود (نمی‌تواند از آنچه چاره‌ناپذیر است برحذر باشد). چوگون

۹۲۸ ـ امید ستون دنیاست. کانوری

۹۲۹ ـ از دیگران انتقاد نمی‌کنم تا دیگران هم از من انتقاد نکنند. کنگوی بلژیک

۹۳۰ ـ امید هیچ‌کس را نمی‌کشد. کنگوی بلژیک

۹۳۱ ـ از مردم متنفر مباش زیرا مردم ثروتند. ماداسگار

حرف ب

۱ ـ بهترین نوع آشنایی، آشنایی قلوب با یکدیگر است. چینی

۲ ـ به سگ نام اشتهاآوری بده و او را بخور. چینی

۳ ـ بادام نصیب کسی می‌شود که دندان ندارد. چینی

۴ ـ برای هر برگ علف شبنمی است. چینی

۵ ـ برای قانع حتّی فقر و گمنامی خوشی‌آور است؛ برای ناراضی حتّی ثروت و افتخار محنت‌زا است. چینی

۶ ـ برای به خاک سپردن مرده هر خاکی مناسب است. چینی

۷ ـ بهترین طریقه درمان مستی آن است که در حال هوشیاری مرد مست را تماشا کنیم. چینی

۸ ـ بدون رفتن برگشتنی در بین نتواند بود. چینی

۹ ـ برای فرار از آتش، انسان‌ها حاضرند خود را در آب جوش اندازند. چینی

۱۰ ـ با اینکه روبروی یکدیگر سخن می‌گویند، قلوبشان فرسخها از هم دور است. چینی

۱۱ ـ با یک دست نمی‌توان دست زد (دو نفر لازم‌اند تا دعوایی در بگیرد). چینی

۱۲ ـ بدبختی آن نیست که می‌توان از آن برحذر بود بلکه آن است که گریزی از آن نیست. چینی

۱۳ ـ با پول می‌توانی حتّی خدایان را به جنب و جوش واداری، بدون پول نمی‌توانی حتّی انسانی را به حرکت در آوری. چینی

۱۴ ـ برای اینکه انسان کمال یابد، صد سال کافی نیست ولی برای بدنامی او یک روز کافی است. چینی

۱۵ ـ برای دانشمند، هیچ کشوری بیگانه نیست. چینی

۱۶ ـ برای مرد توانا هیچ باری سنگین نیست. چینی

۱۷ ـ بهشت راهی دارد ولی هیچ‌کس این راه را طی نمی‌کند. جهنم دری دارد ولی مردم به زور راه خود را باز می‌کنند تا در آن راه یابند. چینی

۱۸ ـ به آتش دشمنی دیگران دامن مزن. چینی

۱۹ ـ با بردباری علف تبدیل به شیر می‌شود. چینی

۲۰ ـ باران در بهار به اندازه روغن گرانبهاست. چینی

۲۱ ـ بخودت سرزنش کن هم‌چنانکه دیگران را سرزنش می‌کنی دیگران را دوست بدار چنانکه خود را دوست داری. چینی

۲۲ ـ بهترین سواران به بدترین صورت زمین می‌خورند. چینی

۲۳ ـ برحذر بودن از یک نیزه عریان آسان است ولی احتراز از یک شمشیر پنهان دشوار. چینی

۲۴ ـ برای درو کردن دانش، یک باران اشک لازم است. چینی

۲۵ ـ بلندترین برج‌ها از روی زمین شروع می‌شوند. چینی

۲۶ ـ با ثروت می‌توان بر شیاطین فرمانروایی کرد. بدون ثروت حتّی نمی‌توان بره‌ای را احضار کرد. چینی

۲۷ ـ به زن اعتماد مکن ولو اینکه ده پسر برای تو زائیده باشد. چینی

۲۸ ـ برای یک کلمه مرد غالباً دانا حساب می‌شود و برای یک کلمه غالباً نادان خوانده می‌شود. چینی

۲۹ ـ به چشم بیش از گوش اعتماد کن. چینی

۳۰ ـ با زنت مشورت بکن ولی درست برعکس آنچه می‌گوید عمل بکن. چینی

۳۱ ـ برای بازرگان هیچ مسافتی دور نیست. چینی

۳۲ ـ ببر و آهو با هم به چرا نروند. چینی

۳۳ ـ با یاران همدم، می‌نوش، شعر را با شاعر از بر کن. چینی

۳۴ ـ بصیرت کنیز حقیقت است. چینی

۳۵ ـ برای آدم توانا هیچ باری سنگین نیست، برای بازرگان هیچ راهی دور نیست، برای دانشمند هیچ کشوری بیگانه نیست، برای آدم خوش زبان هیچ‌کس دشمن نیست. چینی

۳۶ـ برای بیرون کشیدن نخ، احتیاج به سوزن داری. چینی

۳۷ـ با صبر و بردباری، برگ توت مبدل به پیراهن ابریشمین می‌شود. چینی

۳۸ـ به عوض اینکه به تاریکی لعنت فرستید یک شمع روشن کنید. چینی

۳۹ـ با نیکان مصاحبت کن تا از نیکان تقلید بکنی. چینی

۴۰ـ با روباه، روباه صفت باش. تازی

۴۱ـ بزرگی به علم ادب است نه حسب و نسب. تازی

۴۲ـ برای مردان جوان، کتک معشوقه به مراتب شیرین‌تر از خرماست. تازی

۴۳ـ با هم برادر باشید ولی در ضمن حسابهایتان را نگاه بدارید. تازی

۴۴ ـ به هر طریق که توانستی با سگ رفیق شو ولی فراموش مکن عصایت را هم در کنارت آماده نگاه بداری. تازی

۴۵ـ با یهودی شام بخور ولی در خانه نصرانی بخواب! تازی

۴۶ـ بی‌گناه را کتک بزن تا گناهکار اعتراف کند! تازی

۴۷ـ بدبختی یکی است ولی برای افراد ناشکیبا دو تا می‌شود. تازی

۴۸ـ بهشت زیر پای مادران است. تازی

۴۹ـ بهشت را می‌توان فقط روی پشت اسب و یا در آغوش محبوبهٔ خود یافت. تازی

۵۰ـ با هم دوست شوید ولی همسایه یکدیگر نباشید. تازی

۵۱ـ باید با انگشتان خودت، سرت را بخارانی! تازی

۵۲ـ بهترین افراد کسانی هستند که از نیکی و خیر دیگران شاد شوند. تازی

۵۳ـ به فکر این‌که پادزهر داری، زهر مخور. تازی

۵۴ـ بردباری دوای دنیاست. تازی

۵۵ـ بردباری کلید شادمانی است و شتاب کلید اندوه. تازی

۵۶ ـ بی ارزش‌ترین چیزها در دنیا عبارتند از: بارانی که روی خاک لم‌یزرع می‌بارد، چراغی که در آفتاب گذاشته شده است. تازی

۵۷ـ با اینکه خیلی زیاد می‌دانی با کلاهت مشورت کن. ارمنی

۵۸ـ با دوستت شام بخور ولی با او معامله مکن. ارمنی

۵۹ـ بدبختی و خوشبختی دو خواهرند. ارمنی

۶۰ـ بینوای حقیقی کسی است که لئیم(خسیس) است. ارمنی

۶۱ـ با یک دست به مرغ غذا می‌دهد و با دست دیگر تخم‌مرغ را می‌رباید. ارمنی

۶۲ـ به کسی که حرف راست می‌زند اسب بدهید. (تا به کمک آن پس از اظهار حقیقت فرار کند). ارمنی

۶۳ـ بهتر است زن کور باشد تا خیلی زیبا. برمائی

۶۴ـ ببر بچه‌های خود را نمی‌خورد. برنئو

۶۵ـ بی‌عفتی در آغاز مانند تار عنکبوت است و در انجام مانند طناب. عبری

۶۶ـ به طبیب احترام بگذار قبل از اینکه به او محتاج شوی. عبری

۶۷ـ باران همسر زمین است. عبری

۶۸ـ به اندازه، قابل انعطاف باش و مانند سرو آزاد، سخت مباش. عبری

۶۹ـ بدون زن، خانه اقامتگاه شیطان بیش نیست. عبری

۷۰ـ بچه پزشک، از دوا می‌میرد نه از بیماری. عبری

۷۱ـ برای کسی که غرق شده است دنیا هم غرق شده است. عبری

۷۲ـ «بیشتر» میوهٔ «بسیار» است. عبری

۷۳ـ برای کسانی که قادرند راه بروند حتّی جنگل شاهراه است. عبری

۷۴ـ بگذار «بلی» تو «بلی» باشد و «نه» تو «نه». عبری

۷۵ـ بهتر است میان شیران دم باشی تا در میان روباهان سر. عبری

۷۶ـ برای بدست آوردن شغل حاضر باش حتّی پای سگ را بشویی. هندی

۷۷ـ برای اینکه بزرگ باشی نخست کوچک باش. هندی

۷۸ـ برای بیرون آوردن خار از خار استفاده کن(برای گرفتن دزد از دزد استفاده کن). هندی

۷۹ـ با یک دست بگیر و با دست دیگر بده. هندی

۸۰ـ بینوا غذا می‌طلبد و پولدار اشتها. هندی

۸۱ـ باد آورده را باد همی برد. فارسی

۸۲ـ بهر باد خرمن نشاید فشاند. فارسی

۸۳ـ برادری به جا، بزغاله یکی هفت‌صد دینار. فارسی

۸۴ـ با پا پس می‌زند با دست پیش می‌کشد. فارسی

۸۵ـ برادران جنگ کنند دشمنان باور کنند. فارسی

۸۶ـ بخت را در بازار نمی‌فروشند. فارسی

۸۷ـ بالای سیاهی رنگی نیست. فارسی

۸۸ـ به راحتی نرسید آن‌که زحمتی نکشید. فارسی

۸۹ـ به دشت آهوی ناگرفته مبخش. فارسی

۹۰ـ بر هر که بنگری به همین درد مبتلا است. فارسی

۹۱ـ به کارهای زشت عادت مکن زیرا ترک آن دشوار است. فارسی

۹۲ـ بی‌هنر آن‌که در آفاق کسش نیست حسود. فارسی

۹۳ـ بسا راهی است که یکی را خوشبخت و دیگری را بدبخت می‌سازد. فارسی

۹۴ـ بسا مراد که در ضمن نامرادی‌ها است. فارسی

۹۵ـ بازوی بخت به که بازوی سخت. فارسی

۹۶ـ به نرمی توان رخنه در سنگ کرد. فارسی

۹۷ـ به هوش باش دلی را به سهو مخراشی. فارسی

۹۸ـ بندهٔ رنج باش و راحت بین. فارسی

۹۹ـ بکن هر آنچه بشاید نه هر چه بتوانی. فارسی

۱۰۰ـ به هر کاری سر رشته نگهدار. فارسی

۱۰۱ـ بکاشتند و بخوردیم، کاریم و خورند. فارسی

۱۰۲ـ به کوشش نروید گل از شاخ بید. فارسی

۱۰۳ـ بادمجان بم آفت ندارد. فارسی

۱۰۴ ـ با ریسمان پوسیده ته چاه نباید رفت. فارسی

۱۰۵ ـ با قضا کارزار نتوان کرد. فارسی

۱۰۶ ـ به دعای گربه سیاه باران می‌بارد. فارسی

۱۰۷ ـ برنیاید ز مردگان آواز. فارسی

۱۰۸ ـ باد آورده را باد می‌برد. فارسی

۱۰۹ ـ بار در خانه گران است. فارسی

۱۱۰ ـ بسیار سفر باید، تا پخته شود خامی. فارسی

۱۱۱ ـ بار کج به منزل نمی‌رسد. فارسی

۱۱۲ ـ با یک گل بهار نمی‌شود. فارسی

۱۱۳ ـ بشر جایزالخطاست. فارسی

۱۱۴ ـ بچه عزیز است تربیت او عزیزتر. فارسی

۱۱۵ ـ بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر فارسی
دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

۱۱۶ ـ با خلق کرم کن چو خدا با تو کرم کرد. فارسی

۱۱۷ ـ ببخش و منت منه که نفع آن به تو باز گردد. فارسی

۱۱۸ ـ بر دوستی دوستان اعتماد نیست تا به تملق دشمنان چه رسد. فارسی

۱۱۹ ـ بوی پیاز از دهن خوبروی نغزتر آید که گل از دست زشت. فارسی

۱۲۰ ـ بینوایی به از مذلت خواست. فارسی

۱۲۱ ـ به نرمی درآید ز سوراخ مار. فارسی

۱۲۲ ـ برای عاشق بغداد دور نیست. آذربایجانی

۱۲۳ ـ بز گر از سرچشمه آب می‌خورد. آذربایجانی

۱۲۴ ـ به گرگ گفتند: ترا چوپان کرده‌اند، گریست. گفتند: چرا گریه می‌کنی؟ گفت: می‌ترسم دروغ باشد. آذربایجانی

۱۲۵ ـ باید قبایی پوشید که وصله‌اش در خانه هست. آذربایجانی

۱۲۶ ـ بتازی می‌گوید بگیر، به خرگوش می‌گوید بدو. آذربایجانی

۱۲۷ ـ به «بدبین» گفتند فالی نیک زن تا پس از مراجعت از سفر قبایی برایت بخرم، گفت: بلکه برنگشتی. آذربایجانی

۱۲۸ ـ بر سوگند کسی که زیاد سوگند می‌خورد اعتماد مکن. آذربایجانی

۱۲۹ ـ با تو بره خالی اسب گرفته نشود. آذربایجانی

۱۳۰ ـ برای فرار از دود وارد آتش مشو. آذربایجانی

۱۳۱ ـ بزرگان زور گویند، امّا دروغ نگویند. آذربایجانی

۱۳۲ ـ بستانکار تندرستی بدهکار را خواهانست. آذربایجانی

۱۳۳ ـ بیکاری؟ شاهد شو. پولداری؟ ضامن شو. آذربایجانی

۱۳۴ ـ بازار لانه شیطان است. آذربایجانی

۱۳۵ ـ بازار نه پدر را می‌شناسد و نه مادر را. ترکی

۱۳۶ ـ بهترین سرمایه نکوکاری است. ترکی

۱۳۷ ـ برای تندرست هر روز عروسی است. ترکی

۱۳۸ ـ به خاطر یک گل سرخ، باغبان نوکر هزار خار می‌شود. ترکی

۱۳۹ ـ با اینکه برادرند، جیب‌های‌شان خواهر نیستند. ترکی

۱۴۰ ـ برای دیوانه هر روز عید است. ترکی

۱۴۱ ـ بزرگترین شادی برای مرد آن است که دختر خود را شوهر دهد زیرا بدین‌وسیله انتقام خود را از مردم دنیا می‌گیرد. ترکی

۱۴۲ ـ با ارابه هرکس سفر می‌کنی تصنیف او را بخوان. ترکی

۱۴۳ ـ بگذار بخوریم و بنوشیم که فردا خواهیم مرد. کتب مقدس

۱۴۴ ـ به هرکاری که اقدام می‌کنی، عاقبتش را بیندیش، در این صورت هرگز راه غلط نخواهی رفت. کتب مقدس

۱۴۵ ـ با نیکی کردن به دیگران دینی که به همنوع داریم توانیم ادا کرد. کتب مقدس

۱۴۶ ـ بدون اعمال نیک هیچ‌کس رستگار نتواند شد. کتب مقدس

۱۴۷ ـ بدون آب، نیلوفری وجود نتواند داشت. کتب مقدس

۱۴۸ ـ برای مورچه چند قطره باران سیل است. ژاپنی

۱۴۹ ـ بدبختی هم می‌تواند پلی برای خوشبختی گردد. ژاپنی

۱۵۰ ـ با پیران هم‌چنان سلوک کن که با پدرت سلوک کنی. ژاپنی

۱۵۱ ـ بدترین دشمنان ما عبارتند از خواب، درد و گرسنگی. کردی

۱۵۲ ـ برای آدم خواب‌آلود، بالش لازم نیست. افغانی(پشتو)

۱۵۳ ـ بین آتش و آب فرق کم است. مالایا

۱۵۴ ـ بردباری دَرِ آسایش را باز می‌کند. شرقی(متفرقه)

۱۵۵ ـ به طرف یک هدف، هدف‌گیری کن. شرقی(متفرقه)

۱۵۶ ـ برای اینکه خوب حرف بزنیم باید اول فکر کنیم و برای اینکه تیر به هدف بخورد باید نخست به هدف‌گیری بپردازیم. شرقی(متفرقه)

۱۵۷ ـ برای اینکه شِیر و تخم مرغ بدست آوری، نباید گاو و مرغ را از خود بترسانی. شرقی(متفرقه)

۱۵۸ ـ برای اندرز خوب بهایی وجود ندارد. اسپانیولی

۱۵۹ ـ بدبختی، عقل را کور می‌کند. اسپانیولی

۱۶۰ ـ بارهای دیگران است که الاغ را می‌کشد. اسپانیولی

۱۶۱ ـ برای الاغ هیچ چیز بهتر از پالان نیست. اسپانیولی

۱۶۲ ـ برای کسی که زیاد می‌بیند یک چشم کافی است. اسپانیولی

۱۶۳ ـ بین سربازان و دوستان تعارفات زائد است. اسپانیولی

۱۶۴ ـ بنای کینه و نفرت، روی سنگ بی‌حرمتی‌ها ساخته شده است. اسپانیولی

۱۶۵ ـ بعضی‌ها آنچه را که می‌دانند می‌گویند و بعضی‌ها می‌دانند چه می‌گویند. اسپانیولی

۱۶۶ ـ با پول، تو نمی‌توانی خودت را بشناسی، بدون پول هیچ‌کس قادر به شناختن تو نخواهد بود. اسپانیولی

۱۶۷ - بینی پسر همسایه‌ات را پاک کن و او را به خانه‌ات ببر. اسپانیولی

۱۶۸ - بیماری که مقدر شده نمیرد، احتیاج به دارویی غیر از آب ندارد. اسپانیولی

۱۶۹ - به شجره نامه مرد خوب نگاه کن. اسپانیولی

۱۷۰ - با همان قاشقِ که انتخاب می کنی خواهی خورد. اسپانیولی

۱۷۱ - به کار دشوار باید چنان حمله کنیم که گویی آسان است و به کار آسان چنان روی آوری که گویی دشوار است. اسپانیولی

۱۷۲ - بدبخت‌ترین کسان، کسی نیست که دوست ندارد، بلکه کسی است که دشمن ندارد. اسپانیولی

۱۷۳ - به زنی که ریش دارد از دور سلام کن. اسپانیولی

۱۷۴ - بهترین کلمه سخنی است که باید زده شود. اسپانیولی

۱۷۵ - باد ملایم بهتر از زور بازوست. اسپانیولی

۱۷۶ - بدی اشخاص احمق، هم‌طراز با نیکی اشخاص عاقل است. اسپانیولی

۱۷۷ - بچه که زود دندان درآورد، پستان مادر را گاز می گیرد. اسپانیولی

۱۷۸ - به خاطر اینکه همسایگانت درستکار بمانند در منزلت را قفل کن. اسپانیولی

۱۷۹ - بزرگترینِ سارقان، کسی نیست که می‌دزدد چون فقیر و بی‌نواست بلکه کسی است که داراست و زیاد می‌دهد تا بیشتر بتواند بدزدد. اسپانیولی

۱۸۰ - برای این که زندگی زناشویی آرام باشد شوهر باید کَر و زن باید کور باشد. اسپانیولی

۱۸۱ - به شوهرت به عنوان یک دوست مهر بورز و به عنوان یک دشمن از او بترس. اسپانیولی

۱۸۲ - باده، مقبره حافظه است. اسپانیولی

۱۸۳ - بسیاری از افراد به خاطر یک استخوان خود را به سگ تبدیل می کنند. سوئدی

۱۸۴ - برای خوکان تنبل، زمین همیشه یخ زده است. سوئدی

۱۸۵ ـ باید به ملاقات دوستان و خویشان شتافت ولی نباید با آنها زندگانی کرد. سوئدی

۱۸۶ ـ بگذار اول کسانی بروند که راه را بلدند. آلبانی

۱۸۷ ـ با برادر خود، بخور و بنوش ولی معامله مکن. آلبانی

۱۸۸ ـ با سگان بخور و با گرگان زوزه بکش. آلبانی

۱۸۹ ـ به «در» بگو تا «پنجره» بشنود. آلبانی

۱۹۰ ـ برای یک کَک پتوی خود را آتش زد. آلبانی

۱۹۱ ـ برگ برگ، جنگل شود. آلبانی

۱۹۲ ـ با شکم خالی نمی‌توان خوب جست، با شکم پر اصلاً نمی‌توان جست. آلبانی

۱۹۳ ـ برای بازرگان یک چشم کافی است ولی برای مشتری حتّی صد چشم کم است. باسک

۱۹۴ ـ بهتر است کله موشی را داشته باشیم تا دم شیری. بلژیک

۱۹۵ ـ بیماری سواره می‌آید و پیاده می‌رود. بلژیک

۱۹۶ ـ با خویشانت بخور و بنوش ولیکن با آنها معامله مکن. بوسنی

۱۹۷ ـ بر حذر باش از کسی که به او بزرگترین خدمت را نموده‌ای. بوسنی

۱۹۸ ـ بالاترین قیمتی که شخص ممکن است برای چیزی بپردازد این است که آن شیئی را بخواهد. انگلیسی

۱۹۹ ـ به زن لال هم اگر اسرار خود را بسپاری فاش می‌کند. انگلیسی

۲۰۰ ـ به خاطر سایه الاغ که دعوا نمی‌کنند. انگلیسی

۲۰۱ ـ با ناسزا گفتن به دشمن او را شکست نتوان داد. انگلیسی

۲۰۲ ـ به تأخیر انداختن، دزد وقت است. انگلیسی

۲۰۳ ـ برای آن‌که پیش روی قاضی نایستی، پشت سر قانون راه برو. انگلیسی

۲۰۴ ـ بسا خوشی که پس از غم آید، چنانکه روز روشن پس از شب آید. انگلیسی

۲۰۵ ـ برای میهمان هر قدر هم که خرج کنی بالاخره از یاد مهمان می‌رود. انگلیسی

۲۰۶ ـ بعد از مرگ بیمار که نباید به فکر پزشک افتاد. انگلیسی

۲۰۷ ـ به آن‌کس احترام گذار که کلمه «میهن» را با احترام ادا می‌کند. آلمانی

۲۰۸ ـ برای خودت دعا کن؛ من سالمم. آلمانی

۲۰۹ ـ باید حرف هر دِو طرف را شنید. آلمانی

۲۱۰ ـ با قرض که داماد شدی، خنده خداحافظی می‌کند. آلمانی

۲۱۱ ـ به امید شانس نشستن همان و در بستر مرگ خوابیدن همان. آلمانی

۲۱۲ ـ بوی روباه می‌آید. آلمانی

۲۱۳ ـ بوسه مرد بی‌سبیل مثل نان بی‌پنیر است. آلمانی

۲۱۴ ـ بیکاری ام‌الفساد است. آلمانی

۲۱۵ ـ به وفای سگ خود تا دم مرگ اعتماد کن، اما به وفای زن خود تا موقعی اطمینان داشته باش که فرصتی برای خیانت نیافته است. آلمانی

۲۱۶ ـ بدبختان همیشه مقصرند. آلمانی

۲۱۷ ـ به ظاهر نباید قضاوت کرد. آلمانی

۲۱۸ ـ برای آدم ترسو تمام برگ‌ها به نظر می‌رسند که تکان می‌خورند. سوئیسی

۲۱۹ ـ بزرگترین اندوه‌ها در محمل و پرنیان پنهان است. سوئیسی

۲۲۰ ـ به غیر از وقت، هر چیز دیگر قابل خریداری است. سوئیسی

۲۲۱ ـ یک‌بار بازی کردن بهتر از هیچ کار نکردن است. سوئیسی

۲۲۲ ـ به رایگان حتّی یک کودک نصیبت نخواهد شد! اروپایی

۲۲۳ ـ بچه‌های کوچک، مسرتهای کوچک‌اند و بچه‌های بزرگ دردسرهای بزرگ. اروپایی

۲۲۴ ـ بهترین دوست انسان در آئینه است. اروپایی

۲۲۵ ـ با سگان عوعو کن و با گرگان زوزه بکش. ایتالیایی

۲۲۶ ـ با نیک‌مردان معاشرت کن تا بر تعدادشان بیفزایی. ایتالیایی

۲۲۷ ـ برای یک خانه چهار چیز لازم است: حبوبات، خروس، گربه و زن. ایتالیایی

۲۲۸ ـ برای بهانه‌گیر بهانه همیشه موجود است. ایتالیایی

۲۲۹ ـ بر حذر باش از کسی که چیزی را ندارد از دست بدهد. ایتالیایی

۲۳۰ ـ برای یک دولت غیرعادل، یک شهید، خطرناک‌تر از یک مرد انقلابی است. ایتالیایی

۲۳۱ ـ برای گول زدن زن کافی است به او بگوییم که زیباست. ایتالیایی

۲۳۲ ـ برای مرد هر گناه بزرگ، گناه صغیره است و برای زن هر گناه صغیره گناهی است بزرگ. ایتالیایی

۲۳۳ ـ برای دشمنی که در حال فرار است پلی از طلا بساز. ایتالیایی

۲۳۴ ـ برای اینکه با امن و سلامت در دنیا مسافرت کنی باید دارای چشمان باز، گوش خر، صورت بوزینه، زبان تاجر، پشت شتر، دهان گراز و پای گوزن نر باشی. ایتالیایی

۲۳۵ ـ به نسیه بخر و به نقد به فروش. لاتینی

۲۳۶ ـ بدون خطر نمی‌توان بر خطر غلبه کرد. لاتینی

۲۳۷ ـ بیمارهای ناشناخته از تمام بیماری‌ها بدترند. لاتینی

۲۳۸ ـ بعد از سه روز زن، مهمان و باران خیلی خسته‌کننده می‌شوند. لاتینی

۲۳۹ ـ برای آهنگر بودن باید دم کوره آهنگری کار کرد. لاتینی

۲۴۰ ـ برای یک عاشق، هیچ کاری دشوار نیست. لاتینی

۲۴۱ ـ برای عشق کهنه، درمانی وجود ندارد. لاتینی

۲۴۲ ـ برای آدم گرسنه نان شیرین‌تر از عسل است. لتوانی

۲۴۳ ـ برای یک آدم مست، حتّی یک قطره گران‌قیمت است. لتوانی

۲۴۴ ـ بدون طلا، حتّی نور درخشندگی خود را از دست می‌دهد. لتوانی

۲۴۵ ـ به شیطان یک انگشت بده و او تمام دستت را خواهد گرفت. لتوانی

۲۴۶ ـ به هر کاری که دست می‌یابی درباره پایان کار بیندیش. لتوانی

۲۴۷ ـ به هر سازی که می‌زنی برقص. مالت

۲۴۸ ـ بدون یک دسته از مردان شجاع، دلاوری وجود نتواند داشت. مونتونگرویی

۲۴۹ ـ برای آموختن، یک بار کوشش کافی است و برای فراموش کردن دوبار کوشش لازم است. مونتونگرویی

۲۵۰ ـ بر مردی که اشک می‌ریزد، اعتماد نشاید کرد، کمتر از او باید بر زنی که از عفت خود دفاع می‌کند اعتماد کرد. مونتونگرویی

۲۵۱ ـ برای اینکه ماهی خوشمزه شود باید سه بار شنا کند. یک‌بار در آب، یک‌بار در کَره و یک‌بار هم در مِی. لهستانی

۲۵۲ ـ بین زن کور و شوهر لال همیشه صلح حکمفرماست. لهستانی

۲۵۳ ـ بدون نان و نمک، عشق وجود نتواند داشت. لهستانی

۲۵۴ ـ بزرگترین محبت‌ها، مهر مادر است؛ بعد از آن مهر سگ است و بعد از آن مهر معشوقه. لهستانی

۲۵۵ ـ بدبختی سوار بر اسب می‌آید و پیاده می‌رود. لهستانی

۲۵۶ ـ برای فقراء هوا همیشه تاریک و سرد است. لهستانی

۲۵۷ ـ بیماری فقراء را کار درمان می‌کند و بیماری اغنیاء را پزشک. لهستانی

۲۵۸ ـ بهار یک دوشیزه است؛ تابستان یک مادر؛ خزان یک زن بیوه، و زمستان یک زن پدر. لهستانی

۲۵۹ ـ بر سگی که خفته و بر یهودی که سوگند یاد می‌کند و بر مرد مستی که عبادت می‌کند و بر زنی که می‌گرید اعتماد مکن. لهستانی

۲۶۰ ـ به هر کجا بروی از شر خود خلاص نتوانی شد. لهستانی

۲۶۱ ـ برای کسی که شکمش خالی است هر نوع باری سنگین است. روسی

۲۶۲ ـ برای آدم مست عمق دریا فقط تا زانوست. روسی

۲۶۳ ـ بسیاری افراد در خارج از خانه در جستجوی مس هستند در حالی که در داخل خانه‌شان طلاست. روسی

۲۶۴ ـ برای یک انسان تندرست، همه چیز سالم و تندرست است. روسی

۲۶۵ ـ برای هر بیماری، گیاهی در حال رشد و نمو است. روسی

۲۶۶ ـ برق اغلب اوقات درخت رعیت را از بین می‌برد و به جنگل اعیان و اشراف کاری ندارد. روسی

۲۶۷ ـ بدون باختن، برنده نتوانی شد. روسی

۲۶۸ ـ بدون کسب مهارت نمی‌توانی حتّی شپشی بگیری. روسی

۲۶۹ ـ بد اقبالی حاصل‌خیز است. روسی

۲۷۰ ـ با همنوعان آشتی کن و با گناهان خودت در جنگ و جدال باش. روسی

۲۷۱ ـ باید اغنیاء را غارت کرده، فقرا لخت و بی‌حاصل‌اند. روسی

۲۷۲ ـ با مردم مشورت کن ولی خودت تصمیم بگیرد. روسی

۲۷۳ ـ با پیران مشورت مکن بلکه با افرادی مشورت کن که سختی دیده‌اند. روسی

۲۷۴ ـ به خاطر شیطان هم شده، شمع روشن کن. روسی

۲۷۵ ـ بچه جغد در نظر مادرش ملکه زیبایی است! روسی

۲۷۶ ـ برای ثروتمندان حتّی شیطان‌ها تخم می‌گذارند. روسی

۲۷۷ ـ برخی افراد ارباب پولند و بعضی دیگر بردهٔ آن. روسی

۲۷۸ ـ برای برخی افراد مسکو مادر است و برای بعضی زن پدر. روسی

۲۷۹ ـ به آب در صحرا و هم‌چنین به زن در خانه نبایستی اطمینان داشت. روسی

۲۸۰ ـ با گرگ دوستی کنید ولی همواره تبری در دست نگاهدارید. روسی

۲۸۱ ـ بهتر است دهکده نابود شود تا مراسم قدیمی دهکده بر افتد. یوگسلاوی

۲۸۲ ـ به بیگانه لاف بزن، فقط به دوستان درد دل کن. یوگسلاوی

۲۸۳ ـ بر هیچ‌کس به غیر از خودت و اسبت اعتماد مکن. یوگسلاوی

۲۸۴ ـ بدون عرق ریختن نمی‌توان عسل بدست آورد. یوگسلاوی

۲۸۵ ـ بدبختی در کنار خوشبختی ایستاده است. یوگسلاوی

۲۸۶ ـ با کسی درد دل کن که به فریادت می‌رسد. یوگسلاوی

۲۸۷ ـ برای گرگ آسان‌تر است گوسفند را از یک چوپان بدزدد تا دو چوپان. یوگسلاوی

۲۸۸ ـ با یک چشم مراقب بالا است و با چشم دیگر مراقب پائین. اسکاتلندی

۲۸۹ ـ بر عیوب و تقصیرات جزئی دیگران چشمک نزنید زیرا خود شما عیب‌های بزرگ دارید. اسکاتلندی

۲۹۰ ـ بگذار کسی که سردش هست، آتش را خاموش کند. اسکاتلندی

۲۹۱ ـ به دشمنت نگو پایت کی خواب می‌رود. اسکاتلندی

۲۹۲ ـ برای زنده همیشه زندگی هست. اسکاتلندی

۲۹۳ ـ بینی‌ات را دیدم و خرخرت را هم شنیدم؛ کافی است! اسکاتلندی

۲۹۴ ـ برنج و آویشن هر دو در یک باغ رشد و نمو می‌کنند. اسکاتلندی

۲۹۵ ـ با فرزندی که پدرش را به دار آویخته‌اند از طناب سخن نگویید. اسکاتلندی

۲۹۶ ـ بردهٔ برده است آن کسی که به هیچ‌کس غیر از خودش خدمت نمی‌کند. اسکاتلندی

۲۹۷ ـ با باد بیا و با آب برو. اسکاتلندی

۲۹۸ ـ بهترین طریقه خوش اقبالی آماده بودن برای بد اقبالی است. ولز

۲۹۹ ـ برای هر چیز پیمانه‌ای هست جز برای خیرات و صدقه. ولز

۳۰۰ ـ برای همسفر شدن با شیطان داشتن قاشق بلند لازم است. ولز

۳۰۱ ـ به گوش کمتر از چشم اعتماد کن. ولز

۳۰۲ ـ بذر هر عظمت، کوچک است. ولز

۳۰۳ ـ با یک دستت بینداز و با دو دستت بجوی. ولز

۳۰۴ ـ بلوط زودتر از تمشک جنگلی در برابر طوفان از پای در می‌آید. ولز

۳۰۵ ـ با ثروت نمی‌توان سلامتی را خرید ولی می‌توان آن را از بین برد. بلغارستانی

۳۰۶ ـ با سکوت می‌توان شیطان را عصبانی کرد. بلغارستانی

۳۰۷ ـ برای یک گاری پر از کوزه سفالی، یک ضربه عصا کافی است. بلغارستانی

۳۰۸ـ بیگانگان می‌بخشند، والدین فراموش می کنند. بلغارستانی

۳۰۹ـ بهترین شناگران غرق می‌شوند. بلغارستانی

۳۱۰ـ بچه‌ها، ابلهان و افراد مست حرف راست می‌زنند. بلغارستانی

۳۱۱ـ برای عروسی صبر کن تا دعوتت کنند، برای تشییع جنازه دعوت نکرده برو. بلغارستانی

۳۱۲ـ برای زندگان کار کن و مردگان را خشنود ساز. بلغارستانی

۳۱۳ـ بهتر از همه، کسی می‌خندد که آخر از همه می‌خندد. جزائر انگلیس

۳۱۴ـ بهترین ذخیرهٔ فردا کار نیک امروزه است. جزائر انگلیس

۳۱۵ـ بهترین دوستان آدمی، ده انگشتانش هستند. جزائر انگلیس

۳۱۶ـ برای اصلاح و تزکیه نفس هیچ‌وقت دیر نیست. جزائر انگلیس

۳۱۷ـ بعد از هر طوفان، بود آرامشی. جزائر انگلیس

۳۱۸ ـ بچه‌ها دربارهٔ آنچه انجام می‌دهند سخن می گویند، افراد سالخورده درباره آنچه انجام می‌دادند و ابلهان درباره آنچه می‌خواهند انجام بدهند و عقلاء درباره آنچه شایسته و مناسب است که انجام دهند. کرواتی

۳۱۹ـ بدون تندرستی هیچ‌کس ثروتمند نیست. کرواتی

۳۲۰ـ بدون پول انسان نمی‌تواند به جایی (حتّی به کلیسا) برود. کرواتی

۳۲۱ـ به گوش یک خرس، ضربه وارد مکن. چک

۳۲۲ ـ بچه‌های کوچک حریره می‌خورند و بچه‌های بزرگ دل‌های والدین خود را. چک

۳۲۳ـ با همه دوست است و نسبت به هیچ‌کس صمیمی نیست. چک

۳۲۴ـ برای یک اسب خسته، حتّی دمش باری است گران! چک

۳۲۵ ـ بیماری از طرق مختلف به سراغ انسان می‌آید ولی همیشه ناخوانده است. چک

۳۲۶ـ بدبختی همیشه از دری وارد می‌شود که برای او باز گذاشته شده است. چک

۳۲۷ ـ برای گناهان دیگران دارای چشمان «سیاه‌گوش» هستیم و برای گناهان خود دارای چشمان موش کور. چک

۳۲۸ ـ بنفشه‌ها و زنبق‌ها همیشه گل نمی‌دهند. چک

۳۲۹ ـ بچه‌های کوچک، غم‌های کوچک، بچه‌های بزرگ، غم‌های بزرگ. دانمارکی

۳۳۰ ـ بسیاری از افراد مانند ساعتند؛ ساعتی را نشان می‌دهند و ساعتی دیگر می‌زنند! دانمارکی

۳۳۱ ـ برای دشمن مغلوب، پل زرین بساز. دانمارکی

۳۳۲ ـ به دوستت پول قرض بده و از دشمنت پولت را پس بخواه! دانمارکی

۳۳۳ ـ به هیچ‌کس اجازه مده توی قلبت و کیفت نگاه کند. دانمارکی

۳۳۴ ـ بدبختی و نیکبختی مانند سطل‌ها در چاه‌اند. یک سطل که بالا آمد، سطل دیگر پایین می‌رود. دانمارکی

۳۳۵ ـ بدبختی به آسانی دارای خواهر و یا برادر کوچک می‌شود. دانمارکی

۳۳۶ ـ بین دو نقطه، نمی‌توان بیش از یک خط مستقیم کشید. دانمارکی

۳۳۷ ـ بینوا به خیلی چیزها احتیاج دارد و لئیم (خسیس) به همه چیز. دانمارکی

۳۳۸ ـ بازرگانی که همیشه نفع می‌برد، بازرگان نیست. دانمارکی

۳۳۹ ـ بیماری سواره می‌آید و پیاده می‌رود. دانمارکی

۳۴۰ ـ بسیاری از افراد همسایگان خود را الاغ می‌خوانند و کیسه‌های مرا خود برمی‌دارند. هلندی

۳۴۱ ـ بسیاری از افراد در را می‌بندند تا پنجره را باز کنند. هلندی

۳۴۲ ـ بلاهت، بال عقاب و چشم جغد دارد. هلندی

۳۴۳ ـ به آباد کردن باغ خود بپرداز. هلندی

۳۴۴ ـ با گریهٔ به دنیا می‌آیی ولی چنان زندگانی کن که با خنده از دنیا بروی. هلندی

۳۴۵ ـ با مرور زمان عیوب کوچک تبدیل به رذائل می‌گردند. هلندی

۳۴۶ـ با جاروی کهنه هم اطاق را جارو توان کرد. استونی

۳۴۷ـ بدون ارباب، مزرعه یتیم است. استونی

۳۴۸ـ به اندازه کافی وقت هست که در گور خمیازه بکشی. استونی

۳۴۹ـ بی‌عدالتی بها ندارد. استونی

۳۵۰ـ بدبختی و خوشبختی دوش به دوش هم راه می‌روند. استونی

۳۵۱ـ با هر مقیاس که تو دیگران را اندازه می‌گیری با همان مقیاس اندازه گرفته خواهی شد. استونی

۳۵۲ـ بامداد عاقلتر از غروب است. استونی

۳۵۳ـ بچه‌ای که پدر ندارد، نیمه یتیم است، بچه‌ای که مادر ندارد یتیم کامل است. استونی

۳۵۴ـ بردباری تمام مشقت‌ها را سبک می‌گرداند. استونی

۳۵۵ـ بردهٔ ثروت‌ها فقر است. استونی

۳۵۶ـ باد و طوفان، تعطیلات دریانورد است. استونی

۳۵۷ـ برای معامله و تجارت، عقل و شعور لازم است و برای رقص موسیقی. فنلاندی

۳۵۸ـ برای زن، دوری از مرد خطرناکست و برای مرد، نزدیکی به زن. فنلاندی

۳۵۹ـ برای آدم خوشحال هر گیاه هرزه گلی است؛ و برای آدم مصیبت دیده هر گل گیاه هرزه‌ای. فنلاندی

۳۶۰ـ به خویشان فقیر و زخم جزئی بی‌اعتنایی مکن. فنلاندی

۳۶۱ـ بدبختی محک دوستی است. فنلاندی

۳۶۲ـ بی‌نظمی خوشایند و زیبا، نتیجهٔ تأثیر هنر است. فرانسوی

۳۶۳ـ بهتر، دشمن خوب است. فرانسوی

۳۶۴ـ برای چشمان دردناک، نور، ظلمت است. فرانسوی

۳۶۵ـ برخی افراد ساکت و خاموش خطرناکند. فرانسوی

۳۶۶ـ بسیاری از افراد خوب هستند چون نمی‌توانند بدی کنند. فرانسوی

۳۶۷ـ برای اینکه شخص به اندازه کافی خوب باشد باید خیلی خوب باشد. فرانسوی

۳۶۸ـ بیش از حد عاقل بودن، کار عاقلانه‌یی نیست! فرانسوی

۳۶۹ـ بزرگترین اندیشه‌ها از دل برمی‌خیزند. فرانسوی

۳۷۰ـ برای اینکه با همِ آسوده زندگانی کنند، شوهر باید کر باشد و زن کور. فرانسوی

۳۷۱ـ برای تمام مصائب دو علاج وجود دارد: گذر زمان و سکوت. فرانسوی

۳۷۲ـ بدون رشک عشق وجود نتواند داشت. فرانسوی

۳۷۳ـ بر، برچسب کیسه، اعتماد نشاید کرد. فرانسوی

۳۷۴ـ برای اینکه فراتر به جهد، انسان باید چند قدم عقب برود. فرانسوی

۳۷۵ـ بسیاری از افراد در نتیجه داروهایی که می‌خورند می‌میرند، نه در نتیجه بیماری‌هایشان. فرانسوی

۳۷۶ـ بدبختی سواره می‌آید و پیاده می‌رود. فرانسوی

۳۷۷ـ بدگمانی مادر ایمنی است. فرانسوی

۳۷۸ـ برای کسی که بیش از آنچه نیاز دارد و میخرد چاره‌ای جز این نیست که آنچه را که زیادی خریده است بفروشد. فرانسوی

۳۷۹ـ با بیلچه بردباری ریشه‌های حقیقت را حفر می‌کنیم. فرانسوی

۳۸۰ـ برای کبوتر سیر، گیلاس‌ها ترش است. فرانسوی

۳۸۱ـ باران همیشه روی افرادی می‌بارد که تر و خیس هستند. فرانسوی

۳۸۲ـ برنده‌ترین اسلحه زن گریه است. فرانسوی

۳۸۳ـ بازوی دلیر، شمشیر کوتاه را دراز می‌گرداند. فرانسوی

۳۸۴ـ با حقیقت عشق بورز ولی اشتباه را عفو کن. فرانسوی

۳۸۵ـ برای یک زن یک بوسهٔ دراز و چسبنده به منزلهٔ یک جام داروی بیهوشی است. فرانسوی

۳۸۶ـ برای سرخ کردن فقر احتیاجی به کره نیست. فرانسوی

۳۸۷ ـ برای اینکه گرگ را آرام کنی، به او زن بده (برای اینکه پسر لجوج و شرور را آرام کنی، زنش بده). فرانسوی

۳۸۸ ـ بمیر اما گدا باش. فرانسوی

۳۸۹ ـ بزرگترین اشتباهات، عجله در عروسی است. فرانسوی

۳۹۰ ـ بوسه ربودن از لبان وحشی و رام نشده دلچسب‌ترین بوسه‌هاست. فرانسوی

۳۹۱ ـ بخت به دلیران لبخند می‌زند. فرانسوی

۳۹۲ ـ بدتر از آب ساکن آبی نیست. فرانسوی

۳۹۳ ـ باید مایملک قیصر را به قیصر پس داد. فرانسوی

۳۹۴ ـ بیکاری ام‌الفساد است. فرانسوی

۳۹۵ ـ با صبر و حوصله هر کاری را می‌توان به آخر رساند. فرانسوی

۳۹۶ ـ بهتر است سر وکار انسان مستقیماً با خدا باشد تا با ائمه او. فرانسوی

۳۹۷ ـ بهتر است آدمی طرف حسادت مردم واقع شود تا طرف ترحم آنها. فرانسوی

۳۹۸ ـ با لنگر طلایی می‌توان در هر خلیجی لنگر انداخت. آلمانی

۳۹۹ ـ بهتر است دوبار سئوال کنی تا این‌که یک‌بار راهی را اشتباهی بروی. آلمانی

۴۰۰ ـ بشکه خالی بیش از بشکه پر صدا می‌کند. آلمانی

۴۰۱ ـ بسیاری از افراد زنبور دارند و موم می‌خرند. آلمانی

۴۰۲ ـ «بهترین» غالباً دشمن «خوب» است. آلمانی

۴۰۳ ـ به دنبال تملک و دارائی تشویش و نگرانی می‌آید. آلمانی

۴۰۴ ـ بسیاری از افراد که حتّی قادر نیستند کلبه‌ای روی زمین بسازند کاخ‌های عظیم و غول پیکر در آسمان بنا می‌کنند. آلمانی

۴۰۵ ـ برای بسیاری از افراد وجدان در وسط خیابان بسر می‌برد. آلمانی

۴۰۶ ـ با اینکه ایام برادرند. به ندرت شبیه به هم هستند. آلمانی

۴۰۷ ـ به اغنیاء می‌دهیم و از فقراء می‌گیریم. آلمانی

۴۰۸ ـ برای اغنیاء فقرا چون صخره‌اند در دریا. آلمانی

۴۰۹ ـ برای هر زخم مرهمی وجود دارد. آلمانی

۴۱۰ ـ بهترین توبه، خودداری از ارتکاب گناه است. آلمانی

۴۱۱ ـ با دیگران کم حرف بزن و با خودت بسیار. آلمانی

۴۱۲ ـ برای یکی مرگ است و برای دیگری نان. آلمانی

۴۱۳ ـ برای مرد زحمت‌کش هفته هفت «امروز» دارد و برای تنبل هر هفته هفت «فردا». آلمانی

۴۱۴ ـ بیماری بنفسه طبیب است. آلمانی

۴۱۵ ـ بدون دوستان بسر بردن بدتر از داشتن دشمنان است. آلمانی

۴۱۶ ـ برای بدست آوردن رفیق باید به جستجو پرداخت؛ دشمن بدون کمک فانوس پیدا خواهد شد. آلمانی

۴۱۷ ـ باغ عطار مرد فقیر است. آلمانی

۴۱۸ ـ به کار بستن یک اندرز خوب به اندازه دادن آن دشوار است. آلمانی

۴۱۹ ـ باید در را برای روز سعید باز کرد ولی انتظار روز نحسی را داشت. آلمانی

۴۲۰ ـ بگذار هر کس در فاضلاب خود نگاه کند. آلمانی

۴۲۱ ـ بهشت و جهنم در دل توست. آلمانی

۴۲۲ ـ برای مرد گرسنه، ساعت هر چه بخواهد باشد، هنگام ظهر است. آلمانی

۴۲۳ ـ بی‌اعتدالی دایه پزشک است. آلمانی

۴۲۴ ـ برای آن‌که سگ دروغ بتواند زندگی کند به دم دروغ دیگر احتیاج دارد تا از آن تغذیه نماید. آلمانی

۴۲۵ ـ بسیاری از افراد در موقعی که برنده می‌شوند، می‌بازند و بسیاری دیگر وقتی که می‌بازند برنده می‌شوند. آلمانی

۴۲۶ ـ بر این سه مشاور اعتماد مکن: عشق، شراب و شب. آلمانی

۴۲۷ ـ برای کسی که عاشق است هر لکه جوهر یک «ونوس» است. آلمانی

۴۲۸ ـ بدبختی، قرص‌های خود را در کاغذ فلون نمی‌پیچد. آلمانی

۴۲۹ ـ بدگمانی مادر ایمنی است. آلمانی

۴۳۰ ـ بزرگترین کوه‌ها دارای بزرگترین دره‌ها هستند و افراد خیلی فهمیده غالباً بزرگترین اشتباهات را مرتکب می‌شوند. آلمانی

۴۳۱ ـ بسیاری از افراد درخت زندگی را به خاطر درخت حکمت دوست می‌دارند. آلمانی

۴۳۲ ـ به هر کس خدا زن می‌دهد، به او بردباری هم می‌دهد. آلمانی

۴۳۳ ـ بادها جاروهای دنیا هستند. آلمانی

۴۳۴ ـ به گرگ چلاق اعتماد مکن مگر این‌که خودت پایش را شکسته باشی. آلمانی

۴۳۵ ـ بین «نه» و «آری» یک زن نمی‌توان سر سوزنی قرار داد. آلمانی

۴۳۶ ـ به هر چه که قدیمی است باید احترام گذاشته شود. یونانی

۴۳۷ ـ برای کسی که خوشبخت است حتّی خروس تخم می‌گذارد. یونانی

۴۳۸ ـ به من «امروز» را بده و «فردا» را بگیر. یونانی

۴۳۹ ـ برای تولد فقط یک طریق هست و برای مردن هزار طریق. طبرستانی

۴۴۰ ـ به من رفیق بده که با من گریه کند، رفیقی که با من بخندد به آسانی خودم پیدایش می‌کنم. طبرستانی

۴۴۱ ـ بیماری لیتر لیتر می‌آید و گرم گرم می‌رود. طبرستانی

۴۴۲ ـ برای این‌که مغز را بخوری اوّل پوست را بشکن. طبرستانی

۴۴۳ ـ بدبختی دم درازی دارد. طبرستانی

۴۴۴ ـ برای یک کشتی غرق شده هر بادی که می‌وزد باد مخالف است. طبرستانی

۴۴۵ ـ برای مرد فقیر حتّی خویشاوند دشمن است، ولی برای ثروَتمند حتّی دشمن قوم و خویش است. طبرستانی

۴۴۶ ـ بزرگترین گناه این است که گناه را نشناسیم. طبرستانی

۴۴۷ ـ بچه‌های مرد لئیم دزد می‌شوند. طبرستانی

۴۴۸ ـ با به کار بردن دست‌هایمان قوی می‌گردیم و با به کار بردن مغزهای‌مان عاقل و با به‌کار بردن قلوب‌مان رحم دل. طبرستانی

۴۴۹ ـ بهترین بُخورها از درختان کهن به دست می‌آید. سیلزی

۴۵۰ ـ بوسه بدون ریشِ مانند شوربای بی‌نمک است. سیلزی

۴۵۱ ـ بهترین زن‌ها آنهایی هستندکه درباره‌شان کمتر صحبت می‌شود. سیلزی

۴۵۲ ـ بیماری‌های دردناک بی‌خطرتر از بیماری‌های بی‌دردند. اسلواکی

۴۵۳ ـ بگذار دندان‌هایت به زبانت افسار زند. اسلواکی

۴۵۴ ـ بر دیوار سست تکه مزن. اسلواکی

۴۵۵ ـ بر درخت میوه‌ای که میوه‌اش خود به خود می‌افتد سنگ میانداز. اسلواکی

۴۵۶ ـ برای آدم زحمت‌کش قرص نانی در پشت هر درخت و سکه پولی زیر هر سنگ نهفته است. اسلواکی

۴۵۷ ـ بدبختی ناگهانی، بدبختی دو برابر است. اسلواکی

۴۵۸ ـ بیماری مزه تندرستی را می‌چشاند. مجارستان

۴۵۹ ـ بستر طلایی به چه درد بیمار می‌خورد؟ مجارستان

۴۶۰ ـ بوسه‌های مکرر به بچه پایان می‌یابد. مجارستان

۴۶۱ ـ برق زده صدای رعد را نمی‌شنود. مجارستان

۴۶۲ ـ باد می‌تواند درخت بلوط را بر زمین اندازد ولی نمی‌تواند ریشه‌هایش را از بین برد. مجارستان

۴۶۳ ـ بین چانه و ریش فاصله کوتاه است. ایسلند

۴۶۴ ـ بهترین دوست انسان سگ است، که حتّی بهتر از زن انسان است. ایسلند

۴۶۵ ـ باید رحم کرد بر آن مردی که هرگز محسود واقع نمی‌شود. ایسلند

۴۶۶ ـ بچه لنگر مادرست، او نمی‌تواند از لنگرگاهش جدا شود. اتازونی

۴۶۷ ـ برای آغاز معامله دو نفر لازم است و برای به هم زدن معامله هم دو نفر. اتازونی

۴۶۸ ـ برف کود مرد فقیرست. اتازونی

۴۶۹ ـ بین آغاز و انجام، همیشه میانی هم هست. برزیلی

۴۷۰ ـ بهتر است انسان خود را از شر محفوظ نگهدارد تا این‌که پس از گرفتار شدن در دست آن درصدد رهایی برآید. شیلی

۴۷۱ ـ بینوا حتّی روی جادهٔ صاف سکندری می‌خورد. شیلی

۴۷۲ ـ با همان معیاری که تو اندازه می‌گیری، دیگران هم تو را خواهند سنجید. شیلی

۴۷۳ ـ با صبر و آب دهان، فیل می‌تواند مورچه را هم ببلعد. کلمبیا

۴۷۴ ـ برای هر سگ ریسمانی وجود دارد. کلمبیا

۴۷۵ ـ بشنو و ببین درباره دیگران چه می‌گویند تا بفهمی پشت سر تو چه می‌گویند. کوبا

۴۷۶ ـ برای بیاد آوردن بدبختی‌ها، قوه نبوت لازم نیست. نگرویی

۴۷۷ ـ به علت داشتن قلب خوب است که خرچنگ بی‌کله است! نگرویی

۴۷۸ ـ بدهکار شناگری است که پوتین در پا دارد. نگرویی

۴۷۹ ـ باید خیلی کر باشد کسی که شیپور ناهار را نمی‌شنود. نگرویی

۴۸۰ ـ بدترین دشمن تو کنارت در خانه بسر می‌برد. نگرویی

۴۸۱ ـ برای صیاد، ماهی هرگز گندیده نیست (هیچ بچه‌ای در نزد مادرش زشت و بد نیست). نگرویی

۴۸۲ ـ با مردی که نمی‌توانی مغلوبش کنی، باید دوست شوی. نگرویی

۴۸۳ ـ به من بگو چه افرادی را دوست می‌داری تا به تو بگویم که کیستی. نگرویی

۴۸۴ ـ برای عشق، عروسی و برای پول کار کن. نگرویی

۴۸۵ ـ بیماری سوار بر اسب می‌اید و سوار بر لاک پشت می‌رود. نگرویی

۴۸۶ ـ به کسی که کار کرده است پاداشی بده تا تنبل‌ها سوء استفاده نکنند. استرالیایی

۴۸۷ ـ به طرف بالا نگاه کن تا ستارگان را ببینی. استرالیایی

۴۸۸ ـ با یک دست نمی‌توان بقچه را بست. لیبریا و فیمبریا

۴۸۹ ـ براهین دادگاهی تمام قابل قبولند. ترانسوال

۴۹۰ ـ بدون یهین، رمه‌ای وجود نتواند داشت. ترانسوال

۴۹۱ ـ بر افتادگان مخند، ممکن است فرا راه تو، این گاه‌هایی وجود داشته باشد. ترانسوال

۴۹۲ ـ بدون رفیق حتّی بهشت جهنم است. مصری

۴۹۳ ـ بچه‌ای که سئوال می‌کند، کودن نیست. داهومی

۴۹۴ ـ برای مرض‌الموت دوایی وجود ندارد. گینه فرانسوی

۴۹۵ ـ با بردباری زندگانی کن و بدان کسانی‌که از تو نفرت دارند بیش از افرادی هستند که به تو علاقمندند. نیجریای شمالی

۴۹۶ ـ برای این‌که تند و از راه کوتاه برود، کرم موجبات هلاکت خود را فراهم کرد. هایا

۴۹۷ ـ بز کوچک از همان علف می‌خورد که بز بزرگ خورده است. دایبو

۴۹۸ ـ با این‌که شیر غرش می‌کند، بچهٔ خود را نمی‌خورد. رودسیای شمالی

۴۹۹ ـ بینی سگ همیشه سرد است. لیبو

۵۰۰ ـ به کرم ابریشم برگ نشان ندهید. کنگوی بلژیک

۵۰۱ ـ به کسانی کمک کن که نمی‌توانند به خود کمک کنند. کنگوی بلژیک

۵۰۲ ـ برداشتن بار نمکی که روی دوش یک مرد دیگر است آسان می‌باشد. کنگوی بلژیک

۵۰۳ ـ برای گرفتن انتقام غالباً باید به ایثار نفس پرداخت. کنگوی بلژیک

حرف پ

۱ - پشت سر مرد شایسته و لایق، مردان شایسته و لایق هستند. چینی
۲ - پسر یک پزشک بزرگ غالباً در اثر ابتلاء به بیماری می‌میرد. چینی
۳ - پول نمی‌تواند اشیایی را که فروشی نیست بخرد. چینی
۴ - پول زشتی‌ها را می‌پوشاند. چینی
۵ - پول صد پا دارد. چینی
۶ - پول خرج کردن مانند فروکش شدن آب در شنزار است. چینی
۷ - پول باعث می‌شود که کور بینا شود و مرد روحانی کتاب‌های مقدسش را بفروشد. چینی
۸ - پاکی و ناپاکی نمی‌توانند با هم به سر برند. چینی
۹ - پولدار فکر آتیه را می‌کند و فقیر فکر حال را. چینی
۱۰ - پرنده بزرگ دانهٔ کوچک بر نمی‌چیند. چینی
۱۱ - پایان شب آغاز روز است. تازی
۱۲ - پرده شک را با سئوالات از بین ببرید. تازی
۱۳ - پا درد فراموش می‌شود ولی سردرد هرگز فراموش نمی‌شود. ارمنی
۱۴ - پزشک باید سالخورده و قاضی باید جوان باشد. برمائی
۱۵ - پول مانند کیک است، یک لحظه این‌جاست و لحظه دیگر معلوم نیست کجاست! چاوتنک
۱۶ - پول خودت گل است؛ پول دیگران خس و خاشاک. عبری
۱۷ - پدر و مادر هر دو گیاه هرزه‌اند ولی پسر زعفران است. عبری
۱۸ - پرهیز داروست. عبری
۱۹ - پاکی و بی‌آلایشی حدی، و فساد و بی‌عفتی آغازی ندارد. عبری
۲۰ - پس از خوردن نُهصد موش اکنون گربه قصد زیارت را دارد! هندی
۲۱ - پیروزی فضیلت، موجب انحطاط رذیلت می‌گردد. هندی
۲۲ - پیری و هزار عیب! هندی

۲۳ ـ پول پول را پیدا می‌کند. هندی

۲۴ ـ پایه پایه رفت باید سوی بام. فارسی

۲۵ ـ پا را به قدر گلیمت دراز کن. فارسی

۲۶ ـ پس از مرگ سهراب، نوشدارو؟ فارسی

۲۷ ـ پایان شب سیه سپید است. فارسی

۲۸ ـ پز عالی، جیب خالی. فارسی

۲۹ ـ پسر گر ندارد نشان از پدر فارسی

تو بیگانه خوانش مخوانش پسر

۳۰ ـ پدر را عسل بسیار است ولی پسر گرمی داراست. فارسی

۳۱ ـ پنجه با شیر زدن و مشت با شمشیر کار خردمندان نیست. فارسی

۳۲ ـ پیش دیوار آن‌چه گویی هوش‌دار فارسی

تا نباشد در پس دیوار گوش

۳۳ ـ پندگیر از مصائب دگران فارسی

تا نگیرند دیگران بتو پند

۳۴ ـ پیکان از جراحت به در آید و آزار در دل بماند. فارسی

۳۵ ـ پول حرام در راه حرام خرج می‌شود. آذربایجانی

۳۶ ـ پرگو بیشتر گیر می‌افتد. آذربایجانی

۳۷ ـ پاها معایب سر را حمل می‌کنند. ترکی

۳۸ ـ پایان جدایی ملاقات مجدد است. ترکی

۳۹ ـ پوست روباه را سرانجام در دباغ خانه می‌کنند. ترکی

۴۰ ـ پیوند عشق واقعی ناگسستنی است. کتب مقدس

۴۱ ـ پول گوش ندارد ولی می‌شنود. ژاپنی

۴۲ ـ پیام‌آور شغال، شغال است و پیامبر شیر، شیر. افغانی(پشتو)

۴۳ ـ پدر شدن کار دشواری نیست. شرقی(متفرقه)

۴۴ ـ پتو برای گدا شال است. شرقی(متفرقه)

۴۵ ـ پول کم به زحمت و پول زیاد به سهولت خرج می گردد. شرقی(متفرقه)

۴۶ ـ پسر الاغ روزی دوبار عرعر می کند. اسپانیولی

۴۷ ـ پرچم ما خون و طلاست. اسپانیولی

۴۸ ـ پای عادت بد را بشکن. اسپانیولی

۴۹ ـ پنهان کردن دانش خود بهتر از آشکار کردن نادانی خود است. اسپانیولی

۵۰ ـ پروانه غالباً فراموش می کند که روزی کرم بوده است. سوئدی

۵۱ ـ پیری نشان می‌دهد که شخص در جوانی چه بوده است. سوئدی

۵۲ ـ پایان ماهیگیری داشتن ماهی است و عاقبت ازدواج کودک. انگلیسی

۵۳ ـ پشم گوسفندت را سالی یک‌بار بچین اما خوب بچین. انگلیسی

۵۴ ـ پزشکان غالباً خودشان مریض هستند. انگلیسی

۵۵ ـ پولی که از کلاهبرداری به دست می‌آید، خرج کلاه سرکچل می‌شود. آلمان

۵۶ ـ پول بازار را بوجود می‌آورد نه مردم را. سوئیسی

۵۷ ـ پند و رأی زنان اغلب مهلک است. اروپا

۵۸ ـ پس از تمام شدن بازی شطرنج، شاه مانند پیاده داخل کیسه می‌رود. ایتالیایی

۵۹ ـ پای دروغ کوتاه است. ایتالیایی

۶۰ ـ پول، برادر پول است. ایتالیایی

۶۱ ـ پول جلو چشمان همه هست ولی فقط عده‌ای معدود مالک آنند. ایتالیایی

۶۲ ـ پادزهر را قبل از زهر مصرف مکن. لاتین

۶۳ ـ پشم گوسفند را بچین، پوستش را مکن. لاتین

۶۴ ـ پیری نوعی بیماری است. لاتین

۶۵ ـ پاهای اندوه کوتاه است. لتوانی

۶۶ ـ پوست گرگ روی بره در نمی‌آید. لتوانی

۶۷ ـ پنیر در هنگام بامداد طلاست هنگام ظهر نقره است و هنگام شب سرب. لهستانی

۶۸ ـ پوست روباه را در بیشه مفروش. رومانی

۶۹ ـ پولی که حاضر و آماده است، جادوگر می‌باشد. روسی

۷۰ ـ پول جایی می‌رود که پول هست. روسی

۷۱ ـ پول ارباب جهانیان است. یوگسلاوی

۷۲ ـ پول دم لغزنده‌ای دارد. یوگسلاوی

۷۳ ـ پرنده‌ای که با یک بال می‌پرد، نامنظم خواهد پرید. اسکاتلندی

۷۴ ـ پای خود را دوست خود گردان. اسکاتلندی

۷۵ ـ پوست پر چین و چروک به آسانی اثر زخم را پنهان می کند. اسکاتلندی

۷۶ ـ پسرم پسر من است تا زمانی که زن می گیرد؛ دخترم تمام عمر دختر من است. اسکاتلندی

۷۷ ـ پول مانند مارماهی در دست است. ولز

۷۸ ـ پدر حکمت، حافظه است، مادرش تفکر. ولز

۷۹ ـ پدر در خانه مهمان است. بلغارستانی

۸۰ ـ پرنده‌های خوردنی زیاد عمر نمی کنند. بلغارستانی

۸۱ ـ پول در همه جا ارباب است. چکوسلواکی

۸۲ ـ پیری همسفر بدی است. دانمارکی

۸۳ ـ پشیمانی قرصی است که با بی‌میلی بلعیده می‌شود. دانمارکی

۸۴ ـ پول، دزد روح است. استونی

۸۵ ـ پولداران پول دارند و فقرا بچه. استونی

۸۶ ـ پسر سر است تا اینکه زن می گیرد. استونی

۸۷ ـ پر غاز را طوری بکش که جیغ و فریادش بلند نشود. فرانسوی

۸۸ ـ پول مرد فقیر هم‌چنان غیبش می‌زند که شبنم در برابر نور خورشید. فرانسوی

۸۹ ـ پول گذرنامه خوبی است. فرانسوی

۹۰ ـ پول به عقلاء خدمت می کند و بر حُمقاء حکومت. فرانسوی

۹۱ ـ پنجاه سالگی دوره پیری جوانی است، پنجاه سالگی جوانی دوران پیری است. فرانسوی

۹۲ ـ پختن املت بدون شکست تخم مرغ ممکن نیست. فرانسوی

۹۳ ـ پیش آمد بد ممکن است از بعضی از جهات به نفع شخص تمام شود. فرانسوی

۹۴ ـ پیری روی شن می‌نویسد و جوانی روی سنگ. آلمانی

۹۵ ـ پوتین باید با گل و لای بسازد. آلمانی

۹۶ ـ پوتین‌ها سرباز را بوجود می‌آورند. آلمانی

۹۷ ـ پشیمانی دسر شهوت رانی است. آلمانی

۹۸ ـ پاهای بدنامی چالاک‌تر از پاهای نیکنامی است. آلمانی

۹۹ ـ پشیمانی فضیلت ابلهان است. آلمانی

۱۰۰ ـ پاداش عشق، عشق است. آلمانی

۱۰۱ ـ پول با دست تحمیل می‌شود و با پا متفرق می‌شود. آلمانی

۱۰۲ ـ پیری بیمارستانی است که تمام امراض را درون خود جای می‌دهد. آلمانی

۱۰۳ ـ پیاز فروش بوی پیاز را استشمام نمی‌کند. آلمانی

۱۰۴ ـ پیرترین درخت‌ها غالباً شیرین‌ترین میوه‌ها را دارند. آلمانی

۱۰۵ ـ پُرسان پُرسان می‌توان به استانبول رسید. طبرستانی

۱۰۶ ـ پول موقع رفتن دارای صد پاست و موقع آمدن دارای دو پا. طبرستانی

۱۰۷ ـ پولت را به شمار؛ زنت را بزن. اسلواکی

۱۰۸ ـ پول حرف می‌زند؛ سگ‌ها عوعو می‌کنند. مجارستانی

۱۰۹ ـ پای کلاغ همیشه روی زمین است. اتازونی

۱۱۰ ـ پای دونده همیشه چیزی بدست خواهد آورد ولو این‌که خار باشد. کانادایی

۱۱۱ ـ پرنده سیر نمی‌تواند با پرنده گرسنه پرواز کند. نگرویی

۱۱۲ ـ پتوی بزرگ، انسان را دیرتر به خواب می‌برد. نگرویی

۱۱۳ ـ پلی که از آن گذشته‌ای، ویران مکن. نگرویی

۱۱۴ ـ پلی که خنده را به گریه وصل می‌کند زیاد دراز نیست. نگرویی

۱۱۵ ـ پول را نجات بده تا پول نجاتت بدهد! نگرویی

۱۱۶ ـ پرتقال زیبا، شیرین نیست. نگرویی

۱۱۷ ـ پدر سبزی فروش است، پسر آقا و نوه گدا! پرویی

۱۱۸ ـ پشم دو گوسفند را در آن واحد نچینید زیرا ممکن است یکی از گوسفندها به دندانتان بگیرد. ترانسوال

۱۱۹ ـ پول مرهم شیرینی است. مصری

۱۲۰ ـ پنج چیز است که انسان باید نسبت به آن‌ها بدگمان باشد، اسب، زن، شب، رودخانه و جنگل. نیجریای شمالی

حرف ت

۱ ـ تمام کالاها مشتری دارد. چینی

۲ ـ تقدیر چهار پا، هشت دست و شانزده چشم دارد؛ چگونه تباهکار قادر تواند بود با فقط دو پا و دو دست و دو چشم از دست تقدیر فرار کند؟ چینی

۳ ـ تملق بیماری است و سرزنش دواست. چینی

۴ ـ تلخی اندوه دوبرابر تلخی «جنتیانا» است. چینی

۵ ـ تو هم نمی‌توانی از دهان سگ عاج بدست آوری. چینی

۶ ـ تنها این زیردستانند که از زبردستان تملق می‌گویند. چینی

۷ ـ تأثرات اولیه بر وجود ما حاکمند. چینی

۸ ـ تمام رودخانه‌ها به دریا می‌ریزند ولی معذلک دریا هرگز پر نمی‌شود. چینی

۹ ـ تا زمانی که امروز مبدل به فردا شود، انسان‌ها از سعادتی که در این دم نهفته است غافل خواهند بود. چینی

۱۰ ـ تاک را از خاک خوب و دختر را از مادر خوب انتخاب کن. چینی

۱۱ ـ تابستان که می‌خندی به فکر اخم زمستان هم باش. چینی

۱۲ ـ تا جهان باقیست کلاغ‌ها سیاهند. چینی

۱۳ ـ تولد، رسول مرگ است. تازی

۱۴ ـ تو ارباب سخنانی هستی که هنوز نگفته‌ای ولی حرف‌هایی که زده‌ای ارباب تو هستند. تازی

۱۵ ـ تو هم‌چنانی، که رفیق توست. تازی

۱۶ ـ تمام بیگانگان قوم و خویش یکدیگرند. تازی

۱۷ ـ تشویق تب زندگی است. عبری

۱۸ ـ تا زمانی که دندان در دهان داری نارگیل بخور! عبری

۱۹ ـ تا زمانی که باد هست باد افشانی کن. هلندی

۲۰ ـ تندرستی، جوانی است؛ آزادی از وام، توانگری هست. هلندی

۲۱ ـ تا تریاق (پادزهر) از عراق آرند، مار گزیده مرده باشد. فارسی

۲۲ ـ ترحم بر پلنگ تیز دندان ستمکاری بود بر گوسفندان. فارسی

۲۳ ـ تو مو می‌بینی و من پیچش مو فارسی
تو ابرو، من اشارت‌های ابرو

۲۴ ـ ترکهٔ کج به کمک آتش راست می گردد. فارسی

۲۵ ـ تا ریشه در آب است، امید ثمری هست. فارسی

۲۶ ـ تیغ کج را نیام باید. فارسی

۲۷ ـ تا غم نخوری به غمگساری نرسی. فارسی

۲۸ ـ تو پاک باش و مدارای برادر از کس باک. فارسی

۲۹ ـ تا نیست غیبتی، ندهد لذتی حضور. فارسی

۳۰ ـ تخم‌مرغ دزد شتر دزد می‌شود. فارسی

۳۱ ـ تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیزها. فارسی

۳۲ ـ تا توانی دلی به دست آور فارسی
دل شکستن هنر نمی‌باشد.

۳۳ ـ توبه گرگ، مرگ است. فارسی

۳۴ ـ توبه کردم که دگر می‌نخورم فارسی
به جز امشب و فردا شب و شب‌های دگر

۳۵ ـ تو که خیرت نمی‌رسد شر مرسان. فارسی

۳۶ ـ ترسم نرسی به کعبه‌ای اعرابی فارسی
این ره که تو می‌روی به ترکستان است.

۳۷ ـ تیشه به ریشه خود مزن. فارسی

۳۸ ـ تو را خواهند پرسید که عملت چیست، نگویند پدرت کیست؟ فارسی

۳۹ ـ توانگری به قناعت به از توانگری به بضاعت. فارسی

۴۰ ـ تا ارادتی نیاری، سعادتی نبری. فارسی

۴۱ ـ تا کار به زر بر می‌آید، جان در خطر افکندن نشاید. فارسی

۴۲ ـ تا نقدی ندهی، بضاعتی نستانی. فارسی

۴۳ ـ تلمیذ (دانش‌آموز) بی‌ارادت عاشق بی‌زر است و روندهٔ بی‌معرفت مرغ بی‌پر، عالم بی‌عمل درخت بی‌بر و زاهد بی‌علم خانه بی‌در. فارسی

۴۴ ـ تربیت یکسان است و طباع مختلف. فارسی

۴۵ ـ تمرین زیاد بهترین استاد است. فارسی

۴۶ ـ تا تنور گرم است نان توان پخت. فارسی

۴۷ ـ تا مار راست نشود به سوراخ نرود. فارسی

۴۸ ـ تا شب نروی روز به جایی نرسی. فارسی

۴۹ ـ تا از پل نگذشته‌ای خرس را دایی بخوان. آذربایجان

۵۰ ـ تا زشت آرایشش را تمام کند جشن عروسی سپری شود. آذربایجان

۵۱ ـ تنبل را گفتند در را ببند گفت الساعه باد می‌وزد و می‌بندد! آذربایجان

۵۲ ـ تا عریضه روباه خوانده شود پوستش کنده شود. آذربایجان

۵۳ ـ تا زنت به تو همدرد نیست نمی‌توانی او را بشناسی. ترکی

۵۴ ـ تا زمانی که گناه ثمری به بار نمی‌آورد، احمق‌ها تصور می‌کنند که گناه عسل است. کتب مقدس

۵۵ ـ تقاضا کن تا به تو داده شود؛ جستجو کن تا بدست آوری، در بزن تا به رویت گشوده شود. کتب مقدس

۵۶ ـ تو باید همسایه‌ات را مانند خودت دوست بداری. کتب مقدس

۵۷ ـ تمایل انسان به نیکوکاری مانند تمایل آب به روان شدن به طرف پایین است. کتب مقدس

۵۸ ـ تولد و مرگ متوقف نمی‌گردد. کتب مقدس

۵۹ ـ تنبلی دشمنی نیرومند است. ژاپنی

۶۰ ـ تمام مذاهب از آسیا برخاسته‌اند. ژاپنی

۶۱ ـ تنهایی آشیانه تفکر است. کردی

۶۲ ـ تابستان پدر فقرا است. کردی

۶۳ ـ توانگری تمام معایب را می‌پوشاند. کردی

۶۴ ـ تقدیر بعضی‌ها را روی بال‌هایش حمل می‌کند و برخی را روی زمین می‌کشد. اسپانیولی

۶۵ ـ تا موقعی که روز به پایان نرسیده از آن بد مگو. اسپانیولی

۶۶ ـ ترس، زندان دل است. اسپانیولی

۶۷ ـ تبسم‌های شاه عمیق‌تر از بُرنده‌ترین شمشیرها می‌برد. اسپانیولی

۶۸ ـ تجربه راهی است طولانی. سوئدی

۶۹ ـ ترس بزرگتر از خطر است. سوئدی

۷۰ ـ ترس، قبل از انسان در دنیا پیدا شد. آلبانی

۷۱ ـ تحمل بدبختی همگانی، دشوار نیست. بوسنی

۷۲ ـ تمام زن‌ها و گربه‌ها در تاریکی سیاهند. بوسنی

۷۳ ـ تمام هنر در این نهفته است که شخص از یک بازار بد و آشفته حداکثر استفاده را بکند. انگلیسی

۷۴ ـ تجربه بدون آموختن بهتر از آموزش بدون تجربه است. انگلیسی

۷۵ ـ تا دم مار را لگد نکنی نیشش تو را نمی‌گزد. انگلیسی

۷۶ ـ تا رمقی از جان باقیست، امیدی هست. انگلیسی

۷۷ ـ تجربه بهترین آموزگار است. انگلیسی

۷۸ ـ تحکم بر نفس شجاعت است. انگلیسی

۷۹ ـ تنبل خوشبخت نمی‌شود. انگلیسی

۸۰ ـ تنبلی مادر بیچارگی است. انگلیسی

۸۱ ـ تا کسی لب پیش نیاورد که بوسه ممکن نمی‌شود. انگلیسی

۸۲ ـ تاجر دشمن تاجر است حتّی اگر برادرش باشد. انگلیسی

۸۳ ـ تازه رسیده‌ای که زیاد ابراز صمیمیت کند. بعید نیست دشمن باشد. انگلیسی

۸۴ ـ تا دشمن زنده است جنگ هم هست. آلمانی

۸۵ ـ تاجر بی‌پول و سرباز بی‌تفنگ پشیزی ارزش ندارند. آلمانی

۸۶ ـ تملق سم شیرینی است. آلمانی

۸۷ ـ تاجر شدن آسان است ولی تاجر ماندن هنر. سوئیسی

۸۸ ـ تاجری که پول ندارد مانند دهقانی است که زمین ندارد. سوئیسی

۸۹ ـ تمام شراع‌ها (بادبان‌ها) به هر کشتی نمی‌خورند. اروپا

۹۰ ـ ترساندن گاو از پشت پنجره، کار سهل و ساده‌ای است. ایتالیایی

۹۱ ـ تمام آرزوها دم مرگ زنده می‌شوند. ایتالیایی

۹۲ ـ توانگران و نادانان گوسفندانی هستند که پشم طلایی دارند. ایتالیایی

۹۳ ـ تمام دنیا یک مملکت است. ایتالیایی

۹۴ ـ تبسم‌های یک زن زیبا، اشک‌های کیف پول است. ایتالیایی

۹۵ ـ تجربه، معشوقه ابلهان است. لاتینی

۹۶ ـ تفرقه‌انداز، و حکومت کن. لاتینی

۹۷ ـ نان به دنبال خورنده‌اش نمی‌دود. لاتویا

۹۸ ـ توله سگ‌ها شیر مرده را دندان می‌گیرند. لاتویا

۹۹ ـ ترس و عشق با هم راه نمی‌سپارند. لتوانی

۱۰۰ ـ تخم‌مرغ می‌خواهد عاقلتر از مرغ باشد. لتوانی

۱۰۱ ـ تخم‌مرغ می‌خواهد عاقل‌تر از مرغ باشد. مونتونگرویی

۱۰۲ ـ تقدیر می‌فروشد، آنچه را که ما تصور می‌کنیم که به ما می‌دهد. مونتونگرویی

۱۰۳ ـ ترس و حسد چشمان درشتی دارند. مونتونگرویی

۱۰۴ ـ تفنگ پر یک نفر را می‌ترساند و تفنگ خالی دو نفر را. مونتونگرویی

۱۰۵ ـ تلخ نباش تا تُفت نکنند؛ شیرین مباش تا مبادا ترا ببلعند. لهستانی

۱۰۶ ـ ترس از احتیاج بدتر از خود احتیاج است. لهستانی

۱۰۷ ـ تجربه معلم زندگی است. پرتقالی

۱۰۸ ـ ترحم بیگانه مانند سایه خار است. پرتقالی

۱۰۹ ـ تملق زن دندان ندارد ولی گوشت استخوانت را خواهد خورد. روسی

۱۱۰ ـ تقویم جوان در قلبش است و تقویم پیر در سرش. روسی

۱۱۱ ـ تهمت و افترا مانند زغال است اگر شما را نسوزاند لااقل سیاهتان می‌کند. روسی

۱۱۲ ـ تحصیل کردن پول آسان‌تر از نگهداشتن آن است. یوگسلاوی

۱۱۳ ـ تنبلی دام شیطان است. یوگسلاوی

۱۱۴ ـ ترس گوش‌های دراز دارد. اسکاتلندی

۱۱۵ ـ تا زمانی که به روباه خدمت می‌کنی باید دمش را هم برداری. اسکاتلندی

۱۱۶ ـ تمام آنهائی که آب مقدس را به دست می‌آورند، پاک و متبرک نیستند. اسکاتلندی

۱۱۷ ـ تمام قوانین عادلانه نیست. اسکاتلندی

۱۱۸ ـ تپه‌ای وجود ندارد که دارای سراشیبی نباشد. ولز

۱۱۹ ـ تخم‌مرغ دیگران دارای دو زرده است. بلغارستانی

۱۲۰ ـ ترس خیلی می‌بیند. بلغارستانی

۱۲۱ ـ تا زمانی که کولی انبُر دارد دست‌هایش را نخواهد سوزانید. بلغارستانی

۱۲۲ ـ تا زمانی که سر هست، کلاه هم خواهد بود. بلغارستانی

۱۲۳ ـ تا زمانی که درخت جوان است می‌توانی به هر شکلی که بخواهی آن را خم کنی. بلغارستانی

۱۲۴ ـ تا زمانی که انسان تندرست است حتّی آب، نوشابه‌ای است خوش طعم. بلغارستانی

۱۲۵ ـ تازیِ خوب شکار را به موقع می‌گیرد. جزائرانگلیس

۱۲۶ ـ تبذیر (زیاد خرج کردن) و اسراف مکن تا محتاج نشوی. جزائرانگلیس

۱۲۷ ـ تقصیر اول، نیمکت را برای تقصیر دوم آماده می‌کند. چک

۱۲۸ ـ تحصیل ریشه تلخی دارد ولی میوه‌اش شیرین است. چک

۱۲۹ ـ تهمت و افترا دم در خانه زن عفیف، هلاک می‌گردد. دانمارکی

۱۳۰ ـ تنبلی چیزی غیر از شپش و ناخن‌های دراز به انسان نمی‌دهد. دانمارکی

۱۳۱ ـ تاریکی و شب، مادران تفکرند. هلندی

۱۳۲ ـ تمام درها را می‌توان با کلید طلایی باز کرد. هلندی

۱۳۳ ـ ترس چشم‌های درشت دارد. استونی

۱۳۴ ـ تعطیلات مانند شاهان می‌آیند و مانند گدایان می‌روند. استونی

۱۳۵ ـ تشنه پا دارد و گرسنه انگشت. استونی

۱۳۶ ـ تابستان چشم دارد، زمستان دندان. استونی

۱۳۷ ـ تنبل‌ها کی کار توانند کرد؟ در پاییز زمین پرگل و شل است. در بهار آب زیاد است، در زمستان هوا سرد و سوزنده است و در تابستان هوا فوق‌العاده گرم است. فنلاندی

۱۳۸ ـ تابستان جست و خیزکنان می‌آید و زمستان خمیازه‌کشان. فنلاندی

۱۳۹ ـ توپ را در موقع پرش آن قبض کن. فرانسوی

۱۴۰ ـ تعداد خریداران احمق بیش از تعداد فروشندگان احمق است. فرانسوی

۱۴۱ ـ تخم‌کردن سنگ، مستحیل (غیرممکن) نیست؛ ولی محال است زن اصلاح شود. فرانسوی

۱۴۲ ـ تمام اختلافات از «آری» و «نه» برمی‌خیزد. فرانسوی

۱۴۳ ـ ترس مخترعیست بزرگ. فرانسوی

۱۴۴ ـ تاوان را، کتک خودگان می‌پردازند. فرانسوی

۱۴۵ ـ ترکه، آشتی دهندهٔ خوبی است. فرانسوی

۱۴۶ ـ تملک دزدی است. فرانسوی

۱۴۷ ـ تاجر خرج هر زوجه را هم با چرتکه حساب می‌کند. فرانسوی

۱۴۸ ـ ترس بال دارد. فرانسوی

۱۴۹ ـ تا وقتی که از دِه خارج نشده‌اید نباید سگ‌های ده را مسخره کنید. فرانسوی

۱۵۰ ـ تو به وظیفه‌ات عمل کن هر چه بادا باد. فرانسوی

۱۵۱ ـ تابوت برادر گاهواره است. آلمانی

۱۵۲ ـ تابستان برده است و زمستان ارباب. آلمانی

۱۵۳ ـ تملق سمی است شیرین. آلمانی

۱۵۴ ـ تحمل تقصیرات دوست به منزله ارتکاب آن است. آلمانی

۱۵۵ ـ توهینات و قرص‌ها را نباید جوید. آلمانی

۱۵۶ ـ تنبلی بلاهت بدن است و کودنی تنبلی مغز. آلمانی

۱۵۷ ـ تمام برگ‌ها منتظر خزان می‌شوند. آلمانی

۱۵۸ ـ تا زمانی که آب داخل دهانت نشود. شنا کردن را نخواهی آموخت. آلمانی

۱۵۹ ـ تلخ‌ترین لقمهٔ زندگی برای مرد، زندگانی کردن با یک زن بد است. یونانی

۱۶۰ ـ تاریخ فلسفه‌ای است که از سر مشق‌ها تحصیل گشته. یونانی

۱۶۱ ـ تمام روزها برادرند ولی به ندرت یک روز شباهت به روز دیگر دارد. سیلزی

۱۶۲ ـ تو نمی‌توانی دهان مردم را بدوزی. اسلواکی

۱۶۳ ـ تو نمی‌توانی به عسل دست بزنی و دستت را نلیسی. اسلواکی

۱۶۴ ـ تفرقه‌انداز و حکومت کن. مجارستانی

۱۶۵ ـ ترقی روزافزون و نیکبختی زیاد، همیشه اخلاق را فاسد می‌کند. ایسلند

۱۶۶ ـ تمام دنیا به مثابهٔ یک دوربین عکاسی است. خواهش می‌کنم لبخند بزنید تا عکس‌تان خوب بیفتد! اتازونی

۱۶۷ ـ تشویش و نگرانی را با خود به خواب بردن به منزلهٔ خوابیدن با کوله پشتی است. اتازونی

۱۶۸ ـ تسمه از همان چرم ساخته می‌شود. آرژانتین

۱۶۹ ـ تنور از راه دهانش گرم می‌شود. برزیلی

۱۷۰ ـ تسمه زادهٔ چرم است. کلمبیا

۱۷۱ ـ ترس مانع مرگ نیست. بامبارا

۱۷۲ ـ تماس دائم اصطکاک ایجاد می‌کند. کنیا

۱۷۳ ـ توانگری موجب می‌شود که سوپ خوش طعم به نظر برسد. ایبو

۱۷۴ ـ تو می‌توانی در جمجمه انسان شراب بنوشی ولی هرگز نمی‌توانی از ذهنت این حقیقت را محو کنی که جمجمه روزگاری چشم داشته است. کنگوی بلژیک

حرف ث

۱ ـ ثروتمند کیست، آن‌کس که از ثروت خود استفاده می‌کند! عبری

۲ ـ ثمر علم ای پسر عمل است فارسی

ورنه تحصیل علم دردسر است.

۳ ـ ثبات قدم از پیش می‌برد. آذربایجانی

۴ ـ ثروت فاحشه است؛ حکمت وفادار است. مالایا

۵ ـ ثروت نوکر عقلا و ارباب حمقاء است. بوسنی

۶ ـ ثروتمندان سگان‌شان را عفو می‌کنند، فقرا بچه‌های‌شان را. آلمانی

۷ ـ ثروتمندان فقط از یک چشم‌شان استفاده می‌کنند، چشم دیگرشان در جیب‌شان است. آلمانی

۸ ـ ثروت ارباب است و فقر نوکر. آلمانی

۹ ـ ثروتمندان به مغز احتیاج ندارند. اسلواکی

۱۰ ـ ثروت بزرگ، بردگی بزرگ. اسلواکی

۱۱ ـ ثروت تو مایه نابودی نیست. کلیمانجارو

۱۲ ـ ثروت مصر برای بیگانگانی است که در آن به سر می‌برند! مصری

۱۳ ـ ثروت ستون دنیاست. کانوری

۱۴ ـ ثروت را می‌توان پنهان کرد ولی فقر را نمی‌توان. فنلاندی

حرف ج

۱ ـ جهالت، شب روح بشر است ـ شبی که نه ماه دارد و نه ستاره. چینی
۲ ـ جواهرات و مرجان سنگ‌هایی بیش نیستند. چینی
۳ ـ جواهر بدون تراش و مرد بی‌زحمت کار، ارزشی پیدا نمی‌کند. چینی
۴ ـ جائی که استحقاق فزون است، پاداش نیز بزرگ است. چینی
۵ ـ جوهر علم گرانبهاتر از خون شهداء است. تازی
۶ ـ جامهٔ رستگاری هرگز کهنه نمی‌شود. تازی
۷ ـ جوانی روی سنگ می‌تراشد و پیری روی یخ. ارمنی
۸ ـ جهانیان با فیل دوست می‌شوند و مورچه را لگدمال می‌سازند. عبری
۹ ـ جوجه‌ها از لگد جوجه‌ها نمی‌میرند. عبری
۱۰ ـ جواب های، هوی است. فارسی
۱۱ ـ جود (بخشش) از ابر و لاف بر رعد است. فارسی
۱۲ ـ جایی که گوشت نیست چغندر پهلوان است. فارسی
۱۳ ـ جهان بگردد ولیکن نگرددش احوال. فارسی
۱۴ ـ جوجه را در فصل پاییز می‌شمارند. فارسی
۱۵ ـ جهان دیده بسیار گوید دروغ. فارسی
۱۶ ـ جلو می‌خندد، پشت سر خنجر می‌زند. فارسی
۱۷ ـ جور استاد به ز مهر پدر. فارسی
۱۸ ـ جوی زر بهتر از هفتاد من زور. فارسی
۱۹ ـ جان است، بادمجان که نیست. آذربایجانی
۲۰ ـ جهد کن دوست پیدا کنی، دشمن دم دست است. آذربایجانی
۲۱ ـ جاجیم پوش، با جامه بجوش (همرنگ جماعت شو). آذربایجانی
۲۲ ـ جواب ملایم خشم را فرو می‌نشاند. کتب مقدس
۲۳ ـ جهنم پر از زنان شلخته است. ژاپنی
۲۴ ـ جنگل نمی‌تواند بدون ببر وجود داشته باشد. افغانی(پشتو)

۲۵ ـ جوانی دیوانگی است. شرقی(متفرقه)

۲۶ ـ جواهر نشانهٔ قدرت و آزادی است، لکن زن برای بدست آوردن آن خود را زیر دست قرار می‌دهد. اسپانیولی

۲۷ ـ جهنم واقعی وجدان معذب است. آلمانی

۲۸ ـ جوان مردن در خانه بهتر از پیرمردن در بیمارستان است. اروپا

۲۹ ـ جایی که خدا کمک می‌کند، تار عنکبوت دیوار می‌شود و در جایی که کمک نمی‌کند، دیوار تار عنکبوت می‌گردد. ایتالیایی

۳۰ ـ جهان متعلق به افراد صبور است. ایتالیایی

۳۱ ـ جهان کتابی بسیار عالی است ولی کسی که خواندن نمی‌داند، فایده‌ای از آن بر نتواند گرفت. ایتالیایی

۳۲ ـ جلو خود نگاه مکن، پشت سرت نگاه کن. ایتالیایی

۳۳ ـ جهان نردبانی است که عده‌ای را بالا می‌برد و عده‌ای دیگر را سرنگون می‌سازد. ایتالیایی

۳۴ ـ جلو پرتگاه است و گرگ در پشت سر. لاتینی

۳۵ ـ جوجه‌گان را در خزان می‌شمارند. روسی

۳۶ ـ جوانی که دارای چهره گلگون و بشاش نیست مانند بهار بی‌شکوفه است. یوگسلاوی

۳۷ ـ جنگیدن با یک مرد دلیر خیلی بهتر از بوسیدن یک مرد جبان (ترسو) است. یوگسلاوی

۳۸ ـ جوجه‌ها را در خزان می‌شمارند. بلغارستانی

۳۹ ـ جاه‌طلبی و انتقام همیشه از گرسنگی می‌میرند. دانمارکی

۴۰ ـ جواب ندادن هم جوابی است. دانمارکی

۴۱ ـ جوان ممکن است بمیرد، پیر باید بمیرد. هلندی

۴۲ ـ جدایی به منزله مردن برای مدت کم است. فرانسوی

۴۳ ـ جهان کتاب زن است. فرانسوی

۴۴ ـ جوانان از کارهایی که مشغول انجامش هستند سخن می‌گویند پیران از کارهایی که سابقاً انجام داده‌اند و ابلهان از کارهایی که قصد دارند انجامش دهند. فرانسوی

۴۵ ـ جاه‌طلبی و کَکْ خیلی بلند می‌جهند. آلمانی

۴۶ ـ جواب «نه» خود جوابی است. آلمانی

۴۷ ـ جهنم و محکمه عدالت همیشه باز هستند! آلمانی

۴۸ ـ جهان را ترک کن قبل از آن‌که جهان تو را ترک کند. آلمانی

۴۹ ـ جهان مانند حمام بخار است، هر چه در آن بالاتر بنشینی، بیشتر عرق خواهی ریخت. آلمانی

۵۰ ـ جوانی مستی کوتاه است و پیری روزه‌داری دراز. آلمانی

۵۱ ـ جوانی مستی بدون شراب است و پیری شراب بدون مستی. آلمانی

۵۲ ـ جوانی بهترین اوراق بازی را همان اول مورد استفاده قرار می‌دهد، پیری ورق برنده را تا آخر نگاه می‌دارد. آلمانی

۵۳ ـ جایی که خون ریخته، درخت فراموشی نمی‌تواند رشد و نمو کند. برزیلی

۵۴ ـ جهالت شب، ذهنی است. استرالیایی

۵۵ ـ جنایت فرزند خود را می‌خورد. ترانسوال

۵۶ ـ جوجه باهوش حتّی موقعی که در تخم‌مرغ هست بانگ بر می‌دارد. مصری

۵۷ ـ جنگ چشم ندارد. کنیا

۵۸ ـ جنگ هرگز دارای فرزندان نیک نمی‌شود. کنگوی بلژیک

حرف چ

۱ ـ چنانچه موقعی که گربه آمد سگ برود دعوایی در خواهد گرفت. چینی

۲ ـ چیزهائی که چشم نمی‌بیند، پاکیزه انگاشته می‌شود. چینی

۳ ـ چیزهای گذشته دیروز مردند. چیزهای آینده امروز به دنیا آمده‌اند. چینی

۴ ـ چوب چوب است اِعم از اینکه کوتاه باشد یا بلند؛ مرد مرد است اعم از اینکه بزرگ باشد، یا کوچک. چینی

۵ ـ چای سرد و برنج سرد را می‌توان تحمل نمود ولی نگاه سرد و سخن سرد قابل تحمل نمی‌باشد. چینی

۶ ـ چراغ دور را روشن کند، نه نزدیک را (به پای خود نور ندهد). چینی

۷ ـ چیزی غیر از یک مشت خاک نمی‌تواند چشم آزمند را پر کند. تازی

۸ ـ چقدر زیادند راه‌هایی که به قلب منتهی می‌شوند! تازی

۹ ـ چادرها را از هم جدا کنید و قلب‌ها را نزدیک نمائید. تازی

۱۰ ـ چگونه مردی است کسی که کمتر از یک زن است؟ تازی

۱۱ ـ چشمان کسی که می‌خرد در دست کسی است که می‌فروشد. ارمنی

۱۲ ـ چشمان پولداران کم سوست. ارمنی

۱۳ ـ چشم و دل، دلالان گناهند. عبری

۱۴ ـ چراغت را اول در خانه روشن کن و بعد در مسجد عبری

۱۵ ـ چشم لوچ بهتر از چشم ناییناست. عبری

۱۶ ـ چهار روز مهتاب است و بعد مجدداً شب تاریک. هندی

۱۷ ـ چشمش را ببین، دلش را بخوان. فارسی

۱۸ ـ چوب بدست خرس دادن آسان است و پس ستاندن مشکل. فارسی

۱۹ ـ چوپان خائن، گرگ است. فارسی

۲۰ ـ چراغ کسی تا صبح نمی‌سوزد. فارسی

۲۱ ـ چون توانستم ندانستم چه سود، چون‌که دانستم توانستم نبود. فارسی

۲۲ ـ چون دوست دشمن است شکایت کجا برم. فارسی

۲۳ ـ چون ادبار آمد همه تدبیرها خطا شود. فارسی

۲۴ ـ چوب را که برداشتی، گربه دزد می گریزد. فارسی

۲۵ ـ چاه می‌نماید و راه نمی‌نماید. فارسی

۲۶ ـ چون یار اهل است کار سهل است. فارسی

۲۷ ـ چون قضا آید طبیب ابله شود. فارسی

۲۸ ـ چراغ را نتوان دید جز به نور چراغ. فارسی

۲۹ ـ چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی. فارسی

۳۰ ـ چندان که مروت است در دادن، در نستاندن هزار چندان است. فارسی

۳۱ ـ چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. فارسی

۳۲ ـ چیزی که عوض دارد گله ندارد. فارسی

۳۳ ـ چو بد کردی مباش ایمن ز آفات فارسی

که واجب شد طبیعت را مکافات

۳۴ ـ چو دخلت نیست، خرج آهسته‌تر کن. فارسی

۳۵ ـ چو فردا شود فکر فردا کنیم. فارسی

۳۶ ـ چو گل بسیار شد پیلان بلغزند. فارسی

۳۷ ـ چاه مکن بهر کسی فارسی

اول خودت دوم کسی

۳۸ ـ چو نان سگ بردی چوبی بدست آر. آذربایجانی

۳۹ ـ چراغ را یک قاچ پیه بهتر از صد بوسه. آذربایجانی

۴۰ ـ چراغ از چراغ روشن است. آذربایجانی

۴۱ ـ چاه را نمی‌توان با سوزن حفر کرد. ترکی

۴۲ ـ چون باران قطع شود آب رودخانه دوباره صاف خواهد شد. ترکی

۴۳ ـ چهار اسب نمی‌توانند بر زبان جلو افتند. کتب مقدس

۴۴ ـ چگونه ممکن است غصه اثر کند در کسی که برایش درد و شدت یکسان است. — کتب مقدس

۴۵ ـ چوبِ دار برای افراد بدبخت و بدشانس ساخته شده است. — اسپانیولی

۴۶ ـ چشم، مچ دروغگو را باز می کند. — سوئدی

۴۷ ـ چشمی که نمی‌بیند لازم نیست که اشک بریزد. — سوئدی

۴۸ ـ چون نمی‌تواند خر خود را بزند، به زین خر کتک می‌زند. — آلبانی

۴۹ ـ چشمان هر آدم شارلاتان پر از اشک است. — بوسنی

۵۰ ـ چیزی از کیسه برون نیاید جز آن‌که در اوست. — انگلیسی

۵۱ ـ چشم که همه چیز را می‌بیند از دیدن خود عاجز است. — آلمانی

۵۲ ـ چشم‌ها و گوش‌ها هم، برای خود زبانی دارند. — سوئیسی

۵۳ ـ چشم‌ها خودشان را باور دارند و گوش‌ها سخنان مردم را. — سوئیسی

۵۴ ـ «چرای» کودک کلید فلسفه است. — ایتالیایی

۵۵ ـ چشمان، سفرای کبیر عشقند! — لاتینی

۵۶ ـ چشمان خوب، وحشتی از دود ندارند. — لتوانی

۵۷ ـ چشم همه چیز را می‌بیند جز خودش را. — پرتقالی

۵۸ ـ چشمانی که هرگز چیزی را نمی‌بینند، چشمانی هستند که مرتکب هیچ گناهی نمی گردند. — روسی

۵۹ ـ چشمان ما دشمنان ما هستند. — روسی

۶۰ ـ چکش بودن بهتر از سندان بودن است. — روسی

۶۱ ـ چوپان بد آن است که با گرگ شود یار. — روسی

۶۲ ـ چای یک تیر چینی است که قلب روسی را سوراخ کرده است. — روسی

۶۳ ـ چنان را ه می‌رود که گویی سوار بر حلزون است! — یوگسلاوی

۶۴ ـ چهره زن نشان می‌دهد که شوهرش چکاره است و پیراهن شوهر نشان می‌دهد که زنش چیست؟ — یوگسلاوی

۶۵ ـ چشمان گرسنه به خواب نمی‌رود. بلغارستانی

۶۶ ـ چشمان همه چیز هستند غیر از خودشان. بلغارستانی

۶۷ ـ چگونه ممکن است بدون یک درخت کج و معوج، جنگلی وجود داشته باشد. بلغارستانی

۶۸ ـ چه فایده دارد اصطبل را پس از سرقت اسب قفل کنیم؟ جزائرانگلیس

۶۹ ـ چیزی که کسی هرگز ندیده و هرگز نخواهد دید، آشیانه موش در گوشه گربه است. جزائرانگلیس

۷۰ ـ چهار چیز خیلی بیش از آنند که تصور می‌کنیم که هستند آن‌ها عبارتند از: سال‌های ما، قرض‌های ما، دشمنان ما و معایب ما. کرواتی

۷۱ ـ چشم پادشاه است و دست جلاد. استونی

۷۲ ـ چرخی که روغن نخورده همیشه از پشت صدا می‌کند. استونی

۷۳ ـ چاقو باید حتّی در غلاف، تیز باشد. فنلاندی

۷۴ ـ چند بوسه کوتاه و پشت‌سر هم قوی‌ترین زنان را سست می‌کند. فرانسوی

۷۵ ـ چارق، خود شریف‌تر از پوتین همسایه است. فرانسوی

۷۶ ـ چشم فرماندهی است که ما را به میدان عشق هدایت می‌کند. فرانسوی

۷۷ ـ چیزهای زیبا، اذیت می‌کنند. یونانی

۷۸ ـ چنین است راه و رسم دنیا؛ یکی دارای پول می‌شود و دیگری دارای کیف پول. سیلزی

۷۹ ـ چشمانت را قبل از ازدواج خوب باز کن و بعد از ازدواج نیمه باز گذار. اتازونی

۸۰ ـ چنانچه مزرعه حاصل‌خیز استراحت نکند، بی‌حاصل و عقیم می‌شودَ. آرژانتین

۸۱ ـ چیزی که متحمل یک قطره شبنم می‌شود، متحمل یک طوفان هم می‌تواند باشد. شیلی

۸۲ ـ چرا باید مردی که سر ندارد، کلاه بخواهد؟ شیلی

۸۳ ـ چرم خود به خود تعمیر می‌شود ولی پارچه باید رفو شود. شیلی

۸۴ـ چهره‌ها را می‌بینیم ولی نه قلب‌ها را. مکزیکی

۸۵ـ چهل نوع جنون وجود دارد و فقط یک نوع عقل سلیم. بانتو

۸۶ـ چیزی که سیر نمی‌کند، گرسنگی تولید می‌نماید. مصری

۸۷ـ چشم و خواب با هم دعوا ندارند. هو

۸۸ـ چشم نمی‌تواند گوش را ببیند. ایبو

۸۹ـ چشم و بینی خویشاوند یکدیگرند. ایبو

حرف ح

۱ ـ حتّی یک فیل بزرگ در گیسوی زن گرفتار می‌شود. چینی

۲ ـ حتی خدایان و فرشتگان مرتکب اشتباه می‌شوند. چینی

۳ ـ حتّی چشم کوران در برابر پول باز می‌شود. چینی

۴ ـ حشرهٔ تابستان، زمستان را پیش‌بینی نتواند کرد. چینی

۵ ـ حتّی ببر هم گاهی چرت می‌زند. چینی

۶ ـ حقیقت غالباً در یک استخر زشت پنهان است. چینی

۷ ـ حسود کور است. تازی

۸ ـ حقیقت می‌تواند در دنیا غیرمسلح راه برود. تازی

۹ ـ حقیقت با شاخ مسلح است. تازی

۱۰ ـ حکمت از ده جزء تشکیل شده که نه جزء آن سکوت و یک جزءاش ایجاز است. تازی

۱۱ ـ حتّی یک ماده الاغ موقعی که جوان است زیبا و جذاب است! عبری

۱۲ ـ حیوانی که این‌طرف و آن‌طرف می‌گردد سرانجام چراگاهی پیدا می‌کند. عبری

۱۳ ـ حتّی شیطان به زن رحم می‌کند. عبری

۱۴ ـ حکمت، تاج سر است و تواضع نعلین پا. عبری

۱۵ ـ حقیقت مهر خداست. عبری

۱۶ ـ حقیقت سنگین است لذا عده‌ای معدود حاضرند آن‌را حمل کنند. عبری

۱۷ ـ حقیقت چه وحشتی از آتش تواند داشت. هندی

۱۸ ـ حتّی یک میمون از درخت می‌افتد. هندی

۱۹ ـ حکم بچه از شاه روان‌تر است. فارسی

۲۰ ـ حسود هرگز نیاسود. فارسی

۲۱ ـ حاجت به مشاطه نیست روی دلارام را. فارسی

۲۲ ـ حریص به جهانی گرسنه است و قانع به نانی سیر. فارسی

۲۳ ـ حساب حساب است، کاکا برادر. فارسی

۲۴ـ حرف حرف می‌آورد. فارسی

۲۵ـ حق، جل و علا، می‌بیند و می‌پوشد و همسایه نمی‌بیند و می‌خروشد. فارسی

۲۶ـ حکیمان دیردیر خورند و عابدان نیم سیر. فارسی

۲۷ـ حکیمی که با جهان در افتد توقع عزت ندارد. فارسی

۲۸ـ حیف از کسی که رنج کشد بهر ناکسی. فارسی

۲۹ـ حرف حق شمشیری است برنده. فارسی

۳۰ـ حیف اوقات که در صرف بطالت گذرد. فارسی

۳۱ـ حساب به دینار، بخشش به تومان. آذربایجانی

۳۲ـ حتّی شیر نمی‌تواند آنچه را که روباه خورده و از هضم رابعش گذرانده، باز ستاند! آذربایجانی

۳۳ـ حتّی یک احمق وقتی خاموشی اختیار می‌کند، دانا شمرده می‌شود. کتب مقدس

۳۴ـ حتّی اگر برای یک روز مؤدب باشیم، دشمنی‌های افراد انسانی تبدیل به مهر و محبت می‌شود. کتب مقدس

۳۵ـ حتّی یک درخت گیلاس مرده می‌تواند تپه عریان را خوش منظره و زیبا سازد. ژاپنی

۳۶ـ حتّی دل مرزهایی دارد. ژاپنی

۳۷ـ حتّی آب جزر و مد دارد. (همان‌گونه که زندگی انسان پر از حوادث است). مالایا

۳۸ـ حیرت دختر، جهل و نادانی است. اسپانیولی

۳۹ـ حالا که کلیسا را ساخته‌ای محراب را هم بساز. اسپانیولی

۴۰ـ حرص، یگانه شهوتی است که هرگز پیر نمی‌شود. اسپانیولی

۴۱ـ حسد، عمیق‌تر از کک می‌گزد. اسپانیولی

۴۲ـ حقیقت و گل سرخ هر دو خار دارند. اسپانیولی

۴۳ـ حتّی در جهنم انسان می‌تواند رفیقی برای خود پیدا کند. اسپانیولی

۴۴ ـ حافظه ساعت زندگی است. اسپانیولی

۴۵ ـ حتّی الاغ از کارکردن خسته می‌شود. اسپانیولی

۴۶ ـ حسد وفاداری را نمی‌شناسد. اسپانیولی

۴۷ ـ حسد به طرف دیگران تیر می‌افکند و خود را زخمی می‌سازد. سوئدی

۴۸ ـ حتّی به دنبال شب زمستانی، روز فرا می‌سد. سوئدی

۴۹ ـ حرف زده شده نهالی است که رشد و نمو می‌کند. نروژی

۵۰ ـ حقیقت به ندرت برای خود مأوا پیدا می‌کند. بلژیکی

۵۱ ـ حیوان به پا بسته می‌شود. انسان به قولش. انگلیسی

۵۲ ـ حق با زور است. انگلیسی

۵۳ ـ حق پشت در منتظر است و باطل در جلسه شرکت می‌کند. انگلیسی

۵۴ ـ حماقت افراد، شهامت گدا را زیاد می‌کند. انگلیسی

۵۵ ـ حسود با چشم شاخ می‌زند و از هنر عیب می‌سازد. آلمانی

۵۶ ـ حتّی سگ می‌تواند با تکان دادن دم خود لقمه نانی بدست آورد. ایتالیایی

۵۷ ـ حتّی قورباغه اگر دندان می‌داشت، دندان می‌گرفت. ایتالیایی

۵۸ ـ حتّی گوسفندان شمرده شده را، گرگ می‌خورد. ایتالیایی

۵۹ ـ «حقیقت» را می‌توان خم کرد ولی نمی‌توان آن را شکست. ایتالیایی

۶۰ ـ حقیقت دختر زمان است. ایتالیایی

۶۱ ـ حقیقت نیش می‌زند و دروغ درمان می‌کند. ایتالیایی

۶۲ ـ حسادت دشمن شرافت است. لاتینی

۶۳ ـ حتّی از فواره‌ها فریاد «العطش» بلند است. لاتینی

۶۴ ـ حتّی خرگوش‌ها به یک شیر مرده توهین می‌کنند. لاتینی

۶۵ ـ حتّی یک خدا نمی‌تواند در آن واحد هم عاشق باشد و هم عاقل. لاتینی

۶۶ ـ حتّی خود شیطان نمی‌داند که زنان چاقوهای خود را کجا تیز می‌کنند. لاتویا

۶۷ ـ حتّی سخت‌ترین زمستان‌ها از بهار می‌ترسند. لتوانی

۶۸ ـ حتّی یک مورچه از خود سایه می‌اندازد. مونتونگرویی

۶۹ ـ حتّی در بهترین زنان، دندهٔ شیطان دیده می‌شود. رومانی

۷۰ ـ حتّی مرگ را نمی‌توان به رایگان بدست آورد زیرا برای تحصیل آن باید از جان دست شست. روسی

۷۱ ـ حتّی شکوه و عظمت یک رودخانه موقع ریختن در دریا، پایان می‌یابد. روسی

۷۲ ـ حق بالاتر از قانون است. روسی

۷۳ ـ حتّی گاو با دم خود از خود دفاع می‌کند. یوگسلاوی

۷۴ ـ حتّی آواز خواندن، تحمل کمی زحمت و کوشش را ایجاب می‌کند. یوگسلاوی

۷۵ ـ حتّی مرغ کور کاهگاهی دانه‌ای پیدا می‌کند. یوگسلاوی

۷۶ ـ حرف خوش د رآهنین را باز می‌کند. یوگسلاوی

۷۷ ـ حق‌شناسی بارسنگینی است. اسکاتلندی

۷۸ ـ حسد پیر نمی‌شود. ولز

۷۹ ـ حتّی مورچه سایه می‌افکند. بلغارستانی

۸۰ ـ حتّی گنج پادشاه پایان می‌یابد. بلغارستانی

۸۱ ـ حتّی دامن بیوه، دشمن اوست. بلغارستانی

۸۲ ـ حرف ملایم دروازه آهنین را باز می‌کند. بلغارستانی

۸۳ ـ حقیقت بهتر از طلاست. جزایرانگلیس

۸۴ ـ حتّی سگ استخوان خشک را رد می‌کند. کرواتی

۸۵ ـ حماقت گیاهی است هرزه، خود به خود رشد می‌کند و لازم نیست که کاشته شود. چک

۸۶ ـ حتّی شاهان در آستانه در خم می‌شوند. چک

۸۷ ـ حتّی یک صد دزد، قادر نیستند مردی که لخت است، لخت کنند! چک

۸۸ ـ حکمت زیاد، جرأت تولید نمی‌کند. چک

۸۹ ـ حتّی خرده نان، نان است. دانمارکی

۹۰ ـ حسود تصور می‌کند چنانچه پای همسایه‌اش بشکند او بهتر راه تواند رفت. دانمارکی

۹۱ ـ حلزون خانه خود را به دوش می‌کشد چون به همسایه خود اعتماد ندارد. دانمارکی

۹۲ ـ حکمت سبک‌ترین بار سفر است. دانمارکی

۹۳ ـ حتیّ کفش نو، روزی به دور انداخته می‌شود. دانمارکی

۹۴ ـ حتّی یک بستر طلایی کمکی به شخص بیمار نمی‌کند. استونی

۹۵ ـ حق، کهنسال‌تر از قانون است. استونی

۹۶ ـ حتّی درستکاری گاهی دارای بینی مومی است. استونی

۹۷ ـ حکمت برده بلاهت است. استونی

۹۸ ـ حتّی مرغ کور گاهی دانه‌ای پیدا می‌کند. فنلاندی

۹۹ ـ حتّی ماه تا طلوع نکند نمی‌درخشد. فنلاندی

۱۰۰ ـ حتّی یک ستاره کوچک در تاریکی می‌درخشد. فنلاندی

۱۰۱ ـ حساب‌های کهنه، جدال‌های جدید بوجود می‌آورند. فرانسوی

۱۰۲ ـ حضور پزشک آغاز درمان است. فرانسوی

۱۰۳ ـ حکمت برای روح به منزله تندرستی برای بدن است. فرانسوی

۱۰۴ ـ حقیقت گرزی است که فرود می‌آید و همه را می‌کشد. فرانسوی

۱۰۵ ـ حقیقت در ته چاه نهفته است. فرانسوی

۱۰۶ ـ حقیقت در خمره است نه در چاه. فرانسوی

۱۰۷ ـ حسادت اولین درس شیطان به انسان احمق است. فرانسوی

۱۰۸ ـ حتماً سیب‌های سرخ، کرمو هستند. آلمانی

۱۰۹ ـ حتّی موش‌ها می‌توانند گربه‌های مرده را گاز بزنند. آلمانی

۱۱۰ ـ حتّی سگ شاه، کک دارد. آلمانی

۱۱۱ ـ حتّی برای قطره باران وقت لازم است تا روی زمین فرو افتد. آلمانی

۱۱۲ ـ حق‌شناسی و گندم فقط در یک زمین مساعد و خوب، رشد می‌کنند. آلمانی

۱۱۳ ـ حتّی مو سایه دارد. آلمانی

۱۱۴ ـ حتّی مرغ‌های محتاط گاهی در میان گزنه تخم می‌گذارند. آلمانی

۱۱۵ ـ حق همیشه توفیق نیافته است ولی موفقیت همیشه بر حق بوده است. آلمانی

۱۱۶ ـ حتّی بهترین کفش‌ها در پایان کار تبدیل به کفش دمپایی می‌شود. آلمانی

۱۱۷ ـ حقیقت دختر زمان است. آلمانی

۱۱۸ ـ حقیقت شبحی است که افراد بسیاری را از خود می‌ترساند. آلمانی

۱۱۹ ـ حکمت پنهان، گنج مدفون است. آلمانی

۱۲۰ ـ حتّی گرگ موقعی که در گودال می‌افتد، از چشمش اشک سرازیر می‌شود. آلمانی

۱۲۱ ـ حتّی بهترین سخنان روی آستانه صاف لبان سکندری می‌خواند. آلمانی

۱۲۲ ـ حقیقت ته چاه است. یونانی

۱۲۳ ـ حکمت نصیب کسانی می‌گردد که فقیرند. یونانی

۱۲۴ ـ حتّی سوسن سفید سایه سیاه از خود می‌اندازد. مجارستانی

۱۲۵ ـ حتّی خورشید لکه‌هایی دارد. مجارستانی

۱۲۶ ـ حساب‌ها و شکلات غلیظ را تصفیه کن. آرژانتین

۱۲۷ ـ حق‌شناسی گلی است که گل‌برگ‌هایش زود پژمرده می‌شود. حبشه

۱۲۸ ـ حتّی یک کُلفت برای خود قوم و خویش‌هایی دارد. ترانسوال

۱۲۹ ـ حتّی یک مرد فقیر دل دارد. ترانسوال

۱۳۰ ـ حکمت دوا نیست که بتوانش بلعید. کنگوی بلژیک

حرف خ

۱ ـ خورشید، گوهر آسمان است و بچه، گوهر خانه. چینی

۲ ـ خانه‌ات را قبل از باران آمدن اندود کن و چاه را قبل از تشنه شدن حفر نما. چینی

۳ ـ خواندن کتاب برای بار اول به منزلهٔ آشنا شدن با یک رفیق تازه است، مطالعه مجدد آن به منزلهٔ ملاقات یک دوست قدیمی است. چینی

۴ ـ خوشی زیاد شباهنگ غم فراوان است. چینی

۵ ـ خودداری از نکوکاری بسی بهتر از نیکی کردن به امید دریافت پاداش است. چینی

۶ ـ خدایان نمی‌توانند به مردی که فرصت‌ها را از دست می‌دهد کمک کنند. چینی

۷ ـ خوشبخت‌ترین زن و شوهرهای دنیا دو نفر بودند: یک زن کور و یک مرد کر. چینی

۸ ـ خائن خائف (ترسو) است. تازی

۹ ـ خصومت مرد عاقل بهتر از رفاقت انسان نادان است. تازی

۱۰ ـ خر زیر بارش عرعر نمی‌کند. ارمنی

۱۱ ـ خروسی که بی‌موقع می‌خواند سرش را از دست می‌دهد. ارمنی

۱۲ ـ خورشید بدون بانگ خروس هم طلوع می‌کند. ارمنی

۱۳ ـ خدا آسیاب احمق را می‌گرداند. ارمنی

۱۴ ـ خوردن در حال نشسته آدم را چاق و فربه می‌کند، خوردن در حال ایستاده به نیرومندی می‌افزاید، خوردن در حال راه رفتن عمر را طولانی می‌کند و خوردن در حال دویدن بیماری را رفع می‌نماید! برمائی

۱۵ ـ خدا زن را از سر مرد نساخت تا به او به فرمانروایی نپردازد و از پایش نساخت تا برده‌اش نگردد، بلکه او را از پهلویش ساخت تا همیشه نزدیک به قلبش باشد. عبری

۱۶ ـ خیلی زیاد درستکار مباش. عبری

۱۷ ـ خانه‌ای که روی فقراء گشاده نیست روی طبیب گشاده خواهد بود. عبری

۱۸ ـ خود را در چاه افکندن بهتر از ازدواج کردن با یک پیرمرد است. عبری

۱۹ ـ خود را به خاطر خوشگذرانی بدبخت مکن. عبری

۲۰ ـ خویشتنداری؛ انسان را در ردیف خدایان در می‌آورد. عبری

۲۱ ـ خشم با ستم پایان می‌یابد. عبری

۲۲ ـ خانه‌ای که در آن اطفال نیستند قبرستانی بیش نیست. عبری

۲۳ ـ خشم چشم ندارد. هندی

۲۴ ـ خریدار به صد چشم احتیاج دارد، دکاندار حتّی به یک چشم نیازمند نیست. هندی

۲۵ ـ خوشخو خویش بیگانگان باشد و بدخو بیگانه خویشان. فارسی

۲۶ ـ خورشید چه سود آن راکو راهبری نیست. فارسی

۲۷ ـ خورشید را به گل نتوان اندود. فارسی

۲۸ ـ خودت را نیشگون بگیر تا بفهمی دیگران چقدر از آن رنج می‌برند. فارسی

۲۹ ـ خون را با خون نمی‌شویند. فارسی

۳۰ ـ خوش نباشد جامه نیمی اطلس و نیمی پلاس. فارسی

۳۱ ـ خود کرده را تدبر نیست. فارسی

۳۲ ـ خرسندی دوم، توانگری است. فارسی

۳۳ ـ خر اگر اطلس بپوشد خر است. فارسی

۳۴ ـ خر را نخریده برایش آخور می‌بندد. فارسی

۳۵ ـ خودستایی جان من، برهان نادانی بود. فارسی

۳۶ ـ خویشتن را قدر خواهی، ارج مردم را مبر. فارسی

۳۷ ـ خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود. فارسی

۳۸ ـ خوشا چاهی که آب از خود در آورد. فارسی

۳۹ ـ خاموشی از کلام بیهوده به. فارسی

۴۰ ـ خواستن، توانستن است. فارسی

۴۱ ـ خوردن برای زیستن است نه زیستن از بهر خوردن. فارسی

۴۲ ـ خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو. فارسی

۴۳ ـ خدا خر را شناخت، شاخش نداد. فارسی

۴۴ ـ خفته را خفته کی کند بیدار. فارسی

۴۵ ـ خواهی که به کس دل ندهی دیده ببند. فارسی

۴۶ ـ خطا بر بزرگان گرفتن خطاست. فارسی

۴۷ ـ خواجه در بند نقش ایوانست، خانه از پای بند ویرانست. فارسی

۴۸ ـ خاکی شو، پیش از آن که خاک شوی. فارسی

۴۹ ـ خانه دوستان بروب و در دشمنان مکوب. فارسی

۵۰ ـ خبری که دانی دلی بیازارد تو خاموش تا دیگری بیارد. فارسی

۵۱ ـ خرد بکارت، نیاید چو بخت بد باشد. فارسی

۵۲ ـ خوان بزرگان اگرچه لذیذست، خردهٔ انبان خود به لذت‌تر. فارسی

۵۳ ـ خودشناسی، خداشناسی است. فارسی

۵۴ ـ خری که از خری واماند، یال و دمش را باید زد. فارسی

۵۵ ـ خواب برادر مرگ است. فارسی

۵۶ ـ خر همان خر است فقط پالانش عوض شده است. فارسی

۵۷ ـ خشت اول گر نهد معمار کج فارسی
تا ثریا می‌رود دیوار کج

۵۸ ـ خواب بامداد باز می‌دارد آدمی را از روزی. فارسی

۵۹ ـ خر را گفتند معرفتت را نشان بده، بر خاک غلطید! آذربایجانی

۶۰ ـ خانه روباه را دو راهست، اگر از یکی تحت فشار قرار گیرد، از دیگری پا به گریز می‌گذارد. آذربایجانی

۶۱ ـ خر تو نقاب و افسار گلابتون. آذربایجانی

۶۲ـ خدا مارها، خرگوش‌ها و ارمنی‌ها را آفرید. ترکی

۶۳ـ خرسی که گرسنه است هرگز نمی‌رقصد. ترکی

۶۴ـ خدمت خان جوان و تیمار یابو، دیوانگی است. ترکی

۶۵ـ خوب یاد بگیر و خوب بازی کن. ژاپنی

۶۶ـ خاموشی گل خردمندی است. ژاپنی

۶۷ـ خردمندی و تقوا مانند دو چرخ یک گاری‌اند. ژاپنی

۶۸ـ خفتگان طعمه افراد بیدارند! مالایا

۶۹ـ خیر، هدف نهایی شر خواهد بود. شرقی

۷۰ـ خوب بودن هیچ فایده ندارد، باید خوب به نظر رسید! اسپانیولی

۷۱ـ خیابان «زود» به میدان «هرگز» نمی‌رسد. اسپانیولی

۷۲ـ خوشی پنهان، شمع خاموش شده است. اسپانیولی

۷۳ـ خشم پادشاهان و لبخند زنان بیشتر از لبهٔ شمشیر تیز و بران است. اسپانیولی

۷۴ـ خانه خود را نزدیک قصر ارباب مساز. اسپانیولی

۷۵ـ خدا قادر و متعال است و پول وکیل اوست. اسپانیولی

۷۶ـ خردمند از نادانی خود با خبر است؛ نادان تصور می‌کند که از همه چیز اطلاع دارد. اسپانیولی

۷۷ـ خاک سیاه، مال سفید می‌دهد. سوئدی

۷۸ـ خانه تاریک چشمانی دارد که می‌بیند؛ خانه روشن چشمانی دارد که دیده می‌شوند. سوئدی

۷۹ـ خریداران احمق، بیش از فروشندگان احمق هستند. بلژیکی

۸۰ـ خیلی دور می‌رود آنکس که فکرش خیلی دور کار می‌کند. بلژیکی

۸۱ـ خری را به مجلس عروسی دعوت کردند. در دل گفت: «حتماً هیزم و آب بیشتری لازم دارند». بوسنی

۸۲ـ خُلق نیک، بال و پر انسان است. بوسنی

۸۳ ـ خوردن یک سیب در هر شب، دندانپزشک را فراری می‌سازد. انگلیسی

۸۴ ـ خشم، دیوانگی کوتاهیست. انگلیسی

۸۵ ـ خدا اشک را آفرید تا آتش درونی را خاموش کند. آلمانی

۸۶ ـ خون همه افرادِ بشر یک رنگ است ولی بین لیاقت‌ها، زمین تا آسمان فرق است. آلمانی

۸۷ ـ خالی‌ترین ظرف‌ها بلندترین صداها را می‌دهد. آلمانی

۸۸ ـ خانه‌ای نیست که از آن گاهی دود بلند نشود. سوئیسی

۸۹ ـ خرید خوب را کسانی کرده‌اند که چیزی به خانه نیاورده‌اند. سوئیسی

۹۰ ـ خوش‌ترین ساعات عمر زنان آن ساعتی است که بزازها برای آن‌ها پارچه ذرع می‌کنند. سوئیسی

۹۱ ـ خانه‌های قدیمی و دختران جوان زود می‌سوزند. سوئیسی

۹۲ ـ خیر و نیکی وقتی شناخته می‌شود که می‌رود؛ شر و بدی وقتی معلوم می‌شود که می‌آید. ایتالیایی

۹۳ ـ خشم افرادی که عاشقند مانند تار عنکبوت است. ایتالیایی

۹۴ ـ خوردن زهر بهتر از زندگی با مادر زن است زیرا زهر زود خلاصت می‌کند ولی مادرزن زجرکشت می‌نماید. ایتالیایی

۹۵ ـ خوشی، خانواده ندارد ولی اندوه زن و بچه دارد. ایتالیایی

۹۶ ـ خدا در را می‌بندد و بالکن را باز می‌کند. ایتالیایی

۹۷ ـ خنده خون سالم تولید می‌کند. ایتالیایی

۹۸ ـ خم کردن بهتر از شکستن است. لاتینی

۹۹ ـ خیلی زیاد، بدتر از خیلی کم است. لاتینی

۱۰۰ ـ خدا به گاو وحشی شاخ کوتاه می‌دهد. لاتینی

۱۰۱ ـ خائنان حتّی در نزد افرادی که از آن‌ها استفاده می‌کنند منفور هستند. لاتینی

۱۰۲ ـ خواب گنج مرد فقیر است. لاتویا

۱۰۳ ـ خوشبختی شاخ دارد و بدبختی پا. مونتونگرویی

۱۰۴ ـ خانه روی زن قرار دارد و نه روی زمین. مونتونگرویی

۱۰۵ ـ خوشی و اندوه چرخی است که دائم در گردش است. مونتونگرویی

۱۰۶ ـ خارج از مونتونگرو، آزادی وجود ندارد. مونتونگرویی

۱۰۷ ـ خرس می‌رقصد ولی پول را کولی می‌گیرد. روسی

۱۰۸ ـ خودفروشی خواهر زیبایی و شهوت، دختر اوست. روسی

۱۰۹ ـ خروس جنگی چاق نمی‌شود. روسی

۱۱۰ ـ خوشبختی، زن پدر است. روسی

۱۱۱ ـ خوشبختی اسب نیست، شما نمی‌توانید یراقش کنید. روسی

۱۱۲ ـ خدا می‌خواست آدمیان را تنبیه کند و قضاوت را بجا نشان انداخت. روسی

۱۱۳ ـ خویشاوندان دوستان اجباری هستند. روسی

۱۱۴ ـ خورشید زمستان مانند زن پدر است؛ می‌تابد ولی حرارت ندارد. روسی

۱۱۵ ـ خدمت کردن به یک مردخوب و خیرخواه بهتر از فرمان دادن به یک مرد بد و خودخواه است. یوگسلاوی

۱۱۶ ـ خموش بودن هنر نیست بلکه آن عملی است سخت دشوار. یوگسلاوی

۱۱۷ ـ خمیدگی چوب کهنه را به سختی می‌توان برطرف کرد. اسکاتلندی

۱۱۸ ـ خدمت کن تا خدمتت کنند. بلغارستانی

۱۱۹ ـ خانه‌ای که در آن زن نیست چاهی است که در آن سطل نیست. بلغارستانی

۱۲۰ ـ خوب آنست که پایانش به خوبی ختم شود. جزائرانگلیس

۱۲۱ ـ خوش به حال مردی که دوستانی دارد؛ وای به حال کسی که به داشتن دوست احتیاج دارد. چک

۱۲۲ ـ خاطرهٔ خوب مدت طولانی باقی می‌ماند و خاطرهٔ بد مدت طولانی‌تری. چک

۱۲۳ ـ خانه بی‌زحمت مانند چمن بی‌شبنم است. چک

۱۲۴ ـ خیلی کم و خیلی زیاد هر چیز را ضایع می‌گرداند. دانمارک

۱۲۵ ـ خون می‌خزد در جایی که نمی‌تواند جریان یابد. هلندی

۱۲۶ ـ خدا دریا را ساخت و هلندی زمین را. هلندی

۱۲۷ ـ خرچنگ چشم دارد و جنگل گوش. هلندی

۱۲۸ ـ خانه دنیای زن است؛ دنیا خانهٔ مرد. استونی

۱۲۹ ـ خمیر مایه مختصر، تمام خمیر را ور می‌آورد. استونی

۱۳۰ ـ خودت را دوست داشته باشد. در این صورت رقیبی نخواهی داشت. استونی

۱۳۱ ـ خوشبختی افراد بدبخت در کار نهفته است. استونی

۱۳۲ ـ خانه خود را برای ترساندن موش آتش مزن! فرانسوی

۱۳۳ ـ خود را محبوب قرار دادن بهترین طریقهٔ مفید واقع شدن است. فرانسوی

۱۳۴ ـ خمیر فقراء در تنور منجمد می‌شود. فرانسوی

۱۳۵ ـ خیلی کم‌اند افرادی که می‌دانند چگونه باید پیر شد. فرانسوی

۱۳۶ ـ خوشبختی از قمار باز فراری است! فرانسوی

۱۳۷ ـ خوار شمردن هنر، برابر است با بی‌اطلاع بودن از آن. آلمانی

۱۳۸ ـ خیلی ارزان، خیلی گران است. آلمانی

۱۳۹ ـ خدا شیر را می‌دهد ولی سطل را نمی‌دهد. آلمانی

۱۴۰ ـ خرگوش می‌گوید: «من می‌توانم سریع بدوم» ولی مزرعه می‌گوید: «من طولانی هستم». آلمانی

۱۴۱ ـ خرگوش‌ها را با دست توان گرفت، ابلهان را با تملق و زنان را با طلا! آلمانی

۱۴۲ ـ خوشی و اندوه همسایه دیوار به دیوار یکدیگر هستند. آلمانی

۱۴۳ ـ خاموش کردن روشنایی آسان‌تر از برافروختن آن است. آلمانی

۱۴۴ ـ خوش اقبالی، انسان را خوشحال می‌کند و بدبختی، او را بزرگ می‌گرداند. آلمانی

۱۴۵ ـ خواب بزرگترین دزد است زیرا نصف مهر شما را می‌دزدد. آلمانی

۱۴۶ ـ خود را شناختن حکمت است؛ خود را از یاد بردن بلاهت! آلمانی

۱۴۷ ـ خروس نمی‌تواند از دوستی با روباه نفع ببرد. گرجستانی

۱۴۸ ـ خدا شر را آفرید تا جهنم خالی نباشد. گرجستانی

۱۴۹ ـ خندهٔ گل باعث می‌شود که بلبل سر خود را از دست بدهد. گرجستانی

۱۵۰ ـ خواب، برادر مرگ است. اسلواکی

۱۵۱ ـ خوشی و اندوه همسایه دیوار به دیوار یکدیگرند. اسلواکی

۱۵۲ ـ خوشبختی و زنان زیبا، خائن‌ترین و بی‌وفاترین چیزهای دنیایند. اسلواکی

۱۵۳ ـ خوشبختی از جایی شروع می‌شود که جاه‌طلبی پایان می‌یابد. مجارستانی

۱۵۴ ـ خدا روی خطوط کج و معوج، راست و مستقیم می‌نویسد. برزیلی

۱۵۵ ـ خودفروشی و بینوایی سر و ته یک کرباسند. مکریکی

۱۵۶ ـ خورشید غروب می‌کند ولی خطر هرگز غروب نمی‌کند. نگرویی

۱۵۷ ـ خیلی بهتر است سوراخ بزرگ روی زانو باشد تا سوراخ کوچک در جیب. نگرویی

۱۵۸ ـ خورجین خالی را دور نینداز. نگرویی

۱۵۹ ـ خرچنگ دریایی خفته را آب می‌برد. پرویی

۱۶۰ ـ خرگوش از حیث طول گوش شبیه به الاغ است و معذلک نسبتی با الاغ ندارد؟ بامبارا

۱۶۱ ـ خدای سگ، لقمه‌یی است که روی زمین می‌افتد. کنیا

۱۶۲ ـ خوشا به حال کسی که دختری زاییده است؛ پسر، فرزند مادرشوهر است. ترانسوال

۱۶۳ ـ خانه‌های کوچک موش‌های گنده دارند (یعنی به ظاهر قضاوت نکن). هایا

۱۶۴ ـ خشم بدبختی است. کیکویو

۱۶۵ ـ خوش شانسی و اقبال زیاد، انسان را دیوانه می‌کند. کنگوی بلژیک

حرف د

۱ ـ دست شکسته‌ات را داخل آستینت گذار! چینی

۲ ـ دریای «بودا» ساحل ندارد. چینی

۳ ـ دکتر بداقبال به درمان سر مرض می‌پردازد و پزشک خوش شانس دُم آن را. چینی

۴ ـ دلت را هم‌چنان تمیز کن که ظرفت را. چینی

۵ ـ در برابر خدای حقیقی بخور، دروغین مسوزان. چینی

۶ ـ در پس هر مرد توانا، مردم توانا هستند. چینی

۷ ـ دل انسان آهن است و قوانین کشور کوره. چینی

۸ ـ دانش این است که بدانید و بدانید که می‌دانید و ندانید و بدانید که نمی‌دانید. چینی

۹ ـ درخت برای میوه‌اش وجود دارد و انسان برای درستکاری و خویشتن‌داری. چینی

۱۰ ـ دل آدمی هرگز سیر نمی‌شود. چینی

۱۱ ـ دوستان مهربان از برادران نامهربان بهترند. چینی

۱۲ ـ در اشعار، تابلوها نهفته است. و در تابلوها اشعار. چینی

۱۳ ـ در یک راه طولانی بار سبک وجود ندارد. چینی

۱۴ ـ در بهار برای طول سال نقشه بکش. چینی

۱۵ ـ درختی که بادش بر زمین افکنده بیش از ریشه شاخه دارد. چینی

۱۶ ـ در مرد فضیلت، زینت است. در زن بی‌اعتنایی به زینت، فضیلت است. چینی

۱۷ ـ دیوارها گوش دارند. چینی

۱۸ ـ در دنیا دو نوع کور وجود دارد: یکی آن‌که نابیناست و دیگری مردی که شهوت جلو چشمش را بگیرد. چینی

۱۹ ـ در انتخاب زن یک پله پائین‌تر از خودت را در نظر بگیر، و در انتخاب رفیق یک پله بالاتر. چینی

۲۰ ـ دختران برای رضای پدر و مادر، و زنان بیوه به خاطر راحتی خود ازدواج می‌کنند. چینی

۲۱ ـ دندان اگر چیزی برای جویدن نداشته باشد فایده‌ایی ندارد. چینی

۲۲ ـ در امر شوهرداری حرف همه کس را به جز حرف مادر و خواهرت را گوش کن. چینی

۲۳ ـ درویشی که دم خور ثروتمند است بزودی چنان تهیدست خواهد شد که توانایی خرید شلوار را نیز نخواهد داشت. چینی

۲۴ ـ در لانه مرغ، سمندر نخواهی یافت. چینی

۲۵ ـ دشنام جراحتی است درمان‌ناپذیر. تازی

۲۶ ـ در خانه‌ای که بچه نیست، نور نیست. تازی

۲۷ ـ دانشمند فاسد، جهانی را فاسد می‌کند. تازی

۲۸ ـ در شیئی که به شدت بدان نیاز داریم عیبی نهفته. تازی

۲۹ ـ در یأس، فرج و راحتی نهفته است. تازی

۳۰ ـ دختر شوهر نکرده، یک بالش شکسته است. تازی

۳۱ ـ در جهنم بادبزن وجود ندارد. تازی

۳۲ ـ در یک دسته فاسد و تبهکار، نیکان دورو به نظر می‌رسند. تازی

۳۳ ـ دهان تنها با بریدن هندوانه خنک نمی‌شود. تازی

۳۴ ـ درشت‌ترین گردوها آن‌هایی هستند که خالی‌اند. تازی

۳۵ ـ در نخلستان به الاغ خرما می‌خورانند. تازی

۳۶ ـ داخل شدن در خانه بی‌غیرتی و هوس آسان است و خارج شدن از آن سخت و دشوار. تازی

۳۷ ـ در هر ضرب‌المثل حکمتی نهفته است. تازی

۳۸ ـ در طبیعت، برای هر زخم مرهمی است. تازی

۳۹ ـ دو تن هرگز خرسند نمی‌گردند ـ جوینده دانش و جوینده ثروت. تازی

۴۰ ـ در دنیا سه طبقه مردم وجود دارند: گروه اوّل از تجارب خود می آموزند و این‌ها خردمنداند، گروه دوّم از تجربه دیگران می‌آموزند و این‌ها سعادتمنداند و گروه سوّم نه از تجربه خود و نه از تجربه دیگران چیزی می‌آموزند و این‌ها ابلهانند. تازی

۴۱ ـ دو طبقه انسان‌ها وجود دارند: آنهایی که وسایل کامرانی و شادکامی را دارند و خوش نیستند، و آنهایی که در جستجوی سعادتند ولی نمی‌توانند آن را بیابند. تازی

۴۲ ـ دانا و فهمیده باش ولی خود را نادان نشان بده. ارمنی

۴۳ ـ در نگاه اول دوست و در ملاقات دوم برادر. ارمنی

۴۴ ـ دوست به سر نگاه می‌کند و دشمن به پا. ارمنی

۴۵ ـ در قلب هر کس شیری خفته است. ارمنی

۴۶ ـ دزد مرتکب فقط یک جنایت شده و آن‌که مالش به سرقت رفته مرتکب صد جنایت (زیرا به دیگران تهمت دزدی می‌زند). ارمنی

۴۷ ـ در چاهی که آبش را نوشیده‌ای تف مینداز. ارمنی

۴۸ ـ دنیا دیگ است و انسان قاشق روی آن. ارمنی

۴۹ ـ دنیا سنگ چاقو تیزکنی است و مرد چاقو. ارمنی

۵۰ ـ دشمنی مانند بیماری وجود ندارد؛ هیچ عشقی برابر با خود پرستی نیست و هیچ قدرتی برابر با فضیلت اخلاقی. برمایی

۵۱ ـ در هنگام حرف زدن شیر است و در هنگام دعوا مارمولک. هندی

۵۲ ـ در چشم کور بیدار شدن و خواب رفتن یکی است. هندی

۵۳ ـ در جایی که درخت نیست نهال روغن کرچک پادشاه است. هندی

۵۴ ـ دشمنت کجاست؟ در آغوش خودت است! هندی

۵۵ ـ دست دست را می‌شناسد. هندی

۵۶ ـ در شهری که نه اسب شیهه می‌کشد و نه سگ عوعو می‌کند بسر مبر. هندی

۵۷ـ دو نفر خوب هستند: آن‌که هنوز به دنیا نیامده و آن‌که درگذشته است. هندی

۵۸ـ در جستجوی عشق و محبت رفتم و خودم را گم کردم. هندی

۵۹ـ دلی دارد زیبا هر چه می‌بیند، می‌خواهد. فارسی

۶۰ـ دنده را اشتر شکست و تاوان را خر داد. فارسی

۶۱ـ دیگ به دیگ می‌گوید رویت سیاه. فارسی

۶۲ـ دزد به دزد می‌زند خدا خنده‌اش می‌گیرد. فارسی

۶۳ـ درخت کاهلی بارش گرسنگی است. فارسی

۶۴ـ دوست همه کس، دوست هیچ‌کس نیست. فارسی

۶۵ـ دزد بازار را آشفته می‌خواهد. فارسی

۶۶ـ در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست. فارسی

۶۷ـ دیگران را مار می‌گزد و ما را خرچسونه. فارسی

۶۸ـ دست شکسته، به کار می‌رود، دل شکسته به کار نمی‌رود. فارسی

۶۹ـ دزد از خانه مفلس خجل آید برون. فارسی

۷۰ـ درد کوه را آب می‌کند. فارسی

۷۱ـ دانستن را کار بستن باید. فارسی

۷۲ـ داری طرب کن نداری طلب کن. فارسی

۷۳ـ دنیا کاروانسرای مسافر است. فارسی

۷۴ـ داروی کژدم زده کشتهٔ کژدم بود. فارسی

۷۵ـ در پس هر گریه آخر خنده‌ایست. فارسی

۷۶ـ درویش صفت باش و کلاه تتری دار. (کلاه نگاهداشتن) فارسی

۷۷ـ دوستان وفادار بهتر از خویشند. فارسی

۷۸ـ دیوانه به کار خویشتن هوشیار است. فارسی

۷۹ـ در عمل کوش و هر چه خواهی باش. فارسی

۸۰ـ دنیا پس از مرگ ما چه مسجد چه کنشت. (کلیسا، دیر) فارسی

۸۱ ـ دو صد گفته چون نیم کردار نیست. فارسی

۸۲ ـ دولت همه زاتفاق خیزد. فارسی

۸۳ ـ دیگ شراکت جوش نمی‌آید. فارسی

۸۴ ـ دیرای و درست آی. فارسی

۸۵ ـ دانایی، توانایی. فارسی

۸۶ ـ دل به دل راه دارد. فارسی

۸۷ ـ دندان اسب پیشکشی را نمی‌شمارند. فارسی

۸۸ ـ در سر عقل باید بود فارسی

بی کلاهی عار نیست.

۸۹ ـ دیوار موش دارد، موش گوش دارد. فارسی

۹۰ ـ دزد ناشی به کاهدان می‌زند. فارسی

۹۱ ـ دود از کنده بلند می‌شود. فارسی

۹۲ ـ دشمن چو از همه حیلتی فروماند، سلسلهٔ دوستی بجنباند. فارسی

۹۳ ـ دست کَرم، به ز بازوی زور. فارسی

۹۴ ـ دخل آب روانست و عیش آسیای گران. فارسی

۹۵ ـ در پسی مردن به که حاجب پیش کسی بردن. فارسی

۹۶ ـ دروغی مصلحت‌آمیز به که راستی فتنه‌انگیز. فارسی

۹۷ ـ دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمردن. فارسی

۹۸ ـ دل در کسی مبند که دل بستهٔ تو نیست. فارسی

۹۹ ـ دوست نه بکوشید نست، چاره کم جوشیدنست. فارسی

۱۰۰ ـ دانش و علم، زینت اغنیاء و ثروت فقر است. فارسی

۱۰۱ ـ دانا علم خود را با عمل همراه کند. فارسی

۱۰۲ ـ درویش هر کجا که شب آید سرای اوست. فارسی

۱۰۳ ـ دانشمند در میان مردم نادان مانند زنده است در بین مردگان. فارسی

۱۰۴ـ در بلوا، ثروتت را بپا و در زمان عادی سرت را. آذربایجانی

۱۰۵ـ دزد راه باش دزد سفره مباش. آذربایجانی

۱۰۶ـ دروغ زود پا می‌گیرد ولی پیش نمی‌رود. آذربایجانی

۱۰۷ـ درآمد روسپی خرج سرخاب و سفیداب می‌شود. آذربایجانی

۱۰۸ـ دوست خوب در روز بد شناخته شود. آذربایجانی

۱۰۹ـ دیوار زن بیوه کوتاه است (تهمت زدن به او آسان است). آذربایجانی

۱۱۰ـ دعوای زن و شوهر باران فصل تابستان است (زود تمام شود). آذربایجانی

۱۱۱ـ دیوانه جریمه دهد و عاقل رشوه. آذربایجانی

۱۱۲ـ دشمن را بکوب به هر وسیله که می‌توانی. آذربایجانی

۱۱۳ـ دستی را که نمی‌توان برید باید بوسید و بر دیده نهاد. آذربایجانی

۱۱۴ـ دشمن دیرین رقابت نپذیرد و پوست سگ دباغت. آذربایجانی

۱۱۵ـ دست بریده از دست بریده خبر دارد. آذربایجانی

۱۱۶ـ در میان کوران چشم‌هایت را ببند. ترکی

۱۱۷ـ دودکش آتش نمی‌گیرد مگر از داخل. ترکی

۱۱۸ـ در استانبول، آتش اموال‌تان را طعمه حریق می‌سازد و طاعون جان‌تان را می‌گیرد و زنان عقل و هوش‌تان را می‌ربایند. ترکی

۱۱۹ـ دوست به سر می‌نگرد و دشمن به پا. ترکی

۱۲۰ـ در هر دلی شیری نهفته است. ترکی

۱۲۱ـ دل، یک قلعه شیشه‌ای است، وقتی که بشکند دیگر درست نمی‌شود. ترکی

۱۲۲ـ دو دیوانه را همسایگان عاقل باید. ترکی

۱۲۳ـ دشمن بزرگ پیرمرد، زن جوان است. ترکی

۱۲۴ـ دل شاد مانند دارو اثر می‌کند ولی یک روح شکسته استخوان‌ها را خشک می‌کند. کتب مقدس

۱۲۵ـ داوری می‌کند تا مورد داوری قرار نگیرید. کتب مقدس

۱۲۶ ـ در شرارت و بدخواهی کودک باشید و در فهم و شعور مرد. کتب مقدس

۱۲۷ ـ دل ابلهان روی زبانشان است و زبان عقلاء در دل‌شان. کتب مقدس

۱۲۸ ـ در ایام خوشبختی دوست را نمی‌توان شناخت و در ایام بدبختی دشمن را نمی‌توان پنهان داشت. کتب مقدس

۱۲۹ ـ دل، رئیس خدایان است لذا آزاری به آن نرسان. کتب مقدس

۱۳۰ ـ دلبستگی به دنیا را بسوزان. کتب مقدس

۱۳۱ ـ در سر و صدای بازار پول هست و زیر درخت گیلاس آرامش. ژاپنی

۱۳۲ ـ درخت بلند را باد به آسانی می‌شکند. ژاپنی

۱۳۳ ـ درختی که میوه می‌دهد از گل‌هایش پیداست. ژاپنی

۱۳۴ ـ دهان شیرین استخوان می‌شکند. مالایا

۱۳۵ ـ در بین افراد محترم انسان محترم می‌شود؛ و در بین اراذل پست و فرومایه. افغانی (پشتو)

۱۳۶ ـ دهان هم یک قلعه است و هم یک بدبختی. افغانی (پشتو)

۱۳۷ ـ دشمن نه خود می‌خوابد نه می‌گذارد خصمش بخوابد. شرقی(متفرقه)

۱۳۸ ـ در توبه باز است. شرقی(متفرقه)

۱۳۹ ـ در خانه‌ای که تار عنکبوت هست دختران ازدواج نمی‌کنند. اسپانیولی

۱۴۰ ـ درهای نو برای خانه‌های کهنه. اسپانیولی

۱۴۱ ـ در دنیا دو خانواده وجود دارد؛ داراها و ندارها. اسپانیولی

۱۴۲ ـ در یک خانه کوچک و یک جاده پهن و وسیع انسان دوست خوب را می‌شناسد. اسپانیولی

۱۴۳ ـ دوشیزه پرهیزکار و پای شکسته باید در خانه بمانند. اسپانیولی

۱۴۴ ـ دروغی بگو تا حقیقت آشکار گردد. اسپانیولی

۱۴۵ ـ در اسپانیا کافی است کسی مادر باشد. اسپانیولی

۱۴۶ ـ دعواها و دریاها را از دور بهتر توان دید. اسپانیولی

۱۴۷ ـ در ملاء عام بفروش و در خفاء بخر. اسپانیولی

۱۴۸ ـ در پایان سال، نوکر دارای عادات ارباب می‌شود. اسپانیولی

۱۴۹ ـ در جهنم هم می‌توان دوست پیدا کرد. اسپانیولی

۱۵۰ ـ دست سیاه را اغلب با دستکش سفید پنهان می‌دارند. اسپانیولی

۱۵۱ ـ در زنان همیشه زیبایی و عفت یک جا جمع نمی‌شود. اسپانیولی

۱۵۲ ـ دوختن بهتر از پاره کردن و از هم گسیختن است. اسپانیولی

۱۵۳ ـ در خوشی‌های پر مکر و فریب عشق، کسی که از همه بیشتر نابیناست بهتر می‌بیند. اسپانیولی

۱۵۴ ـ در مکتب خطر، مخاطرات درسند! اسپانیولی

۱۵۵ ـ دانا از دشمنانش بیشتر استفاده می‌کند تا نادان از دوستانش. اسپانیولی

۱۵۶ ـ در موضوعات عشقی و دیپلماسی هر دختری همیشه زن است. اسپانیولی

۱۵۷ ـ دزد تنبل بهتر از نوکر تنبل است. سوئدی

۱۵۸ ـ درخت میوه، میوه می‌دهد ولو سنگ به طرفش پرتاب شود. سوئدی

۱۵۹ ـ دوست کنار بطری شراب، دشمن بزرگ جیب است. سوئدی

۱۶۰ ـ دو چیز مو را سفید می‌کند: اول زن است و دوم غم. سوئدی

۱۶۱ ـ دست کوچک غالباً منشاء کمک‌های بزرگ است. نروژی

۱۶۲ ـ در موقع احتیاج خوک را عمو خواند. آلبانی

۱۶۳ ـ در جایی که هیچ نداده‌ای، هیچ مخواه. آلبانی

۱۶۴ ـ دوشیزگان پیر و مردان سالخورده عزب، یا خیلی خوب می‌شوند یا خیلی بد. باسک

۱۶۵ ـ در یک شرط‌بندی دو نفر شریک‌اند: یک احمق و یک دزد! بلژیکی

۱۶۶ ـ در جایی که آفتاب هست، نیازی به پزشک نیست. بلژیکی

۱۶۷ ـ دوستانِ دوستان من هم، دوستان منند. بلژیکی

۱۶۸ ـ دشوارترین قدم، همان قدم اول است. بلژیکی

۱۶۹ ـ در موقعی که در میدان کارزار هستید نمی‌توانید شمشیرتان را قرض بدهید. بوسنی

۱۷۰ ـ دروغ‌هایی هست که باور کردنی‌تر از حقیقت است. بوسنی

۱۷۱ ـ دو چیز بر دنیا حِکومت می‌کند: پاداش و مجازات. بوسنی

۱۷۲ ـ در جایی که دلیل و برهان فایده نمی‌بخشد، از ناسزاگویی استفاده کن. انگلیسی

۱۷۳ ـ در موقع شروع هر کار، به فکر انجامش باش. انگلیسی

۱۷۴ ـ دختر بارآوردن یک طرف، شوهر دادن هم یک طرف. انگلیسی

۱۷۵ ـ دست که زیاد شد کار سبک می‌شود. انگلیسی

۱۷۶ ـ دست عجول به جای ماهی قورباغه می‌گیرد. انگلیسی

۱۷۷ ـ درستکاری بهترین سیاست است. انگلیسی

۱۷۸ ـ دوست هنگام تنگدستی، دوست واقعی است. انگلیسی

۱۷۹ ـ دیدن باور کردن است. انگلیسی

۱۸۰ ـ دفاع از خود اولین قانون طبیعت است. انگلیسی

۱۸۱ ـ دیوانه آتش می‌افروزد و عاقل خاموش می‌کند. انگلیسی

۱۸۲ ـ دماغ سگ و زانوی دخترها همیشه سرد است. انگلیسی

۱۸۳ ـ دنیا با عقاید اداره می‌شود. انگلیسی

۱۸۴ ـ درد برای انسان صبور مفهومی ندارد. انگلیسی

۱۸۵ ـ دعای آخر را می‌خواند (ناامید شده است). انگلیسی

۱۸۶ ـ دشمنی که کلام شیرین بر لب دارد، شمشیرش خیلی تیزتر است. آلمانی

۱۸۷ ـ درستکار باش و از هیچ‌کس نترس. آلمانی

۱۸۸ ـ در شتاب هم تأملی باید. آلمانی

۱۸۹ ـ دست طفل و دهان احمق همیشه باز است. سوئیسی

۱۹۰ ـ درختی که میوه‌هایش رسیده‌اند احتیاج خیلی کم به تکان دادن دارد. سوئیسی

۱۹۱ ـ در ضرب‌المثل‌ها وجدان مردم قضاوت می‌کند. سوئیسی

۱۹۲ ـ درخت دانش با اشک آبیاری می‌شود. سوئیسی

۱۹۳ ـ در اوقات سخت یک همسایه نزدیک بهتر از یک برادر دور است. اروپا

۱۹۴ ـ دندان‌هایت را جلو زبانت بگذار. اروپا

۱۹۵ ـ دیگران شمع را می‌خورند و تو فتیله را هضم می‌کنی. ایتالیایی

۱۹۶ ـ دشمن بزرگ بشر عقیده نفس خود اوست. ایتالیایی

۱۹۷ ـ در انقلاب یا سرت را از دست می‌دهی و یا سرور می‌شوی. ایتالیایی

۱۹۸ ـ در جنگ عشق پیروز کسی است که پای به فرار می‌گذارد. ایتالیایی

۱۹۹ ـ در وقتی که رفیق، قاضی شود باید فاتحه قانون را خواند. ایتالیایی

۲۰۰ ـ دهان پاها را حمل می‌کند. ایتالیایی

۲۰۱ ـ در بهشت کسی تنها نخواهد بود. ایتالیایی

۲۰۲ ـ دو متر زمین، شأن و مقام غنی و فقیر را یکسان می‌سازد. ایتالیایی

۲۰۳ ـ درستکار بودن تنها کافی نیست، باید طریق استفاده از درستکاری را هم دانست. ایتالیایی

۲۰۴ ـ داشتن دوستان، خوب است ولو در خانه شیطان باشند. ایتالیایی

۲۰۵ ـ در گریستن لذتی خاص نهفته است. لاتینی

۲۰۶ ـ دروغ‌ها وصله‌هایی هستند که روی حقیقت دوخته می‌شوند. لاتویا

۲۰۷ ـ در جایی که دود فراوان است، حرارت کم است. لاتویا

۲۰۸ ـ در یک جنگل پر درخت رشد درخت‌ها همه مستقیم است. لاتویا

۲۰۹ ـ در دنیا فقط یک حقیقت است ولی به نظر می‌رسد که صد حقیقت است. لتوانی

۲۱۰ ـ داروهای مفید، تلخ‌اند. لتوانی

۲۱۱ ـ دل مادر شکوفه است که هرگز پژمرده نمی‌شود. لتوانی

۲۱۲ ـ درستکار در خود جاده راه می‌رود و نادرستکار از کنار جاده. لتوانی

۲۱۳ ـ دود همیشه بزرگتر از آتش است. لتوانی

۲۱۴ ـ درخت را نمی‌توان با یک ضربه زمین انداخت. لتوانی

۲۱۵ ـ درها را بدون کلید نمی‌توان باز کرد. مالت

۲۱۶ ـ در جایی که زنبور، عسل پیدا می‌کند، عنکبوت زهر می‌یابد. مونتونگرویی

۲۱۷ ـ در گاری هر کسی که سوار هستی باید به ساز هم او برقصی. مونتونگرویی

۲۱۸ ـ در را بزن تا پنجره بشنود. مونتونگرویی

۲۱۹ ـ درباره انجام هر کار پیش از آغازش بیندیش. مونتونگرویی

۲۲۰ ـ دنیا همچنان است که قلب توست. مونتونگرویی

۲۲۱ ـ دلی که مهر می‌ورزد همیشه جوان است. مونتونگرویی

۲۲۲ ـ در کلیسا، در میخانه و در تابوت هم، افراد مساویند. لهستانی

۲۲۳ ـ دوستان، دزدان اوقات شما هستند. لهستانی

۲۲۴ ـ داماد زشت و با لیاقت به داماد خوش صورت و نالایق می‌ارزد. لهستانی

۲۲۵ ـ در اسپانیا یک وکیل دادگستری، در ایتالیا یک پزشک، در فرانسه یک لاس زن، در آلمان یک صنعتگر، در انگلستان یک تاجر، در بالکان یک دزد، در ترکیه یک سرباز، در لهستان یک مأمور خزانه، در مسکو یک دروغگو ـ اینها همه می‌تواند روزیشان را تحصیل کنند. لهستانی

۲۲۶ ـ در ایتالیا علم فراگیر؛ در آلمان لباست را تهیه کن در فرانسه لاس بزن و در لهستان ضیافت به پا کن. لهستانی

۲۲۷ ـ در کشوری که دهقانش فقیر است تمام مردمانش فقیرند. لهستانی

۲۲۸ ـ در لهستان بخور، در مجارستان بنوش، در آلمان بخواب و در ایتالیا لاس بزن. لهستانی

۲۲۹ ـ دوستی که برای یک علت جزئی قهر می‌کند، هرگز دوست نبوده است. پرتقالی

۲۳۰ ـ دندان عقل یک زن وقتی در می‌آید که می‌میرد. رومانی

۲۳۱ ـ در کنار سیب گندیده سیب سالم هم می‌گندد. روسی

۲۳۲ ـ در استپ‌ها حتّی یک سوسک گوشت به حساب می‌آید. روسی

۲۳۳ ـ در آشیانه خود حتّی یک کلاغ می‌تواند چشم یک لاشه را بیرون آورد. روسی

۲۳۴ ـ در هر شر، خیری نهفته است. روسی

۲۳۵ ـ در باغ روزگار «گل تسلی» می‌روید. روسی

۲۳۶ ـ دختر فقط وقتی به دنیا آمده است که برای عروسی شایستگی پیدا کرده است. روسی

۲۳۷ ـ دل پنجره ندارد. روسی

۲۳۸ ـ در قلمر امید، زمستان وجود ندارد. روسی

۲۳۹ ـ دانش همیشه آبی نیست که رذائل را بشوید. روسی

۲۴۰ ـ در تالاب دروغ، فقط ماهیان مرده شنا می‌کنند. روسی

۲۴۱ ـ دل دوشیزه جنگلی است تاریک. روسی

۲۴۲ ـ دین دو فرزند دارد: مهر و نفرت. روسی

۲۴۳ ـ در جائی که گزنه‌ها رشد می‌کنند، گل سرخ نمی‌روید. روسی

۲۴۴ ـ در استخر ابلهان، خوشبختی یک مارماهی است. روسی

۲۴۵ ـ دختر جوان چون پیچک که به هر چیز می‌آویزد، خود را به مردان جوان تحمیل می‌کند. روسی

۲۴۶ ـ داشتن یک جو عقل بهتر از یک خروار زور عضله است. یوگسلاوی

۲۴۷ ـ در قبر بودن بهتر از برده بودن است. یوگسلاوی

۲۴۸ ـ دروغ پای کوتاه دارد. یوگسلاوی

۲۴۹ ـ درخت را از میوه و پدر و مادر را از اولادشان توان شناخت. یوگسلاوی

۲۵۰ ـ دختر یک مادر خوب را انتخاب کن ولو این‌که پدرش شیطان باشَد. اسکاتلندی

۲۵۱ ـ در دنبال هر افراط و تفریط زحمت و حرارتی می‌آید. اسکاتلندی

۲۵۲ ـ دوستان را با تأنی انتخاب کن و با تأنی هم عوض‌شان نما. اسکاتلندی

۲۵۳ ـ دلت را به خدا و صدقه‌ات را به بینوا ببخش. اسکاتلندی

۲۵۴ ـ دختر و ماهی هیچ‌کدام نگاهداشتنی نیستند، دیر یا زود گندشان بلند می‌شود! — اسکاتلندی

۲۵۵ ـ در موقع پیری است که ضربه‌هایی که در دورهٔ جوانی وارد شده است احساس می‌شود. — ولز

۲۵۶ ـ داشتن پیشه‌ای بهتر از ثروتمند بودن است. — ولز

۲۵۷ ـ در اثر نبودن شیر، روباه بر تخت سلطنت می‌نشیند. — ولز

۲۵۸ ـ دشمن انسان اموال انسانند. — ولز

۲۵۹ ـ در هنگام تولد گریه می‌کنیم، موقع مرگ می‌فهمیم که چرا گریستیم. — بلغارستانی

۲۶۰ ـ در یک سر عاقل، صد دست هست. — بلغارستانی

۲۶۱ ـ در جایی که مرغ بانگ بر می‌دارد، خانه خراب می‌شود. — بلغارستانی

۲۶۲ ـ در جایی که دُم‌ها زیادند، سرها کمند. — بلغارستانی

۲۶۳ ـ در جایی که اتحاد هست، فشنگ می‌تواند شنا کند. — بلغارستانی

۲۶۴ ـ دم یک گرگ را اندازه مگیر. — بلغارستانی

۲۶۵ ـ دشمن خود را گرگ بدان نه گوسفند. — بلغارستانی

۲۶۶ ـ درستکاری اولین باب دفتر خردمندی است. — جزایر انگلیس

۲۶۷ ـ در دوزخ و اداره مالیات همیشه به روی مردم گشاده است. — جزایر انگلیس

۲۶۸ ـ دردها مزد شراب زهرآلود است. — جزایر انگلیس

۲۶۹ ـ دود گرم بهتر از باد سرد است. — جزایر انگلیس

۲۷۰ ـ در حالی که عقلاء فلسفه بافی می‌کنند، ابلهان زندگانی می‌کنند. — کرواتی

۲۷۱ ـ دوستت را در خفا سرزنش کن و در ملاء عام به تعریفش پرداز. — چک

۲۷۲ ـ دوستت را با دست‌هایی که دستکش پرنیان دارد بدست آور و او را با قلچماق نگاه بدار. — چک

۲۷۳ ـ دروغی که درمان می‌کند بهتر از راستی است که زخمی می‌کند. — چک

۲۷۴ ـ در زندگی سه راه وجود دارد: دخول، خروج و پیشرفت. — چک

۲۷۵ ـ در جوانی پیر باش تا در پیری جوان باشی. چک

۲۷۶ ـ جایی که نمی‌خارد مخاران و دم سگ خفته را مکش. چک

۲۷۷ ـ در جایی که گوسفند نیست، بز محترم است. چک

۲۷۸ ـ دزدان بزرگ، آفتابه دزد را به دار می‌آویزند. چک

۲۷۹ ـ در یک چاه تف مینداز، چه بسا ممکن است از همان چاه آب نوشی. چک

۲۸۰ ـ در موفقیت هم باید راه اعتدال پویید. دانمارکی

۲۸۱ ـ در خانه باید مشکل‌ترین کارهای خانه را انجام داد. دانمارکی

۲۸۲ ـ در را طوری ببند که بتوانی بازش کنی. دانمارکی

۲۸۳ ـ در موقع ازدواج و راندن درشکه برفی، انسان باید تا دیر نشده مراقبت لازم را بنماید. دانمارکی

۲۸۴ ـ دهان هم شفا دهنده و هم نابود کنندهٔ بدن است. دانمارکی

۲۸۵ ـ دو «نه» بهتر از یک «دروغ» است. دانمارکی

۲۸۶ ـ در یک خانه، زن باید چشم دست چپ باشد و مرد چشم دست راست. دانمارکی

۲۸۷ ـ دروغ پای کوتاه دارد، حقیقت از جلو می‌افتد. دانمارکی

۲۸۸ ـ در جایی که ارباب دزد است، دزدیدن کاری بس دشوار است. دانمارکی

۲۸۹ ـ در اثر نداشتن نان، شخص تکه‌هایی از شیرینی می‌خورد. هلندی

۲۹۰ ـ دوستان نزدیک‌ترین خویشاوندان انسانند. هلندی

۲۹۱ ـ دل دروغ نمی‌گوید. هلندی

۲۹۲ ـ دور انداختن کفش‌های کهنه آسان‌تر از دور انداختن عادات کهنه است. هلندی

۲۹۳ ـ دختر، مال را از خانه خارج می‌کند؛ پسر مال را به‌خانه می‌آورد. هلندی

۲۹۴ ـ در به روی کسی گشوده می‌شود که در می‌زند. هلندی

۲۹۵ ـ در اطاق خالی حتّی «اپیدمی» چیزی را نخواهد یافت. استونی

۲۹۶ ـ دروغ آغاز دزدی است. استونی

۲۹۷ ـ دل هم گوش دارد. استونی

۲۹۸ ـ دهان، مترجم دل است. استونی

۲۹۹ ـ دروغگو و قاتل فرزندان دهکدهٔ واحدند. استونی

۳۰۰ ـ دهان مقیاس دل است. استونی

۳۰۱ ـ دردهای خودمان درون جسم خودمان است و دردهای دیگران روی درخت. استونی

۳۰۲ ـ در جایی که ترس نیست، رحم هم نیست. استونی

۳۰۳ ـ در یک جاده مسطح سنگریزه‌ای باعث واژگون شدن یک گاری پر تواند شد. استونی

۳۰۴ ـ دزد همیشه از خود می‌دزد. استونی

۳۰۵ ـ دزد انگشتانی دراز دارد. استونی

۳۰۶ ـ درخت سبز را باید قطع کرد، درخت فاسد و پوسیده خود به خود زمین می‌افتد. استونی

۳۰۷ ـ در کشور نابینایان، انسانی که یک چشم بیشتر ندارد به راحتی زندگی می‌کند. فنلاندی

۳۰۸ ـ دل آدم مست، در دهانش است. فنلاندی

۳۰۹ ـ دندهٔ آدم صبور زردی‌اش بیش از عسل است. فرانسوی

۳۱۰ ـ در شطرنج، ابلهان به شاهان از همه نزدیک‌ترند. فرانسوی

۳۱۱ ـ دشمنان ما دشمنان دوستان ما هستند. فرانسوی

۳۱۲ ـ دژی که مورد حمله قرار نگرفته احتیاجی هم به دفاع ندارد. فرانسوی

۳۱۳ ـ دوستی عشق است، منهای بال‌هایش. فرانسوی

۳۱۴ ـ دل رازی ندارد که سلوک و رفتار افشایش نگرداند. فرانسوی

۳۱۵ ـ دادگستری خیلی زیاد، غالباً ستم خیلی زیاد است. فرانسوی

۳۱۶ ـ دویدن کافی نیست؛ باید به موقع دوید. فرانسوی

۳۱۷ ـ در تنوع زندگی است. فرانسوی

۳۱۸ ـ در عشق نخستین، زن، عاشق معشوق است و در عشق بعد عاشق عشق! فرانسوی

۳۱۹ ـ دشمن کوچک وجود ندارد. فرانسوی

۳۲۰ ـ داشتن هدف عالی سبب شهید شدن تو می‌شود. فرانسوی

۳۲۱ ـ در زنان قلب بیش از سر کار می‌کند. فرانسوی

۳۲۲ ـ دوست حقیقی غایب هم که باشد در حکم حاضر است. فرانسوی

۳۲۳ ـ در یک خروار قانون حتّی یک مثقال محبت دیده نمی‌شود. فرانسوی

۳۲۴ ـ در زناشویی سر مرد کلاه می‌رود. فرانسوی

۳۲۵ ـ دور از چشم دور از دل. فرانسوی

۳۲۶ ـ دست‌های دراز غالباً کمتر از دست‌های کوتاه آزار می‌رساند. آلمانی

۳۲۷ ـ دختر زیبا، جهیزیه‌اش را در صورتش حمل می‌کند. آلمانی

۳۲۸ ـ در بین کوران، انسان دیدن را از یاد می‌برد. آلمانی

۳۲۹ ـ دشمن شکست خورده همیشه شکست خورده نیست. آلمانی

۳۳۰ ـ دشمنی که از خود می‌ترسد زود شکست می‌خورد. آلمانی

۳۳۱ ـ در ۱۲ سالگی طفولیت می‌میرد و در ۱۸ سالگی جوانی و در در ۲۰ سالگی عشق نخستین و در ۳۰ سالگی ایمان در مردان و در ۴۰ سالگی امید و در ۵۰ سالگی خواهش‌های نفسان و از ۶۰ به بعد حواس پنج‌گانه به تدریج نیروی خود را از دست می‌دهند و می‌میرند. آلمانی

۳۳۲ ـ دشمن دوستم غالباً بهترین دوست من است. آلمانی

۳۳۳ ـ در دنیا سه نوع دوستان وجود دارند: دوستانی که شما را دوست می‌دارند، دوستانی که از شما نفرت دارند؛ دوستانی که به فکر شما نیستند. آلمانی

۳۳۴ ـ دوستی واقعی در زمستان منجمد نمی‌شود. آلمانی

۳۳۵ ـ دوستی نانی است، تا زمانی که بیات نشده، خوشمزه نیست. آلمانی

۳۳۶ـ دوستی همان عشق است توأم با عقل. آلمانی

۳۳۷ـ در ایام سعد، صبح‌ها و عصرها نزدیک به هم هستند. آلمانی

۳۳۸ـ درشت‌ترین قطرات باران روی سر طاس می‌ریزند. آلمانی

۳۳۹ـ دل و برف قبل از آن‌که آب شوند، اول سفت‌وسخت می‌گردند. آلمانی

۳۴۰ـ دل و زبان دو عضو کوچک هستند ولی عظمت مرد را آشکار می‌گردانند. آلمانی

۳۴۱ـ دل کودک است: آنچه را که می‌خواهد آرزو می‌کند. آلمانی

۳۴۲ـ در جایی که میزبان دزد است، سرقت دشوار است. آلمانی

۳۴۳ـ در نظر مرغ، کرم همیشه خطاکار است. آلمانی

۳۴۴ـ داشتن پاهای سالم بهتر از داشتن چوب زیر بغل طلایی است. آلمانی

۳۴۵ـ در شکار و معاشقه شخص می‌داند از کجا شروع کند ولی نمی‌داند کار به کجا پایان خواهد یافت. آلمانی

۳۴۶ـ دوشیزگی خورشید است، عفت ماه است و ازدواج شب. آلمانی

۳۴۷ـ در باغ بردباری است که نیرومند بهتر از هر جای دیگر رشد و نمو می‌کند. آلمانی

۳۴۸ـ دیگ خالی را که روی آتش بگذاری ترک بر می‌دارد. آلمانی

۳۴۹ـ در هنگام مسافرت کیف پول خالی سنگین‌تر از کیف پول پر است. آلمانی

۳۵۰ـ درخواست‌ها گرم و تشکرات سردند. آلمانی

۳۵۱ـ در رحم، گناهی بزرگتر از فقیر بودن نیست. آلمانی

۳۵۲ـ در گلستان گل سرخ گل نادری نیست. آلمانی

۳۵۳ـ ده نفر باید از هستی ساقط شوند تا یک نفر ثروتمند گردد. آلمانی

۳۵۴ـ درختی که به تو سایه می‌دهد، قطع نکن. آلمانی

۳۵۵ـ در اتحاد چیزهای کوچک رو به افزایش می‌گذارند، در نفاق چیزهای بزرگ رو به کاهش می‌گذارند. آلمانی

۳۵۶ـ در جایی که همه می‌لنگند همه بر فردی که نمی‌لنگد می‌خندند. آلمانی

۳۵۷ـ دختران جوان انگورند و دوشیزگان پیر مویز. آلمانی

۳۵۸ ـ در جوانی بسیاری از چیزهایی که غلطند باور نداریم، در پیری بسیاری از حقایقی که صحیح‌اند باور نداریم. آلمانی

۳۵۹ـ دوستت را با معایب اخلاقی و نقاط ضعفش دوست بدار. یونانی

۳۶۰ـ در بین حیوانات رام شده و اهلی از همه خطرناک‌تر مرد چاپلوس است. یونانی

۳۶۱ـ در موقعی که از نعمت وافر برخورداری، مغرور مشو و در هنگام افلاس و بی‌پولی هم خود را ذلیل و خوار نکن. طبرستانی

۳۶۲ـ در کشور نابینایان آن‌که یک چشم دارد خیلی چیزها می‌بیند. طبرستانی

۳۶۳ـ درد واقعی را نمی‌توان پنهان کرد. طبرستانی

۳۶۴ـ دعوا و پشیمانی خواهر و برادرند. طبرستانی

۳۶۵ـ در بین گاوان، گاو نر قاضی است. اسلواکی

۳۶۶ـ دیگران را ببخش، خودت را هرگز نبخش. اسلواکی

۳۶۷ـ در مقابل نیکی، انتظار نیکی نداشته باش. اسلواکی

۳۶۸ـ دروازه‌های جهنم همیشه حتّی هنگام نیمه شب، باز است. اسلواکی

۳۶۹ـ دندان‌های پیران درون شکم‌شان است. اسلواکی

۳۷۰ـ درِ هر دیگ مباش. اسلواکی

۳۷۱ـ در ظلمت همه چیز سیاه است. اسلواکی

۳۷۲ـ دزدهای بزرگ، دزدان کوچک را به دار می‌آویزند. اسلواکی

۳۷۳ـ درخت پوسیده خود به خود می‌افتد. اسلواکی

۳۷۴ـ دهکده را از جاده‌هایش و ارباب را از نوکرهایش توان شناخت. اسلواکی

۳۷۵ـ در خیابان فرشته است و در منزل دیو! مجارستانی

۳۷۶ـ در رؤیاها و عشق همه چیز امکان‌ناپذیر نیست. مجارستانی

۳۷۷ـ در بیماری‌های سخت، طبیب خداست. مجارستانی

۳۷۸ـ دشمن حقیر و کوچک وجود ندارد. اتازونی

۳۷۹ـ درخت پر برگ همیشه میوه خوشمزه ثمر نمی‌دهد. برزیلی

۳۸۰ـ دروغ می‌دود تا این که به دست حقیقت گرفتار شود. شیلی

۳۸۱ـ دیگ بودن بهتر از دَر دیگ بودن است. کلمبیا

۳۸۲ـ دروغگو زودتر از انسان لنگ زمین می‌خورد. کوبا

۳۸۳ـ در تابستان قصه مگویید؛ اگر این کار را بکنید و زغ‌ها به سراغ‌تان خواهند آمد. کیچی

۳۸۴ـ دروغگو خیلی زودتر از مرد چلاق زمین می‌خورد. مکزیکی

۳۸۵ـ دردی نیست که صد سال دوام کند و هیچ بیماری وجود ندارد که چنین دردی را تحمل کند. مکزیکی

۳۸۶ـ دانستن طرز سواری کافی نیست. باید طرز افتادن را هم بدانیم. مکزیکی

۳۸۷ـ دستی که نمی‌تواند کارد را در خود نگاه دارد، بسوزان. نگرویی

۳۸۸ـ «دورتر ایستادن» بهتر از معذرت خواستن است. نگرویی

۳۸۹ـ در کشور کوران انسان یک چشم حاکم است. نگرویی

۳۹۰ـ دیوارهای سنگی گوش دارند. نگرویی

۳۹۱ـ در جایی که آب و آتش هست، هر کس می‌تواند زندگانی کند. نگرویی

۳۹۲ـ دوستت را در کارهای کوچک و جزیی امتحان کن و در کارهای بزرگ از او استفاده نما. نگرویی

۳۹۳ـ دروغ پیاده راه می‌رود، رسوایی پرواز می‌کند. نگرویی

۳۹۴ـ دروغی وجود ندارد که دارای یک جو حقیقت نباشد. نگرویی

۳۹۵ـ در تمام مخلوقات به استثنای انسان، جنس نر زیباتر از جنس ماده است. نگرویی

(از نظر زیباشناسی، انسان نر زیباتر از ماده است، منتهی به قول شوپنهار: این چشمان شهوت بار ماست، که زن را زیباتر می‌بیند).

۳۹۶ـ دهان شیرین، اسب‌ها را به نسیه می‌خرد. نگرویی

۳۹۷ـ دهان می‌گوید «نه» ولی چشم می‌گوید «آری». نگرویی

۳۹۸ـ دلار نقره‌ای بهتر از قوم و خویش است. نگرویی

۳۹۹ـ دور بایست و بهتر ببین. نگرویی

۴۰۰ـ دزد خوب، نگهبان خوب می‌شود. نگرویی

۴۰۱ـ دهان زن، تعطیل ندارد! نگرویی

۴۰۲ـ در عشق، پسر به چشم حقارت به پدر نگاه می‌کند، در معاملات تجارتی پدر، پسر را تحقیر می‌کند. پرویی

۴۰۳ـ درخت میوه‌ای که روی مزبله روییده است، حتماً خوب رشد و نمو خواهد کرد. استرالیایی و جزایراقیانوسیه

۴۰۴ـ در موقع کشت و زرع، تنها کار می‌کنیم، در موقع درو دوستان متعدد اطراف آدم جمع می‌شوند. استرالیایی و جزایراقیانوسیه

۴۰۵ـ دروغ مانند وزوز مگس صدا می‌کند ولی حقیقت مانند خورشید درخشان است. الجزائری و مراکشی

۴۰۶ـ دوست نیرومند، دشمنی نیرومند می‌شود. حبشه

۴۰۷ـ دود از زیر سقف هر خانه‌ای بیرون می‌آید. (یعنی هر کس گرفتار مصیبتی است) بامبارا

۴۰۸ـ دنیا مانند کندوی زنبور عسل است: هر کس از یک در وارد می‌شود ولی در سلول‌های جداگانه به سر می‌برد. بانتو

۴۰۹ـ در جایی که آب فرمانروایی می‌کند، زمین تسلیم است (یعنی اغنیاء همیشه بر فقراء سروری می‌کنند). بانتو

۴۱۰ـ در جهنم بادبزن وجود ندارد. مصری

۴۱۱ـ در هر ویرانه شیطانی پیدا می‌شود. مصری

۴۱۲ـ دیکتاتور همان برده است که کله معلق زده است. مصری

۴۱۳ـ دنیا رقاصه است، برای هر کسی لحظه‌ای می‌رقصد. مصری

۴۱۴ـ دنیای تو جایی است که تو در آن خود را پیدا می‌کنی. مصری

۴۱۵ـ دوای نفرت، جدایی است. گینه فرانسوی

۴۱۶ـ دروغ را نمی‌توان گرفتار کرد. گالا

۴۱۷ـ دوستی به قیمت زیاد تمام می‌شود. اوگاندا

۴۱۸ـ در جایی که اخلاق هست، زشتی زیبایی است، در جایی که اخلاق نیست، زیبایی زشتی است. نیجریای شمالی

۴۱۹ـ دروغ می‌تواند بیش از ضربه یک سر نیزه تولید درد کند. نیجریای شمالی

۴۲۰ـ دعوای گوسفندان به بزها مربوط نیست. هو

۴۲۱ـ دوستان مانند افرادی هستند که دارای یک پدرند و عشاق مانند کسانی هستند که دارای یک مادرند. ماداگاسگار

۴۲۲ـ دوستی مانند طناب سست است: اگر بکشی پاره می‌شود و اگر سست بکشی، از هم می‌گسلد. ماداگاسگار

حرف ذ

۱ - ذهن خود را تیره می‌کنید تا هر چیز برای شما روشن گردد. چینی

۲ - ذهن انسان یک آیینه تاریک است. اسکاتلندی

حرف ر

۱ ـ راستی یگانه سکه‌ای است که همه جا قیمت دارد. چینی

۲ ـ رأی اول زن، صحیح است ولی تصمیم قطعی او خطرناک. چینی

۳ ـ راه‌های مختلف به طرف کوه وجود دارد ولی منظره همیشه یکسان است. چینی

۴ ـ روزگار، همهٔ درها را به روی بردباران می‌گشاید. چینی

۵ ـ رودخانه‌ها منبع دارند و درخت‌ها ریشه. چینی

۶ ـ روباه نباید موقع محاکمه مرغ، قاضی دادگاه باشد. چینی

۷ ـ ریش مهمان در دست صاحب چادر است. تازی

۸ ـ روی هر گنجی ماری خوابیده است. تازی

۹ ـ روز پیروزی خستگی احساس نمی‌شود. تازی

۱۰ ـ روباه فقط یک‌بار روی خارها می‌نشیند. تازی

۱۱ ـ رؤیا به ابلهان بال می‌دهد. عبری

۱۲ ـ راز، برده توست. ولی وقتی که آن را فاش کردی، تو برده‌اش می‌گردی. عبری

۱۳ ـ رب‌النوع عشق چشم ندارد. عبری

۱۴ ـ ریشه نزاع‌ها، شوخی‌های جدی است همچنانکه ریشه بیماری، سرفه است. هندی

۱۵ ـ روزه بهترین دواست. هندی

۱۶ ـ ریشه تمام نزاع‌ها سه چیزند: زن، زر، زمین. هندی

۱۷ ـ رگ خواب ایرانی تملق است! فارسی

۱۸ ـ ریشخند چاپلوسان فیل را خر می‌کند. فارسی

۱۹ ـ روح را صحبت ناجنس عذابی است الیم. فارسی

۲۰ ـ راه و رسم خود را دگرگون کن تا بخت تو هم دگرگون شود. فارسی

۲۱ ـ راستی کن که راستان رستند. فارسی

۲۲ ـ روز از نو روزی از نو. فارسی

۲۳ ـ رازی که نهان خواهی با کس در میان منه. فارسی

۲۴ ـ رحم آوردن بر بدان، ستم است بر نیکان. فارسی

۲۵ ـ روباه از زیرکی‌اش به تله می‌افتد. آذربایجانی

۲۶ ـ روباه به باغ محصور وارد نشود. آذربایجانی

۲۷ ـ راه بزرگ بسیار صاف و هموار است ولی مردم راههای فرعی را دوست می‌دارند. کتب مقدس

۲۸ ـ روز و شب منتظر هیچ‌کس نمی‌شوند. ژاپنی

۲۹ ـ راست گفته‌اند: اقبال به کسانی تعلق دارد که آن را پیدا می‌کنند نه به کسانی که آن را جستجو می‌نمایند. اسپانیولی

۳۰ ـ روز می‌دهد و شب می‌گیرد. سوئدی

۳۱ ـ روباه حتّی جوجه نشاندار را می‌خورد. آلبانی

۳۲ ـ رُم به یک روز ساخته نشد. انگلیسی

۳۳ ـ روباه هرگز نزدیک لانه خود شکار نمی‌کند. انگلیسی

۳۴ ـ روباه را که برای گرفتن غاز نمی‌فرستند! انگلیسی

۳۵ ـ روزی که صبر در باغ زندگی‌ات روئید به چیدن میوهٔ پیروزی امیدوار باش. آلمانی

۳۶ ـ راستی یک رنگ دارد و دروغ الوان مختلف. لاتینی

۳۷ ـ رذائل همسایه فضائل‌اند. لاتینی

۳۸ ـ راه میانه، راه طلایی است. لاتینی

۳۹ ـ رشد علف تلخ، سریع است. لتوانی

۴۰ ـ روی زبان عسل و یخ، زیر آن است. لتوانی

۴۱ ـ روزگار سخت عقاب را وادار کرد که با کلاغ‌ها غذا صرف کند. مونتونگرویی

۴۲ ـ رستگاری در بردباری نهفته است. مونتونگرویی

۴۳ ـ روزگار همه چیز را مکشوف و مستور می‌سازد. مونتونگرویی

۴۴ ـ روزگار گاهی مادر است و گاهی زن پدر! مونتونگرویی

۴۵ ـ رودخانه را هل نده: خودش جریان می‌یابد. لهستانی

۴۶ـ رشک، دریا را می‌بیند ولی صخره‌ها را نمی‌بیند. روسی

۴۷ـ رازت را اگر به مرد کر بسپاری به سخت گفتن خواهد پرداخت. روسی

۴۸ـ راز دوست تو است، وقتی که فاشش کردی دشمن توست. روسی

۴۹ـ رودخانه‌های بزرگ قدرت خود را از جویبارهای کوچک بدست آورده‌اند. یوگسلاوی

۵۰ـ راستی آهسته می‌رود ولی خیلی دور می‌رود. یوگسلاوی

۵۱ـ روز چشم دارد و شب گوش. اسکاتلندی

۵۲ـ روزی که می‌خواهد فرا برسد طولانی‌تر از سالی به نظر می‌آید که طی شده است. اسکاتلندی

۵۳ـ روزگار شب را عیان می‌سازد. ولز

۵۴ـ روباه بوی گند بدن خود را استشمام نمی‌کند. ولز

۵۵ـ راه قدیمی خود را به خاطر راه نو گم مکن. ولز

۵۶ـ راستی و درستکاری بهترین سیاست‌ها است. جزایرانگلیس

۵۷ـ روزه گرفتن برای مردی که سیر است آسان می‌باشد. چک

۵۸ـ ریسمان ضعیف را با ملایمت بکش. دانمارکی

۵۹ـ روشن کردن آتش روی خاکستر آتش کهن، آسان است. استونی

۶۰ـ رفاقت ارباب تو را مبدل به گدا می‌کند. استونی

۶۱ـ راه کج به راههای کج منتهی می‌شود. استونی

۶۲ـ رفاقت روسی ترش نمی‌شود. استونی

۶۳ـ رنج تلخ است ولی ثمرش شیرین می‌باشد. استونی

۶۴ـ روباهان را به کمک روباهان توان گرفت. فنلاندی

۶۵ـ روباه تصور می‌کند که همه مانند خودش مرغ می‌خورند. فرانسوی

۶۶ـ روز مرگ گرگ، روز جشن گله است. فرانسوی

۶۷ـ روی کارهای زنان نمی‌توان حساب کرد. فرانسوی

۶۸ـ روباه پر خواب، مرغ و جوجه به خواب می‌بیند. فرانسوی

۶۹ـ روی جاده کوبیده، علف رشد نمی‌کند. فرانسوی

۷۰ـ راز خسته‌کننده بودن این است که همه چیز را تعریف کنی. فرانسوی

۷۱ـ رختخواب، زندان مرد تنبل است. آلمانی

۷۲ـ روی باتلاق مگس امیرالبحر است. آلمانی

۷۳ـ راه‌های خدا همیشه کوتاه‌ترین راه‌هاست. آلمانی

۷۴ـ روز سعید را به درون راه بده که روز نحس بدون در زدن وارد می‌شود. آلمانی

۷۵ـ روی نامه‌های عاشقانه لازم نیست تاریخ گذاشته شود. آلمانی

۷۶ـ رنج دانایی می‌آورد. یونانی

۷۷ـ روباه احمق با یک پا و روباه زرنگ ماهر چهار پا گرفتار می‌شود. طبرستانی

۷۸ـ رفاقت مانند نان است که فقط موقعی خوش طعم به نظر می‌رسد که تازه است. سیلزی

۷۹ـ راه شرف و افتخار از برف ساخته شده ـ لذا خیلی زود آب می‌شود. اسلواکی

۸۰ـ روی دریای آرام همه کس دریانورد است. اسلواکی

۸۱ـ روز مانند همیشه کوتاه و زمان مانند همیشه بلند است. کیچی

۸۲ـ روی توت جنگلی زیاد خم مشو. نگرویی

۸۳ـ روغن و حقیقت هرگز غرق نمی‌شوند. نگرویی

۸۴ـ رودخانه پر سر و صدا هرگز کسی را غرق نکرده است. نگرویی

۸۵ـ راهی که به خانه دلدار منتهی می‌شود هرگز خار ندارد. ترانسوال

۸۶ـ راستی تصویر دوستی است. مصری

۸۷ـ رودخانه، رودخانه را به جریان می‌اندازد. ساحل طلا

۸۸ـ روابط خویشاوندی اکتسابی نیست، آنچه اکتسابی است روابط دوستی است. کنیا

۸۹ـ رودخانه خالی غرشی ندارد. هو

۹۰ ـ روی چهرهٔ دزد، علف رشد نمی‌کند (یعنی دزد مانند سایر افراد است و علائم خاصی ندارد). هو

۹۱ ـ راستی که زیبایی قدرت است. کانوری

حرف ز

۱ ـ زبان کنام اژدهاست. چینی

۲ ـ زاغان در همه جای دنیا سیاهند. چینی

۳ ـ زمان برای کسی که می‌تواند صبر کند، هر دری را می‌گشاید. چینی

۴ ـ زبان زن، شمشیر اوست و وی نمی‌گذارد شمشیرش زنگ بزند. چینی

۵ ـ زبان نرم است و دائم در دهان می‌ماند؛ دندان سفت است و بیرون می‌افتد. چینی

۶ ـ زشت‌ترین ترک‌ها در زیباترین گلدان‌ها دیده می‌شود. چینی

۷ ـ زن بیوه مانند کشتی بی‌سکان است. چینی

۸ ـ زنان می‌توانند در بدبختی مرد شرکت کنند نه در خوشبختی‌اش. چینی

۹ ـ زن را اگر نبوسند زیبائیش را از دست می‌دهد. چینی

۱۰ ـ زن بی‌شوهر خانه یا باغ بی‌دیوار است. چینی

۱۱ ـ زن و پرندگان می‌توانند بی‌اینکه به پشت سر نگاه کنند پشت سر خود را ببینند. چینی

۱۲ ـ زن زشت و زمین شیب‌دار، خانه را محفوظ نگه می‌دارد. چینی

۱۳ ـ زن زشت آیینه را دوست ندارد! چینی

۱۴ ـ زن‌ها از این جهت مقاومت می‌کنند که که لذت مغلوبیت را بچشند. چینی

۱۵ ـ زشتی، نگهبان عفت زن است. تازی

۱۶ ـ زن نداری، غم نداری. تازی

۱۷ ـ زن هر چه زیادتر آه و ناله کند کمتر غصه دارد. تازی

۱۸ ـ زیبایی زن مانند آلت برنده است که در دست کودک باشد. هم برای خودش و هم برای دیگران خطر دارد. تازی

۱۹ ـ زبان درنده است. اگر او را رها کنی ترا می‌خورد. تازی

۲۰ ـ زن جوان و آشپز خوب برای پیرمرد زهر مهلک است. تازی

۲۱ ـ زن نانجیب مانند غذای بی‌نمک است. تازی

۲۲ ـ زندگانی انسان دفترچه خاطرات روزانه است که باید در آن فقط اعمال نیک به ثبت رسد. تازی

۲۳ ـ زهر یک عمل نیک، ذکر آن است. تازی

۲۴ ـ زندگی قرنطینه بهشت است. تازی

۲۵ ـ زندگی مرکب از دو قسمت است: آنچه که گذشته است رویایی بیش نبوده و آنچه که هنوز نیامده آرزویی بیش نیست. تازی

۲۶ ـ زندگی مانند آتش با دود شروع می‌شود و با خاکستر پایان می‌یابد. تازی

۲۷ ـ زن بی‌آزرم، مانند غذای بی‌نمک است. تازی

۲۸ ـ زمان دارای دو روزست: یک روزش علیه توست و یک روز له تو. تازی

۲۹ ـ زبان دشمن گردن است! تازی

۳۰ ـ زبان عاقل در قلبش است و قلب احمق در زبانش. تازی

۳۱ ـ زناشویی مانند حلقه‌ای است که محاصره شده: آنهایی که خارج آنند می‌خواهند داخلش شوند و آنهایی‌که داخل آنند می‌کوشند خارج گردند. تازی

۳۲ ـ زنان دام شیطان‌اند. تازی

۳۳ ـ زن زیبایی که به یک مرد کور به زنی داده شده، عمل نیکی است که نسبت به یک مرد ناحق‌شناس شده است. تازی

۳۴ ـ زن چاق در زمستان کار لحاف را می‌کند. عبری

۳۵ ـ زهر علاج زهر است. عبری

۳۶ ـ زن زینت خانه است. عبری

۳۷ ـ زیر چراغ تاریکی است. هندی

۳۸ ـ زبانت را نگاه بدار تا دوستت را نگاه بداری. هندی

۳۹ ـ زن دروازهٔ اساسی جهنم است. هندی

۴۰ ـ زمستان رفت و روسیاهی به زغال ماند. فارسی

۴۱ـ زن هفتاد مکر دارد مکر آخرش گریه است. فارسی

۴۲ـ زور، حق را پایمال می‌کند. فارسی

۴۳ـ زن سلیطه، شوهر مرد است. فارسی

۴۴ـ زندگی مستی دائِم است ـ لذت می‌گذرد و سردرد می‌ماند. فارسی

۴۵ـ زنان بدبخت سالی دو بچه می‌زایند. فارسی

۴۶ـ ز آب خرد، ماهی خرد خیزد. فارسی

۴۷ـ زر، محک مردم بد گوهر است. فارسی

۴۸ـ زور حق را پایمال می‌کند. فارسی

۴۹ـ زن نداری، غم نداری. فارسی

۵۰ـ زگهواره تا گور دانش بجوی. فارسی

۵۱ـ زر از معدن به کار کندن به درآید و زدست بخیل به جان کندن. فارسی

۵۲ـ زبانت را نگهدار تا مالک دیگران شوی. فارسی

۵۳ـ زحمت را مشاطه کشد لذت را داماد برد. آذربایجانی

۵۴ـ زن یک دنده‌اش کم است. آذربایجانی

۵۵ـ زن را اگر توی شیشه هم بکنند باز کاری را که می‌خواهد می‌کند. آذربایجانی

۵۶ـ زال را زلف سفید است و دل سیاه. آذربایجانی

۵۷ـ زن را شوی نگهدارد و پنیر را خیک. آذربایجانی

۵۸ـ زن کج دنده است. آذربایجانی

۵۹ـ زیرکی بسیار، موجب جوانمرگی است. آذربایجانی

۶۰ـ زیر چادر همه زنان زیبا هستند. آذربایجانی

۶۱ـ زن سلیطه، اسب بدون افسار است. آذربایجانی

۶۲ـ زن نجیب گرفتن مشکل است: نگهداشتن آسان. آذربایجانی

۶۳ـ زاغ، چشم زاغ را بیرون نمی‌آورد. ترکی

۶۴ـ زبان استخوان ندارد و معذلک استخوان می‌شکند. ترکی

۶۵ ـ زخمی که از چاقو رسیده درمان می‌یابد، زخمی که از زبان رسیده درمان‌ناپذیر است. ترکی

۶۶ ـ زخم معشوقه را بوسهٔ معشوق التیام می‌دهد نه نسخهٔ پزشک. ترکی

۶۷ ـ زندگی نور، در باد است. ژاپنی

۶۸ ـ زبان زن که سه اینچ بیشتر طول ندارد، می‌تواند مردی را که هشت پا طول دارد، نابود کند. ژاپنی

۶۹ ـ زن قلعه است و مرد زندانی او. کردی

۷۰ ـ زنبور به گل‌ها گفت، «شما به من شیره می‌دهید ولی این منم که عسل می‌سازم». کردی

۷۱ ـ زن عاقل کسی است که حرف زیاد دارد بزند ولی ساکت می‌ماند. شرقی(متفرقه)

۷۲ ـ زنان شلاق شیطانند. افغانی (پشتو)

۷۳ ـ زیاد خوردن منجر به کم خوردن می‌گردد. اسپانیولی

۷۴ ـ زن با چشمانش تمنا می‌کند، می‌گیرد، تحقیر می‌کند و می‌کشد. اسپانیولی

۷۵ ـ زبان دراز نشانهٔ دست کوتاه است. اسپانیولی

۷۶ ـ زن مانند سایه است: اگر به دنبالش روی فرار می‌کند و اگر از او فرار کنی به دنبال می‌افتد. اسپانیولی

۷۷ ـ زن از شیشه ساخته شده است. اسپانیولی

۷۸ ـ زنان و شیشه همیشه در معرض خطرند. اسپانیولی

۷۹ ـ زیبایی زن مایه هلاکت خودش و هلاکت دیگران است. اسپانیولی

۸۰ ـ زن و خربزه هر دو رسیده‌اش خوب است. اسپانیولی

۸۱ ـ زن تنها به یک چیز وفادار است و آن بی‌وفائیست. اسپانیولی

۸۲ ـ زنان را بوسه به مراتب بیشتر از دلیل و برهان قانع می‌کند. اسپانیولی

۸۳ ـ زن چون قرص تلخی است که باید روی آن را با لعاب شیرین پوشانید. اسپانیولی

۸۴ـ زن خوب نه تنها همسر است بلکه یک کوه طلا، کسی که دارای چنین زنی است داراست ولو این‌که تنها او را داشته باشد. اسپانیولی

۸۵ـ زن را باید از طریق گوش انتخاب کرد نه از طریق چشم. اسپانیولی

۸۶ـ زنی که از شوهرش اطاعت می‌کند، در واقع بر او فرمانروایی می‌نماید. اسپانیولی

۸۷ـ زن و هندوانه: بگذار هر دو خوب برسند. اسپانیولی

۸۸ـ زیر جبه همه بلاهت نهفته است منتها بعضی بهتر از دیگران می‌توانند پنهانش کنند. سوئدی

۸۹ـ زندگی بدون عشق مانند سال بی‌تابستان است. سوئدی

۹۰ـ زن و فیل هیچ‌وقت بدی انسان را از یاد نمی‌برند. سوئدی

۹۱ـ زن و آتش هم گرم می‌کنند و هم می‌سوزانند. سوئدی

۹۲ـ زن که دعا خوان شد، بدان نقشه‌ای برای تو کشیده است! سوئدی

۹۳ـ زندگی انسان مانند شمع است. آلبانی

۹۴ـ زندگانی دشوار است و مردن دشوارتر. آلبانی

۹۵ـ زیبایی فقط در سطح پوست است و زشتی تا اعماق استخوان فرو می‌رود. انگلیسی

۹۶ـ زن از جائی که بر می‌خیزد، سلامتی جا می‌گذارد. انگلیسی

۹۷ـ زن هر چه زیادتر در آیینه بنگرد کمتر به خانه علاقمند است. انگلیسی

۹۸ـ زمستان که زیاد شد منتظر تابستان گرم باش. انگلیسی

۹۹ـ زنان از دادن یک بوسه دریغ دارند و چون آن را گرفتی دیگر ترا ول نمی‌کنند. انگلیسی

۱۰۰ـ زنان هر وقت بتوانند می‌خندند و هر وقت بخواهند گریه می‌کنند. انگلیسی

۱۰۱ـ زمستان نوهٔ تابستان است. انگلیسی

۱۰۲ـ زن مغرور، دیوانه کور است. آلمانی

۱۰۳ـ زبان رام شده، پرنده نادری است. سوئیسی

۱۰۴ـ زبان بدترین قطعه گوشت دنیاست. سوئیسی

۱۰۵ـ زیر درختان، باران دوبار می‌بارد. سوئیسی

۱۰۶ـ زنی که از شستن خوشش می‌آید. همیشه می‌تواند آب پیدا کند. سوئیسی

۱۰۷ـ زیبایی آسمان در ستارگانش است و زیبایی زن در گیسوانش. ایتالیایی

۱۰۸ـ زن و گربه وقتی خوبند که پای بند خانه باشند. ایتالیایی

۱۰۹ـ زندگی زناشویی را بستای ولی مجرد باقی بمان. ایتالیایی

۱۱۰ـ زن و شیشه هرگز از خطر مصون نیستند. ایتالیایی

۱۱۱ـ زمان سوهانی است که از آن صدایی بر نمی‌خیزد. ایتالیایی

۱۱۲ـ زنان، اسبان و کتب را نباید به عاریت داد. ایتالیایی

۱۱۳ـ زن مثل دوچرخه است، مردی می‌توان از او سواری بکشد که مهارت دارد. ایتالیایی

۱۱۴ـ زنان بالبداهه عاقلند ولی وقتی که به تفکر می‌پردازند، بی‌عقل می‌شوند. ایتالیایی

۱۱۵ـ زنانی که عاشقند همیشه حرف راست را می‌زنند ولی تمام حقیقت را اظهار نمی‌دارند. ایتالیایی

۱۱۶ـ زنان برای این که مغلوب شوند، به مقاومت می‌پردازند. ایتالیایی

۱۱۷ـ زیبایی نمی‌گذارد که دیگ بجوشد. ایتالیایی

۱۱۸ـ زن هر روز تغییر رأی می‌دهد و مردی را که دیروز دوست نمی‌داشته است.امروز از جان و دل دوست دارد. ایتالیایی

۱۱۹ـ زن، اسب و کشتی تعلق به کسی دارد که می‌تواند رام‌شان کند. ایتالیایی

۱۲۰ـ زن در موقعی که عاشق و یا دشمن کسی می‌شود، جرأت انجام هر کاری را پیدا می‌کند. لاتینی

۱۲۱ـ زبان یک حیوان وحشی است؛ یک‌بار که آزادش کردی از مقید کردنش عاجز خواهی شد. لاتینی

۱۲۲ـ زبان در اطراف دندانی که درد می‌گیرد، بازی می‌کند. لاتینی

۱۲۳ـ زن یا عشق می‌ورزد و یا به کینه‌توزی می‌پردازد. لاتینی

۱۲۴ ـ زن شر است ولی شری است لازم. لاتینی

۱۲۵ ـ زندگی بدون ادبیات مرگ است. لاتینی

۱۲۶ ـ زیاد گوش بده و کم حرف بزن. لتوانی

۱۲۷ ـ زمان، درخت بِلوط را به تابوت تبدیل می کند. لتوانی

۱۲۸ ـ زیاد بدان و کم حرف بزن. لتوانی

۱۲۹ ـ زمان قلعه‌ای را بوجود می‌آورد و ویرانش می کند. مونتونگرویی

۱۳۰ ـ زن برای رسیدن به آرزوهای قلبی خود حاضر است به صد رنگ درآید مونتونگرویی

۱۳۱ ـ زیبایی چاشنی فضیلت است. لهستانی

۱۳۲ ـ زندگی مانند ماه است: گاهی در محاق است و گاه بدر. لهستانی

۱۳۳ ـ زن قبل از عروسی می گرید و مرد بعد از عروسی. لهستانی

۱۳۴ ـ زن اولی برده است: زن دومی رفیق و زن سوم ارباب. لهستانی

۱۳۵ ـ زن جوان برای یک مرد پیر به مثابه اسبی است که با آن به جهنم می‌رود. لهستانی

۱۳۶ ـ زنی که به دو مرد اظهار عشق و دوستی می کند، هر دو را فریب می‌دهد. پرتقالی

۱۳۷ ـ زندگی بشر مانند تخم‌مرغی است که در دست بچه باشد. رومانی

۱۳۸ ـ زنان برای این که دروغ بگویند یاد می گیرند چگونه باید گریه کرد. رومانی

۱۳۹ ـ زندگانی یعنی کتک زدن و یا کتک خوردن. روسی

۱۴۰ ـ زمینی که ارباب ندارد، یتیم است. روسی

۱۴۱ ـ زن در آن واحد ۷۷ فکر در سر می‌پزد. روسی

۱۴۲ ـ زن بالالایکا (نوعی ساز روسی) نیست که پس از نواختن او را به دیوار بیاویزی. روسی

۱۴۳ ـ زناشویی قبرستان عشق است. روسی

۱۴۴ ـ زناشویی گوری است که محبت در آن دفن می‌شود. روسی

۱۴۵ ـ زنگ آهن را از بین می‌برد و غصه قلب را. روسی

۱۴۶ ـ زنان بدنیا آمده‌اند که حرف بزنند و مردان که کار کنند. یوگسلاوی

۱۴۷ ـ زن هفت جان دارد. یوگسلاوی

۱۴۸ ـ زنبورهایی که در دهان‌شان عسل حمل می‌کنند؛ در دم‌شان نیش دارند. اسکاتلندی

۱۴۹ ـ زبان دراز دست کوتاه دارد. اسکاتلندی

۱۵۰ ـ زمان قلعه‌ای را بوجود می‌آورد و هم‌چنین قلعه را از بین می‌برد. بلغارستانی

۱۵۱ ـ زاهد واقعی از نفس خودش هم کناره‌گیری می‌کند. بلغارستانی

۱۵۲ ـ زاغ بی‌جهت غارغار نمی‌کند. بلغارستانی

۱۵۳ ـ زبانت را در حکمت فرو بر و آن‌گاه به نصیحت پرداز. بلغارستانی

۱۵۴ ـ زندگی می‌گذرد. آنچه می‌ماند کارهایی است که برای دیگران انجام داده‌ایم. جزایر انگلیس

۱۵۵ ـ زحمت مرد از صبح تا شب است ولی کار زن پایان ندارد. جزایر انگلیس

۱۵۶ ـ زاهدی، در لباس‌پوشی نیست. جزایر انگلیس

۱۵۷ ـ زیر یک سقف کوتاه زیاد جست و خیز مکن. چک

۱۵۸ ـ زبان دراز ـ دست‌ها کوتاه. چک

۱۵۹ ـ زمین برای خوک‌های تنبل همیشه منجمد است. دانمارکی

۱۶۰ ـ زن باید چاقوی کوچک خود را بردارد و چاقوی دسته بزرگ را برای مرد گذارد. دانمارکی

۱۶۱ ـ زخم قدیمی زود سر باز می‌کند. دانمارکی

۱۶۲ ـ زنبوری که نیش ندارد عسل نمی‌سازد. هلندی

۱۶۳ ـ زیستن خدمت کردن به خداست! فنلاندی

۱۶۴ ـ زمان قبر سعادت را می‌کَند. استونی

۱۶۵ ـ زن فقط تا زمانی جذاب است که تصاحبش نکرده‌ای. استونی

۱۶۶ ـ زن زیبا بهشت چشم‌ها، جهنم روح و دوزخ کیف پول است. استونی

۱۶۷ ـ زمان زخم را درمان می‌کند ولی آثار زخم باقی می‌ماند. استونی

۱۶۸ ـ زبان کثیف و پلید، گردن استخوانی را قطع می‌کند. فنلاندی

۱۶۹ ـ زیبایی بلیغ است حتّی در موقعی که ساکت و خاموش است. فرانسوی

۱۷۰ ـ زن لال هرگز از دست شوهر خود کتک نخورده است. فرانسوی

۱۷۱ ـ زنی که دم کوچه و پنجره می‌ایستد زن خانه نمی‌شود. فرانسوی

۱۷۲ ـ زندگی پیازی است که انسان در حال اشک ریختن پوستش را می کند. فرانسوی

۱۷۳ ـ زنان به کسی دل می‌بندد که زیادتر دردسرشان می‌دهد. فرانسوی

۱۷۴ ـ زیاد فکر کن، کم حرف بزن و کمتر بنویس. فرانسوی

۱۷۵ ـ زن و مرغ همین که ولگرد شدند از دست می‌روند. فرانسوی

۱۷۶ ـ زن پیمانش را روی شن می‌نویسد. فرانسوی

۱۷۷ ـ زن را آن‌قدر ببوس تا رنگش سفید شود. فرانسوی

۱۷۸ ـ زن زشت درمان واقع مرض است. فرانسوی

۱۷۹ ـ زن برای کیف پول مرد ساخته شده است. فرانسوی

۱۸۰ ـ زن صابون مرد است! فرانسوی

۱۸۱ ـ زن مثل فیل است؛ هر چند وقت یک‌بار به ضربه چکش احتیاج دارد. فرانسوی

۱۸۲ ـ زشت‌ترین کسان لافزن فقیر و ثروتمند دزد است. فرانسوی

۱۸۳ ـ زن و عادت شبیه به هم هستند، زود گرفتارشان می‌شوی ولی هرگز از آن‌ها رهایی نتوانی یافت. فرانسوی

۱۸۴ ـ زنگ آهن را می‌خورد و حسادت قلبت را. فرانسوی

۱۸۵ ـ زن حسود خانه را به آتش می‌زند. فرانسوی

۱۸۶ ـ زن و قرض مانند یکدیگرند، گرفتار هر کدام که شدی خلاصی امکان‌ناپذیر است. فرانسوی

۱۸۷ ـ زن و دندان را اگر دائم مواظبت کنی خراب می‌شود. فرانسوی

۱۸۸ ـ زن و شیر مثل هم هستند از دور خوشگل و با وقارند ولی همین که خواستی نوازشش کنی دستت را گاز می گیرند. فرانسوی

۱۸۹ ـ زمستان که آمد بهار دنبالش است نه پاییز. فرانسوی

۱۹۰ ـ زنی که از شوهرش می‌ترسد به او خیانت می‌کند. فرانسوی

۱۹۱ ـ زغال فروش در خانه خود صاحب اختیار است. فرانسوی

۱۹۲ ـ زهر در دم مار است. فرانسوی

۱۹۳ ـ زیبایی بهترین جهیزیه زن است. آلمانی

۱۹۴ ـ زخمی که دوست وارد می‌کند از هر زخم دیگر دیرتر التیام می‌یابد. آلمانی

۱۹۵ ـ زبان خارجه را در مطبخ بهتر می‌توان یاد گرفت تا در مدرسه. آلمانی

۱۹۶ ـ زیستن یعنی تلاش کردن. آلمانی

۱۹۷ ـ زمان دزد است، جوانی عشق را می‌بلعد. آلمانی

۱۹۸ ـ زمان دوای خشم است. آلمانی

۱۹۹ ـ زن بیوه دیوار کوتاهی است که از رویش همه کس می‌جهد. آلمانی

۲۰۰ ـ زن شکل فرشته و دل مار و عقل الاغ را دارد. آلمانی

۲۰۱ ـ زن، شیطان مرد است. آلمانی

۲۰۲ ـ زن مثل پیاز است موقع تماشا سفید و زیباست ولی وقتی که پاره‌اش کنی نه مغزی دارد و نه قلبی و علاوه بر آن باید اشک هم بریزی. آلمانی

۲۰۳ ـ زن کمانچه نیست که پس از این‌که آن را نواختی به دیوارش بیاویزی. آلمانی

۲۰۴ ـ زن فقط از فاش کردن رازی خودداری می‌کند که از آن خبر ندارد. آلمانی

۲۰۵ ـ زن بی‌مرد مثل باغچه بی‌حصار است. آلمانی

۲۰۶ ـ زنان و اجل از یک قماشند، گریبان افرادی را می‌گیرند که از آنها فرار می‌کنند و از دست کسانی فرار می‌کنند که طالب‌شان هستند. آلمانی

۲۰۷ ـ زنان خوب گوش ندارند. آلمانی

۲۰۸ ـ زنان شمشیرهای خود را در دهان حمل می‌کنند. آلمانی

۲۰۹ ـ زنان و ساعت به ندرت درست کار می‌کنند. آلمانی

۲۱۰ ـ زیبایی، طلا و جوانی فضیلت زنان است. آلمانی

۲۱۱ ـ زیر هر سنگ عقربی خفته است. یونانی

۲۱۲ ـ زمان در مورد همه چیز قضاوت می‌کند. یونانی

۲۱۳ ـ زن یا حکومت می‌کند یا خدمت. یونانی

۲۱۴ ـ زنگ زدگی در طلا اثر ندارد. طبرستانی

۲۱۵ ـ زمان و بردباری، برگ توت را تبدیل به ابریشم می‌کند. طبرستانی

۲۱۶ ـ زشتی آهسته حرکت می‌کند ولی وجاهت شتابزده است. طبرستانی

۲۱۷ ـ زن شری است که کسی نمی‌تواند بی‌آن زندگی کند. طبرستانی

۲۱۸ ـ زیر درخت چنار سیب مجوی. اسلواکی

۲۱۹ ـ زن زیبا احتیاج به سه شوهر دارد، یک شوهر برای تصفیه بدهی‌ها، یک شوهر برای معاشقه و یک شوهر برای کتک زدن. اسلواکی

۲۲۰ ـ زمان و بردباری گل‌های سرخ را بوجود می‌آورد. اسلواکی

۲۲۱ ـ زمان همه چیز را ایجاد و ویران می‌کند. اسلواکی

۲۲۲ ـ زندگی انسان مانند قطره شبنم است که روی برگ می‌نشیند. اسلواکی

۲۲۳ ـ زن عاقل ترجیح می‌دهد با مردی ازدواج کند که دوستش دارد نه با مردی که مورد علاقه‌اش می‌باشد. اسلواکی

۲۲۴ ـ زندگی کوتاه است ولی تبسم فقط کوشش یک ثانیه‌ای است. کوبا

۲۲۵ ـ زنان و شراب مرد را در جاده فساد می‌افکنند. کوبا

۲۲۶ ـ زحمت و دردسر به دنبال گناه می‌آید همچنانکه تب به دنبال سرماخوردگی می‌آید. کیچی

۲۲۷ ـ زیبایی‌های بامداد برای مردی که مبتلا به کمر درد است هیچ گونه لطف و صفایی ندارد. نگرویی

۲۲۸ ـ زن زیبا، دردسر زیباست. نگرویی

۲۲۹ ـ زایمان برای زن همان حکم را دارد که عرصه کارزار برای مرد. استرالیایی

۲۳۰ ـ زن و زمین موجب نابودی انسان‌ها می‌شود. (یعنی جنگ تولید می‌کند). استرالیایی

۲۳۱ ـ زن مانند سگ است که حتّی با یک قطعه استخوان می‌توان فریبش داد. ترانسوال

۲۳۲ ـ زخمی که دوست وارد کرده است، بهبود نمی‌یابد. کنیا

۲۳۳ ـ زندگی یک انسان اعمالش می‌باشد. ایبو

۲۳۴ ـ زن، خانه است. ایبو

۲۳۵ ـ زمین مالک افراد است نه افراد مالک زمین. رودسیای‌شمالی

۲۳۶ ـ زن مانند اسب است: اربابش کسی است که می‌داند چگونه آن را براند. کانوری

۲۳۷ ـ زندگی کوزه شکسته است. ماداگاسکار

حرف س

۱ ـ سوزن فقط یک سرش تیز است. چینی

۲ ـ سه راز خوشبختی عبارت است از بدی ندیدن، بدی نشنیدن و بدی نکردن. چینی

۳ ـ سازندهٔ بت هرگز بت پرست نمی‌شود. چینی

۴ ـ سازنده پول هرگز خسته نمی‌شود؛ مرد خسته هرگز پول تحصیل نمی‌کند. چینی

۵ ـ سود دیگران را خواستن، به سود خود ماست. چینی

۶ ـ سکوت از آن خدایان است، فقط میمون‌ها پچ‌پچ می‌کنند. چینی

۷ ـ سر حسود زود می‌شکند. چینی

۸ ـ ستاره هر قدر دلش بخواهد می‌تواند به ماه کمک کند. چینی

۹ ـ سخنان مرد مانند تیرند: مستقیم به هدف می‌خورند، سخنان زن شبیه بادبزن شکسته‌اند. چینی

۱۰ ـ سخنان عالی باور نکردنی‌اند و سخنان باور کردنی عالی نیستند. چینی

۱۱ ـ سر باد کرده بهتر از مغز چروکیده است. چینی

۱۲ ـ سبزی‌هائی که آدم خودش می‌کارد مزه ندارد، از باغ دیگری خوش‌مزه است. چینی

۱۳ ـ سه طبقه افراد هستند که نباید به خشم‌شان درآوری. مأمورین دولت، مشتریان و بیوه زنان. چینی

۱۴ ـ سگ احمق مرغ هوا را دنبال می‌کند. چینی

۱۵ ـ سوار اسب که شدی پیاده‌ها را از یاد مبر. تازی

۱۶ ـ سگ عوعو می‌کند ولی کاروان بی‌اعتنا می‌گذرد. تازی

۱۷ ـ سایه افراد معیوب و ناقص، معیوب و ناقص است. تازی

۱۸ ـ سخاوت عبارت از بخشیدن قبل از تقاضاست. تازی

۱۹ ـ سگ برای ماه زوزه می‌کشد ولی ماه اعتنایی نمی‌کند؛ پس تو هم مانند ماه مشو. تازی

۲۰ ـ سرزنش‌ها صابون دل است. تازی

۲۱ ـ سرش طاس است اما برای شانه دعوا می‌کند. تازی

۲۲ ـ سکوت داروی شیرین دل است. تازی

۲۳ ـ سرکه‌ای که بخشیده شده بهتر از عسلی است که خریداری شده باشد. تازی

۲۴ ـ سکه سفید را برای ایام سیاه نگاه بدار. تازی

۲۵ ـ سگ ما به قدری خوب است که شغال در مرغدانی توله زائیده است. ارمنی

۲۶ ـ سگ‌هایی که با هم می‌جنگند، در برابر مرگ با هم متحد می‌شوند. ارمنی

۲۷ ـ سه چیز در دنیا با ارزش انگاشته شده است و این‌ها عبارتند از: دانش، گندم و دوستی. برمایی

۲۸ ـ سالخوردگی تاج گزنه است و جوانی تاج گل سرخ. عبری

۲۹ ـ سستی دیوارهای خانه‌ات، دزد را تشویق می‌کند که دستبردی بزند. عبری

۳۰ ـ سکوت درمان تمام دردهاست. عبری

۳۱ ـ سخن، پیامبر دل است. عبری

۳۲ ـ سکون و آرامش هزاران اشرفی طلا ارزش دارد. عبری

۳۳ ـ سگ بی‌دم نمی‌تواند مهر و علاقهٔ خود را نشان بدهد. عبری

۳۴ ـ سوراخ، دزد است نه موش. عبری

۳۵ ـ سگ ولگرد همه جا کتک می‌خورد. هندی

۳۶ ـ سه چیز بی‌ثباتند. زن، باد و ثروت. هندی

۳۷ ـ سه چیز است که اگر حقیر باشد آن را استحقاء نشاید کرد، بیماری و وام و دشمنی. فارسی

۳۸ ـ سر را قمه‌ای می‌شکند تاوانش را کاشی می‌دهد. فارسی

۳۹ ـ سرش برود زبانش نمی‌رود (حرف حق می‌زند ولو به ضررش تمام شود). فارسی

۴۰ ـ سرکه فقط شیرین‌تر از عسل است. فارسی

۴۱ ـ سگ لایعد (بی‌شمار) و کاروان گذرد. فارسی

۴۲ ـ ستاره را بالای سر خود نمی‌تواند دید (نهایت حسود و یا بسیار خودپسند است). فارسی

۴۳ ـ سیبی که بالا می‌رود و پایین می‌آید هزار چرخ می‌خورد. فارسی

۴۴ ـ سیمرغ دگر است و سی مرغ دگر. فارسی

۴۵ ـ سگ لاینده (ناله کننده) گیرنده نباشد. فارسی

۴۶ ـ سگ سیلی است چونش خوار دارم. فارسی

۴۷ ـ سپاسگزار باش تا سزاوار نیکی باشی. فارسی

۴۸ ـ سوراخ سوزن برای دو دست به اندازه کافی گشاد است و سرتاسر دنیا برای دو دشمن تنگ. فارسی

۴۹ ـ سگ به قلاده زرین شکار نکند. فارسی

۵۰ ـ ستایش بدکاران از بزرگترین گناهان است. فارسی

۵۱ ـ سوسک به بچه‌اش می‌گوید قربان دست و پای بلوریت. فارسی

۵۲ ـ ستم بر ستم پیشه عدل است و داد. فارسی

۵۳ ـ سبک‌بار مردم سبک‌تر روند. فارسی

۵۴ ـ سخت بیدار باش در همه کار پیش از آن‌که قضا نچسباند. فارسی

۵۵ ـ سنگ، سنگ را می‌شکند. فارسی

۵۶ ـ سحرخیز باش تا کامروا باشی. فارسی

۵۷ ـ سگ در خانه صاحبش، شیر است. فارسی

۵۸ ـ سلیقه‌ها مختلف است. فارسی

۵۹ ـ سنگ به در بسته می‌خورد. فارسی

۶۰ـ سخت می‌گیرد جهان بر مردمان سخت کوش. فارسی

۶۱ـ سیم بخیل از خاک وقتی برآید که وی در خاک رود. فارسی

۶۲ـ سعی هر کس به قدر همت اوست. فارسی

۶۳ـ سخن تا در دهان است طلاست چون بر زمین افتاد مفرغ است. آذربایجانی

۶۴ـ سر بی‌خیال فقط در گور میسر است. آذربایجانی

۶۵ـ سرها پا شده و پاها سر (کارها وارونه شده). آذربایجانی

۶۶ـ سلامت از احتیاط خیزد. آذربایجانی

۶۷ـ سر بزرگ را بلای بزرگ باشد. آذربایجانی

۶۸ـ سیخ بلند دست را نسوزاند. آذربایجانی

۶۹ـ سبوی تازه و آب خنک (اول عشق‌شان است) آذربایجانی

۷۰ـ سائل یک چهره سیاه دارد، رد کننده دو چهره سیاه. ترکی

۷۱ـ سگ گزنده دندان‌های خود را نشان نمی‌دهد. ترکی

۷۲ـ سگ ماده، بلا شیر نر است. ترکی

۷۳ـ سه دختر و یک مادر چهار شیطانند برای پدر. اسپانیولی

۷۴ـ سگ همان سگ است فقط قلاده‌اش عوض شده است. اسپانیولی

۷۵ـ سه نفر که به یکدیگر کمک کنند، بار شش نفر را توانند برداشت. اسپانیولی

۷۶ـ سرزنش به‌جا، بهتر از تعریف بی‌جا است. اسپانیولی

۷۷ـ سرانجام هر ازدواج عشقی، ندامت و بدبختی است. اسپانیولی

۷۸ـ سایه چیزی ضعیف و ناتوان است ولی هیچ آفتابی آن را از بین نتواند برد. اسپانیولی

۷۹ـ سیب خیلی دور از درختش نمی‌افتد. آلبانی

۸۰ـ سکه‌های سفید را برای روزهای سیاه نگاه بدار. آلبانی

۸۱ـ سگ دم بریده نمی‌تواند خوشحالی خود را ابراز کند. آلبانی

۸۲ـ سرکهٔ مفت خوشمزه‌تر از عسلی است خریداری شده. آلبانی

۸۳ـ سگ خود را با استخوانی راضی کن و زنت را با دروغی! باسک

۸۴ـ «سود» و «زیان» برادر و خواهرند. بلژیکی

۸۵ـ سگ که صاحب خانه شد زود خانه را تخلیه کن. انگلیسی

۸۶ـ سگ و مگس و آدم بی‌اسب ناخوانده به مهمانی می‌روند. انگلیسی

۸۷ـ سند پاره می‌شود، قول پاره نمی‌شود. آلمانی

۸۸ـ سخن تلخ از دل تلخ بیرون می‌آید. سوئیسی

۸۹ـ سخنان مانند زنبور عسل هم دارای شهدند و هم نیش. سوئیسی

۹۰ـ سندان آهنین باید چکشی از پر داشته باشد. ایتالیایی

۹۱ـ سَم در جام طلایی نوشیده می‌شود. لاتینی

۹۲ـ سنگ وقتی که در یک جا بماند، اطرافش خزه جمع می‌شود. لتوانی

۹۳ـ سخاوتمند انگشتان طولانی دارد و دست‌های مرد لئیم کوتاه است. لتوانی

۹۴ـ سعادت و شیشه، چیزهای ظریفی هستند. لتوانی

۹۵ـ سیر نمی‌تواند سخنان گرسنه را بفهمد. مونتونگرویی

۹۶ـ سگ لاغر از همه بیشتر عمر می‌کند. لهستانی

۹۷ـ سگ فقط خواب استخوان می‌بیند. روسی

۹۸ـ سگ عاقل‌تر از یک زن است زیرا به ارباب خود عوعو نمی‌کند. روسی

۹۹ـ سگ شما عمر طولانی برای شما آرزو می‌کند. روسی

۱۰۰ـ سیر هفت نوع مرض را درمان می‌کند. روسی

۱۰۱ـ سعادت شاخ دارد و مصیبت پا. روسسی

۱۰۲ـ سازنده بت، بت نمی‌پرستد. روسی

۱۰۳ـ سگ زوزه می‌کشد و باد آن را محو می‌کند. روسی

۱۰۴ـ سرم را بشکن ولی حقیقت را بگو. روسی

۱۰۵ـ سگ استخوان خورده‌ای است. (تجربه‌اش زیاد است). روسی

۱۰۶ـ سخن ملاطفت‌آمیز حتّی در آهنین را باز می‌کند. یوگسلاوی

۱۰۷ـ سخنان آرام و ملایم خشم را فرو می‌نشاند. یوگسلاوی

۱۰۸ ـ سوراخ را وقتی کوچک است وصله کن. یوگسلاوی

۱۰۹ ـ سیاهی، رنگ دیگر نمی‌پذیرد. اسکاتلندی

۱۱۰ ـ سگ گله اسکاتلندی، مغز مرد و راه و روش زنانه دارد. اسکاتلندی

۱۱۱ ـ سرمای یک ساعته گرمای هفت ساله را نابود می‌کند. اسکاتلندی

۱۱۲ ـ سگ‌ها و بچه‌ها از ابلهان خوش‌شان می‌آید. اسکاتلندی

۱۱۳ ـ سرفه خشک به تمام بیماری‌ها پایان می‌دهد. ولز

۱۱۴ ـ سرفه خشک شیپور مرگ است. ولز

۱۱۵ ـ سگی که آواره می‌گردد بهتر از سگی است که در یک جا می‌نشیند. ولز

۱۱۶ ـ سر بزرگ، درد بزرگ! بلغارستانی

۱۱۷ ـ سیر سخن گرسنه را باور نمی‌کند. بلغارستانی

۱۱۸ ـ سرکه تند ظرف خود را می‌ساید و تحلیل می‌برد. بلغارستانی

۱۱۹ ـ سگ خوب سزاوار استخوان خوب است. جزایر انگلیس

۱۲۰ ـ سوراخ کوچک کشتی بزرگ را غرق می‌کند. جزایر انگلیس

۱۲۱ ـ سنگ غلطان خزه برنمی‌گیرد. جزایر انگلیس

۱۲۲ ـ سرمشق ناطق، زبردستی است. جزایر انگلیس

۱۲۳ ـ ساعت، صبح طلا در دهان دارد. دانمارکی

۱۲۴ ـ سنگ‌ریزه به طرف ارباب میافکن چه ممکن است او سنگ داشته باشد به طرف تو اندازد. دانمارکی

۱۲۵ ـ سنگ زیرین هم آسیا می‌کند. دانمارکی

۱۲۶ ـ ستایش و تعریف یک انسان خوب را جوان‌تر و یک انسان بد را بدتر می‌کند. دانمارکی

۱۲۷ ـ سنگین‌ترین بار در جاده کیف تهی است. دانمارکی

۱۲۸ ـ سکوت برای زن گوهر زیبایی است ولی او به ندرت این گوهر خود را به خود می‌آویزد. دانمارکی

۱۲۹ ـ سخن راست گفتن خطرناک است و سخن راست شنیدن ناراحت کننده. دانمارکی

۱۳۰ ـ سه زن و یک غاز بازاری را ایجاد می‌کنند. دانمارکی

۱۳۱ ـ سال، دهنی بزرگ و شکمی گنده دارد. دانمارکی

۱۳۲ ـ سگ کوچک برای مدتی طولانی توله است. هلندی

۱۳۳ ـ سیب‌های ترش را هم باید خورد. استونی

۱۳۴ ـ سیاه دشمن سفید است. استونی

۱۳۵ ـ سکوت گاهی جواب است. استونی

۱۳۶ ـ سرما وبای روسیه است. استونی

۱۳۷ ـ ستارگان همیشه در آسمان صاف می‌درخشند. استونی

۱۳۸ ـ سر مرغ و سر زن شبیه به هم هستند. استونی

۱۳۹ ـ سگ بدش نمی‌آید اگر با یک قطعه نان توی سرش بزنی. فنلاندی

۱۴۰ ـ ساعت جدایی گرم‌ترین ساعت‌ها است. فنلاندی

۱۴۱ ـ سال‌ها، قبر کن شادی‌ها و اندوه‌های ما هستند. فنلاندی

۱۴۲ ـ سخنان خوب ما را به خنده می‌اندازد و اعمال نیک ما را ساکت می‌کند. فرانسوی

۱۴۳ ـ ساعات را فقط وقتی می‌شماریم که از دست‌مان به در می‌رود. فرانسوی

۱۴۴ ـ سرزنش‌هایی هست ستایش‌آمیز و تعریف‌هایی که در واقع نوعی بدگویی است. فرانسوی

۱۴۵ ـ سُوس بهتر از ماهی است. فرانسوی

۱۴۶ ـ سه جنس وجود دارد: مرد، زن، کشیش. فرانسوی

۱۴۷ ـ سکوت اشتباه نمی‌کند. فرانسوی

۱۴۸ ـ سرباز پیر یک احمق پیر است. فرانسوی

۱۴۹ ـ سه حیوان که بیش از همه وقت صرف بزک می‌کنند عبارتند از: گربه، زن و مگس. فرانسوی

۱۵۰ ـ سگ خوردن با فیلسوف یونانی بهتر از شکر خوردن با زن ایتالیایی است. فرانسوی

۱۵۱ ـ سردرد، زنگ اخبار مرض است. فرانسوی

۱۵۲ ـ سئوال بی‌معنی جواب ندارد. فرانسوی

۱۵۳ ـ سگ شرور را با زنجیر کوتاه می‌بندند. فرانسوی

۱۵۴ ـ سعی کن آنچه متملقین می‌گویند، تحقق پذیرد. آلمانی

۱۵۵ ـ سه چیز ناخوانده وارد خانه می‌شوند: پیری، وام و مرگ. آلمانی

۱۵۶ ـ سایهٔ پیرمرد بهتر از تفنگ مرد جوان است. آلمانی

۱۵۷ ـ سواره و پیاده هنگام غروب به یک کاروانسرا می‌رسند. آلمانی

۱۵۸ ـ سکوت حصاری است دور حکمت. آلمانی

۱۵۹ ـ سایهٔ برج غالباً بزرگتر از خود برج است. آلمانی

۱۶۰ ـ سه چیز را خوب به‌خاطر داشته باش: بیشه‌ها گوش دارند، مزارع چشم و پول وام گرفته شده پا. آلمانی

۱۶۱ ـ سخن مرد فراتر از مرد می‌رود. آلمانی

۱۶۲ ـ سخنان خوب کالاهای خوب را به فروش می‌رساند. آلمانی

۱۶۳ ـ سگ به سگ حمله نمی‌کند. یونانی

۱۶۴ ـ سگی که یک‌بار در رودخانه دانوب شنا کرده باز هم در آن شنا خواهد کرد. طبرستان

۱۶۵ ـ سوء استفاده از یک شئی دلیل نمی‌شود که از آن شئی استفاده نشود. اسلواکی

۱۶۶ ـ سایه تمام درخت‌های بلند، طولانی است. اسلواکی

۱۶۷ ـ سه دوست وفادار عبارتند از: همسر پیر، سگ پیر و پول حاضر و آماده. اتازونی

۱۶۸ ـ سه دختر و یک مادر چهار شیطانند برای پدر. آرژانتین

۱۶۹ ـ سازنده سبد که یک سبد می‌سازد، صد سبد هم تواند ساخت. برزیلی

۱۷۰ ـ سگ، سگ را نمی‌خورد. نگرویی

۱۷۱ ـ سنگ تیغ را نمی‌جوید. نگرویی

۱۷۲ ـ سگ‌های هار دستی را که به آن‌ها غذا می‌دهد دندان می‌گیرند. نگرویی

۱۷۳ ـ سرقت از سارق خدا را به خنده می‌اندازد. نگرویی

۱۷۴ ـ سرما به انسان یاد می‌دهد که ذغال بدزدد. مراکشی

۱۷۵ ـ سرای دیگر، منزل‌گاه حقیقی است؛ این دنیا گذرگاهی بیش نیست. مراکشی

۱۷۶ ـ ستارگان کوچک فقط موقعی می‌درخشند که خورشید بزرگ از نظر پنهان می‌شود. حبشه

۱۷۷ ـ سیری امروز، گرسنگی فردا است. کنیا

۱۷۸ ـ سرای دل هرگز پُر نیست. کامرون

۱۷۹ ـ سوسک در سوراخ خود سلطان است. مصری

۱۸۰ ـ سوسک در چشم مادرش زیباست. مصری

۱۸۱ ـ سگ شاهزادهٔ شاهزاده است. مصری

۱۸۲ ـ سوراخ، دروغ خیلی عمیقی نیست. نیجر بالا

۱۸۳ ـ سکوت هم نوعی نطق و بیان است. نیجر بالا

۱۸۴ ـ سوزن گرم، نخ را می‌سوزاند. ساحل طلا

۱۸۵ ـ سگی که پسرش را دوست دارد، نزاغ نمی‌کند. گالا

حرف ش

۱ ـ شما نمی‌توانید از پرواز پرنده‌های اندوه از روی سرتان جلوگیری کنید ولی می‌توانید مانع لانه کردن آن‌ها روی سرتان گردید. چینی

۲ ـ شر هیچ‌وقت تنها مسافرت نمی‌کند. چینی

۳ ـ شنیدن بهشت است و دیدن جهنم. چینی

۴ ـ شنیدن گوش مانندَ دیدن چشم نیست. چینی

۵ ـ شبنم یخ زده فقط علف‌های منزوی را از بین می‌برد. (یعنی اتحاد هر آفتی را از بین می‌برد). چینی

۶ ـ شمشیر تیز به دست سرباز شجاع داده می‌شود. چینی

۷ ـ شوهر گل است و مادرش تیغ شاخهٔ گل. چینی

۸ ـ شاه تا دماغش را بخاراند همه می‌فهمند. چینی

۹ ـ شتر سیاه (مراد از تابوت است) جلو منزل همه خواهد خوابید. چینی

۱۰ ـ شوخی مقدمه دعواست. تازی

۱۱ ـ شتربان نقشه‌هایی در سر می‌پروراند و شتر هم نقشه‌هایی. تازی

۱۲ ـ شتر هرگز کوهان خود را نمی‌بیند ولی کوهان برادرش همیشه در مدنظرش هست. تازی

۱۳ ـ شایعه نصف دروغ است. تازی

۱۴ ـ شبنم نمی‌تواند یک چاه خالی را پر کند. عبری

۱۵ ـ شتر شاخ خواست، گوش‌هایش را از او گرفتند. عبری

۱۶ ـ شکم پاها را حمل می‌کند. عبری

۱۷ ـ شخص باید از پزشک هم‌چنان بترسد که از یک نفر خائن. عبری

۱۸ ـ شبنم برای مورچه سیل است. عبری

۱۹ ـ شاخهٔ کهنه خم نمی‌شود. عبری

۲۰ ـ شمشیر کوتاه بدست دلاوران دراز گردد. فارسی

۲۱ ـ شنیدن کی بود مانند دیدن. فارسی

۲۲ ـ شوخی آمد نیامد دارد. فارسی

۲۳ ـ شتر مرغ است: نه می‌پرد نه بار می‌برد. فارسی

۲۴ ـ شرط عاشقی نیست با یک‌دل دو دلبر داشتن. فارسی

۲۵ ـ شغال بیشهٔ مازندران را، نگیرد جز سگ مازندرانی. فارسی

۲۶ ـ شتاب آورد نخل هذلان به بار. فارسی

۲۷ ـ شاه خانم زاییده، ماه خانم درد می‌کشد. آذربایجانی

۲۸ ـ شراب نسیه دوبار مستی آورد. آذربایجانی

۲۹ ـ شجاعت نه تاش فرار است و یکیش از نظرها پنهان شدن. آذربایجانی

۳۰ ـ شیهه کشیدن در یک کشور بیگانه مانند آواز خواندن در حمام است (یعنی بی‌فایده است). ترکی

۳۱ ـ شنونده باید بیش از گوینده زیرک و باهوش باشد. ترکی

۳۲ ـ شکست اساس کامیابی است و وسیله‌ای برای نیل کامیابی. کتب مقدس

۳۳ ـ شمع با آب شدن به دیگران نور می‌دهد. ژاپنی

۳۴ ـ شمشیری علیه مهربانی وجود ندارد. ژاپنی

۳۵ ـ شراع‌های خود را در برابر هر نوع باد باز مکن. شرقی(متفرقه

۳۶ ـ شیرینی بدون عرق ریختن به دست نمی‌آید. شرقی(متفرقه

۳۷ ـ شیطان همیشه در پشت سر نیست. اسپانیولی

۳۸ ـ شرف و نفع در یک کیسه نیستند. اسپانیولی

۳۹ ـ شناختن هندوانه و زنان مشکل است. اسپانیولی

۴۰ ـ شیرین‌ترین بوسه آن است که از لب دختر گریان بربایی. اسپانیولی

۴۱ ـ شما نمی‌توانید با تنکه خشک ماهی قزل‌آلا شکار کنید. اسپانیولی

۴۲ ـ شرافت زن مانند یک کشتی است که بدون سکان روی دریا روان باشد. اسپانیولی

۴۳ ـ شراب دو عیب دارد: اگر آب به آن اضافه کنید، ضایع می‌شود و اگر اضافه نکنید خودتان را از بین می‌برد. اسپانیولی

۴۴ ـ شیطان به جایی می‌آید که پول نیست و در جایی‌که پول هست دوبار می‌آید. سوئدی

۴۵ ـ شکم کارگاه بدن است. سوئدی

۴۶ ـ شخص اگر قرض داشته باشد بهتر از آن است که زن بد داشته باشد. سوئدی

۴۷ ـ شکم پنجره ندارد. آلبانی

۴۸ ـ شرافت بهتر از افتخار ماست. بلژیکی

۴۹ ـ شیری که در زنجیر است حتّی از طرف خرگوش‌ها مورد حمله قرار می‌گیرد. بوسنی

۵۰ ـ شیرین‌ترین بوسه‌ها، بوسه دزدکی است. انگلیسی

۵۱ ـ شیطان، شریک قمار باز است. انگلیسی

۵۲ ـ شخص در جوانی نادان است و در پیری ناتوان. آلمانی

۵۳ ـ شب، مادر اندیشه است. سوئیسی

۵۴ ـ شب می‌شوید آنچه را که روز صابونش زده است. سوئیسی

۵۵ ـ شب، عشق و زنان ایده‌های غلط به انسان می‌دهند. سوئیسی

۵۶ ـ شاخه‌ها به ندرت بهتر از تنه درختند. اروپا

۵۷ ـ شکاف کوه را می‌توان گرفت ولی زن را نمی‌توان راضی نگهداشت. اروپا

۵۸ ـ شب، مادر اندیشه‌هاست. ایتالیایی

۵۹ ـ شر را با شر از بین نتوان برد. لاتینی

۶۰ ـ شکم پر، روزه‌داری را می‌ستاید. لاتینی

۶۱ ـ شاهان دست‌های دراز دارند. لاتینی

۶۲ ـ شعراء، پدران دروغ‌ها هستند. لاتینی

۶۳ ـ شیر نر را از چنگالش توان شناخت. لاتینی

۶۴ ـ شجره نامه‌ها به چه درد می‌خورند. لاتینی

۶۵ ـ شوهر، سر زن است و زن کلید شوهر. لاتویا

۶۶ ـ شخص انتهای بینی خود را می‌بیند ولی پایان عمر خود را نمی‌بیند. لتوانی

۶۷ ـ «شاید» و «تقریباً» و «اگر» سه برادرند. لتوانی

۶۸ ـ شکم پُر خبر ندارد شکم خالی چه می‌کند. لتوانی

۶۹ ـ شیطان همه را اغوا می‌کند و زن زیبا شیطان را اغوا می‌کند. مونتونگرویی

۷۰ ـ شیطان غالباً پای صلیب می‌نشیند. لهستانی

۷۱ ـ شنونده خوب آموزنده خوبی است. لهستانی

۷۲ ـ شکم خالی رحم ندارد. لهستانی

۷۳ ـ شیر، موش شکار نمی‌کند. روسی

۷۴ ـ شکست بیش از کامیابی به تو چیز می‌آموزد. روسی

۷۵ ـ شوهر قانون است برای همسرش. روسی

۷۶ ـ شروع نکردن به که تمام نکردن. یوگسلاوی

۷۷ ـ شیطان هیچ‌وقت خوابش نمی‌برد. یوگسلاوی

۷۸ ـ شیطان می‌داند چه کاری خوب است ولی هرگز به کار خوب دست نمی‌یازد. یوگسلاوی

۷۹ ـ شکم گرسنه گوش ندارد. اسکاتلندی

۸۰ ـ شیرین‌ترین بوسه‌ها بوسه دزدکی است. اسکاتلندی

۸۱ ـ شوخی جدی، شوخی نیست. اسکاتلندی

۸۲ ـ شب چوپان خوبی است، تمام مخلوقات را تا خانه بدرقه می‌کند. اسکاتلندی

۸۳ ـ شکست‌ها، ستون‌های موفقیتند. ولز

۸۴ ـ شهرت بیش از زندگی عمر می‌کند. ولز

۸۵ ـ شیطان، شیطان است ولی زن می‌تواند از شیطان جلو افتد. بلغارستانی

۸۶ ـ شیطان از همه چیز و همه جا خبر دارد جز از جائی که زن‌ها در آنجا چاقوهای خود را تیز می‌کنند. بلغارستانی

۸۷ ـ شیطان سیاه، پوست سفید است. بلغارستانی

۸۸ ـ شوربای دربار خیلی عالی است ولی برای خوردن آن باید خیلی بالا بجهی. چک

۸۹ ـ شخص باید با سنگ‌هایی که در اختیار دارد خانه بسازد. دانمارکی

۹۰ ـ شما نمی‌توانید فرق بین آدم مست و آدم دیوانه بگذارید مگر وقتی که آن‌ها به خواب می‌روند. دانمارکی

۹۱ ـ شعله از دود، زیاد دور نیست. دانمارکی

۹۲ ـ شخص باید با گاوی که دارد شخم بزند. دانمارکی

۹۳ ـ شیطان روی زبان افرادی است که تهمت می‌زنند ولی درگوش کسانی است که گوش می‌دهند. دانمارکی

۹۴ ـ شکم بچه، کور است. دانمارکی

۹۵ ـ شکم پر، هرگز تصور نمی‌کند که دوباره خالی تواند شد. دانمارکی

۹۶ ـ شخص نباید زخم خود را با خون سایرین درمان کند. دانمارکی

۹۷ ـ شکوفه‌ها میوه نیستند. هلندی

۹۸ ـ شخص با پرسیدن یاد می‌گیرد. هلندی

۹۹ ـ شکم خالی گوش ندارد. هلندی

۱۰۰ ـ شکم خالی بهترین آشپز است. هلندی

۱۰۱ ـ شلاق اسب را نمی‌جوید؛ اسب شلاق را می‌جوید. استونی

۱۰۲ ـ شکم با لیسیدن هرگز پر نمی‌شود. استونی

۱۰۳ ـ شاخه را وقتی خم کن که هنوز قابل‌انعطاف است، نه وقتی که نهال به درخت مبدل گشته است. استونی

۱۰۴ ـ شب خزان با هفت اسب مسافرت می‌کند. فنلاندی

۱۰۵ ـ شکم به اهالی «لابکند» یاد می‌دهد که چطور تیراندازی کنند. فنلاندی

۱۰۶ ـ شمشیر عدالت غلاف ندارد. فرانسوی

۱۰۷ ـ شما که می‌توانیداز وقت استفاده کنید چرا آن را می‌کُشید؟ فرانسوی

۱۰۸ـ شراب و اعتراف همه اسرار را فاش می‌کنند. فرانسوی

۱۰۹ـ شاه سرمشق است. فرانسوی

۱۱۰ـ شهر پاریس در عرض یک روز ساخته نشده است. فرانسوی

۱۱۱ـ شخص باید یا چکش باشد یا سندان. آلمانی

۱۱۲ـ شکم وجدان ندارد. آلمانی

۱۱۳ـ شخص ایامی را که بدو بد گذشته بهتر از ایامی که به او خوش گذشته است به خاطر می‌سپارد. آلمانی

۱۱۴ـ شکار، مجلس رقص مردانه و مجلس رقص، شکار زنانه است. آلمانی

۱۱۵ـ شوخی‌ها باید دندان گوسفند داشته باشد نه دندان سگ. آلمانی

۱۱۶ـ شادی، شکر زندگی است. آلمانی

۱۱۷ـ شب آب‌کشی می‌کند آنچه را که روز صابون زده است. آلمانی

۱۱۸ـ شکم کاروانسرایی است پر رفت و آمد. آلمانی

۱۱۹ـ شکم بدبختی زندگی است. آلمانی

۱۲۰ـ شمشیر شکسته را باید در غلافش رها کرد. آلمانی

۱۲۱ـ شراب هیچ چیز اختراع نمی‌کند. آلمانی

۱۲۲ـ شیطان ده ساعت وقت لازم دارد تا مردی را فریب دهد و زن یک ساعت وقت لازم دارد تا ده مرد را گول بزند. آلمانی

۱۲۳ـ شهرت، عطر اعمال قهرمانانه است. یونانی

۱۲۴ـ شبنم باران نیست، ولی به اندازه باران مفید است. گرجستانی

۱۲۵ـ شب آبستن است و هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید صبح چه خواهد زائیَد. گرجستانی

۱۲۶ـ شمع هیچ‌کس تا بامداد نمی‌سوزد. طبرستانی

۱۲۷ـ شما می‌توانید عمق همه چیز را اندازه بگیرد غیر از عمق سلوک را. طبرستانی

۱۲۸ـ شما نمی‌توانید شکم‌تان را گول بزنید. طبرستانی

۱۲۹ـ شوهر سر است، زن تاجی است که رویش نهاده‌اند. اسلواکی

۱۳۰ ـ شام کوتاه ـ عمر طولانی. اسلواکی

۱۳۱ ـ شیطان همه کس را اغوا می‌کند غیر از آدم کاهل را و آدم کاهل هم شیطان را اغوا می‌کند. مجارستانی

۱۳۲ ـ شکوه و جلال، تابوت کیف پول است. مجارستانی

۱۳۳ ـ شرف سرمایه فقیرانه‌ای است. ایسلند

۱۳۴ ـ شب زود خوابیدن و صبح زود برخاستن فایده نخواهد داشت. چنانچه اعلانش نکنی. اتازونی

۱۳۵ ـ شیطان بالش می‌نهد تا مرد مست روی آن بیفتد. کانادایی

۱۳۶ ـ شما نمی‌توانید پرده را از پرواز از روی سرتان باز دارید ولی می‌توانید مانع شوید روی کلاهتان آشیانه سازد. نگرویی (امریکایی)

۱۳۷ ـ شکم افراد تنبل هرگز خسته نمی‌شود. نگرویی

۱۳۸ ـ شرف از افرادی که دروغ می‌گویند دور می‌شود. حبشه

۱۳۹ ـ شب، دوست مرد فقیر است. اوگاندا

۱۴۰ ـ شیر غرنده شکاری بدست نمی‌آورد. اوگاندا

۱۴۱ ـ شر می‌داند که شب کجا می‌خوابد. نیجریای شمالی

۱۴۲ ـ شناگر پشت خود را نمی‌بیند (یعنی انسان‌ها معایب خود را نمی‌بینند). هو

حرف ص

۱ ـ صد شنیدن به یک دیدن نمی‌ارزد. چینی

۲ ـ صبر، کوه را هم از جا می کند. چینی

۳ ـ صدقه نمک ثروتمندی است. عبری

۴ ـ صدقه‌ای که هنگام تندرستی داده می‌شود طلا است و صدقه‌ای که هنگام بیماری داده می‌شود نقره است و صدقه‌ای که هنگام بیماری داده می‌شود نقره است و صدقه‌ای که پس از مرگ داده می‌شود سرب است. عبری

۵ ـ صدای مردم صدای خداست. عبری

۶ ـ صد چاقو می‌سازد یکیش دسته ندارد. فارسی

۷ ـ صد بار گز کن، یک‌بار ببر. فارسی

۸ ـ صعب‌تر از درد زخم اندیشه، بی‌مرهمی است. فارسی

۹ ـ صاحب‌خانه نوکر مهمان است. فارسی

۱۰ ـ صید را چون اجل آید سوی صیاد رود. فارسی

۱۱ ـ صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد. فارسی

۱۲ ـ صدقه راه به خانه صاحبش می‌برد. فارسی

۱۳ ـ صلاح مملکت خویش خسروان دانند. فارسی

۱۴ ـ صد کلاغ را یک سنگ بس است. آذربایجانی

۱۵ ـ صد سوزن جمع کنی یک جوالدوز نمی‌شود. آذربایجانی

۱۶ ـ صمیمت آغاز و انتهای همه اشیاء است. کتب مقدس

۱۷ ـ صخره‌ها احتیاج ندارند که از طرف باران محافظت گردند. مالایا

۱۸ ـ صبر بالاترین هنر است. اسپانیولی

۱۹ ـ صبر قوی‌ترین داروست زیرا غول ناامیدی را به خاک هلاکت می‌نشاند. سوئدی

۲۰ ـ صبر گلی است که در باغ هر کسی نمی‌روید. انگلیسی

۲۱ ـ صحت بهتر از ثروت است. انگلیسی

۲۲ ـ صاحب شکم گرسنه میهن‌پرست نمی‌شود. انگلیسی

۲۳ ـ صاحب هر بینی سرخی مست نیست، امّا هر کس که مست باشد بینی‌اش سرخ است. آلمانی

۲۴ ـ صاحب بینی مومی نباید جلوی بخاری بنشیند. آلمانی

۲۵ ـ صبر، گلی است که در هر باغی نمی‌روید. ایتالیایی

۲۶ ـ صبح چشم روز است. ایتالیایی

۲۷ ـ صبح، مادر حرفه‌هاست و شب مادر اندیشه‌ها. ایتالیایی

۲۸ ـ صلح همگانی برقرار می‌شد چنانچه «مال من» و «مال تو» در بین نمی‌بود. ایتالیایی

۲۹ ـ صرفه‌جویی خود منبع درآمد بزرگی است. لاتینی

۳۰ ـ صله گرفتن به منزله فروختن آزادی است. لاتینی

۳۱ ـ صلح لاغر بهتر از دعوای چاق است. لاتویا

۳۲ ـ صدای بشکه خالی تا مساحت دور شنیده می‌شود. لتوانی

۳۳ ـ صدا هر طور که باشد انعکاس صدا هم همانطور خواهد بود. روسی

۳۴ ـ صبح عاقل‌تر از عصر است. روسی

۳۵ ـ صدای زیبا و دلنشین را می‌توان از مسافت دور شنید، صدای کریه و منکر را می‌توان از مسافت دورتری استماع نمود. یوگسلاوی

۳۶ ـ صدای جلنگ جلنگ پول غالباً صدای عدالت را از بین می‌برد. یوگسلاوی

۳۷ ـ صدقه بده تا بچه‌هایت صدقه نخواهند. دانمارکی

۳۸ ـ صدای ناقوس خوب از مسافتی دور شنیده می‌شود؛ صدای ناقوس بد حتّی از مسافتی دورتر شنیده می‌شود. فنلاندی

۳۹ ـ صلح پول تولید می‌کند و پول آتش جنگ را بر می‌افروزد! فرانسوی

۴۰ ـ صد دشمن خونخوار به از یک زن نابکار. فرانسوی

۴۱ ـ صاعقه به قلل بزرگ اصابت می‌کند. فرانسوی

۴۲ ـ صیاد سرگردان به یک حیوان درنده سرگردان برخورد می‌کند. داهومی

حرف ض

۱ ـ ضرب‌المثل نسبت به کلام همان حال را دارد که نمک برای طعام. تازی

۲ ـ ضررهایی هستند که نفع زیاد به ما می‌رسانند. هندی

۳ ـ ضرورت را نباشد سازمانی. فارسی

۴ ـ ضعیفی که با قوِی داوری کند یار دشمن است در هلاک خویش. فارسی

۵ ـ ضیافت عروس تنها از خارج برگزار نتواند شد. اسپانیولی

۶ ـ ضرورت، ترش را شیرین می‌کند. نروژی

۷ ـ ضرب‌المثل‌ها مانند پروانه‌اند، بعضی‌ها گرفتار می‌شوند و برخی دیگر فرار می‌کنند. سوئیسی

۸ ـ ضرب‌المثل‌ها پیوسته با یکدیگر در حال جنگ وجدالند. سوئیسی

۹ ـ ضیافت‌ها کوتاه، عمر طولانی. لهستانی

۱۰ ـ ضرب‌المثلی نیست که در آن یک جو حقیقت وجود نداشته باشد. روسی

۱۱ ـ ضرب‌المثل‌ها سکه‌های حکمت رایج بین مردم است. روسی

۱۲ ـ ضرب‌المثل‌های کهن فرزندان حقیقت‌اند. ولز

۱۳ ـ ضربات کوچک، درختان عظیم بلوط را از جای برمی‌کند. جزایرانگلیس

۱۴ ـ ضرب‌المثل‌ها، دختران تجارت روزانه هستند. دانمارکی

۱۵ ـ ضرب‌المثل کلید اندیشه است. استونی

۱۶ ـ ضرب‌المثل دزد را عاقل می‌کند. استونی

۱۷ ـ ضایع‌ترین روز، روزی است که نخندیده‌ایم. فرانسوی

۱۸ ـ ضربه دشمن مخفی، ناگهانی است. فرانسوی

۱۹ ـ ضرب‌المثل‌ها مانند پروانه‌اند: برخی گرفتار می‌شوند و بعضی فرار می‌نمایند. آلمانی

۲۰ ـ ضرب‌المثل‌ها حکمت و فلسفه کوچه و بازار است. آلمانی

۲۱ ـ ضرب‌المثل‌های کهنه بسیارند ولی معانی خوبی دارند. آلمانی

۲۲ ـ ضربه‌ای که نفع دارد، به گردن آزاری نمی‌رساند. مصری

حرف ط

۱ ـ طبیبی که لاف می‌زند، هرگز داروی خوب در اختیار ندارد. چینی

۲ ـ طلا در تیرگی می‌درخشد. ارمنی

۳ ـ طی نکرده گز مکن. فارسی

۴ ـ طاقت مهمان نداشت خانه به مهمان گذاشت. فارسی

۵ ـ طاس اگر نیک نشیند همه کس نراد است. فارسی

۶ ـ طمع چاه اشتباه است. کتب مقدس

۷ ـ طلا و پارچه و زن را در روز روشن انتخاب کنید اسپانیولی

۸ ـ طعمه، قلاب را پنهان می کند. انگلیسی

۹ ـ طمع به همه چیز، از دست دادن همه چیز است. انگلیسی

۱۰ ـ طبیعت با کم قناعت می کند. لاتینی

۱۱ ـ طعام دیگری، بیشتر مزده می‌دهد. ولز

۱۲ ـ طبیب خوشبخت، بهتر از طبیب داناست. آلمانی

حرف ظ

۱ ـ ظلم ظالم بر سر اولاد ظالم می‌رود. فارسی

۲ ـ ظرف سفالین چیزی از تماس داشتن با دیگ مسین بدست نمی‌آورد. دانمارکی

۳ ـ ظرف‌های کوچک زود سر می‌روند. دانمارکی

۴ ـ ظلم بالسویه عدالت است. مصری

۵ ـ ظلمتی مانند نادانی وجود ندارد. مصری

حرف ع

۱ ـ عمارت بزرگ را از سایه‌اش و مردان بزرگ را از تعداد سخنان‌شان توان شناخت. چینی

۲ ـ علم قلیل خطرناک است. چینی

۳ ـ عقاید عقلاء تقریباً شبیه به هم است. چینی

۴ ـ عدالت از آنچه در قانون نوشته شده، معلوم می‌شود. چینی

۵ ـ عجله، کاری را که احتیاط قدغن کرده انجام می‌دهد. چینی

۶ ـ عشق نمک زندگی است. چینی

۷ ـ عشق در هر کجا قدم گذارد، عقل و درایت آنجا را ترک می‌کند. چینی

۸ ـ عریان به دنیا می‌آئیم و عریان از دنیا می‌رویم. چینی

۹ ـ عشق زن چون آتش، با دود شروع و با خاکستر تمام می‌شود. تازی

۱۰ ـ عرب عقلش در چشمش است. تازی

۱۱ ـ علت همه دردها فقرست. تازی

۱۲ ـ عشق در هر کجا پای گذارد، عقل آنجا را ترک می‌کند. تازی

۱۳ ـ عجیب‌ترین چیز در دنیا موفقیت احمق و شکست داناست. تازی

۱۴ ـ عجله کار شیطان است. تازی

۱۵ ـ عادت حس ششمی است که بر کلیه حواس دیگر غلبه می‌کند. تازی

۱۶ ـ عشق، آبستنی و سوار روی شتر بودن را نمی‌توان پنهان کرد! تازی

۱۷ ـ عشق معایب را می‌پوشاند. تازی

۱۸ ـ عشق رفیق نابینایی است. تازی

۱۹ ـ عشق هفت ثانیه دوام دارد و هوس هفت دقیقه و اندوه و بیچارگی یک عمر. تازی

۲۰ ـ عرف و عادت مادری است، که همه باید از او اطاعت کنند! برنئو

۲۱ ـ عصا که شکست آدم لنگ باید چهار دست و پا راه برود. برنئو

۲۲ ـ عشاق جوان آرزو دارند که ازدواج کنند و کسانی که ازدواج کرده‌اند پشیمانند. عبری

۲۳ ـ عدس بخور و تندرستی خود را حفظ کن. عبری

۲۴ ـ عشق را نمی‌توان با پنهان کردن، پنهان کرد. عبری

۲۵ ـ عدالت بهتر از عبادت است. عبری

۲۶ ـ عقل در ریش نهفته است. عبری

۲۷ ـ عقاب مگس‌ها را تعقیب نمی‌کند. هندی

۲۸ ـ عذر بدتر از گناه است. هندی

۲۹ ـ عاقل در اول انجام می‌دهد همان کاری را که نادان در آخر انجام می‌دهد. هندی

۳۰ ـ عشرت امروز به فردا میفکن. هندی

۳۱ ـ عشق است و هزار بدگمانی. فارسی

۳۲ ـ علم خوان هم‌چو علم‌دان نبود. فارسی

۳۳ ـ عاشق آیینه باشد، روی خوب. فارسی

۳۴ ـ عود بر آتش نهند و مشک بسایند. فارسی

۳۵ ـ علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد فارسی

۳۶ ـ علم سطحی یکسره قیل است و قال. فارسی

۳۷ ـ علم بی‌عمل چون درخت بی‌ثمر است. فارسی

۳۸ ـ عقل سالم در بدن سالم است. فارسی

۳۹ ـ عجله کار شیطان است. فارسی

۴۰ ـ عوض گله ندارد. فارسی

۴۱ ـ عاقبت، جوینده یابنده شود. فارسی

۴۲ ـ عاقبت خاک گل کوزه‌گران خواهیم شد. فارسی

۴۳ ـ عقل قوت گیرد از عقل دگر. فارسی

۴۴ ـ عاقبت، گرگ‌زاده گرگ شود گرچه با آدمی بزرگ شود. فارسی

۴۵ـ عاشقان، کشتگان معشوق‌اند. فارسی

۴۶ـ عالم ناپرهیزگار، کور مشعل‌دار است. فارسی

۴۷ـ عطای او را به لقای او بخشیدم. فارسی

۴۸ـ عفو کردن از ظالمان، جورست بر درویشان. فارسی

۴۹ـ علم از بهر دین پروردنست نه از بهر دنیا خوردن. فارسی

۵۰ـ علم اگرچه اندک باشد ولیکن از عبادت زیاد بهتر است. فارسی

۵۱ـ عمر را چیزی افزون نکند مگر نیکوکاری به خلق. فارسی

۵۲ـ عروس رقص بلد نبود بهانه آورد که اطاق کج است. آذربایجانی

۵۳ـ عاقل آنچه را نمی‌داند نمی‌گوید؛ نادان نمی‌داند که چه می‌گوید. ترکی

۵۴ـ عشق چیست؟ دوست داشتن بشریت. حکمت چیست؟ شناختن هم نوع. کتب مقدس

۵۵ـ عقاب زیرک، چنگال خود را پنهان می‌کند. ژاپنی

۵۶ـ عربی علم است، فارسی شکر است، هندی نمک است ولی ترکی هنر است. شرقی(متفرقه)

۵۷ـ عشق مانند کاروانسراست که در آنجا انسان همان را می‌یابد که همراه خود می‌آورد. شرقی(متفرقه)

۵۸ـ عنکبوت به کمک عصا می‌رقصد. شرقی(متفرقه)

۵۹ـ عقلاء حرف‌های احمقانه می‌زنند و ابلهان آن‌را به مرحله عمل در می‌آورند. اسپانیولی

۶۰ـ عمل خیری که امروز انجام می‌گیرد، خوشبختی فردای ما را بوجود می‌آورد. اسپانیولی

۶۱ـ عشق مانند سوپ است: لقمه اول داغ است و لقمه‌های بعد به تدریج سرد می‌شود. اسپانیولی

۶۲ـ عشق مانند رگ به رگ شدگی است: بار دوم که آمد آسان‌تر می‌آید. اسپانیولی

۶۳ـ عرق کردن بهتر از عطسه کردن است. اسپانیولی

۶۴ـ عروسی بدون گل و تدفین بدون اشک صورت نمی‌گیرد. اسپانیولی

۶۵ـ عزیزترین کودک پدر و مادر، آن‌هایی هستند که مرده‌اند. اسپانیولی

۶۶ـ عشق پاک و حقیقی در مردان چون مه است که نمی‌گذارد اطراف را خوب ببینند. اسپانیولی

۶۷ـ عشق با تیرهای زرین می‌کُشد. اسپانیولی

۶۸ـ عشق بسیاری را قهرمان و بسیاری دیگر را ابله ساخته است. سوئدی

۶۹ـ عیب دشمن زودتر از محاسن دوست معلوم می‌شود. سوئدی

۷۰ـ عادات کهن، ریشه‌های ژرف دارند. نروژی

۷۱ـ عدالت کور است و کسی را نمی‌بیند. انگلیسی

۷۲ـ عادت، دوست یا دشمن است. انگلیسی

۷۳ـ عیب مردم را بر سنگ نگارند ولی فضائل‌شان را بر آب نقش کنند. انگلیسی

۷۴ـ عادت در آغاز دوست انسان است و بعد دشمن او. انگلیسی

۷۵ـ عجله، پدر عدم موفقیت است. انگلیسی

۷۶ـ عشق به پول و عشق به تحصیل نمی‌توانند با هم راه بروند. انگلیسی

۷۷ـ عجله سبب ضرر و ضرر باعث بدبختی است. انگلیسی

۷۸ـ عجله و عقل با هم جور در نمی‌آیند. انگلیسی

۷۹ـ عشقی که توأم با حسادت نباشد دروغ است. آلمانی

۸۰ـ علف هرزه فاسد نمی‌شود. آلمانی

۸۱ـ عیوب خود را فقط با چشم دیگران توان دید. سوئیسی

۸۲ـ عاقل کسی که همیشه به فکر زن گرفتن است و هرگز نمی‌گیرد. ایتالیایی

۸۳ـ عشق، خالق سوءظن و بدگمانی است. ایتالیایی

۸۴ـ عشاق مانند زنبورداران، دارای یک زندگی شیرین و شهدآلود هستند. ایتالیایی

۸۵ـ علامت کمال محض است که انسان، ضعف‌ها و عیب‌های دیگران را تحمل کند. ایتالیایی

۸۶ـ عرق ریختن بهتر از سرفه کردن است. ایتالیایی

۸۷ـ عاقل عفو می‌کند، احمق فراموش می‌کند. ایتالیایی

۸۸ـ عرف و عادت، قانون ثانوی است. لاتینی

۸۹ـ عسل خیلی زیاد، تلخ است. لاتینی

۹۰ـ علم ریشه‌های تلخ ولی میوه شیرین دارد. لاتینی

۹۱ـ عشق بهترین ارباب است. لاتینی

۹۲ـ عشق و سرفه را نمی‌توان پنهان کرد. لاتینی

۹۳ـ عمر سوزن کوتاه است. لتوانی

۹۴ـ عصر عاقل‌تر از صبح است. لتوانی

۹۵ـ عشق کهنه، رنگ برنمی‌دارد. لتوانی

۹۶ـ عشق مانند ماه است: وقتی‌که افزایش نیابد، کاسته می‌شود. پرتقالی

۹۷ـ عشق پیری، مانند گل در زمستان است. پرتقالی

۹۸ـ عروسی کن و رام شو. پرتقالی

۹۹ـ عفت و پاکی یک دختر مانند برف است، وقتی‌که آب می‌شود. رومانی
دیگر سفیدش دیده نخواهد شد.

۱۰۰ـ عرف و عادت قوی‌تر از قانون است. روسی

۱۰۱ـ عادت پیراهنی است که تا هنگام مرگ آن را در برداریم. روسی

۱۰۲ـ عشق و گرسنگی بنای تمام اشیاءاند. روسی

۱۰۳ـ عشق روی دوش خود بال دارد و ازدواج با چوب زیر بغل راه می‌رود. روسی

۱۰۴ـ عشق از چشم‌ها آغاز می‌شود. روسی

۱۰۵ـ عشق حلقه‌ای است و حلقه هم انتهایی ندارد. روسی

۱۰۶ـ علاج پیری، قبر است. روسی

۱۰۷ـ علامت مانند روغن، هر قدر هم در اعماقش فرو ببرید، باز روی روسی
سطح ظاهر می‌شود.

۱۰۸ ـ عشق و نابینایی خواهران دوقلو هستند. روسی

۱۰۹ ـ علامت برای گناهکار بد و برای بی‌گناه خوب است. روسی

۱۱۰ ـ عشق و تخم‌مرغ باید هر دو تازه باشند. روسی

۱۱۱ ـ عقلاء کنار آتش خود را گرم می‌کنند و ابلهان خود را در آن می‌سوزانند. یوگسلاوی

۱۱۲ ـ عنکبوت تارش را فقط برای یک مگس نمی‌تند. یوگسلاوی

۱۱۳ ـ عقل زیاد، پول کم. یوگسلاوی

۱۱۴ ـ عقاب کک نمی‌گیرد. اسکاتلندی

۱۱۵ ـ عشق را دنبال کن، از تو فرار خواهد کرد؛ از عشق فرار کن تعقیبت خواهد کرد. اسکاتلندی

۱۱۶ ـ عیب جویان به نواقص بر می‌خورند زیرا نواقص را می‌جویند. اسکاتلندی

۱۱۷ ـ عصای کج، سایه کج می‌اندازد. اسکاتلندی

۱۱۸ ـ عرف، عادت قانون نیستند ولی قدرت قانون را دارند. بلغارستانی

۱۱۹ ـ عدالت همیشه گرسنه است. بلغارستانی

۱۲۰ ـ عمل نیک هرگز ضایع نمی‌شود. جزایرانگلیس

۱۲۱ ـ عاقل هرگز به شانس معتقد نمی‌شود. جزایرانگلیس

۱۲۲ ـ عشق‌های کهنه و اخگرهای مرده زود از نو آتش می‌گیرند. جزایرانگلیس

۱۲۳ ـ عادت، پیراهن آهنین در بردارد. چک

۱۲۴ ـ عادت، پیراهن آهنین است و هر کس آن را به در می‌آورد به خود صدمه می‌رساند. چک

۱۲۵ ـ عشق ترس را از بین می‌برد. چک

۱۲۶ ـ عاقلانه زندگی کن تا محتاج پزشک نشوی. چک

۱۲۷ ـ عروسی یکی دو روزه طول می‌کشد و محنت و مصیبت مادام‌العمر وجود دارد. چک

۱۲۸ ـ عشق کهنه هرگز زنگ نمی‌زند. دانمارکی

۱۲۹ ـ عطالت خسته کننده است؛ کار کردن هرگز خسته‌کننده نیست. استونی

۱۳۰ ـ عشق گلی است که موقع ازدواج به میوه تبدیل می‌شود. فنلاندی

۱۳۱ ـ عشق باغ دل افروزی است و ازدواج مزرعه‌ای پر از گزنه! فنلاندی

۱۳۲ ـ عاقل‌تر از همه کسی است که خود را عاقل نمی‌انگارد. فرانسوی

۱۳۳ ـ عشق، سرفه، دود و پول را نمی‌توان برای مدت طولانی پنهان نگاهداشت. فرانسوی

۱۳۴ ـ عشق خیلی کارها را انجام تواند داد، پول همه کارها را. فرانسوی

۱۳۵ ـ عشق به ندرت ناگهان می‌میرد. فرانسوی

۱۳۶ ـ عشق حتّی به الاغ‌ها رقص یاد می‌دهد. فرانسوی

۱۳۷ ـ عشق واقعی فقط موقعی برقرار می‌شود که طرفین احتیاجی نداشته باشند به یکدیگر تذکر دهند که همدیگر را دوست می‌دارند. فرانسوی

۱۳۸ ـ عشق، قلمرو سلطنت زن است. فرانسوی

۱۳۹ ـ عجله کردن، بازی کردن با آتش است. فرانسوی

۱۴۰ ـ عهدی که با نان و نمک بسته شده شکستنی نیست. فرانسوی

۱۴۱ ـ عادل باش ولو گدا باشی. فرانسوی

۱۴۲ ـ عقلاء احتیاج به ابلهان دارند. آلمانی

۱۴۳ ـ عسل، روی زبان دارد. از کیف پولت محافظت کن. آلمانی

۱۴۴ ـ عشق و نفرت خویشاوند نزدیک هستند. آلمانی

۱۴۵ ـ عشق از دور برای مدت طولانی گرم می‌ماند. آلمانی

۱۴۶ ـ عشق بورز ولی اعتماد مکن. آلمانی

۱۴۷ ـ عشق ابلهی ـ دروغ ابدی. آلمانی

۱۴۸ ـ عشق گیاه هرزه تلخی است. آلمانی

۱۴۹ ـ عشق موش کور است و ازدواج سیاه گوش. آلمانی

۱۵۰ ـ عشق یک جانبه، مانند سئوالی است که بدون جواب مانده است. آلمانی

۱۵۱ ـ عشق کور نیست، فقط نمی‌بیند. آلمانی

۱۵۲ ـ عشق یک چشم دارد ولی نفرت کور است. آلمانی

۱۵۳ ـ عشق نه زمستان را می‌شناسد و نه تابستان را. آلمانی

۱۵۴ ـ عشق به کارهای ابلهانه منتهی می‌شود، ولی پول به ازدواج. آلمانی

۱۵۵ ـ عشق گل‌های سرخ را بدون خارهایش می‌بیند. آلمانی

۱۵۶ ـ عشق سخن می‌گوید حتّی در موقعی که لب‌ها بسته است. آلمانی

۱۵۷ ـ عشق بینایی را از بین می‌برد و ازدواج نیروی بینایی را از نو برقرار می‌سازد. آلمانی

۱۵۸ ـ عشاق خیلی چیزها دارند که برای هم تعریف کنند، ولی صحبت ایشان همیشه حول یک موضوع دور می‌زند. آلمانی

۱۵۹ ـ عقلاء در جستجوی حکمتند، احمق آن را پیدا کرده است. آلمانی

۱۶۰ ـ عادات دوستانت را بدان ولی از آن‌ها تقلید مکن. یونانی

۱۶۱ ـ عشق همان زخمی را که ایجاد می‌کند، درمان می‌نماید. یونانی

۱۶۲ ـ عشق بزرگ به دنبال نفرت بزرگ می‌آید. گرجستانی

۱۶۳ ـ عشق زن، وام شیطان است. گرجستانی

۱۶۴ ـ عدالت، قدرت است. اسلواکی

۱۶۵ ـ عشق اسارت شیرینی است. اسلواکی

۱۶۶ ـ عادت، یک پیراهن آهنین است. اسلواکی

۱۶۷ ـ عدالت خیلی زیاد، غالباً بی‌عدالتی است. اسلواکی

۱۶۸ ـ عشق، مملو از عسل و زهر است. اسلواکی

۱۶۹ ـ عادت بد، اول مسافر است، بعد مهمان و سپس میزبان. مجارستانی

۱۷۰ ـ عشق بعد از ازدواج می‌آید. ایسلند

۱۷۱ ـ عرق بریز تا رستگار شوی. اتازونی

۱۷۲ ـ عمل بد نزد عاملش باقی می‌ماند. برزیلی

۱۷۳ ـ عیوب هرگز زمین نمی‌افتند. کوبا

۱۷۴ ـ عشق و سرفه را پنهان نتوان کرد. نگرویی

۱۷۵ ـ عقل سن و سال ندارد. ترانسوال

۱۷۶ ـ عروسی بینوایان، بر تعداد فقراء و گدایان می‌افزاید. مصری

۱۷۷ ـ علاج بدهکار آن است که قرض‌هایش را پرداخت کند. کنیا

۱۷۸ ـ عجله دلیل قدرت نیست. نیجریای شمالی

۱۷۹ ـ عدالت، بی‌عدالتی می‌شود وقتی که بر سر یک نفر دو ضربه وارد کنی در حالی که مستحق فقط یک ضربه است. کنگوی بلژیک

حرف غ

۱ ـ غرور، مکنت ابلهان است. — چینی

۲ ـ غیرت بی‌بصیرت، آتشی است بی‌نور. — چینی

۳ ـ غرور نقابی است که انسان روی معایب خود می کشد. — عبری

۴ ـ غریق به مار هم پناه می‌برد. — آذربایجانی

۵ ـ غایب همیشه مورد سرزنش قرار می گیرد. — لهستانی

۶ ـ غروب همه را به خانه می‌آورد. — اسکاتلندی

۷ ـ غاز باید خیلی احمق باشد که روباه را از دور نشناسد. — اسکاتلندی

۸ ـ غذا چه سخت باشد چه نرم، سرانجام از لای دندان می گذرد. — اسکاتلندی

۹ ـ غالباً انسان آنچه را که نمی‌خواهد می جوید. — دانمارکی

۱۰ ـ غرور روشن‌ترین نشانه بلاهت است. — استونی

۱۱ ـ غرور بیش از فقر، گدایی می کند. — آلمانی

۱۲ ـ غصه فردا را امروز نباید خورد. — شرقی (متفرقه)

حرف ف

۱ـ فقط پرنده زیباست، که زندانی می گردد. چینی

۲ـ فایده‌ای ندارد که به اسب گرسنگی بدهی تا قاطرت فربه شود. چینی

۳ـ فضیلتی که خریده شده است، همواره گران است. چینی

۴ـ فقط پرهیزکار می‌تواند به راستی کسی را دوست بدارد و یا از کسی متنفر باشد. چینی

۵ـ فقیر بودن بدون غرولند، دشوارتر از پولدار بودن بدون تکبر است. چینی

۶ـ فقر و صورت زشت را نمی‌توان پنهان کرد. چینی

۷ـ فضیلت نمی‌تواند به تنهایی به سر برد، خواه ناخواه همسایگانی پیدا خواهد کرد. چینی

۸ـ فقط از یک درخت سالم میوه سالم بدست می‌آید. چینی

۹ـ فقط از نیکان انتظار نیکی را داشته باش. تازی

۱۰ـ فنجان رفاقت را با سرکه مشوی. تازی

۱۱ـ فقر توأم با آزادی از قرض، خود نوعی توانگری است. تازی

۱۲ـ فقط در جایی که خاک نرم است. خیش شیار عمیقی ایجاد می کند. برنئو

۱۳ـ فقط کسی دانا است که می‌داند هیچ نمی‌داند. عبری

۱۴ـ فقر دنبال فقرا می‌دود و ثروت دنبال اغنیاء. عبری

۱۵ـ فقط بلبل قدر گل را می‌داند. عبری

۱۶ـ فقر هر فضیلتی را از بین می‌برد. عبری

۱۷ـ فیل هر قدر هم لاغر باشد باز گرانبهاست. هندی

۱۸ـ فریاد شغال و بال شغال است. فارسی

۱۹ـ فضول را بردند جهنم گفت هیزمش تر است. فارسی

۲۰ـ فواره گر بلند شود سرنگون شود. فارسی

۲۱ـ فضل و هنر ضایع است تا ننماید. فارسی

۲۲ـ فریب دشمن مخور و غرور مداح مخر. فارسی

۲۳ ـ فریاد کشیدن روش بی‌خردان است. فارسی

۲۴ ـ فقر پیراهن آتش است. ترکی

۲۵ ـ فضیلت تنها نیست، حتماً همسایگانی هم دارد. کردی

۲۶ ـ فکر نکن چون آب آرام است تمساح هم وجود ندارد. مالایا

۲۷ ـ فکر، چراغ مغز است. مالایا

۲۸ ـ فقر، دردناک‌تر از بیماری است. ژاپنی

۲۹ ـ فرزند اول آدم خوش اقبال، دختر است. اسپانیولی

۳۰ ـ فقط کسی که سابقاً دوست بوده دشمن است. اسپانیولی

۳۱ ـ فقر فضیلت را از بین نمی‌برد ثروت فضیلت می‌بخشد. اسپانیولی

۳۲ ـ فرمان دادن دلپذیر است ولو اینکه به یک دسته گوسفند باشد. اسپانیولی

۳۳ ـ فقط مادر زنی خوبست که مرده باشد. انگلیسی

۳۴ ـ فروختن با پشیمانی بهتر از نگاهداشتن با پشیمانی است. سوئیسی

۳۵ ـ فقط انگلیسی‌ها و سگ‌ها در آفتاب راه می‌روند. ایتالیایی

۳۶ ـ فقط مرگ امید را می‌شکند. ایتالیایی

۳۷ ـ فقر بدترین نگهبان عفت است. ایتالیایی

۳۸ ـ فرق نمی‌کند کسی چه در اثر بیماری بمیرد چه در اثر دلدادگی. ایتالیایی

۳۹ ـ فقر قوم و خویش ندارد. ایتالیایی

۴۰ ـ فقط کدو تنبل کله‌ای است که خالی از تشویش و نگرانی است. ایتالیایی

۴۱ ـ فقط ساعات طلایی هستند که به شمارش در می‌آیند. لاتینی

۴۲ ـ فضیلت بر حسد غلبه می‌کند. لاتینی

۴۳ ـ فضیلت همیشه سبز است. لاتینی

۴۴ ـ فرصت، جلو سر خود مو دارد ولی پشت سرش طاس است. لاتینی

۴۵ ـ فقر راه فضیلت و تقوی را مسدود می‌سازد. لاتینی

۴۶ ـ فقر اشیاء بسیاری را لازم دارد؛ آز به همه چیز محتاج است. لاتینی

۴۷ ـ فقط مرد عاقل، ثروتمند واقعی است. لاتینی

۴۸ ـ فکر زن مانند باد و آب است. لاتویا

۴۹ ـ فاتح احساس خستگی نمی‌کند. مونتونگرویی

۵۰ ـ فقط کران و کوران هستند که مجبورند هر آنچه به آنان گفته می‌شود باور کنند. رومانی

۵۱ ـ فنلاند کشور شیطان است (یعنی سرزمین غیرحاصل‌خیز و صخره‌ای است). روسی

۵۲ ـ فقط در آب‌های آشفته می‌توان ماهی گرفت. روسی

۵۳ ـ فقر جنایت نیست بلکه چیزی است حتّی از جنایت بدتر. روسی

۵۴ ـ فرصت، موفقیت به بار می‌آورد. روسی

۵۵ ـ فلان و بهمان همان‌قدر پول دارد که خدا برادر! یوگسلاوی

۵۶ ـ فرزندان، چشمه خوشی و اندوه‌اند. یوگسلاوی

۵۷ ـ فطرت، بدتر از تربیت است. اسکاتلندی

۵۸ ـ فروشندگان پشم، خریداران پشم را می‌شناسند. اسکاتلندی

۵۹ ـ فلاکت و ادبار با دستورالعمل می‌آید. ولز

۶۰ ـ فقط عشق نمی‌تواند شریک تحمل کند. بلغارستانی

۶۱ ـ فقط بلبل می‌تواند گل سرخ را بشناسد. بلغارستانی

۶۲ ـ فرصت را با ریشش قبض کن که پشت سرش طاس می‌باشد. بلغارستانی

۶۳ ـ فاتح احساس خستگی نمی‌کند. بلغارستانی

۶۴ ـ فرسوده شدن بهتر از زنگ زدن است. جزایرانگلیس

۶۵ ـ فقط عاقلان می‌توانند از اوقات فراغت خود به نحو احسن استفاده کنند. جزایرانگلیس

۶۶ ـ فندق را از پوستش شناسند. جزایرانگلیس

۶۷ ـ فراغت، مادر گناهان و زن پدر فضائل است. چک

۶۸ ـ فقط موقعی که «شر» خارج است «خیر» می‌تواند داخل شود. دانمارکی

۶۹ـ فردا روز دیگر است. دانمارکی

۷۰ـ فرشته خیابان: شیطان خانه. هلندی

۷۱ـ فروشنده عسل گاهی انگشتان خود را می‌لیسد. استونی

۷۲ـ فقراء، اغنیاء را تغذیه می‌کنند. استونی

۷۳ـ فقط پزشکان اجازه دارند که دروغ بگویند. فرانسوی

۷۴ـ فریب اشک زن را نباید خورد. فرانسوی

۷۵ـ فقیر کسی نیست که کم دارد بلکه کسی است که خواهشهایش زیاد است. فرانسوی

۷۶ـ فقر گناه نیست؛ معذلک بهتر است پنهانش کنیم. فرانسوی

۷۷ـ فراوانی بیش از قحطی و گرسنگی آدم کشته است. آلمانی

۷۸ـ فقیر بودن روی زمین، بهتر از غنی بودن روی دریاست. آلمانی

۷۹ـ فراموشی مادر حق ناشناسی است. آلمانی

۸۰ـ فقط یک نفر یهودی می‌تواند یهودی را فریب بدهد. آلمانی

۸۱ـ فروشگاه دانش، فاقد فروش‌های چک و چانه است. آلمانی

۸۲ـ فقر حس ششم است. آلمانی

۸۳ـ فقر به کسی که قبلاً پولدار نبوده صدمه‌ای نمی‌رساند. آلمانی

۸۴ـ فقر دست و پای ثروت است. آلمانی

۸۵ـ فقط عشق می‌تواند بر عشق غلبه کند. آلمانی

۸۶ـ فضیلت یعنی هماهنگی. یونانی

۸۷ـ فقط ابلهان متواضع هستند. یونانی

۸۸ـ فقر معلم حسن سلوک است. یونانی

۸۹ـ فقر مادر فنون است. اسلواکی

۹۰ـ فقط پزشکان می‌توانند آدم بکشند و از کیفر در امان باشند. اسلواکی

۹۱ـ فقط درون آب شنا یاد توان گرفت. اسلواکی

۹۲ ـ فروشندگان پشم، خریداران پشم را می‌شناسند. اتازونی

۹۳ ـ فقر گناه نیست ولی بهتر است که پنهانش کنی. برزیلی

۹۴ ـ فقط نصف آنچه را که می‌بینی باور کن و از آنچه می‌شنوی هیچ باور مکن. کوبا

۹۵ ـ فقط کفش می‌داند که جوراب سوراخ هست یا نه. نگرویی

۹۶ ـ فردا، بار احمق است. نگرویی

۹۷ ـ فایده‌ای ندارد اگر بکوشیم انگشتر را به جذامی بفروشیم. بامبارا

۹۸ ـ فقر بدون قرض، ثروت حقیقی است. مصری

۹۹ ـ فروشنده باید بخرد. کیکویو

حرف ق

۱ ـ قلب انسان طبیعتاً عادل است. چینی

۲ ـ قرض دادن مانند دور انداختن است و قرض پس گرفتن پیدا کردن. چینی

۳ ـ قبل از خریدن، باید فکر فروش را هم کرد. چینی

۴ ـ قطع گیاهان هرزه به اندازه ریشه‌کن کردن آن خوب نیست. چینی

۵ ـ قول، سایهٔ عمل است. چینی

۶ ـ قبر اولین تحفهٔ آسمان به بشر است. چینی

۷ ـ قمارباز، کور است ولی کسی که پهلوی دست او نشسته خوب می‌بیند. چینی

۸ ـ قبر هم پیر را به خود می‌گیرد و هم جوان را. چینی

۹ ـ قانون چاه بی‌انتهاست. هر که گرفتارش شد کارش ساخته است. چینی

۱۰ ـ قدرت همیشه خوب است؛ اگر میمون قدرت پیدا کند حتّی به او تعظیم خواهیم کرد. تازی

۱۱ ـ قبل از دخول، فکر خروج را بکن. تازی

۱۲ ـ قدر دو چیز فقط موقعی دانسته می‌شود که از دست می‌دهیم، تندرستی و جوانی! تازی

۱۳ ـ قلوب گنجینهٔ اسرارند و لب‌ها قفل‌های آن و زبان کلیدهایش. تازی

۱۴ ـ قلوب، شهودند. تازی

۱۵ ـ قبل از فرا رسیدن ظلمت چراغت را روشن کن. تازی

۱۶ ـ قلبی که مهر می‌ورزد همیشه جوان است. عبری

۱۷ ـ قایق محبت حتّی بر کوه صعود می‌کند. هندی

۱۸ ـ قربان بند کیفتم تا پول داری رفیقتم. فارسی

۱۹ ـ قول مردان جان دارد. فارسی

۲۰ ـ قیمت جوهر نداند کس به غیر از جوهری. فارسی

۲۱ ـ قالی را تا بزنی گرد در می‌آید، رعیت را تا بزنی پول. فارسی

۲۲ ـ قاچ زین را بگیر نیفتی، اسب دوانی پیشکشت. فارسی

۲۳ ـ قدر لوزینه، خر کجا داند؟ فارسی

۲۴ ـ قورباغه‌ها، قورباغه به وجود می‌آورند. ژاپنی

۲۵ ـ قاضی خوب یک همسایه بد است. اسپانیولی

۲۶ ـ قاضی که بی‌گناهی را محکوم سازد، وجدان خود را محکوم کرده است. سوئدی

۲۷ ـ قلم غالباً دورتر از شمشیر می‌رود. سوئدی

۲۸ ـ قبل از این‌که بروی فکر برگشتن هم بکن. بوسنی

۲۹ ـ قرض دادن، رنج داراست. انگلیسی

۳۰ ـ قانونی که درباره شیر و گاو یک جور حکم کند قانون نیست. انگلیسی

۳۱ ـ قرض حلقه اسارتی است که بدست خود بر گردن می‌افکنیم. انگلیسی

۳۲ ـ قبل از این‌که از تو دماغی حرف زدن دیگران حرف بزنی، بینی خودت را پاک کن. انگلیسی

۳۳ ـ قانون غالباً دندان خود را نشان می‌دهد ولی گاز نمی‌گیرد. انگلیسی

۳۴ ـ قیمت گوساله شاه از گاو رعیت بیشتر است. انگلیسی

۳۵ ـ قفل فقط برای آدم درستکار ساخته شده است. اروپا

۳۶ ـ قول داد کوه بیاورد ولی ماهی آورد. اروپا

۳۷ ـ قرض، فقری است که توأم با مصیبت است. ایتالیایی

۳۸ ـ قلم زبان باید در جوهر دل فرو برده شود. ایتالیایی

۳۹ ـ قارچ در جایی رشد می‌کند که خاک حاصل‌خیزتر است. لاتینی

۴۰ ـ قبل از اینکه پوست را نکنده‌ای، لقمه را چاق مخوان. لاتویا

۴۱ ـ قبل از آن‌که پزشک بتواند یک نفر را معالجه کند باید ده نفر را بکشد. لهستانی

۴۲ ـ قلم و جوهر بهترین شهودند. پرتقالی

۴۳ ـ قانون پرچم است و طلا بادی است که آن را به اهتزاز در می‌آورد. روسی

۴۴ ـ قانون مانند مال بند دلیجان است. شما می‌توانید آن را به هر سو که بخواهید بگردانید. روسی

۴۵ ـ قرض عفریتی است که اگر سایه‌اش بر تو افتاد عقب رفتنی نیست. روسی

۴۶ ـ قمار باز شریک دزد است. روسی

۴۷ ـ قانون همه را می‌لیسد. اسکاتلندی

۴۸ ـ قبل از آغاز کار پایانش را ببین. ولز

۴۹ ـ قبل از چشم، بینی‌ات می‌گوید چه نوع آب‌گوشتی در برابر تو نهاده‌اند. چک

۵۰ ـ قانونی، بینی مومی دارد. چک

۵۱ ـ قانون مانند تارعنکبوت است؛ سوسک از آن رد می‌شود ولی مگس گرفتار می‌گردد. چک

۵۲ ـ قانون سه روز پیرتر از دنیاست. استونی

۵۳ ـ قانون روی میز است و عدالت زیر میز. استوانی

۵۴ ـ قیمت، مزه را از بین می‌برد. فرانسوی

۵۵ ـ قبل از صحبت، زبان را باید هفت بار در دهان گرداند. فرانسوی

۵۶ ـ قماربازان جوان، گدایان پیر هستند. آلمانی

۵۷ ـ قلب چشمه است و رودخانه زبان. آلمانی

۵۸ ـ قضاوت باید گوش بزرگ و دست کوچک داشته باشد. آلمانی

۵۹ ـ قضات، مسیحیان بدی هستند. آلمانی

۶۰ ـ قهوه و عشق موقعی که گرم است از هر موقع دیگر بهتر می‌باشد. آلمانی

۶۱ ـ قول مانند ماه کامل است که اگر ایفاء نشود روز به روز بیشتر کاهش می‌یابد. آلمانی

۶۲ ـ قرقره می‌چرخد تا زمانی که نخ تمام می‌شود. آلمانی

۶۳ ـ قهوه خوب، باید مانند شیطان سیاه و مانند جهنم گرم و مانند بوسه شیرین باشد. مجارستانی

۶۴ ـ قانون روی چرخ‌های طلایی حرکت می‌کند. مجارستانی

۶۵ ـ قایقت را خودت پارو بزن. اتازونی

۶۶ ـ قلب مادر، مکتب طفل است. اتازونی

۶۷ ـ قطعه ذغالی که روزگاری اخگر بوده است می‌تواند به سهولت از نو فروزان شود. مکزیکی

۶۸ ـ قلب ماست که ما را به بهشت و یا جهنم می‌برد. نگرویی

۶۹ ـ قاضی خوب همسایه بد است. نگرویی

۷۰ ـ قبل از عروسی هر دو چشمانت را باز کن، پس از عروسی یک چشمت را ببند. نگرویی

۷۱ ـ قاطر کور از تاریکی نمی‌ترسد. نگرویی

۷۲ ـ قلب احمق در دهانش است و دهان دانا در قلبش. الجزایری و مراکشی

۷۳ ـ قطره قطره دیگ پر می‌شود. کامرون

۷۴ ـ قلوب مانند بدن‌ها خسته می‌شوند و احتیاج به استراحت دارند. مصری

۷۵ ـ قصه، خوراک گوش است. ایبو

۷۶ ـ قلب انسان از لاستیک است نه از سنگ. ماداگاسکار

حرف ک

۱ ـ کسی که خود را می‌شناسد دیگران را هم تواند شناخت زیرا قلب‌ها را با قلب‌ها مقایسه توان کرد. چینی

۲ ـ کسی که سوار پلنگ شود نمی‌تواند مدت زیادی سواری بگیرد. چینی

۳ ـ کسی که در جستجوی خوشبختی از خانه خود بیرون می‌رود دنبال سایه می‌دود. چینی

۴ ـ کمرنگ‌ترین جوهر بهتر از قوی‌ترین حافظه است. چینی

۵ ـ کسی که دنبال سعادت می‌رود، سایه را تعقیب می‌کند. چینی

۶ ـ کسانی که زهر زندگانی را نچشیده‌اند، شهد زندگانی را نیز نچشیده‌اند. چینی

۷ ـ کسی که فقط در فکر سیر کردن شکم است، عقل را گرسنه گذاشته است. چینی

۸ ـ کسانی که دارای یک پا هستند هرگز سکندری نمی‌خورند. چینی

۹ ـ کسی که کاری غیر از نشستن و خوردن انجام نمی‌دهد، اگر یک کوه ثروت هم داشته باشد آن را از دست خواهد داد. چینی

۱۰ ـ کسانی که می‌دانند، حرف نمی‌زنند. کسانی که سخن می‌گویند، نمی‌دانند. چینی

۱۱ ـ کسی که روی ببر سوار است هرگز قادر نخواهد بود که از آن فرود آید. چینی

۱۲ ـ کسی که با زحمت کار می‌کند با خوشحالی خواهد خورد. چینی

۱۳ ـ کلمات نمی‌توانند حقیقت را عوض کنند. چینی

۱۴ ـ کسی که بخیل نیست ثروتمند نیست و کسی که ثروتمند نیست بخیل نه. چینی

۱۵ ـ کسی که لباس زمستان می‌پوشد و بادبزن تابستان به کار می‌برد فرق بین گرم و سرد را تشخیص نمی‌دهد. چینی

۱۶ ـ کلمات حباب‌های آبند و اعمال قطرات طلا. چینی

۱۷ ـ کسی که وجدانش پاک باشد، همیشه شادمان است. چینی

۱۸ ـ کفش گشاد که پوشیدی حاضر به زمین خوردن باش. چینی

۱۹ ـ کار عبثی است که اسب را از گرسنگی بکشم تا قاطر فربه شود. چینی

۲۰ ـ کسی که وجدانش را برای کسب شهرت فدا می کند، تابلوی نقاشی را برای تحصیل خاکستر سوزانده است. چینی

۲۱ ـ کتاب بوستانی است که انسان در جیب خود حمل می کند. تازی

۲۲ ـ کسی که صدقه می‌دهد، دوستی و رفاقت درو می‌نماید. تازی

۲۳ ـ کسی که از خود شهرتی بر جای می گذارد، جاودانه زنده است. تازی

۲۴ ـ کسی که عیوب خود را می‌بیند وقت آن را ندارد که به عیوب دیگران توجه نماید. تازی

۲۵ ـ کسی که خود را در کنار آتش گرم می کند، باید بداند که خاصیت آتش سوزانیدن است. تازی

۲۶ ـ کسی که آتشی برمی‌افروزد نباید تقاضای محفوظ ماند از گزند شعله را بنماید. تازی

۲۷ ـ کسی که تنها غذا می‌خورد، تنها هم سرفه می کند. تازی

۲۸ ـ کسی که از خود اخلاقی باقی گذاشته نمرده است. تازی

۲۹ ـ کسی که مهربانی می کارد، حق‌شناسی درو می کند. تازی

۳۰ ـ کسی که عسل دست می‌زند، ناگزیر است که انگشتانش را بلیسد. تازی

۳۱ ـ کسی که می‌لنگد باید سراغ کسی برود که پایش شکسته است. تازی

۳۲ ـ کسی که یک‌بار آب نیل را بنوشد به نزد نیل برمی گردد. تازی

۳۳ ـ کسی که قادر است گوش افراد را تبدیل به چشم کند، ناطق زبردستی است. تازی

۳۴ ـ کسی که رعایت حال گرگ را بکند، مظلوم واقع می‌شود. تازی

۳۵ ـ کسی که حرف راست را می‌زند باید یک پایش توی رکاب باشد. تازی

۳۶ ـ کسی که ذوفن (بی هنر، یک هنر) است از گرسنگی می‌میرد. تازی

۳۷ ـ کسی که به قصر سلطان می‌رود باید موقع دخول کور باشد و موقع خروج کر. تازی

۳۸ ـ کسی که می‌خواهد در حکمت، تفوق (برتری یافتن) یابد نباید بگذارد زنان بر او حکومت کنند. تازی

۳۹ ـ کسی که زیاد می‌داند زیاد هم اشتباه می کند. ارمنی

۴۰ ـ کاری که گرگ به زور می کند روباه به حیله از پیش می‌برد. ارمنی

۴۱ ـ کلمات میخ‌ها را از درون قلب بیرون می کشند. ارمنی

۴۲ ـ کسانی که به دیگران کمک می کنند بینوا نمی‌شوند ولو پیر و سالخورده گردند. برمایی

۴۳ ـ کلیه امراض انسان از خون سرچشمه می گیرد. عبری

۴۴ ـ کسی که باعث کارهای نیک می‌شود بزرگتر از کسی است که به عمل نیک دست می‌یازد. عبری

۴۵ ـ کسی که گناهش را انکار می کند گناهش را دو برابر می کند. عبری

۴۶ ـ کسی که چیزی هدیه می‌دهد نباید آن را به یاد آورد، همانا، کسی که چیزی را هدیه می گیرد نباید آن را از یاد ببرد. عبری

۴۷ ـ کاهلی شهد را زهر می گرداند. عبری

۴۸ ـ کسی که صعود نمی کند سقوط هم نمی کند. عبری

۴۹ ـ کسانی که با زبان بی‌زبان تکدی می کنند، گرسنگی می‌خورند. عبری

۵۰ ـ کره، زندگی است. عبری

۵۱ ـ کور، سلطان زمین است. عبری

۵۲ ـ کار، کار یاد می‌دهد. عبری

۵۳ ـ کسی که رفیق خوبی دارد، احتیاج به آئینه ندارد. عبری

۵۴ ـ کودک، گوهر خانه است. عبری

۵۵ ـ کتری خالی آواز می‌خواند نه کتری پر. عبری

۵۶ ـ کارت را دوست بدار. عبری

۵۷ ـ کسی که به پسر خود حرفه‌ای نمی‌آموزد به او یاد می‌دهد که دزد باشد. عبری

۵۸ ـ کمانی که همیشه خمیده است، سست و شل می‌شود. هندی

۵۹ ـ کار تلخ است ولی تا آن که از طریق کار و زحمت به دست می‌آید شیرین است. هندی

۶۰ ـ کار نیکی که امروز انجام می‌دهیم فردا شادکامی به بار می‌آورد. هندی

۶۱ ـ کار، کلید آسایش است. هندی

۶۲ ـ کار را به کاردان باید سپرد. فارسی

۶۳ ـ کار را که کرد؟ آن‌که تمام کرد. فارسی

۶۴ ـ کاسبی، کاه سابی است (باید در کسب، از سودهای جزئی نیز چشم نپوشید). فارسی

۶۵ ـ کبکش خروس می‌خواند (بی‌نهایت شاد و مسرور است). فارسی

۶۶ ـ کجا خوش است؟ آنجا که دل خوش است. فارسی

۶۷ ـ کور کور را می‌جوید آب گودال را. فارسی

۶۸ ـ که و مه به شود ز صحبت به. فارسی

۶۹ ـ کوری عصا کش کور دیگری بود. فارسی

۷۰ ـ کور را به چراغ چه حاجت. فارسی

۷۱ ـ کسی که بچه ندارد نور چشم ندارد. فارسی

۷۲ ـ کارد به استخوانش رسیده است. فارسی

۷۳ ـ کوشش بی‌فایده است و سُرور بر ابروی کور. فارسی

۷۴ ـ کار بوزینه نیست نجاری. فارسی

۷۵ ـ کس نگوید دوغ من ترش است. فارسی

۷۶ ـ کوزه‌گر از کوزه شکسته آب می‌خورد. فارسی

۷۷ ـ کلوخ‌انداز را پاداش، سنگ است. فارسی

۷۸ ـ کوه را کی در رباید تند باد؟ فارسی

۷۹ ـ کسی که نیاموخته بهتر از بد آموخته است. فارسی

۸۰ ـ کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم. فارسی

۸۱ ـ کبوتر با کبوتر، باز با باز فارسی

کند هم‌جنس با هم‌جنس پرواز

۸۲ ـ کاچی به از هیچی. فارسی

۸۳ ـ کار امروز به فردا مگذار. فارسی

۸۴ ـ کاسه رود جایی که باز آید قدح. فارسی

۸۵ ـ که زنگی با شستن نگردد سفید. فارسی

۸۶ ـ کمال همنشین در من اثر کرد. فارسی

۸۷ ـ کارها به صبر برآید و مستعجل به سر درآید. فارسی

۸۸ ـ کوتاهِ خردمند به که نادان بلند. فارسی

۸۹ ـ کسی که وفا به عهد نکند دین ندارد. فارسی

۹۰ ـ کره اسب از نجابت تعاقب می‌رود فارسی

کره خر از خریت پیش‌پیش مادر است.

۹۱ ـ شاید را کاشتند در نیامد. فارسی

۹۲ ـ کم زی، شاد زی. آذربایجانی

۹۳ ـ کسی که قهر زنبور را نکشیده قدر عسل را نمی‌داند. آذربایجانی

۹۴ ـ کرایه نشینیش بس نیست، مرغ هم نگاه می‌دارد. آذربایجانی

۹۵ ـ کسی که صدقه می‌دهد، یک‌دانه می‌کارد و هزار دانه درو می‌کند. آذربایجانی

۹۶ ـ کیسه گدا هرگز پر نمی‌شود. ترکی

۹۷ ـ کسی با کور راجع به رنگ‌ها صحبت نمی‌کند. ترکی

۹۸ ـ کسی که انتظار آسایش دارد باید کر، کور و لال باشد. ترکی

۹۹ ـ کلمات زرین درهای آهنین را می‌گشاید. ترکی

۱۰۰ ـ کسی که در حال سیری غذا بخورد، گور خود را با دندان‌هایش می‌کند. ترکی

۱۰۱ ـ کسی که از آتش می‌ترسد خود را در برابر دود محافظت می‌نماید. ترکی

۱۰۲ ـ کسی که به تو سخن چینی می کند از تو نیز سخن چینی خواهد کرد. ترکی

۱۰۳ ـ کسی که درد خود را پنهان می کند درمان نمی‌یابد. ترکی

۱۰۴ ـ کسی که آخر از همه وارد می‌شود در را می‌بندد. ترکی

۱۰۵ ـ کسی که از قید مهر و دلبستگی آزاد است از اندوه و ترس هم آزاد می‌باشد. کتب مقدس

۱۰۶ ـ کسی که از قلب خود اطاعت کند، فرمان خواهد داد. کتب مقدس

۱۰۷ ـ کسی که در کارش نادرست است در همه چیز نادرست خواهد بود. کتب مقدس

۱۰۸ ـ کسی که زیاد غذا می‌خورد، زیاد می‌خوابد. کتب مقدس

۱۰۹ ـ کریستال بودن و شکستن بهتر از فعال بودن در پشت بام خانه است. ژاپنی

۱۱۰ ـ کاهلان وقت فراغت ندارند. ژاپنی

۱۱۱ ـ کسی که پول می‌دزدد، اعدام می‌شود؛ کسی که زمین می‌دزدد، شاه می گردد. ژاپنی

۱۱۲ ـ کسی که گل سرخ را دوست می‌دارد، خار را هم دوست می‌دارد. کردی

۱۱۳ ـ کلماتی وجود دارند که قاتلند. کردی

۱۱۴ ـ کدام اقیانوس است که بی‌موج است. مالایا

۱۱۵ ـ کسی که جرأت تهدید دارد باید جرأت جنگیدن را هم داشته باشد. مالایا

۱۱۶ ـ کسی که سرش طاس است، شانه پیدا می کند. شرقی (متفرقه)

۱۱۷ ـ کسی که زیاد می‌خورد احساس ناراحتی می کند و کسی که زیاد حرف می‌زند نمی‌تواند با همسایه خود در صلح و صفا بسر برد. شرقی (متفرقه)

۱۱۸ ـ کلام باید مانند شیر دلیر، مانند خرگوش ملایم، مانند مار جذاَب، مانند تیرتیز و مانند عصای سلطنتی که از وسط در دست گرفته شده است، موزون باشد. شرقی (متفرقه)

۱۱۹ ـ کلمات حباب آبند و اعمال قطرات طلا. شرقی (متفرقه)

۱۲۰ ـ کسی که در شرف مرگ بوده قدر زندگی را می‌داند. شرقی (متفرقه)

۱۲۱ ـ کسی که به طرف جلو نگاه نمی‌کند عقب می‌ماند. اسپانیولی

۱۲۲ ـ کسی که به گربه شیر سرشیر گرفته نمی‌دهد، مجبور خواهد شد که به موش‌ها خامه بدهد. اسپانیولی

۱۲۳ ـ کسی که خروسش را تنها می‌خورد اسبش را هم تنها زین خواهد کرد. اسپانیولی

۱۲۴ ـ کسی که از درخت انجیر مواظبت می‌کند، میوه‌اش را هم خواهد خورد. اسپانیولی

۱۲۵ ـ کسی که انتظار نیکی ندارد، از هیچ نوع شری صدمه نتواند رساند. اسپانیولی

۱۲۶ ـ کسی که نسبت به نفس خود خوب نیست، چگونه می‌توان انتظار داشت که نسبت به دیگران خوب باشد. اسپانیولی

۱۲۷ ـ کسی که فاضلابش را تعمیر نمی‌کند مجبور می‌شود که تمام خانه‌اش را تعمیر کند. اسپانیولی

۱۲۸ ـ کسی که می‌خواهد تندرست باشد باید در زمستان همان لباس را بر تن نماید که در تابستان بر تن می‌نموده است. اسپانیولی

۱۲۹ ـ کسی که وام می‌دهد، آن را پس نتواند گرفت؛ اگر پس بگیرد تمامش را پس نمی‌گیرد و اگر تمامش را پس بگیرد، زیاد پس نمی‌گیرد و اگر زیاد پس بگیرد، یک دشمن مهلک برای خود به وجود آورده است. اسپانیولی

۱۳۰ ـ کسی که همیشه به من دروغ می‌گوید هرگز گولم نمی‌زند. اسپانیولی

۱۳۱ ـ کسی که ترا به گریه می‌اندازد، دوستت دارد. اسپانیولی

۱۳۲ ـ کسی که به خاطر عشق زندگی می‌کند، باید در اندوه به سر برد. اسپانیولی

۱۳۳ ـ کسی که تصمیم دارد ازدواج کند، باید نخست به همسایگانش نگاه کند. اسپانیولی

۱۳۴ ـ کسی که هیچ ندارد، از هیچ‌چیز نمی‌ترسد. اسپانیولی

۱۳۵ ـ کسی که عقربش گزیده حتّی از سایه می‌ترسد. اسپانیولی

۱۳۶ ـ کسی که خرید و فروش می کند، احساس نمی کند که چقدر پول خرج می کند. اسپانیولی

۱۳۷ ـ کسی که عنکبوت را نمی کشد، نمی‌تواند تار عنکبوت را از بین ببرد. اسپانیولی

۱۳۸ ـ کسی که یک‌بار می‌دزدد، همیشه خواهد دزدید. اسپانیولی

۱۳۹ ـ کسی که خار می کارد، نباید پیاده راه برود. اسپانیولی

۱۴۰ ـ کسی که خوب گره می‌زند، خوب هم گره را باز می کند. اسپانیولی

۱۴۱ ـ کسانی که نسبت به زنان جسورند، نسبت به مردم جسور نیستند. اسپانیولی

۱۴۲ ـ کلهٔ بی‌مغز به کلاه احتیاج ندارد. اسپانیولی

۱۴۳ ـ کسی که در شن‌زار می کارد، ماهی درو نخواهد کرد. اسپانیولی

۱۴۴ ـ کسی که تف سر بالا می‌اندازد، تف روی صورت خودش می‌ریزد. اسپانیولی

۱۴۵ ـ کسی که زن دارد دشمن هم دارد. اسپانیولی

۱۴۶ ـ کسی که به هیچ‌کس اعتماد ندارد هرگز گول نمی‌خورد. اسپانیولی

۱۴۷ ـ کسی که از مرگ می‌ترسد، از زندگی لذت نتواند برد. اسپانیولی

۱۴۸ ـ کسی که دیگری را تعقیب می کند، خود آسایش ندارد. سوئدی

۱۴۹ ـ کسی که انگشتان دراز دارد باید پاهای دراز هم داشته باشد. سوئدی

۱۵۰ ـ کسی که به امید مسافرت می کند؛ فقر راننده‌اش خواهد بود. سوئدی

۱۵۱ ـ کسی که آنچه را لازم ندارد می‌خرد، از خودش می‌دزدد. سوئدی

۱۵۲ ـ کسی که نمی‌تواند سنگ را بردارد باید آن را بغلطاند. سوئدی

۱۵۳ ـ کفش سیاه، نشانهٔ دل سیاه نیست. سوئدی

۱۵۴ ـ کارد کار چنگال را می کند اما لب را می‌برد. سوئدی

۱۵۵ ـ کسی که به بلاهت خود پی برده است، در جاده خردمندی گام نهاده است. نروژی

۱۵۶ ـ کسی که آخر از همه می‌آید کمتر از همه می‌بیند. نروژی

۱۵۷ ـ کسی که کم می‌داند کم هم فراموش می کند. نروژی

۱۵۸ ـ کسی که تقریباً غرق شده است از باران وحشتی ندارد. آلبانی

۱۵۹ ـ کسی که سر ندارد پا دارد. آلبانی

۱۶۰ ـ کسی که خواندن و نوشتن می‌داند، چهار چشم دارد. آلبانی

۱۶۱ ـ کلمات ماده‌اند و اعمال نر با کلمات نمی‌توانند چرخ‌های آسیاب را بگردانند. آلبانی

۱۶۲ ـ کوه به کوه احتیاج ندارد ولی انسان به انسان احتیاج دارد. باسک

۱۶۳ ـ کلاغ‌های کوچک بلندترین منقارها را دارند. بلژیکی

۱۶۴ ـ کسی که روی امید زندگی می کند؛ در آرزو جان می‌دهد. بلژیکی

۱۶۵ ـ کسی که قلبش پاک است؛ زبانش هم پاک است. بوسنی

۱۶۶ ـ کسی که بر له تو دروغ می گوید، ضد تو هم دروغ خواهد گفت. بوسنی

۱۶۷ ـ کسی که اشتباهات خود را می‌بیند، وقت آن را ندارد که به اشتباهات دیگران توجه کند. بوسنی

۱۶۸ ـ کاری را که گرگ به زور می کند روباه به حیله از پیش می‌برد. انگلیسی

۱۶۹ ـ کیمیایی مانند صرفه‌جویی، وجود ندارد. انگلیسی

۱۷۰ ـ کلید سال در دست «آوریل» و «مه» است. انگلیسی

۱۷۱ ـ کسی که به پدر ابقاء نکند قابل اعتماد نیست. انگلیسی

۱۷۲ ـ کسی که با گرگ بزرگ شده باشد می‌داند چطور و چه وقت زوزه بکشد. انگلیسی

۱۷۳ ـ کسی که سرشیشه‌ای داشته باشد نباید سنگ بیاندازد. انگلیسی

۱۷۴ ـ کم قول بده، بیشتر عمل کن. انگلیسی

۱۷۵ ـ کشتن دو پرنده به یک سنگ. انگلیسی

۱۷۶ ـ کارگر ناشی، از افزار خویش می‌نالد. انگلیسی

۱۷۷ ـ کسی که سعی می کند همه را از خود راضی کند هیچ‌کس از او راضی نخواهد شد. انگلیسی

۱۷۸ ـ کسی که در برابر حسود طاقت بیاورد و خونسرد باشد یا خیلی خوش‌قلب است یا از آهن ساخته شده. انگلیسی

۱۷۹ ـ کسی که قرض خود را ادا می‌کند بر ثروت خویش می‌افزاید. انگلیسی

۱۸۰ ـ کفشش گشاد است (لایق مقامش نیست). انگلیسی

۱۸۱ ـ کمتر گو تا پشیمان نشوی. انگلیسی

۱۸۲ ـ کسی که می‌خواهد درو کند باید بکارد. آلمانی

۱۸۳ ـ کسی که در خود آتشی ندارد نمی‌تواند دیگران را گرم کند. سوئیسی

۱۸۴ ـ کمک ونیزی‌ها همیشه سه روز بعد از پایان جنگ می‌رسد. اروپا

۱۸۵ ـ کسی که در آغاز کار فکر و تأمل نکند در پایان کار آه خواهد کشید. ایتالیایی

۱۸۶ ـ کسی که هرگز از میهنش به خارج مسافرت نکرده است، خیلی متعصب می‌گردد. ایتالیایی

۱۸۷ ـ کسی که بچه ندارد، معنی محبت را نمی‌فهمد. ایتالیایی

۱۸۸ ـ کسی که گوری می‌کند، قبل از همه خودش در آن خواهد افتاد. ایتالیایی

۱۸۹ ـ کسی که کله‌اش از هواست، نباید در آفتاب راه برود. ایتالیایی

۱۹۰ ـ کسی که سالم است با تمام وسایل متشبث می‌شود تا مریض گردد و آن‌که مریض است آنچه از عهده‌اش ساخته است انجام می‌دهد تا شفا یابد. ایتالیایی

۱۹۱ ـ کسی ثروتمند است که از ثروت خود استفاده می‌کند و نه کسی که فقط دارا و ثروتمند است. ایتالیایی

۱۹۲ ـ کسی که می‌خواهد از طول عمر برخوردار شود باید گاهگاهی طریقه زندگی خود را تغییر دهد. ایتالیایی

۱۹۳ ـ کسی که در حضورت از تو می‌ترسد، در غیاب از تو متنفر است. ایتالیایی

۱۹۴ ـ کسی که قاطر به دنیا آمده، مجبور است که جفتک زند. ایتالیایی

۱۹۵ ـ کسی که چیزی نمی‌داند، درباره چیزی هم شک و شبهه‌ای ندارد. ایتالیایی

۱۹۶ ـ کسی که کاری انجام نمی‌دهد، اشتباه هم نمی‌کند. ایتالیایی

۱۹۷ ـ کسی که شما را رنجاند هرگز عفوتان هم نمی‌کند. ایتالیایی

۱۹۸ ـ کسی که دیگ‌ها را ساخته ممکن است آن‌ها را بشکند. ایتالیایی

۱۹۹ ـ کسی که می‌خواهد زندگی کند و خوش باشد باید دور از خویشان خود بسر برد. ایتالیایی

۲۰۰ ـ کسی که گوسفند می‌شود، گرگانش می‌خورند. ایتالیایی

۲۰۱ ـ کسی که کار می‌کند یک پیراهن دارد و آن‌که کار نمی‌کند دو پیراهن. ایتالیایی

۲۰۲ ـ کسی که برای دیگران دست به سرقت می‌زند، به خاطر خودش به دیوار آویخته می‌شود! ایتالیایی

۲۰۳ ـ کسی که زمین می‌خرد جنگ و دعوا هم می‌خرد. ایتالیایی

۲۰۴ ـ کسی که پول ندارد باید هوسی هم در دل نپزد. ایتالیایی

۲۰۵ ـ کلمات و اعمال را در یک ترازو وزن نمی‌کنند. ایتالیایی

۲۰۶ ـ کسی که در راه عشق رنج می‌برد، دردی احساس نمی‌کند. ایتالیایی

۲۰۷ ـ کسی که می‌خواهد استراحت کند باید کار هم بکند. ایتالیایی

۲۰۸ ـ کسی که خانه ندارد، همسایه هم ندارد. ایتالیایی

۲۰۹ ـ کسی که در هنگام پیروزی خود را کنترل می‌کند، به پیروزی مجدد نائل گردیده است. لاتینی

۲۱۰ ـ کسی که حسادت می‌ورزد، به کهتری (کوچکتر) خود اعتراف کرده است. لاتینی

۲۱۱ ـ کسی که دیگران را می‌ترساند، خودش بیش از دیگران می‌ترسد. لاتینی

۲۱۲ ـ کسی که نمی‌تواند حرف بزند نمی‌تواند ساکت بنشیند. لاتینی

۲۱۳ ـ کار سیاه ـ نان سفید. لاتویا

۲۱۴ ـ کسی که پشم دارد، پشمش را می‌چینند. لاتویا

۲۱۵ ـ کسی که روی بستر سیمین می‌خوابد، رؤیای زرین می‌بیند. لاتویا

۲۱۶ ـ کسی که زیاد حرف می‌زند، زیاد دروغ می گوید. لاتویا

۲۱۷ ـ کلاغ، چشم کلاغ دیگر را نمی‌خراشد. لاتویا

۲۱۸ ـ کسی که اسب را می‌زند، زن خود را هم خواهد زد. لاتویا

۲۱۹ ـ کسی که«کوپک»صرفه‌جویی نمی کند، «روبل» بدست می آورد. لاتویا

۲۲۰ ـ کسی به دندان‌های اسبی که هدیه داده شده، نگاه نمی کند. لاتویا

۲۲۱ ـ کار با کار کردن و خواب با خوابیدن پایان نمی‌یابد. لاتویا

۲۲۲ ـ کار نشان می‌دهد که ارباب چگونه آدمی است. لاتویا

۲۲۳ ـ کسی که در جوانی نمی کارد، در پیری درو نمی کند. لاتویا

۲۲۴ ـ کسی که تند می‌دود زود هم خسته می‌شود. لاتویا

۲۲۵ ـ کارها را در دست کسی که از عهده انجام کارهای شخصی خود برنمی‌آید مسپار. مالت

۲۲۶ ـ کسی که گران می‌خرد ارزان می‌خورد. مالت

۲۲۷ ـ کسی که از رد پای وحشی می‌ترسد نباید لوبیا بکارد. مالت

۲۲۸ ـ کسی که تخم‌مرغ می‌دزدد، مرغ را هم خواهد دزدید. مالت

۲۲۹ ـ کسی که پشت الاغ باد نخوت در گلو می‌اندازد، چون اسب سوار شود پاک دیوانه می گردد. مونتونگرویی

۲۳۰ ـ کسی که شلوارش را تر نمی‌کند، ماهی را نخواهد خورد. مونتونگرویی

۲۳۱ ـ کسی که زود می‌دهد، دوبار می‌دهد. مونتونگرویی

۲۳۲ ـ کسی که زیاد عجله می کند، در جاده می‌ماند. مونتونگرویی

۲۳۳ ـ کج بنشین ولی راست حرف بزن. مونتونگرویی

۲۳۴ ـ کالاهای بد احتیاج به تبلیغات دارند ولی کالای خوب خودشان بدون تبلیغ به فروش می‌رسند. مونتونگرویی

۲۳۵ ـ کسی که می‌خواهد غذای یک روزش تأمین شود؛ باید یک غاز بپزد و آنکه می‌خواهد غذای یک هفته‌اش تأمین باشد باید یک خوک بپزد و آنکه می‌خواهد غذای یک ماهش تأمین شود باید گاو نر بپزد. بالاخره آنکس که می‌خواهد مادام‌العمر روزیش تأمین باشد کشیش شود. لهستانی

۲۳۶ ـ کسی که می‌خواهد ثروتمند شود باید نخست یک خوک گردد. لهستانی

۲۳۷ ـ کسی که خودش را غلغلک می‌دهد هر وقت که دلش خواست می‌خندد. لهستانی

۲۳۸ ـ کلمات باید وزن شوند نه شمرده. لهستانی

۲۳۹ ـ کسی موفق می‌شود که خسته نمی‌شود. پرتقالی

۲۴۰ ـ کسی که به شما تملق می‌گوید یا سرتان کلاه گذاشته و یا امیدوار است که کلاه بگذارد. رومانی

۲۴۱ ـ کار، دستبند زرین است. رومانی

۲۴۲ ـ کشور احمق جایی است که خانواده‌اش در آن به سر می‌برند. روسی

۲۴۳ ـ کسی که دوست جنگل است نمی‌تواند دشمن درخت باشد. روسی

۲۴۴ ـ کسی که اردنگی برای دروغ بر پا داشته است، چوبه‌داری برای راستی پدید آورد. روسی

۲۴۵ ـ کسی که با بیوه جوان عروسی نکرده باشد نمی‌داند بدبختی یعنی چه. روسی

۲۴۶ ـ کلمات طلایی غالباً از قلب مسی بیرون می‌آید. روسی

۲۴۷ ـ کسی که صورتش تمیز است خیلی کم به آب احتیاج دارد. یوگسلاوی

۲۴۸ ـ کسی که پول ندارد مثل آن است که برادر ندارد. یوگسلاوی

۲۴۹ ـ کسی که با سلاح‌های زرین می‌جنگد حتماً پیروز می‌شود. یوگسلاوی

۲۵۰ ـ کسی که به عقب نگاهی کند، به طرف جلو می‌افتد. یوگسلاوی

۲۵۱ ـ کسی غیر از آن که به تو اعتماد دارد، نتوانی فریفت. یوگسلاوی

۲۵۲ ـ چه‌کسی جرأت دارد زنگ را به گردن گربه ببندد. اسکاتلندی

۲۵۳ ـ کسی یک‌بار مرا فریب می‌دهد، برای او ننگ است ولی کسی که دوبار فریبم می‌دهد، ننگ برای من است. اسکاتلندی

۲۵۴ ـ کره اسب تاخت می‌کند اعم از این‌که راه سر بالا برود یا راه سرازیر باشد. اسکاتلندی

۲۵۵ ـ کسی‌که دارای محصول خوب است باید تحمل چند خار را هم داشته باشد. اسکاتلندی

۲۵۶ ـ کسی‌که منتظر است کفش مردگان را در پای کند، باید راهی طولانی پیاده برود. اسکاتلندی

۲۵۷ ـ کسی‌که با سگ می‌خوابد با کک بیدار خواهد شد. اسکاتلندی

۲۵۸ ـ کسی‌که دارای در کوتاه است باید خم شود. اسکاتلندی

۲۵۹ ـ کم‌آنچه زن‌ها، سگ‌ها و مگس‌ها همیشه ناخوانده به مهمانی می‌آیند. اسکاتلندی

۲۶۰ ـ کسی‌که دارای بینی گنده است تصور می‌کند همه درباره بینی‌اش صبحت می‌کنند. اسکاتلندی

۲۶۱ ـ کسی‌که دردهای فقر را تحمل نکرده است لذت دارایی را هم درک نخواهد کرد. اسکاتلندی

۲۶۲ ـ کفن جیب ندارد. اسکاتلندی

۲۶۳ ـ کاری را که می‌توان در هر موقع انجامش داد در هیچ موقع انجام نمی‌گیرد. اسکاتلندی

۲۶۴ ـ کسی‌که از زنش بد می‌گوید به خودش بی‌احترامی کرده است. اسکاتلندی

۲۶۵ ـ کسی‌که زن دارد، ارباب دارد. اسکاتلندی

۲۶۶ ـ کسی‌که تخم‌مرغی را می‌دزدد، اشیاء بزرگتری را هم خواهد دزدید. ولز

۲۶۷ ـ کسی‌که زیاد عذاب می‌کشد، خاموش است. ولز

۲۶۸ ـ کسی‌که بد می‌شنود بد می‌فهمد. ولز

۲۶۹ ـ کسی در جنگ برتری پیدا می‌کد در صلح هم برتری پیدا می‌کند. ولز
۲۷۰ ـ کیسه خالی سنگین‌تر از کیسه پر است. بلغارستانی
۲۷۱ ـ کسی که کرهٔ زیادی دارد پوتین‌های خود را با آن چرب می‌کند. بلغارستانی
۲۷۲ ـ کسی به جهنم نمی‌رود که سیگارش را روشن کند. بلغارستانی
۲۷۳ ـ کار زیاد کردن، دشوار است! هیچ کار نداشتن، دشوارتر. بلغارستانی
۲۷۴ ـ کسی که از رودخانه بیرون می‌آید از باران ترس و وحشت ندارد. بلغارستانی
۲۷۵ ـ کسی که در گناه به سر می‌برد زنده به گور است. بلغارستانی
۲۷۶ ـ کسی که شامش کوتاه است عمرش دراز می‌شود. بلغارستانی
۲۷۷ ـ کسی که یک گرگ را صدا می‌زند یک دسته گرگ را دعوت می‌کند. بلغارستانی
۲۷۸ ـ کسی که گرگ را می‌بیند فریاد می‌زند؛ کسی که او را نمی‌بیند دوبار فریاد بر می‌دارد. بلغارستانی
۲۷۹ ـ کلمه تیر نیست ولی می‌تواند دل را بشکافد. بلغارستانی
۲۸۰ ـ کلمات دارای سرحداتی نیستند. بلغارستانی
۲۸۱ ـ کیسه خالی نمی‌تواند که راست ایستد. جزایر انگلیس
۲۸۲ ـ کسی که روزی یک سیب می‌خورد. نان پزشک را آجر می‌کند. چک
۲۸۳ ـ کسی که به آسانی باور می‌کند به آسانی هم گول خواهد خورد. چک
۲۸۴ ـ کافی است شلاق را به سگ کتک خورده نشان بدهید. چک
۲۸۵ ـ کسی که روی کف اطاق نشسته، وحشتی از زمین افتادن ندارد. چک
۲۸۶ ـ کسی که سیر را با کره می‌خورد لازم نیست از سم بترسد. چک
۲۸۷ ـ کسی که طلا را به دور می‌ریزد مجبور می‌شود به جمع‌آوری مس پردازد. چک
۲۸۸ ـ کسی که می‌خواهد ازدواج کند باید از گوش بیش از چشم استفاده کند. چک
۲۸۹ ـ کسی که دارای همسایه‌ای خوب می‌باشد می‌تواند خانه‌اش را صد لیره گران‌تر بفروشد. چک

۲۹۰ ـ کسی که امروز را به فردا می‌اندازد بدتر از مرد تنبل است. چک

۲۹۱ ـ کلمه‌ای که مانند گنجشک از زبان پرید نمی‌توان حتّی با چهار اسب بازش گرداند. چک

۲۹۲ ـ کسی که خود را به سگ تبدیل می‌کند باید استخوان‌ها را بجود. دانمارکی

۲۹۳ ـ کسی که می‌خورد در موقعی که باید روزه بگیرد، روزه خواهد گرفت در موقعی که باید بخورد. دانمارکی

۲۹۴ ـ کسی که به امید و انتظار زنده است امکان دارد که به خطر از گرسنگی مردن دچار شود. دانمارکی

۲۹۵ ـ کسی که طبق میل همه خانه می‌سازد، خانه‌ای کج و معوج خواهد داشت. دانمارکی

۲۹۶ ـ کاغذ بردبار است. دانمارکی

۲۹۷ ـ کینه به دیگران آزار می‌رساند ولی خود را زخمی می‌سازد. دانمارکی

۲۹۸ ـ کفش‌های خودمان بیش از همه نیش‌گان می‌جوید. دانمارکی

۲۹۹ ـ کسی را که روی شانه‌ات می‌نشانی سعی خواهد کرد که روی سرت بنشیند. دانمارکی

۳۰۰ ـ کسی که نمی‌داند بسترش چقدر سخت و ناهموار است از همه بهتر می‌خوابد. دانمارکی

۳۰۱ ـ کسی که می‌خواهد مسافرت کند باید دهانش را ببندد و کیفش را باز کند. دانمارکی

۳۰۲ ـ کسی که امروز می‌گرید چون نان ندارد، فردا می‌گرید چون اشتها ندارد. دانمارکی

۳۰۳ ـ کسی که با گرگ راه می‌رود باید زوزه کشیدن را هم بداند. دانمارکی

۳۰۴ ـ کسی که نامه‌های عاشقانه می‌نویسدلاغر می‌شود و آن‌که نامه‌های عاشقانه را حمل می‌کند فربه می‌شود. دانمارکی

۳۰۵ ـ کسی که می‌خواهد به اژدهایی عظیم تبدیل گردد باید نخست مارهای کوچک را بخورد. هلندی

۳۰۶ ـ کسی که به عنوان دوست نمی‌تواند به شما نیکی کند ممکن است به عنوان دشمن به شما شر برساند. هلندی

۳۰۷ ـ کلمات طلایی غالباً به دنبال اعمال سربی می‌آیند. هلندی

۳۰۸ ـ کودک بمان تا بچه‌هایت همیشه دوستت داشته باشند. هلندی

۳۰۹ ـ کسی که روی سنگ بزرگ می‌جهد غالباً روی یک سنگ‌ریزه سکندری می‌خورد. هلندی

۳۱۰ ـ کسی که دنیای نو را می‌خواهد، باید دنیای قدیم را بخرد. هلندی

۳۱۱ ـ کیسه گدا سبک است. استونی

۳۱۲ ـ کسی که از دیگران متنفر است، خود را هم خیلی کم دوست دارد. استونی

۳۱۳ ـ کسی که دروغ می‌گوید دزد است. استونی

۳۱۴ ـ کود ارباب مزرعه است. استونی

۳۱۵ ـ کود طلای زارع است. استونی

۳۱۶ ـ کسی که شرم ندارد شرف ندارد. استونی

۳۱۷ ـ کسی که به اندازه کافی قوی نیست که سنگ را بردارد، باید آن را بغلطاند. استونی

۳۱۸ ـ کسی که زبان دراز دارد راه دراز دارد. استونی

۳۱۹ ـ کار کن و کمرت را محکم ببند. استونی

۳۲۰ ـ کسی که نتوانسته از تولد یافتن فرار کند، از مرگ هم فرار نتواند کرد. فنلاندی

۳۲۱ ـ کسی که نمی‌تواند آتشی روشن کند، نمی‌تواند عشق بورزد. فنلاندی

۳۲۲ ـ کسی که یک تپه پول دارد یک کوه رفیق دارد. فنلاندی

۳۲۳ ـ کسی که موقع بدست آوردن پول پس‌انداز می‌کند، در موقع احتیاج معطل نخواهد ماند. فنلاندی

۳۲۴ ـ کسی که سوزن می‌دزدد، میخ را هم می‌دزدد. فنلاندی

۳۲۵ ـ کسی که نمی‌داند از کی باید برحذر بود، از همه بپرهیزد. فرانسوی

۳۲۶ ـ کسی که دندان‌های خود را نشان می‌دهد مهارتی در دندان گرفتن ندارد. فرانسوی

۳۲۷ ـ کارت را هل بده؛ مگذار کار ترا هل بدهد. فرانسوی

۳۲۸ ـ کسی مرتکب جنایتی می‌شود که از آن نفع می‌برد. فرانسوی

۳۲۹ ـ کسی که فقط به کمک چشم دیگران می‌بیند گول می‌خورد. فرانسوی

۳۳۰ ـ کسی که اندرز ارزان را رد می‌کند طولی نخواهد کشید که پشیمانی را به قیمت گران خریداری می‌کند. فرانسوی

۳۳۱ ـ کسی که به آسانی پول بدست می‌آورد به آسانی هم خرجش می‌نماید. فرانسوی

۳۳۲ ـ کسی که پزشک را وارث خود قرار می‌دهد، احمق است. فرانسوی

۳۳۳ ـ کسی که از بلاهت دیگران صحبت می‌کند بلاهت خود را فراموش کرده است. فرانسوی

۳۳۴ ـ کسی که دشمن نفس خویش است، دوست هیچ کس نتواند بود. فرانسوی

۳۳۵ ـ کسی غیر از دوست به انسان خیانت نمی‌کند. فرانسوی

۳۳۶ ـ کسی که عسل را از روی خارها می‌لیسد، بهای خیلی زیاد برای عسل می‌پردازد. فرانسوی

۳۳۷ ـ کار عبادت است. فرانسوی

۳۳۸ ـ کسی که پولش را به دوستش وام می‌دهد، هم پول را از دست می‌دهد و هم دوست را. فرانسوی

۳۳۹ ـ کسی که شبیه به پدرش نیست، مادرش را رسوا می‌کند. فرانسوی

۳۴۰ ـ کسی که گوسفند را می‌جوید، گرگ را پیدا خواهد کرد. فرانسوی

۳۴۱ ـ کسی که از رنج بردن می‌ترسد، از ترس رنج می‌برد. فرانسوی

۳۴۲ ـ کسانی که تشنه هستند، آرام و بی‌سر و صدا آب می‌نوشند. فرانسوی

۳۴۳ ـ کسی که آب نمی‌نوشد تشنه‌اش نیست. فرانسوی

۳۴۴ ـ کسی که تهدید می‌کند، همیشه می‌ترسد. فرانسوی

۳۴۵ ـ کسی که به امید شانس زنده است سالهاست که مرده! فرانسوی

۳۴۶ ـ کالاهای بد هرگز ارزان نیست. فرانسوی

۳۴۷ ـ کم از هیچ بهتر است. فرانسوی

۳۴۸ ـ کتاب‌های قطور پانصد صفحه‌ای، سبب انقلاب نمی‌شود، از جزوه‌های کوچک چند صفحه‌ای باید ترسید. فرانسوی

۳۴۹ ـ کسی که یرقان دارد همه جا را زرد می‌بیند. فرانسوی

۳۵۰ ـ کسی که می‌خواهد سگش را بکشد به او تهمت هاری می‌زند. فرانسوی

۳۵۱ ـ کاری که کرده شده، کرده شده است. فرانسوی

۳۵۲ ـ کسی که نمی‌خواهد اشتهایش را از دست بدهد نباید به مطبخ برود. آلمانی

۳۵۳ ـ کسی که سیب ترش را خوده است رغبت بیشتری برای سیب شیرین خواهد داشت. آلمانی

۳۵۴ ـ کسی که در آلمان الاغ است در رم استاد دانشگاه می‌شود. آلمانی

۳۵۵ ـ کسی که به زیبایی خدمت می‌کند، به زودی نوکرش می‌گردد. آلمانی

۳۵۶ ـ کسی که در بستری سیمین قرار می‌گیرد، رؤیاهای طلایی می‌بیند. آلمانی

۳۵۷ ـ کسی که سیاه به دنیا می‌آید احتیاج به شستشو ندارد. آلمانی

۳۵۸ ـ کسی که کور به دنیا آمده هرگز بوجود نور اعتقاد پیدا نتواند کرد. آلمانی

۳۵۹ ـ کسی که نان ندارد باید کره خود را خشک بخورد. آلمانی

۳۶۰ ـ کسی که جارو می‌شود، نباید از گرد و خاک شکایت کند. آلمانی

۳۶۱ ـ کسی که بسوی یک هدف آهنین تیراندازی می‌کند، فشنگ به صورت خودش خواهد خورد. آلمانی

۳۶۲ ـ کسی که بیش از آنچه در می‌آورد مصرف کند باید سرانجام با موش‌ها غذا بخورد. آلمانی

۳۶۳ ـ کارهای بزرگ بیشتر از طریق شجاعت انجام می‌گیرد، تا از طریق عقل و حکمت. آلمانی

۳۶۴ـ کر، به وسیله چشمش می‌شنود. آلمانی

۳۶۵ـ کسی که بادهانش خامه می‌سازد باید با بینی‌اش کره بسازد. آلمانی

۳۶۶ـ کسی که قرض‌هایش را پرداخت بر سرمایه‌اش افزوده است. آلمانی

۳۶۷ـ کسی که محسود واقع نشده هنوز کار بزرگی انجام نداده است. آلمانی

۳۶۸ـ کسی که خواهان مساوات است باید به قبرستان برود. آلمانی

۳۶۹ـ کسی که هیچ ندارد، به آسانی می‌تواند روزه بگیرد. آلمانی

۳۷۰ـ کسی که نمی‌تواند گاه‌گاهی احمق شود، نمی‌تواند عاقل باشد. آلمانی

۳۷۱ـ کسی که به آتش فوت می‌کند، در چشمانش اخگر فرو می‌رود. آلمانی

۳۷۲ـ کلیه کسانی که با تو می‌خندند دوستان تو نیستند. آلمانی

۳۷۳ـ کسی که بزرگ است لازم نیست باد به آستین خود اندازد. آلمانی

۳۷۴ـ کسی که نمی‌تواند دست‌هایش را تحت‌کنترل قرار دهد باید چشم‌هایش را تحت‌کنترل قرار دهد. آلمانی

۳۷۵ـ کسی که نمی‌تواند نفرت داشته باشد نمی‌تواند دوست داشته باشد. آلمانی

۳۷۶ـ کسی که دلش کوتاه است باید پاهای دراز داشته باشد. آلمانی

۳۷۷ـ کسی که درباره مرگ می‌اندیشد به زندگانی کردن شروع می‌نماید. آلمانی

۳۷۸ـ کسی که دلش را سفره کرده، خود را چون یک‌نفر زندانی تسلیم نموده است. آلمانی

۳۷۹ـ کلید طلایی، دروازه‌های جهنم را باز می‌کند. آلمانی

۳۸۰ـ کسی که برای یک نیکی اظهار حق‌شناسی می‌کند در را برای نیکوکاری دیگر می‌گشاید. آلمانی

۳۸۱ـ کار از سنگ، نان استخراج می‌کند. آلمانی

۳۸۲ـ کسی که نردبان را می‌گیرد به اندازه کسی که بالای دیوار می‌رود گناهکار است. آلمانی

۳۸۳ـ کمی دیر، خیلی دیر است. آلمانی

۳۸۴ ـ کسی که بدون این که لذتی کسب کند، عشق می‌ورزد و بدون این که تشنه باشد می‌نوشد و بدون این که احساس گرسنگی کند می‌خورد، عمرش کوتاه خواهد بود. آلمانی

۳۸۵ ـ کسی که برای زیبایی ازدواج می‌کند شب‌های مسرت‌بخش و روزهای اندوه‌باری دارد. آلمانی

۳۸۶ ـ کسی که نمی‌تواند ارباب را ببیند تملق نوکر را می‌گوید. آلمانی

۳۸۷ ـ کسی که بموقع خود پول را تحقیر می‌کند، غالباً نفع زیاد می‌برد. آلمانی

۳۸۸ ـ کسی که همسایه خوب دارد نیازی به پرچین ندارد. آلمانی

۳۸۹ ـ کسی که راجع به دیگران زیاد صحبت می‌کند زبان خودش می‌سوزد. آلمانی

۳۹۰ ـ کیف پول بیمار، مدت درمان را طولانی می‌کند. آلمانی

۳۹۱ ـ کسی که طبیب دارد، جلد دهم دارد. آلمانی

۳۹۲ ـ کشیشان و زنان هرگز فراموش نمی‌کنند. آلمانی

۳۹۳ ـ کسی که قرقره را می‌جوید باید از نخ متابعت کند. آلمانی

۳۹۴ ـ کسی که زود ثروتمند می‌شود هرگز پیر نمی‌گردد. آلمانی

۳۹۵ ـ کسی که می‌خواهد در عرض یک‌سال ثروتمند شود، در عرض شش ماه به پای چوبه‌دار می‌رود. آلمانی

۳۹۶ ـ کسی که گل‌سرخ را می‌خواهد باید جفای خارها را تحمل کند. آلمانی

۳۹۷ ـ کسی که مکرر تیر می‌اندازد سرانجام به هدف خواهد زد. آلمانی

۳۹۸ ـ کسی که نمی‌تواند آواز بخواند، پیوسته آواز می‌خواند. آلمانی

۳۹۹ ـ کسی که خوب فکر می‌کند لازم نیست زیاد فکر کند. آلمانی

۴۰۰ ـ کسی که در راه حقیقت می‌میرد در همه جا برای مقبره‌اش ارض مقدسی پیدا خواهد کرد. آلمانی

۴۰۱ ـ کسی که ضعف خود را فراموش نمی‌کند تواناترین فرد در بین ضعفاء است. آلمانی

۴۰۲ ـ کسی که زن داشته است مستحق تاج بردباری است و آن که زن دیگری می‌گیرد، باید به سرش کلاه قیفی گذاشت. آلمانی

۴۰۳ ـ کار و استراحت در را روی پزشک می‌بندد. آلمانی

۴۰۴ ـ کار ریشه‌های تلخ و میوه شیرین دارد. آلمانی

۴۰۵ ـ کسی که در ایام جوانی پوست خود را کلفت می‌کند؛ در پیری از نیش خار صدمه‌ای نمی‌بیند. آلمانی

۴۰۶ ـ کسی که قصد ازدواج کند، راه پشیمانی را طی می‌کند. یونانی

۴۰۷ ـ کیسه فقر هرگز پر نمی‌شود. یونانی

۴۰۸ ـ کسی که مزه بدبختی را نچشیده نمی‌تواند از نیک‌بختی لذت برد. گرجستانی

۴۰۹ ـ کسی که هرگز چیزی نداشته فقیر نیست فقیر کسی است که داشته است و از دست داده است. طبرستانی

۴۱۰ ـ کسی که حرف می‌زند تخم می‌پاشد و آن که گوش می‌دهد درو می‌کند. سیلزی

۴۱۱ ـ کوه‌ها تکان خوردند و موش به دنیا آمد. اسلواکی

۴۱۲ ـ کسی که زیاد حرف می‌زند، یا زیاد می‌داند یا زیاد دروغ می‌گوید. اسلواکی

۴۱۳ ـ کار، مادر زندگی است. اسلواکی

۴۱۴ ـ کار را خوب شروع کن و از پایانش مترس. اسلواکی

۴۱۵ ـ کسی که به هر چیز چنگ می‌زند، هیچ‌چیز را محکم نتواند گرفت. اسلواکی

۴۱۶ ـ کسی که از رودخانه بیرون می‌آید، از باران ترس و وحشتی ندارد. اسلواکی

۴۱۷ ـ کسی که از دود می‌ترسد، نمی‌تواند از لذت حرارت آتش برخوردار شود. اسلواکی

۴۱۸ ـ کسی که آهسته خشمگین می‌شود خشمش را دیرتر نگاه می‌دارد. مجارستانی

۴۱۹ ـ کسی که تصور می‌کند خوشبخت است، خوشبخت است؛ ولی کسی که تصور می‌کند عاقل است، عاقل نیست. مجارستانی

۴۲۰ ـ کلید طلایی به هر قفلی می‌خورد. مجارستانی

۴۲۱ ـ کسی که نمی‌تواند اطاعت کند نمی‌تواند فرمان بدهد. مجارستانی

۴۲۲ ـ کسی که سم می‌فروشد تابلوی شیرین و پرآب و تابی روی دکان می‌آویزد. مجارستانی

۴۲۳ ـ کسی که تند می‌رود، زود خسته می‌شود. مجارستانی

۴۲۴ ـ کسی که به عادت زشت دچار است، آن را یا خیلی دیر ترک می‌کند و یا هرگز ترک نمی‌کند. آرژانتین

۴۲۵ ـ کسی که دوستت دارد، ترا به گریه خواهد انداخت. آرژانتین

۴۲۶ ـ کسی که بچهٔ دیگری را بزرگ می‌کند، حامل یک قطعه آتش در سینه‌اش می‌باشد. آرژانتین

۴۲۷ ـ کسی که حرف می‌زند می‌کارد و آن که گوش می‌دهد، درو می‌کند. آرژانتین

۴۲۸ ـ کسی که هرگز به پیش‌روی نمی‌پردازد، عقب می‌ماند. آرژانتین

۴۲۹ ـ کالاهایی که خیلی در معرض تماشایند، رنگ خود را از دست می‌دهند. برزیلی

۴۳۰ ـ کسی که پسرم را می‌بوسد، دهنم را شیرین می‌کند. برزیلی

۴۳۱ ـ کسی که هیچ نمی‌داند، دچار شک و تردید هم نمی‌شود. برزیلی

۴۳۲ ـ کسی که «کم» را تحقیر کند قدر «زیاد» را هم نخواهد دانست. برزیلی

۴۳۳ ـ کسی که خود را در تیررس عشق قرار می‌دهد، خود را به زحمت می‌افکند. برزیلی

۴۳۴ ـ کسی که بدخواه نیست، از بدخواهی هم وحشتی ندارد. برزیلی

۴۳۵ ـ کلمات، چاشنی شوربا شد. برزیلی

۴۳۶ ـ کریسمس خرم، قبرستان را چاق نمی‌کند. برزیلی

۴۳۷ ـ کسی که «کم» را تحقیر کند، به زودی برای «خیلی زیاد» خواهد گریست. شیلی

۴۳۸ ـ کسی که عصبانی می‌شود باید دو کار را انجام بدهد: عصبانی شود و عصبانیت را ترک گوید. شیلی

۴۳۹ ـ کسی که باید بمیرد، در ظلمت می‌میرد ولو این که فروشندهٔ شمع باشد. کلمبیا

۴۴۰ ـ کسی که به سگ ناشناس نان می‌دهد هم نانش را از دست می‌دهد و هم سگ را. کلمبیا

۴۴۱ ـ کسی که دمش از کاه است نمی‌تواند به آتش نزدیک شود. کلمبیا

۴۴۲ ـ کسی که باد می کارد، طوفان درو می کند. کوبا

۴۴۳ ـ کسی که به شر و فساد عادت کرده است، از نیکی بیزار است. مکزیکی

۴۴۴ ـ کسی که حرف راست را می‌زند مرتکب گناهی نمی‌شود ولی اسباب دردسر فراهم می کند. مکزیکی

۴۴۵ ـ کور چیزی غیر از عصا ندارد. نگرویی

۴۴۶ ـ کسی که لباس عالی دارد باید لباس ژنده را هم داشته باشد. نگرویی

۴۴۷ ـ کسی که شریک پیدا می کند برای خود ارباب می تراشد. نگرویی

۴۴۸ ـ کلام، کلام می‌آورد. پرویی

۴۴۹ ـ کسی که با کفش‌های طلایی مسافرت می کند، تا آخر دنیا هم سفر تواند کرد. حبشه‌ای

۴۵۰ ـ کسانی که گردن‌بند مروارید در گردن می کنند نمی‌دانند چند بار کوسه‌ها پای غواص را دندان گرفته‌اند. حبشه‌ای

۴۵۱ ـ کار خوب است، به شرطی که زندگی کردن را فراموش نکنی. بانتو

۴۵۲ ـ کسی که غذایش را خورده است برای گرسنگان آتش بر نمی‌افروزَد. لیبریا و نیجریا

۴۵۳ ـ «کی خورده است؟» برای با «و چه خورده‌ای؟» نیست. کنیا

۴۵۴ ـ کسی که به‌طرف خانه سفر می کند اهمیتی به‌شگون بد نمی‌دهد. کنیا

۴۵۵ ـ کسی که فرزندی از خود به یادگار می گذارد، جاودانه زنده است. کلیمانجارو

۴۵۶ ـ کسی که تنها می‌خورد، تنها سرفه می کند. مصری

۴۵۷ ـ کثافت کار بهتر از زعفران بطالت است. مصری

۴۵۸ ـ کودکانت زینت ازدواج‌اند. گینه فرانسوی

۴۵۹ ـ کسی که گره می‌زند می‌داند چگونه آن را باز کند. ساحل طلا

۴۶۰ ـ کسی که مزهٔ دروغ را نچشیده از عالم شفقت هم بی‌خبر است. اوگاندا

۴۶۱ ـ کسی که هنوز نمرده، از عیوب مبری نیست. کنیا

۴۶۲ ـ کسی که استخوان‌ها را می‌جود می‌داند چگونه آن‌ها را ببلعد. هایا

۴۶۳ ـ کسی که قرضش را تصفیه می‌کند، دعوایی را پایان داده است. هایا

۴۶۴ ـ کسانی که در یک مقبره مدفونند، به یکدیگر توهین نمی‌کنند. هایا

۴۶۵ ـ کسی که دزدیدن را یاد می‌گیرد، باید طرز فرار کردن را هم بیاموزد. هایا

۴۶۶ ـ کسی که قولی داده است، دینی دارد. هو

۴۶۷ ـ کسی که شاخه‌ای را می‌کند، برگ‌هایش را همراه می‌آورد. (یعنی هرکس با زنی ازدواج کند، با خانواده زن هم ازدواج کرده است). رودسیای شمالی

۴۶۸ ـ کسی که دارای منصب مهمی است، هرگز سرفه نمی‌کند (یعنی لازم نیست دیگران را از حضور خود مطلع سازد. کنگوی بلژیک

۴۶۹ ـ کسانی که وارث ثروتی می‌شوند، مزاحم‌تر از افرادی هستند که ثروت را تحصیل می‌کنند. کنگوی بلژیک

۴۷۰ ـ کارد صاحب خود را می‌شناسد. کنگوی بلژیک

۴۷۱ ـ کسی که در هنگام بیماری به یاد تست، پس از مرگ هم به یاد تو خواهد بود. کنگوی بلژیک

حرف گ

۱ ـ گودال‌های بزرگ را می‌توان پر کرد ولی دل آدمی پر نشدنی است. چینی

۲ ـ گل نیلوفر از گل و لای سر بیرون می‌آورد. چینی

۳ ـ گذشته را بدانید تا آینده را بدانید. چینی

۴ ـ گل سرخ فقط برای افرادی خار دارد که درصدد برمی‌آیند آن را بچینند. چینی

۵ ـ گفتن آسان است، وقتی‌که به اقدام می‌پردازی می‌فهمی که عمل کردن چقدر دشوار است. چینی

۶ ـ گاه‌گاهی زن خود را محکم کتک بزن، اگر خودت نمی‌دانی چرا او را می‌زنی، یقین داشته باش که او خود دلیلی برای اینکار خواهد یافت. چینی

۷ ـ گوشت زن و مردی که به زور با هم عروسی کرده‌اند در یک دیگ نتوان پخت. تازی

۸ ـ گوشت مچ دست خود را بخور، در این صورت احتیاجی به قصاب نخواهی داشت. تازی

۹ ـ گرسنگی کافر است. تازی

۱۰ ـ گرگ، حساب سرش نمی‌شود. ارمنی

۱۱ ـ گرگ، با تعلیم و تربیت گوسفند نمی‌شود. ارمنی

۱۲ ـ گاوی که شیر نمی‌دهد لگد می‌زند. برمائی

۱۳ ـ گاهی دندان، زبان را دندان می‌گیرد. برنئو

۱۴ ـ گوسفندان از گوسفندان اقتداء می‌کنند. عبری

۱۵ ـ گربه محض رضای خدا موش نمی‌گیرد. عبری

۱۶ ـ گاو لنگ در بین گاوان نابینا نخست‌وزیر است. عبری

۱۷ ـ گاو میش، سنگینی شاخ‌های خود را احساس نمی‌کند. هندی

۱۸ ـ گربه در جنگل بوته‌های کوچک شیر است. هندی

۱۹ ـ گاهی روزها طولانی‌اند و گاه شب‌ها. هندی

۲۰ ـ گردن ما از مو باریک‌تر، شمشیر شما از الماس برنده‌تر (به مزاح نهایت مطیع شماییم). فارسی

۲۱ ـ گاوش زاییده است. (بخت به او روی آورده) فارسی

۲۲ ـ گاوش نلیسیده است. (هنوز تجربه ندارد). فارسی

۲۳ ـ گریه کردن هم دل خوش می‌خواهد. فارسی

۲۴ ـ گریه زن، مکر زن است. فارسی

۲۵ ـ گدایی کار بی‌مایه است. فارسی

۲۶ ـ گدا را که روی دادی خویش می‌شود. فارسی

۲۷ ـ گل سرخ پرورش دهید تا زمین شما به گلستان مبدل شود. خار مکارید که در پاهایتان فرو خواهد رفت. فارسی

۲۸ ـ گدای نیک انجام به از پادشاه بد فرجام. فارسی

۲۹ ـ خنده بر هر درد بی‌درمان دواست. فارسی

۳۰ ـ گواه شاهد صادق، در آستین باشد. فارسی

۳۱ ـ گهر پاک بباید که شود طالب فیض، ورنه هر خار و خسی لؤلؤ و مرجان نشود. فارسی

۳۲ ـ گرگ باران دیده نمی‌ترسد. فارسی

۳۳ ـ گر صبر کنی زغوره حلوا سازی. فارسی

۳۴ ـ گاوان و خران باربردار فارسی
به زآدمیان مردم آزار

۳۵ ـ گربه شیر است در گرفتن موش. فارسی

۳۶ ـ گر جور شکم نیستی، هیچ مرغ در دام صیاد نیفتادی. فارسی

۳۷ ـ گر ذوق نیست ترا، کم طبع جانوری. فارسی

۳۸ ـ گمراه را جز گمراهان دوست ندارند. فارسی

۳۹ ـ گر تو نمی‌پسندی تغییر ده قضا را. فارسی

۴۰ ـ گدا با گدا ازدواج کرد، از این وصلت، لوس و ننر بوجود آمد.	آذربایجانی
۴۱ ـ گرگ مو عوض کند ولی خوی عوض نکند.	آذربایجانی
۴۲ ـ گردن را تا زمانی که خم کرده‌ای پس گردنی زنند.	آذربایجانی
۴۳ ـ گوشت از استخوان جدا نمی‌شود. (در مورد دو نفر گفته می‌شود که نمی‌توانند از هم جدا شوند).	ترکی
۴۴ ـ گل‌ها را تقسیم می‌کردند.	ترکی
۴۵ ـ گناه از گناه می‌زاید.	کتب مقدس
۴۶ ـ گلی که بامداد می‌شکفد، ظهر پژمرده می‌شود. (در مورد کسانی گفته می‌شود که در طفولیت هوش و ذکای فوق‌العاده از خود نشان می‌دهند ولی در کهولت کار مهمی انجام نمی‌دهند).	ژاپنی
۴۷ ـ گناهکار هرگز زیبا نیست.	ژاپنی
۴۸ ـ گوسفند به کارد می‌اندیشد و قصاب به فکر گوشت است.	کردی
۴۹ ـ گلوی ماکیان را با کارد قطع کن و گلوی انسان را با پنبه ببر.	مالایا
۵۰ ـ گل سرخی که آن را زیاد بویش می‌کنند، عطر خود را از دست می‌دهد.	اسپانیولی
۵۱ ـ گدا چشم دیدن گدای دیگر را ندارد.	اسپانیولی
۵۲ ـ گوش در عقب حقیقت و در جلو دروغ است.	اسپانیولی
۵۳ ـ گرگان، الاغی را که ارباب‌های مختلف دارد، می‌خورند.	اسپانیولی
۵۴ ـ گل‌های زیبا زیاد در کنار جاده نمی‌ماند.	سوئدی
۵۵ ـ گربه، نُه جان دارد و زن، جان نُه گربه.	سوئدی
۵۶ ـ گرو گذاشتن فردا برای استفاده از امروز.	نروژی
۵۷ ـ گل سرخ آمد و بنفشه را پنهان کرد.	آلبانی
۵۸ ـ گرگ را می‌بیند و معذلک دنبال رد پای گرگ می‌گردد.	آلبانی
۵۹ ـ گرگ پیر مضحکه سگ است.	آلبانی
۶۰ ـ گیاهان هرزه هرگز از بین نمی‌روند.	بلژیکی

۶۱ـ گریه کار زنان است. انگلیسی

۶۲ـ گنج بی‌رنج نیست. انگلیسی

۶۳ـ گاهی ظالم زودتر از مظلوم به دادگستری مراجعه می‌کند. انگلیسی

۶۴ ـ گرسنگی و انتقام انسان را به خواب وا می‌دارد، اما مرگ و حسادت چشم را برای همیشه می‌بندد. انگلیسی

۶۵ـ گربه را از هر طرف بیاندازی با پنجه‌اش فرود می‌آید. آلمانی

۶۶ـ گرسنگی طلبکاری است که گریز از دستش امکان ندارد. آلمانی

۶۷ـ گرسنگی آدمی را وادار به هر کار می‌کند. آلمانی

۶۸ـ گاو نر را با شاخ‌هایش می‌توان نگهداشت، مرد را با قولش و زن را با دامنش. سوئیسی

۶۹ـ گاهی یک دروغ خوب به اندازه طلا ارزش دارد. اروپا

۷۰ـ گاهی ترحم ظلم است و ظلم ترحم. ایتالیایی

۷۱ـ گرسنگی لوبیا را تبدیل به بادام می‌کند. ایتالیایی

۷۲ـ گرسنگی بر قوه ادراک می‌افزاید. لتوانی

۷۳ـ گرسنگی، زیستن را یاد می‌دهد و سرما، دویدن را. لتوانی

۷۴ـ گوساله‌ای که تنها به تو تعلق دراد بهتر از گاوی است که شراکتی است. مونتونگرویی

۷۵ـ گرسنگی چشم ندارد. مونتونگرویی

۷۶ـ گرگ بی‌دندان، مضحکه سگ‌هاست. مونتونگرویی

۷۷ـ گرسنگی مشاور خوبی نیست. پرتقالی

۷۸ـ گاو ممکن است سیاه باشد ولی شیرش سفید است. روسی

۷۹ـ گربه جرأت نمی‌کند موش را از غار شیر شکار کند. روسی

۸۰ـ گرگی را که به خواب رفته بیدار مکن. روسی

۸۱ـ گرسنگی چشم ندارد. یوگسلاوی

۸۲ـ گریستن با یک مرد عاقل بهتر از خندیدن با یک احمق است. یوگسلاوی

۸۳ ـ گله به دنبال گوسفندی که زنگوله به گردن دارد راه میرود نه به دنبال چوپان. اسکاتلندی

۸۴ ـ گدا هر قدر گردنش را کج‌تر نگاه بدارد بیشتر دروغ می‌گوید. اسکاتلندی

۸۵ ـ گناهان کهن زخم‌های تازه و نو ایجاد می‌کند. اسکاتلندی

۸۶ ـ گره را با زبانت طوری مزن که نتوان با دندان گشود. اسکاتلندی

۸۷ ـ گربه پیر، شیر تازه را می‌شناسد. ولز

۸۸ ـ گربه می‌داند ریش چه کسی را می‌لیسد. ولز

۸۹ ـ گرسنگی چیزی جز نان نمی‌بیند. ولز

۹۰ ـ گوسفند بشو و گرگ را خواهی دید. بلغارستانی

۹۱ ـ گفتار نیک نیکوست ولی کردار نیک نیکوتر است. جزائرانگلیس

۹۲ ـ گربه‌ای که دست‌کش در دست دارد نمی‌تواند موش بگیرد. جزائرانگلیس

۹۳ ـ گران بفروش ولی درست کیل کن. جزائرانگلیس

۹۴ ـ گرسنگی چشم ندارد. کروانی

۹۵ ـ گوساله رفت و گاو مراجعت کرد. چک

۹۶ ـ گرسنگی طلبکاری است که نمی‌توان از او فرار کرد. چک

۹۷ ـ گاو نر را با شاخ‌هایش می‌گیرند و مرد را با زبانش. چک

۹۸ ـ گوشت را قرض مده به کسی که حاضر است زبانش را به تو قرض بدهد. دانمارکی

۹۹ ـ گرسنگی شمشیر تیزی است در شکم گرسنه. دانمارکی

۱۰۰ ـ گویند «حقیقت» درها را به رویش مسدود می‌یابد. دانمارکی

۱۰۱ ـ گربهٔ محبوبش ممکن است به شیر تبدیل گردد. هلندی

۱۰۲ ـ گربه‌ای که با صدای بلند میو می‌کند، کم موش می‌گیرد. هلندی

۱۰۳ ـ گرگ، نیکی را فراموش می‌کند ولی سگ از یاد می‌برد. استونی

۱۰۴ ـ گرگ دارای اقبال، گرگ است. استونی

۱۰۵ ـ گرز را خیلی بالا بلند مکن، چه ممکن است روی سر خود تو افتد. فنلاندی

۱۰۶ ـ گفتار، آیینه کردار است. فرانسوی

۱۰۷ ـ گفتار شیرین و کردار تلخ، خیلی‌ها را فریب می‌دهد. فرانسوی

۱۰۸ ـ گل را باید آب داد تا خشک نشود و زن را باید بوسید تا پژمرده نگردد. فرانسوی

۱۰۹ ـ گرسنگی، گرگ را از جنگل می‌راند. فرانسوی

۱۱۰ ـ گدا هرگز راه خود را گم نمی‌کند. آلمانی

۱۱۱ ـ گاو صندوق‌های خالی لازم نیست که قفل شوند. آلمانی

۱۱۲ ـ گور در گهواره نهفته است. آلمانی

۱۱۳ ـ گرسنگی قوی‌تر از عشق است. آلمانی

۱۱۴ ـ گرسنگی فنون بسیاری را می‌آموزد. آلمانی

۱۱۵ ـ گل سرخ پژمرده می‌شود ولی خارش می‌ماند. آلمانی

۱۱۶ ـ گناهان کوچک جویده می‌شوند و گناهان بزرگ بلعیده. آلمانی

۱۱۷ ـ گیاهان هرزه هرگز نمی‌میرند. آلمانی

۱۱۸ ـ گوشت گرگ احتیاج به دندان ندارد. آلمانی

۱۱۹ ـ گفته‌اند زنان و گربه‌ها را در یک روز ساخته‌اند. آلمانی

۱۲۰ ـ گرسنگی به انسان خیلی چیزها می‌آموزد. یونانی

۱۲۱ ـ گرگ بر گوسفندان چوپانی می‌کند. یونانی

۱۲۲ ـ گاو بی‌دم مگس‌های سایر گاوها را از بین می‌برد. گرجستانی

۱۲۳ ـ گرسنگی نمی‌گوید «نان بیات» است؛ و سرما نمی‌گوید «کت کهنه» است. گرجستانی

۱۲۴ ـ گاهی مرگ سریع بهتر از عمر طولانی است. گرجستانی

۱۲۵ ـ گندم را می‌توان به کمک باد تصفیه کرد و فساد را با مجازات. آرژانتین

۱۲۶ ـ گاو تنبل، آب کثیف می‌نوشد. کلمبیا

۱۲۷ ـ گوشت بخری، استخوان دارد، زمین بخری سنگ دارد. نگرویی

۱۲۸ ـ گفت و گو، غذای گوش است. نگرویی

۱۲۹ ـ گناهان امراض روح‌اند. استرالیایی

۱۳۰ ـ گاهی با یک نگاه تنها، نهال عشق کاشته شده است. مصری

۱۳۱ ـ گل سرخ خاری پشت سر گذاشته و خار، گل سرخی. مصری

۱۳۲ ـ گوش فقط یکِ سوراخ دارد (یعنی هر کس به اندازه محدود طاقت گوش دادن دارد). لیبریا

۱۳۳ ـ گاوی مریض شده است و یک گاو نر حق ویزیت بیطار (دامپزشک) است. ماداگاسکار

حرف ل

۱ ـ لازم نیست انسان برای فهمیدن مزهٔ یک مرغ تمام آن را بخورد. چینی

۲ ـ لکه‌های حیوان، برون اوست و لکه‌های انسان در اندرونش. چینی

۳ ـ لذت‌های ما سطحی و دردهای ما عمیق است. چینی

۴ ـ لذت، فرزند عشق است ولی فرزند ناخلفی است، زیرا پدر خود را می‌کشد. تازی

۵ ـ لئیم یک چشم دارَد و جاه‌طلب کور است. ارمنی

۶ ـ لذت، بذر درد است. هندی

۷ ـ لذت، جرثومهٔ اندوه است. ژاپنی

۸ ـ لانه‌ای که پرپر باشد دیرتر خراب می‌شود. انگلیسی

۹ ـ لذت، تخم غم است. مونتونگرویی

۱۰ ـ لازم نیست ابلهان کاشته شوند زیرا که آن‌ها خود رویند. لهستانی

۱۱ ـ لهستان جهنم دهقان، بهشت یهودی، دوزخ همشهریان، بهشت اشراف و قبر طلای بیگانگان است. لهستانی

۱۲ ـ لباسی که به عاریت گرفته‌اید شما را گرم نمی‌کند. رومانی

۱۳ ـ لقمه در دست همسایگان همیشه دُرشتر به نظر می‌رسد. روسی

۱۴ ـ لبه زبان زن تیزتر از شمشیر ترک است. یوگسلاوی

۱۵ ـ لذت نخستین بوسه تا پایان عمر باقی است. اسکاتلندی

۱۶ ـ لاشه هر کجا هست وجودش را خبر می‌دهد. ولز

۱۷ ـ لکه در طلا و عیب در مرد دانا زود دیده می‌شود. فنلاندی

۱۸ ـ لیسیدن بهتر از دندان گرفتن است. فرانسوی

۱۹ ـ لباس زن، بسیاری از بیماری‌ها را درمان می‌کند. فرانسوی

۲۰ ـ لگد، بهتر از طعنه است. فرانسوی

۲۱ ـ لگام طلا، اسب را بهتر نمی‌کند. فرانسوی

۲۲ ـ لباس انسان را به وجود می‌آورد و تکه‌های کهنه و مندرس شپش‌ها را. آلمانی

۲۳ ـ لذت بردن از فضیلت، خودش فضیلتی است. آلمانی

۲۴ ـ لباس اخلاق را می‌پوشاند. نگرویی

حرف م

۱ ـ مردی که لبخند بر صورت ندارد نباید دکان باز کند. چینی

۲ ـ ماهیان طعمه را می‌بینند ولی قلاب را نمی‌بینند، انسان‌ها نفع را می‌بینند و خطر را نمی‌بینند. چینی

۳ ـ مردگان خیلی خوشبخت‌تر از فقراء هستند. چینی

۴ ـ مصرف بیش از اندازه خوراک لذیذ به بیماری منتهی می‌شود و وقتی که خوشگذرانی پایان یافت نوبت درد فرا می‌رسد. چینی

۵ ـ مرغ‌ها را از مرغدان و ماهی‌ها را از تور می‌توان با یک دست گرفتار کرد. چینی

۶ ـ میوه رسیده خود به خود می‌ریزد. آب، راه خود را باز می کند. چینی

۷ ـ میزبان خوشحال می‌شود وقتی که میهمان می‌رود. چینی

۸ ـ مرغ عاقل هرگز آن‌قدر پیر نیست که از بهار وحشت داشته باشد. چینی

۹ ـ مهربانی‌های کوچک را فراموش مکن و تقصیرات کوچک را بیاد نداشته باش. چینی

۱۰ ـ مسافرت هزار فرسنگ با یک قدم شروع می‌شود. چینی

۱۱ ـ مردان برتر بدون تعلیم گرفتن خوب هستند؛ مردان متوسط پس از تعلیم گرفتن خوب می‌شوند؛ ولی افراد پست علیرغم تعلیم گرفتن؛ هم‌چنان فاسد و تبهکار می‌مانند. چینی

۱۲ ـ مرد بودن آسان است ولی نقش مرد را بازی کردن سخت و دشوار. چینی

۱۳ ـ مرد خوش اقبال با دوستی روبرو می‌شود و مرد بدشانس با زن خوشگلی. چینی

۱۴ ـ مردم به سخنان مرد پولدار همیشه گوش می‌دهند. چینی

۱۵ ـ مردی که کوه را از میان برداشت کسی بود که شروع به برداشتن سنگ‌ریزه‌ها کرد. چینی

۱۶ ـ مهربانی بزرگتر از قانون است. چینی

۱۷ ـ محبت آهسته راه می‌رود. چینی

۱۸ ـ مردان در اوقات خوشبختی نسبت به‌سایر افراد همدردی نشان می‌دهند و زنان در اوقات بدبختی. چینی

۱۹ ـ موش‌ها از روش موش‌ها باخبرند (یعنی برای گرفتن دزد، دزد را انتخاب کن). چینی

۲۰ ـ مرد عاقل در چیزهای کوچک بزرگ است، مرد شرور و بیکار در امور بزرگ، کوچک. چینی

۲۱ ـ مرد در یک صد سال عمر نیک‌نام می‌شود ولی در کمتر از یک روز بدنام می‌گردد. چینی

۲۲ ـ مادر زن به خواب داماد هم بیاید مو بر تن او راست می‌شود. چینی

۲۳ ـ مهریه یک زن خوب یک دستهٔ جاروب است. چینی

۲۴ ـ من از آنچه از دهانت خارج شود راجع به تو قضاوت خواهم کرد. چینی

۲۵ ـ محبت مرد در سخن گفتن و مهر زن در بوسه و تبسم نمودار می‌شود. چینی

۲۶ ـ مشکل می‌توان سالی یک دوست پیدا کرد ولی به ساعتی می‌توان دوستی را آزرده خاطر ساخت و از دست داد. چینی

۲۷ ـ موقعی که دهانت می‌خورد بگذار با شکمت مشورت کند. چینی

۲۸ ـ محک طلا آتش است و محک انسان‌ها طلا. چینی

۲۹ ـ موقعی که ماه کامل می‌شود؛ شروع به کاستن می‌کند؛ وقتی که آب اوج می‌گیرد ناچار باید لبریز شود. چینی

۳۰ ـ موقعی که لبان زن می‌گویند: «کافی است» به چشمانت نگاه می‌کند و با زبان بی‌اعتنایی می‌گوید: «باز هم می‌خواهم». چینی

۳۱ ـ میان گریه کنندگان گریهٔ مادر عیان است. تازی

۳۲ ـ مستحق، محروم است. تازی

۳۳ ـ مشورت با کسی کن که به گریه‌ات می‌اندازد نه با کسی که ترا می‌خنداند. تازی

۳۴ ـ مسکن خطر، در حول و حوش امنیت است. تازی

۳۵ ـ مادام‌که چشم باطنی روشن است، باکی نیست اگر چشم ظاهر کم‌سو گشته باشد. تازی

۳۶ ـ ماده در بین کلیه حیوانات بهتر از نر است مگر در بین نوع انسان. تازی

۳۷ ـ مگس هرگز داخل دهانی که می‌داند چگونه ساکت باشد، نمی‌رود. تازی

۳۸ ـ مهمانت را محترم و عزیز بدار ولو این‌که کافر باشد. تازی

۳۹ ـ ماجرای شیر هیچ‌گاه خالی از استخوان نیست. تازی

۴۰ ـ معلوماتی‌که در کودکی فرا گرفته می‌شود مانند نقش در سنگ، پایدار باقی می‌ماند. تازی

۴۱ ـ مردها از ته قلب می‌خندند؛ زن‌ها فقط با دهان‌شان. تازی

۴۲ ـ ماه با تست؛ لازم نیست اعتنایی به ستارگان کنی. تازی

۴۳ ـ ماه شب چهارده، ماهی فقط یک‌بار دیده می‌شود. تازی

۴۴ ـ موشی که فقط یک سوراخ دارد زود گرفتار می‌شود. تازی

۴۵ ـ مکافات لنگ است ولی بالاخره فرا می‌رسد. تازی

۴۶ ـ مرد قوی و آبشار راه خود را باز می‌کنند. تازی

۴۷ ـ مردی که سردش هست و یا گرسنه است و یا در ترس و وحشت است نمی‌تواند بخوابد. تازی

۴۸ ـ من آن را نمی‌خواهم ولی در جیبم بگذارد. ارمنی

۴۹ ـ مار در همه جا می‌رود ولی در داخل سوراخ خود راست وارد می‌شود. ارمنی

۵۰ ـ محنت محک دوستی است. برمائی

۵۱ ـ مردم به سگی که دائم عوعو می‌کند توجهی نمی‌کنند. برمائی

۵۲ ـ مردم دوست و یا دشمن خود هستند؛ شخص همیشه دوست خود و یا همیشه دشمن خود است. برمائی

۵۳ ـ مردی که از جهنم آمده ترس و وحشتی از خاکستر گرم ندارد. برمائی

۵۴ ـ مجازات دروغ‌گو این است که حتّی موقعی که حرف راست را هم می‌زند کسی باورش نمی‌کند. عبری

۵۵ ـ ما به نام خدا مرتکب خطاها و جنایات متعدد می‌گردیم. عبری

۵۶ ـ «مورد» در میان گزنه‌ها باز مورد است. عبری

۵۷ ـ مذهب حقیقی، نوعدوستی است. عبری

۵۸ ـ مرگ، شتر سیاهی است که جلو هر در می‌نشیند. عبری

۵۹ ـ من نان نمی‌خورم؛ نان مرا می‌خورد (یعنی با زحمت و مرارت روزی‌ام را بدست می‌آورم). عبری

۶۰ ـ مردم به آنچه برای‌شان غیرقابل ادراک است با نظر اعجاب می‌نگرند. عبری

۶۱ ـ میوه رسیده خود به خود می‌افتد. عبری

۶۲ ـ مرد باید ادب داشته باشد؛ گل باید خوشبو باشد. عبری

۶۳ ـ مگس دور یک دیگ نو جمع نمی‌شود. عبری

۶۴ ـ مردی که مانند مرده کار می‌کند مانند شاه غذا می‌خورد. عبری

۶۵ ـ مردی که سوار بر فیل است از عوعو سگ باک نخواهد داشت. عبری

۶۶ ـ مرگ و غیبت با هم برابر است. هندی

۶۷ ـ مار حتّی علیه مار افسای قیام کرده و او را دندان می‌گیرد. هندی

۶۸ ـ ماهی‌ای که باید در آب زندگی کند نباید تمساح را دشمن خود سازد. هندی

۶۹ ـ مانند سگ برو و مانند گربه بیا. هندی

۷۰ ـ مهر مادر از هر مهری برتر است. هندی

۷۱ ـ مگس هرگز دکان قناد را ترک نمی‌کند. هندی

۷۲ ـ مانند علماء بنویس و مانند توده حرف بزن. هندی

۷۳ ـ موش از دهنش بلغور می‌دزدد (سخت ضعیف است). فارسی

۷۴ ـ موی را در چشم دیگران می‌بیند و شاه تیر را در چشم خود نمی‌بیند. فارسی

۷۵ ـ مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان. فارسی

۷۶ ـ مستی حماقت را، افاقت نیست. فارسی

۷۷ ـ معرف مرد، گذشته مرد است. فارسی

۷۸ ـ مفرداتش خوب است اما مرده شوی ترکیبش را ببرد. فارسی

۷۹ ـ مگر چشم‌بندی است. فارسی

۸۰ ـ مگر پی آتش آمده‌اید؟ (چرا اینقدر زود می‌روید). فارسی

۸۱ ـ موجود را به مفقود و یافته را به نایافته مفروش. فارسی

۸۲ ـ ماه بر چندین گل می‌نگرد ولی گل‌ها فقط یک ماه می‌بینند. فارسی

۸۳ ـ مار گزیده از ریسمان سفید و سیاه می‌ترسد. فارسی

۸۴ ـ ماتم زده را به نوحه‌گر حاجت نیست. فارسی

۸۵ ـ مه فشاند نور و سگ عوعو کند. فارسی

۸۶ ـ مار بد به از یار بد. فارسی

۸۷ ـ مه چه لاغر شود انگشت نما می‌گردد. فارسی

۸۸ ـ مردم شبیه درختانند که آب یکسان نوشیده و میوه گوناگون دهند. فارسی

۸۹ ـ مرد خانه می‌سازد و زن آشیانه. فارسی

۹۰ ـ مزن بی‌تأمل به کاری تو دست. فارسی

۹۱ ـ مرگ خر، عروسی سگ است. فارسی

۹۲ ـ مرغ همسایه همیشه غاز است. فارسی

۹۳ ـ میازار موری که دانه‌کش است
که جان دارد و جان شیرین خوشست فارسی

۹۴ ـ مزن بر سر ناتوان دست زور فارسی
که روزی به پایش درافتی چو مور

۹۵ ـ من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم
تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال فارسی

۹۶ ـ مار خورده است، افعی در آمده است. فارسی

۹۷ ـ محالست که هنرمندان بمیرند و بی‌هنران جای ایشان گیرند. فارسی

۹۸ ـ مرد بی‌مروت زن است و عابد با طمع رهزن. فارسی

۹۹ ـ مشک آن است که ببوید نه آن‌که عطار بگوید. فارسی

۱۰۰ ـ متکلم را تا کسی عیب نگیرد، سخنش صلاح نپذیرد. فارسی

۱۰۱ ـ مال ز بهر آسایش عمرست، نه عمر از بهر گرد کردن مال. فارسی

۱۰۲ ـ من آنم که من دانم. فارسی

۱۰۳ ـ ملک و دولت دنیا را اعتماد نشاید. فارسی

۱۰۴ ـ مشو با ناکسان همدم، که صحبت را اثر باشد. فارسی

۱۰۵ ـ میهمان، قاصد خداست. فارسی

۱۰۶ ـ منت مکش ار دوست بود حاتم طاعی. فارسی

۱۰۷ ـ مرد حکیم خورده نگیرد بر آیینه. فارسی

۱۰۸ ـ مرد خانه سازد، زن خانه ویران کند. آذربایجانی

۱۰۹ ـ مهمان را که رو دهی، صاحبخانه می‌شود. آذربایجانی

۱۱۰ ـ مرغ صحرا و سنگ بیابان است (دائم سفر می کند). آذربایجانی

۱۱۱ ـ مِی‌پرست مالش را تلف می کند، بنگی عقلش را و تریاکی عمرش را. آذربایجانی

۱۱۲ ـ مرد با همتش و مرغ با بالش اوج می گیرد. آذربایجانی

۱۱۳ ـ مرگ حق است اما برای همسایگان. آذربایجانی

۱۱۴ ـ مار را با دست غیر باید گرفت. آذربایجانی

۱۱۵ ـ مار تا مار نخورد اژدها کی شود. آذربایجانی

۱۱۶ ـ میوه را بخور و راجع به درخت سئوال مکن. ترکی

۱۱۷ ـ میخی می‌تواند نعل اسب را نجات بدهد، نعل می‌تواند اسب را نجات بدهد، اسب می‌تواند سوار را نجات بدهد و سوار می‌تواند مملکتی را نجات بدهد. ترکی

۱۱۸ ـ مردان پولدار اتومبیل خود را در جاده‌های کوهستانی به منزل می‌رسانند و مردان فقیر در جاده هموار مستقیم، راه خود را گم می‌کنند. ترکی

۱۱۹ ـ مردی که دو زن دارد قبایش دائم پاره است. ترکی

۱۲۰ ـ موقع خریدن پارچه به حاشیه‌اش خوب نگاه کن و در هنگام ازدواج درباره مادر عروس تحقیق کن. ترکی

۱۲۱ ـ موقعی که چراغ بودا را برمی‌افروزی، آتش تمام شهوات را خاموش کن. کتب مقدس

۱۲۲ ـ مسرفین برادران شیطانند. کتب مقدس

۱۲۳ ـ مردی بزرگ است که قلب کودک منش خود را از دست نمی‌دهد. کتب مقدس

۱۲۴ ـ میوهٔ تواضع آرامش است. کتب مقدس

۱۲۵ ـ مرد کوچک تصور می‌کند که نیکوکاری‌های کوچک بی‌فایده است و لذا به این نوع کارها دست نمی‌یازد و فکر می‌کند بدکاری‌های کوچک ضرر ندارد، لذا از ارتکاب آن ابا ندارد. کتب مقدس

۱۲۶ ـ موقع مخالفت با سلحشوران در کارزار شرکت کن، زیرا کسی که رحم دارد غلبه می‌کند. کتب مقدس

۱۲۷ ـ مردگان زبان ندارند. ژاپنی

۱۲۸ ـ مرگ هم بزرگتر از کوه است و هم کوچک‌تر از مو. ژاپنی

۱۲۹ ـ ماهیان کوچک در اطراف ماهیان بزرگ جمع می‌شوند. ژاپنی

۱۳۰ ـ ملاقات، آغاز جدایی است. ژاپنی

۱۳۱ ـ مرگ میزبان ماست. کردی

۱۳۲ ـ مرد رودخانه است ـ زن دریاچه. کردی

۱۳۳ ـ می‌ارزد که انسان برای نیکنامی بهر نوع فداکاری تن در دهد؛ سعی کن نام نیک خود را بهر قیمت که شده حفظ کنی. کردی

۱۳۴ ـ مادام که فقط صدای تندر را شنیده‌ای و هنوز باران نیامده است، آب را از کوزه خالی مکن. مالایا

۱۳۵ ـ موفقیت محل اختفاء شکست است، ولی چه کسی می‌تواند بگوید که نقطه برگشت کی فراخواهد رسید. شرقی (متفرقه)

۱۳۶ ـ مرد چینی فقط یک‌بار در طول عمر می‌میرد و آن‌هم موقعی است که در حال احتضار است. شرقی (متفرقه)

۱۳۷ ـ مرد متبسم مانند پسته خندان است. شرقی (متفرقه)

۱۳۸ ـ مگس زنده را نمی‌توان بلعید. شرقی (متفرقه)

۱۳۹ ـ مرغ همسایه غاز به نظر می‌رسد. شرقی (متفرقه)

۱۴۰ ـ معلم شکرخام باقی ماند، شاگرد شکر تصفیه شده گشت. شرقی (متفرقه)

۱۴۱ ـ مردگان چشم زندگان را می‌گشایند. اسپانیولی

۱۴۲ ـ مرگ کر است. اسپانیولی

۱۴۳ ـ مرد تا عزب است طاووس است، وقتی نامزد شد، شیر و وقتی‌که ازدواج کرد الاغ می‌گردد. اسپانیولی

۱۴۴ ـ مرگ همان‌قدر قطعی است که زندگی قطعی نیست. اسپانیولی

۱۴۵ ـ محال است کسی در آن واحد هم عاشق باشد و هم عاقل. اسپانیولی

۱۴۶ ـ مار را با دست یک نفر دیگر از سوراخ بدر آورد. اسپانیولی

۱۴۷ ـ موفقیت، ارباب نادان است. اسپانیولی

۱۴۸ ـ معشوقه زشت وجود ندارد. اسپانیولی

۱۴۹ ـ مومی نیست که آب نشود. اسپانیولی

۱۵۰ ـ موقعی‌که تولد یافتم گریستم و هر روز نشان می‌دهد که چرا گریستم. اسپانیولی

۱۵۱ ـ مرد آتش است و زن پس مانده الیاف کتان؛ شیطان می‌آید و آن‌ها را مشتعل می‌کند. اسپانیولی

۱۵۲ ـ مردگان و غائبین نه دوست دارند و نه قوم و خویش. اسپانیولی

۱۵۳ ـ مرد فقیر امید زیاد دارد که پولدار شود و مرد پولدار ترس زیاد دارد از این‌که بینوا شود. اسپانیولی

۱۵۴ ـ مناصب و پستِ‌های عالی در افراد همان اثر را دارد که پیچک روی دیوار: ظاهرش خرم و زیبا و باطنش پوسیده و ویران است. اسپانیولی

۱۵۵ ـ منتهای کمال است که شخص پی به نواقص و معایب خود ببرد. اسپانیولی

۱۵۶ ـ مرگ، همه را با یک شانه، شانه می‌زند. سوئدی

۱۵۷ ـ مرگ، آخرین پزشک است. سوئدی

۱۵۸ ـ مردی که پول ندارد مانند کشتی است که شراع ندارد. سوئدی

۱۵۹ ـ مرد پولدار پنج حواس دارد و بینوا شش حواس. سوئدی

۱۶۰ ـ مهر میهن پاکترین عشق‌هاست. سوئدی

۱۶۱ ـ ماهی از سر می‌گندد. آلبانی

۱۶۲ ـ مانند برده کار کن و مانند ارباب بخور. آلبانی

۱۶۳ ـ من به سگ فرمان می‌دهم و سگ به دمش فرمان می‌دهد. باسک

۱۶۴ ـ ماهی و مهمان روز سوم فاسد می‌شوند و باید به دور انداخته شوند. باسک

۱۶۵ ـ ملل خوشبخت، تاریخ ندارند. بلژیکی

۱۶۶ ـ متنبه کردن بهتر از متنبه شدن است. بلژیکی

۱۶۷ ـ مردی که دوست ندارد، مانند دست راستی است که دست چپ ندارد. بوسنی

۱۶۸ ـ مرحلهٔ اول بلاهت آن است که خود را عاقل بنگاریم. بوسنی

۱۶۹ ـ مردگان چشمان زندگان را باز می‌کنند. انگلیسی

۱۷۰ ـ مرد زن می‌گیرد چون خسته و ملول شده است و زن به خاطر کنجکاوی شوهر می‌کند. انگلیسی

۱۷۱ ـ مادر زن یادش نیست که روزی هم خودش شوهر داشته است. انگلیسی

۱۷۲ ـ مورد اطمینان همه باشید ولی به کسی اطمینان نداشته باشید. انگلیسی

۱۷۳ـ من آنقدر متمول نیستم که پارچه ارزان بپوشم. انگلیسی

۱۷۴ـ مرغی که در هوا می‌پرد، هیچ‌گاه از امواج دریا بیم ندارد. انگلیسی

۱۷۵ـ موفقیت بهترین مبلغ انسان است. انگلیسی

۱۷۶ـ مدتی که در آفتاب راه رفتی، صورتت می‌سوزد. انگلیسی

۱۷۷ـ مگر قبل از مرگ برای خود قبر ساخته‌ای. انگلیسی

۱۷۸ـ مرد کردار، کم حرف است. آلمانی

۱۷۹ـ موفقیت نصیب افراد خواب‌آلود نمی‌گردد. آلمانی

۱۸۰ـ معشوقه‌ای که هدیه نخواهد زنی خواهد شد که به نان خشک هم قناعت می‌کند. آلمانی

۱۸۱ـ مثل آفتاب کار می‌کند (مرتب است). آلمانی

۱۸۲ـ مال خوب، از دور داد می‌زند. آلمانی

۱۸۳ـ مهر و دلبستگی، داروی بسیار بدی است. ایتالیایی

۱۸۴ـ معنی همه چیز دانستن، هیچ‌چیز ندانستن است. ایتالیایی

۱۸۵ـ می‌توانید «پمپی» را در چهرهٔ بعضی افراد بخوانید. ایتالیایی

۱۸۶ـ مطبعه، مادر اشتباهات است ایتالیایی

۱۸۷ـ ممکن است گرگ دندان‌هایش را از دست بدهد ولی هرگز طبیعتش را از دست نخواهد داد. ایتالیایی

۱۸۸ـ مترجمان خائن اند. ایتالیایی

۱۸۹ـ مردی که تأهل اختیار کرده پرنده‌ای است محبوس در قفس. ایتالیایی

۱۹۰ـ مردی که بلد نیست تملق بگوید، نمی‌داند چگونه باید صحبت کرد. ایتالیایی

۱۹۱ـ مصائب و نوائب محک فضیلتند. لاتینی

۱۹۲ـ مردم بیشتر تابع مراسم و عرف و عادتند تا تابع عقل. لاتینی

۱۹۳ـ مردگان بهترین مشاوران ما هستند. لاتینی

۱۹۴ـ مرگ همه را مساوی می‌کند. لاتینی

۱۹۵ ـ مردم به آسانی ایمان می‌آورند به چیزی که مایلند بدان ایمان آورند. لاتینی

۱۹۶ ـ مرد پر مو یا بسیار نیرومند است و یا بسیار شهوانی. لاتینی

۱۹۷ ـ مرد لئیم همیشه فقیر و محتاج است. لاتینی

۱۹۸ ـ مطمئن‌ترین راه‌ها راه کوفته شده و هموار است. لاتینی

۱۹۹ ـ ممکن است به «حقیقت» تو سری زد ولی هرگز نمی‌توان خفه‌اش کرد. لاتینی

۲۰۰ ـ مروارید در گل پیدا می‌شود. لاتینی

۲۰۱ ـ مردی که خانه خاموش دارد، زن ندارد. لاتینی

۲۰۲ ـ من شاخ‌ها را نگاه می‌دارم، تو گاوت را بدوش. لتوانی

۲۰۳ ـ مرگ ناخوانده می‌آید. لتوانی

۲۰۴ ـ مرگ به سال نگاه نمی‌کند، هر کس را که در راه می‌یابد می‌رباید. لتوانی

۲۰۵ ـ مادر هر روز کلوچه نمی‌پزد. لتوانی

۲۰۶ ـ ما همه، دنیا را هم‌چنان ترک می‌کنیم که موقع تولد آن را یافتیم. مالت

۲۰۷ ـ معاملات خوب، کیف پول را تهی می‌کند. مونتونگرویی

۲۰۸ ـ معده پنجره ندارد. مونتونگرویی

۲۰۹ ـ مراسم و قانون همسایه یکدیگرند. مونتونگرویی

۲۱۰ ـ مردی بزرگ است که معایبش را می‌توان بر شمرد. مونتونگرویی

۲۱۱ ـ مادامی که دیگ می‌جوشد دوستی پا برجا است. مونتونگرویی

۲۱۲ ـ مرغ گرسنه خواب ارزان را می‌بیند. مونتونگرویی

۲۱۳ ـ موقعی که درخت بلوط به زمین می‌افتد، همه می‌دوند تا شاخه‌هایش را قطع کنند. مونتونگرویی

۲۱۴ ـ موقعی که خدا کره زمین را می‌ساخت و صخره‌ها را تقسیم می‌کرد کیسه‌ای که حاوی صخره‌ها بود پاره شد و در مونتونگرو افتاد. مونتونگرویی

۲۱۵ ـ مرد از طریق چشم و زن از راه گوش عاشق می‌شود. لهستانی

۲۱۶ ـ می‌توانی در عین بینوایی غنی و در عین توانگری فقیر باشی. لهستانی

۲۱۷ ـ ملکه زنبورها نیش ندارد. پرتقالی

۲۱۸ ـ مسکو با شمعی که فقط یک کوپک ارزش داشت، سوخت. روسی
(شهر مسکو سال ۱۴۴۲ در اثر حریقی که از یک شمع در کلیسای سنت نیکولاس ایجاد گردید، آتش گرفت و مجدداً سال ۱۵۳۷ در اثر حریقی که یک شمع در خانه میلوسلاوسکی ایجاد کرده بود، سوخت).

۲۱۹ ـ مرده تابوتش را دارد و زنده کلبه‌اش را. روسی

۲۲۰ ـ ممکن است خود قزاق گرسنگی بخورد، ولی اسبش باید سیر باشد. روسی

۲۲۱ ـ مرگ، یک تزار چاق را به همان آسانی روی دوشش حمل می‌کند. روسی

۲۲۲ ـ مرگ برادر یک سرباز روسی است. روسی

۲۲۳ ـ مردم گاهی مانند داود مرتکب گناه می‌گردند ولی مانند او غصه نمی‌خورند. روسی

۲۲۴ ـ مادامی که جنگل هست تبر هم پیدا خواهد شد. روسی

۲۲۵ ـ مردم را هنگام بازی و مسافرت می‌توان شناخت. روسی

۲۲۶ ـ مادامی که خورشید می‌درخشد به ماه احتیاجی نیست. روسی

۲۲۷ ـ مگر نمی‌دانی یارو تاجر است (خسیس است). روسی

۲۲۸ ـ مرد بدون زن چون شکارچی بی‌بالاپوش در زمستان است. روسی

۲۲۹ ـ مگر نان برشته می‌خوری؟ (تازه زن گرفته‌ای) روسی

۲۳۰ ـ مرد بی‌زن مثل کسی است که در زمستان کلاه خود را گم کرده باشد. روسی

۲۳۱ ـ مست عاقبت بهوش می‌آید ولی دیوانه هرگز هوشیار نمی‌شود. روسی

۲۳۲ ـ ما با هم قوم و خویشیم، زیرا پیراهنمان در یک آفتاب خشک می‌شود. روسی

۲۳۳ ـ مثل کفش کهنه است (راحت است). روسی

۲۳۴ ـ مسافرت در دریا توی یک کشتی سوراخ شده، بهتر از سپردن راز در دست یک زن است. روسی

۲۳۵ ـ مایه کوبی مهر دجال است. (یک ضرب‌المثل روحانی). روسی

۲۳۶ ـ مادامی که خرس در مأوای خود پنهان است، پوستش را مفروش. یوگسلاوی

۲۳۷ ـ مهم آن نیست که چه نوع سگی است بلکه مهم آن است که متعلق به کیست؟ یوگسلاوی

۲۳۸ ـ میوه‌ای که دیرتر می‌رسد، دیرتر هم سالم باقی می‌ماند. یوگسلاوی

۲۳۹ ـ موقع ازدواج چشم و گوشت را باز کن. یوگسلاوی

۲۴۰ ـ مرگ تمام نفرت‌ها را دفن می‌کند. یوگسلاوی

۲۴۱ ـ میوه از درختان کهنسال، خود به خود می‌افتد. یوگسلاوی

۲۴۲ ـ میوهٔ رسیده زودتر می‌گندد. اسکاتلندی

۲۴۳ ـ مهربانی خود به خود می‌آید. نمی‌توان آن را خرید. اسکاتلندی

۲۴۴ ـ مهربانی می‌خزد در جایی که نمی‌تواند راه برود. اسکاتلندی

۲۴۵ ـ مغز مرد تنبل، کارخانه شیطان است. اسکاتلندی

۲۴۶ ـ مرد، آوریل(اردیبهشت) است موقعی که معاشقه می‌کند، دسامبر (دی) می‌شود وقتی که عروسی می‌کند. اسکاتلندی

۲۴۷ ـ مردان دانا ضرب‌المثل می‌سازند و ابلهان تکرارش می‌کنند. اسکاتلندی

۲۴۸ ـ معشوقه هیچ کس زشت نیست. اسکاتلندی

۲۴۹ ـ مار سیاه می‌داند چه کسی را اول نیش بزند. اسکاتلندی

۲۵۰ ـ موی قهوه‌ای سنگین‌تر از موی سفید نیست. ولز

۲۵۱ ـ معتاد نبودن به هیچ عادت، بدترین عادت‌ها است. ولز

۲۵۲ ـ مگذار کسی که خار می‌کارد پیاده راه رود. ولز

۲۵۳ ـ مزارع چشم دارند و جنگل‌ها گوش. بلغارستانی

۲۵۴ ـ مهمانی که نابهنگام وارد خانه می‌شود بدتر از یک تُرک است. بلغارستانی

۲۵۵ ـ مرغ گرسنه، خواب ارزن می‌بیند. بلغارستانی

۲۵۶ ـ مرغی که زیاد غدغد می‌کند تخم‌مرغ ریز می‌گذارد. بلغارستانی

۲۵۷ ـ مانند تمام بادهای دیگر، گردباد هم خواهد گذشت. بلغارستانی

۲۵۸ ـ مار همیشه سرد است اعم از این که زنده باشد یا مرده. بلغارستانی

۲۵۹ ـ ممکن است کج بنشینید و درست قضاوت کنید. بلغارستانی

۲۶۰ ـ موقعی که با گرگان هستی زوزه بکش و بدر. بلغارستانی

۲۶۱ ـ معجزات رخ می‌داد، اگر جوانان می‌دانستند و پیران می‌توانستند. بلغارستانی

۲۶۲ ـ مرهم‌های گران‌بها در قوطی‌های کوچکند. جزایر انگلیس

۲۶۳ ـ مرغان با تجربه را نمی‌توان با دانه به دام آورد. جزایر انگلیس

۲۶۴ ـ مهربانی عزیزتر و بهتر از طلاست. جزایر انگلیس

۲۶۵ ـ مرغ سحرخیز، برد طعمه را. جزایر انگلیس

۲۶۶ ـ محبت و ترس با هم جمع نمی‌شوند. جزایر انگلیس

۲۶۷ ـ می‌توان گفت کی مردی خود را مست کرده ولی نمی‌توان گفت که کی تشنه است. جزایر انگلیس

۲۶۸ ـ مطبخ گرم هرگز بی‌مگس نیست. چک

۲۶۹ ـ مطبخ گرم، دوستان گرم. چک

۲۷۰ ـ مادامی که زبان زنده است ملت نمرده. چک

۲۷۱ ـ مرد لئیم مانند ماده خوک فقط موقعی مفید واقع می‌شود که می‌میرد. چک

۲۷۲ ـ مصائب و نوائب حتّی در تیره‌ترین شب‌ها راه خود را پیدا می‌کنند. چک

۲۷۳ ـ مرد فقیر فقط یک مرض دارد و مرد پولدار صد مرض. چک

۲۷۴ ـ موقعی فراز خواهد آمد که زمستان از ما بپرسد: «در طول تابستان چه می‌کردی؟» چک

۲۷۵ ـ مرگ، دوست مرد محتضر است. دانمارکی

۲۷۶ ـ مقفول نگاه‌داشتن قفلی که همه کلیدش را در اختیار دارند آسان نیست. دانمارکی

۲۷۷ ـ مصالحه لاغر بهتر از دادخواهی چاق است. دانمارکی

۲۷۸ ـ «مال من» و «مال تو» منبع و سرچشمه تمام مرافعه‌هاست. دانمارکی

۲۷۹ ـ میخ به اندازه سوراخ معذب است. دانمارکی

۲۸۰ ـ مردان بسیار وجیه؛ همیشه با زنان متوسط و زشت عروسی می‌کنند. هلندی

۲۸۱ ـ مس، طلای فقیر و سرب نقرهٔ انسان محتاج است. هلندی

۲۸۲ ـ مردگان به زندگان تعلیم می‌دهند. هلندی

۲۸۳ ـ موقعی که مرگ فرا می‌رسد، پولدار پول ندارد و بینوا به کسی بدهکار نیست. هلندی

۲۸۴ ـ میوهٔ رسیده بخور و حرف راست بزن. هلندی

۲۸۵ ـ مردی که حاضر به ازدواج می‌شود یا از همه چیز با اطلاع است یا از همه چیز کاملاً بی‌خبر است. هلندی

۲۸۶ ـ مرد عزب سالخورده، چماقی است از جهنم. زن مجرد، کبوتری است از بهشت. استونی

۲۸۷ ـ مصیبت با فریاد و سر و صدا نمی‌آید. استونی

۲۸۸ ـ ماهی به سوی قلاب کسی می‌آید که صبر می‌کند. استونی

۲۸۹ ـ مزرعه سفرهٔ خداست. استونی

۲۹۰ ـ مرغابی که زیاد قدقد می‌کند کم تخم می‌گذارد. استونی

۲۹۱ ـ مهر پدر تا گور دوام دارد؛ مهر مادر جاودانی است. استونی

۲۹۲ ـ مرد خرسند و سیر، چیزی از گرسنگی نمی‌فهمد و مرد خندان چیزی از گریه سرش نمی‌شود. فنلاندی

۲۹۳ ـ مرد اغلب برای عروسی خیلی جوان است ولی برای عشق‌ورزی هرگز زیاد پیر نیست. فنلاندی

۲۹۴ ـ مرد برای انجام کار از خانه خارج می‌شود و زن برای این که دیگران تماشایش کنند. فنلاندی

۲۹۵ ـ مردی که زن ندارد، هم و غم ندارد. فنلاندی

۲۹۶ ـ مرد شکست خورده طالب جنگ بیشتر است. فرانسوی

۲۹۷ ـ مردگان همیشه خطاکارند. فرانسوی

۲۹۸ ـ موی سر احمق هرگز سفید نمی‌شود. فرانسوی

۲۹۹ ـ مردان با دیدن یک چهره زیبا فوراً به زندگی علاقمند می‌شوند. فرانسوی

۳۰۰ ـ مرد چلاق با مردی که چلاق‌تر از خودش هست راه نمی‌رود. فرانسوی

۳۰۱ ـ می‌آییم و می‌گرییم، اینست زندگی! می‌گرییم و می‌رویم اینست مرگ. فرانسوی

۳۰۲ ـ معجزات سراغ کسانی می‌آیند که باورش دارند. فرانسوی

۳۰۳ ـ مردی که پول ندارد مانند گرگی است که دندان ندارد. فرانسوی

۳۰۴ ـ مردی که از اغوا شدن می‌ترسد، همه‌چیز اغوایش می‌کند. فرانسوی

۳۰۵ ـ مردی که از هیچ‌کس خوشش نمی‌آید، بدبخت‌تر از مردی است که هیچ‌کس دوستش ندارد. فرانسوی

۳۰۶ ـ مادامی‌که مادر زنت زنده است نباید امید اصلاح و آرامش در خانه خود داشته باشی. فرانسوی

۳۰۷ ـ مانند افراد باهوش بنوش و مانند همه‌کس حرف بزن. فرانسوی

۳۰۸ ـ میهن‌پرستی بذری است که محصولش جنگ است. فرانسوی

۳۰۹ ـ مکیدگان خون مردم دو گونه‌اند: زالوها و مأموران مالیات. فرانسوی

۳۱۰ ـ مصاحبه الکلی است که می‌توان به وسیله آن حقیقت را بدست آورد. آلمانی

۳۱۱ ـ موقعی‌که انسانی به دنیا می‌آید دیگران می‌خندند و او گریه می‌کند، ولی وقتی‌که می‌میرد او می‌خندد و دیگران گریه می‌کنند. آلمانی

۳۱۲ ـ مغز کوچک و دل بزرگ می‌تواند خیلی چیزها تحصیل کنند. آلمانی

۳۱۳ ـ مرد دلیر به خنجر کوتاه نیازمند است. آلمانی

۳۱۴ ـ مرد قلاع را می‌سازد ـ زمان ویرانشان می‌کند. آلمانی

۳۱۵ ـ معامله دوستی را از بین می‌برد. آلمانی

۳۱۶ـ مسیح هر روز به صلیب کشیده می‌شود. آلمانی

۳۱۷ـ مردان از خطر می‌ترسند؛ زنان از منظرهٔ آن. آلمانی

۳۱۸ـ مردگان همیشه در اشتباهند. آلمانی

۳۱۹ـ مردگان واقعی را نباید در گورستان جستجو کرد. آلمانی

۳۲۰ـ مرگ، طبیب فقراء است. آلمانی

۳۲۱ـ معایب دیگران معلمان خوبی هستند. آلمانی

۳۲۲ـ مردی که همیشه خوشبخت است، احمق و ابله بار می‌آید. آلمانی

۳۲۳ـ مادر شوهر، شیطان زن است. آلمانی

۳۲۴ـ مرغ در آشیانه‌ای تخم می‌گذارد که قبلاً در آن تخم‌مرغ وجود داشته است. آلمانی

۳۲۵ـ مردی که خودش را غلغلک می‌دهد می‌تواند هر وقت که دلش خواست بخندد. آلمانی

۳۲۶ـ مرد مجرد طاووس است، مرد نامزد شده شیر و مرد زن گرفته خر. آلمانی

۳۲۷ـ مهر مادر هرگز پیر نمی‌شود. آلمانی

۳۲۸ـ مروارید روی گردن پرچین و چروک، گریه می‌کند. آلمانی

۳۲۹ـ مهم نیست چند نفر را از خود خشنود می‌کنی؛ مهم آن است چه نوع افرادی را از خود خشنود می‌سازی. آلمانی

۳۳۰ـ مرد فقیری که آواز می‌خواند پولدار است. آلمانی

۳۳۱ـ مجازات باید مانند سالاد، روغنش بیش از سرکه باشد. آلمانی

۳۳۲ـ مردان اسرار دیگران را حفظ می‌کنند، زنان اسرار خود را. آلمانی

۳۳۳ـ ممکن است کسی یک مدت طولانی حرف بزند و معذلک هیچ مطلبی را بیان نکند. آلمانی

۳۳۴ـ می‌گساران پیر، بیش از پزشکان پیر هستند. آلمانی

۳۳۵ـ مرد بی‌زن، سر بی‌بدن است و زن بی‌مرد، بدن بدون کله است. آلمانی

۳۳۶ـ من به تو غواصی آموخته‌ام و تو می‌خواهی مرا غرق کنی. یونانی

۳۳۷ـ مرد سالخورده، مرد سالخورده را خرسند می‌کند. یونانی

۳۳۸ـ ماهی گفت: حرف‌های زیادی دارم بزنم، ولی دهانم پر از آب است. گرجستانی

۳۳۹ـ موی آشفته و در هم احتیاج به شانه پهن دارد. طبرستانی

۳۴۰ـ مانندگاو نر بردبار، مانند شیر دلیر، مانند زنبور زحمت‌کش و مانند پرنده خوشحال و با نشاط باش. طبرستانی

۳۴۱ـ موقعی که باران می‌خواهد ببارد، با چند قطره شروع می‌شود. طبرستانی

۳۴۲ـ مرد بیمار کم می‌خورد ولی زیاد خرج می‌کند. طبرستانی

۳۴۳ـ مراسم و قانون خواهران یکدیگرند. اسلواکی

۳۴۴ـ من به تو غواصی یاد دادم و تو می‌خواهی غرقم کنی. اسلواکی

۳۴۵ـ مزارع چشم دارند، جنگل‌ها گوش. اسلواکی

۳۴۶ـ مانند کولی‌ها چانه بزن و مانند یک «آقا» بهایش را پرداخت کن. مجارستانی

۳۴۷ـ مردم باید حرفی داشته باشند که بزنند و سگ‌ها چیزی که به آن عوعو کنند. مجارستانی

۳۴۸ـ مردن در راه وطن کار خوبی است ولی از آن خوب‌تر این است که به خاطر آن زنده بمانیم. مجارستانی

۳۴۹ـ مانند یک دشمن چانه بزن و مانند دوست قیمتش را بپرداز. مجارستانی

۳۵۰ـ مادامی که هنوز می‌توانی عشق بورزی مگذار هیچ‌چیز دیگر ترا اندوهگین سازد. مجارستانی

۳۵۱ـ ما از افرادی که به نصایح گوش نمی‌کنند نفرت داریم و به افرادی که نصایح‌مان را گوش می‌دهند به چشم حقارت نگاه می‌کنیم. اتازونی

۳۵۲ـ محک طلا آتش است؛ محک زن طلاست و محک مرد، زن است. اتازونی

۳۵۳ـ محبت بچه مانند آب در غربال است. آرژانتین

۳۵۴ـ موج نهم، قوی‌ترین امواج است. کانادایی

۳۵۵ـ میمون می‌داند از کدام درخت باید بالا برود. کلمبیا

۳۵۶ـ میل به پیروی از مُد موجب می‌شود که بوزینه دمش را از دست بدهد. نگرویی (امریکایی)

۳۵۷ـ موقع پایین آمدن از کوه حتّی سنگ‌ها به حرکت می‌افتند. پرویی

۳۵۸ـ مردی که گرسنه‌اش نیست می‌گوید که نارگیل پوست کلفتی دارد. حبشه‌ای

۳۵۹ـ مسافری که زبان دارد، راهش را گم نمی‌کند. کنیا

۳۶۰ـ مادام که تنه درختی فاسد نشده، قارچ از آن بیرون نمی‌آید. کامرون

۳۶۱ـ مرده بهترین فرد خانوادهٔ خویش است. مصری

۳۶۲ـ ممکن است خانه‌ای دارای صد مرد باشد ولی قلب زن فقط برای یک مرد محل دارد. مصری

۳۶۳ـ میوه، زیر درخت می‌ریزد. داهومی

۳۶۴ـ موقعی که گاوها بیرون می‌روند همدیگر را می‌لیسند موقعی که انسانها می‌خواهند بمیرند، نسبت به یکدیگر علاقه پیدا می‌کنند. گالا

۳۶۵ـ مرگ مانند یک حیوان وحشی است. اوگاندا

۳۶۶ـ مردی که دو خانه دارد از گرسنگی می‌میرد. اوگاندا

۳۶۷ـ مردی که در کنار دریا بزرگ می‌شود سرانجام در دریا غرق می‌گردد. اوگاندا

۳۶۸ـ مرگ جواب نمی‌دهد. لیبریا

۳۶۹ـ مادامی که در رودخانه هستی، به بچه‌های تمساح توهین نکن. جوکون

۳۷۰ـ به مهریه، چون کوچک است، به چشم حقارت نگاه نکن. کنگوی بلژیک

۳۷۱ـ مادر را نباید با یک شخص دگر مقایسه کرد زیرا مادر بی‌نظیر و غیرقابل مقایسه است. کنگوی بلژیک

۳۷۲ـ مانند ابر بالا نرو، تا مانند مه ناپدید نگردی. ماداگاسکار

۳۷۳ـ مرض رفیق دائم انسان است و مرگ در تعقیب اوست. ماداگاسکار

حرف ن

۱ ـ نسبت به همه چنان سلوک و رفتار کن که گویی از مهمان پذیرایی می کنی. چینی

۲ ـ نجات دادن یک انسان از مرگ، بسی بهتر از ساختن یک معبد هفت طبقه‌ای است. چینی

۳ ـ نصف پرتقال به اندازه تمام پرتقال خوشمزه است. چینی

۴ ـ نزدیک بود چهار زانو بنشینم (نزدیک بود زنم را طلاق بدهم). چینی

۵ ـ نیکی کن و در دریا انداز. تازی

۶ ـ نگذار زبانت گلویت را قطع کند. تازی

۷ ـ نگذار درختی را که به تو سایه می‌دهد قطع کنند. تازی

۸ ـ نیروی پرنده در بال‌های آن است و نیروی خرچنگ در چنگ‌هایش و نیروی حاکم در وزاریش. برنئو

۹ ـ نوکر پادشاه، پادشاه است. عبری

۱۰ ـ نظم در زندگی بهترین داروست. عبری

۱۱ ـ نوکر کسی باش که نانش را می‌خوری. عبری

۱۲ ـ نفس، موسیقی زندگی است. عبری

۱۳ ـ نیکی با سرعت حلزون مسافرت می کند ـ ولی «شر» بال دارد. عبری

۱۴ ـ نبوغ نابه‌هنگام، علامت کوتاهی عمر است. عبری

۱۵ ـ نمی‌توان دو شمشیر را در یک غلاف جای داد. عبری

۱۶ ـ نه سر می‌خواهم و نه دردسر. هندی

۱۷ ـ نوش خواهی نیش باید چشید. فارسی

۱۸ ـ نه شیر شتر، نه دیدار عرب. فارسی

۱۹ ـ ناز بر آن‌که خریدار تست. فارسی

۲۰ ـ نه سرم را بشکن نه گردو به دامنم بریز. فارسی

۲۱ ـ نه هر که به صورت خوشه و به سیرت نیکو. فارسی

۲۲ ـ نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود
مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد. فارسی

۲۳ ـ نه چندان بخور کز دهانت برآید
نه چندان که از ضعف جانت برآید. فارسی

۲۴ ـ نادان را به از خاموشی نیست. فارسی

۲۵ ـ ناکس به تربیت نشودای حکیم کس. فارسی

۲۶ ـ نفس را وعده دادن به طعام آسان‌تر است که بقال را به درم. فارسی

۲۷ ـ نه چندان درشتی کن که از تو سیر گردند و نه چندان نرمی که بر تو دلیر شوند. فارسی

۲۸ ـ نه هر چه به قامت مهتر، به قیمت بهتر. فارسی

۲۹ ـ نه هر که در مجادله چست، در معاله درست. فارسی

۳۰ ـ نامش را میار، خودش را بیار. آذربایجانی

۳۱ ـ ناخدا که دو تا شد کشتی غرق می‌شود. آذربایجانی

۳۲ ـ نامه طلائیت را، مسین مگردان. ترکی

۳۳ ـ نه به آن پرهیزت و نه به این ترشی کلم خوردنت. ترکی

۳۴ ـ نانت را روی آب انداز که چند روز بعد آن را پیدا خواهی کرد. کتب مقدس

۳۵ ـ نه آب‌ها می‌توانند آتش عشق را فرو نشانند و نه سیل‌ها آن را در خود غرق سازند. کتب مقدس

۳۶ ـ نابودی انسان در زبانش نهفته، از خودت محافظت نما که دچار چنین زیانی نشوی. کتب مقدس

۳۷ ـ ندانستن و خود را عالم نشان دادن رذیلت است. کتب مقدس

۳۸ ـ نیکی و خیرخواهی پدر، بلندتر از کوه است؛ نیکی و خیرخواهی مادر عمیق‌تر از دریاست. ژاپنی

۳۹ ـ نرم‌ترین چیزهای دنیا بر سخت‌ترین اشیاء غلبه می‌کند. شرقی(متفرقه)

۴۰ ـ نان بده و جان بخر. شرقی (متفرقه)

۴۱ ـ نه از خودت تعریف کن و نه بدگویی. اگر تعریف خودت را کردی کسی باورش نمی‌کند؛ اگر از خود بد گفتی بیش از آنچه اظهار داشتی، ترا بد خواهند پنداشت. شرقی (متفرقه)

۴۲ ـ نامهٔ دل از پنجره چشم خوانده می‌شود. اسپانیولی

۴۳ ـ مرد نیک، صدای وجدان را می‌شنود. اسپانیولی

۴۴ ـ ناسزاگویی را با ناسزاگویی دفع کردن به منزله کوشش به پاک کردن لجن با لجن است. اسپانیولی

۴۵ ـ نیکی کردن به اراذل به مثابهٔ ریختن آب در دریاست. اسپانیولی

۴۶ ـ نه ثروت زیاد و نه عقل زیاد، به صدای عقل گوش فرا نمی‌دهد. اسپانیولی

۴۷ ـ نخستین پله نردبان نادانی، خود را دانا انگاشتن است. اسپانیولی

۴۸ ـ نور برای دیگران می‌درخشد نه برای خودش. سوئدی

۴۹ ـ نه پای مصنوعی کار پا را انجام می‌دهد و نه زن پدر، کار مادر را. نروژی

۵۰ ـ نه جوجه داریم و نه دعوایی با روباه. آلبانی

۵۱ ـ نمی‌توان بدون سر و صدا هارمونی ایجاد کرد. آلبانی

۵۲ ـ نفرت بدتر از قتل است. آلبانی

۵۳ ـ نسبت به دو چیز انسان نباید خشم خود را نشان دهد: یکی نسبت به چیزهایی که در اختیارش هست دیگر نسبت به چیزهایی که در اختیارش نیست. انگلیسی

۵۴ ـ نیکی را در دیگران و بدی را در خودت جستجو کن. انگلیسی

۵۵ ـ نمی‌توان از پرواز پرندگان در بالای سرمان جلوگیری کرد ولی می‌توان مانع گردید آن‌ها روی موی سرمان لانه بسازند. سوئیسی

۵۶ ـ نباید سعی کنی کثافت را با کثافت از بین ببری. سوئیسی

۵۷ ـ نخستین روز عروسی غالباً آخرین روز عشق است. سوئیسی

۵۸ ـ نیک است دو دهان داشتن و با هر یک از آن‌ها با نفس خود صحبت کردن. اروپایی

۵۹ ـ نور نابینا را تعقیب می‌کند. ایتالیایی

۶۰ ـ «نمک» و «نصیحت» را تا از تو نخواهند مده. ایتالیایی

۶۱ ـ نود و نه طریقه برای ناخوش شدن وجود دارد و صد طریقه برای درمان. ایتالیایی

۶۲ ـ نیش مار و زبان زن، هر دو خطرناکند. ایتالیایی

۶۳ ـ نوکران باید بدانند که کی باید ندانند. لاتینی

۶۴ ـ نطق و بیان، هم افکار مردم را آشکار می‌کند و هم پنهان. لاتینی

۶۵ ـ نیکی کردن به‌مرد ناحق‌شناس به‌منزله ریختن گلاب در دریاست. لاتینی

۶۶ ـ نان به دنبال خورنده‌اش نمی‌رود. لاتویا

۶۷ ـ نسبت به مردم لئیم، لئیم باش. لاتینی

۶۸ ـ نفرت نزدیکترین قوم و خویش خیلی شدید است. لاتینی

۶۹ ـ نور پیدا می‌کند ولی ظلمت از دست می‌دهد. لتوانی

۷۰ ـ نان را به کسی بده که بلد است چطور آن را بخورد. مالت

۷۱ ـ نیکی کن و از یاد ببر؛ بدی کن و به خاطر داشته باش. مالت

۷۲ ـ نصیحت مانند داروست، هرچه بهتر باشد بد مزه‌تر است. مونتونگرویی

۷۳ ـ «نه» بگو و از صد مصیبت بر حذر باش. مونتونگرویی

۷۴ ـ ناحق‌شناسی مقبره عشق است. پرتقالی

۷۵ ـ نان پدر است و آب مادر. روسی

۷۶ ـ نان و نمک هرگز با هم دعوا نمی‌کنند. روسی

۷۷ ـ نیمه گرسنه از خوان برخیز و وقتی که نیمه مست شدی از نوشیدن احتراز کن. روسی

۷۸ ـ نسبت به زنی که فقط از عصمت خود سخن می‌گوید بدگمان باش. روسی

۷۹ ـ نامزدی طولانی ـ عروسی کوتاه. یوگسلاوی

۸۰ ـ نه عسل باش، نه زهر. یوگسلاوی

۸۱ ـ نان عصای زندگی است ولی پودینگ می‌تواند چوب زیر بغل برای تو بشود. یوگسلاوی

۸۲ ـ نانت پخته است؛ حالا می‌توانی کمر بندت را بیاویزی (نانش توی روغن است). یوگسلاوی

۸۳ ـ نوکرها را بنگر و ارباب را بشناس. بلغارستانی

۸۴ ـ نیم قرص نان بهتر از هیچ است. جزایر انگلیس

۸۵ ـ نعمت صحت، به از ثروت بود. جزایر انگلیس

۸۶ ـ نادانی، مهمان ناحق‌شناسی است. چک

۸۷ ـ نمی‌تواند تخم بگذارد ولی قدقد کردن را بلدست. دانمارکی

۸۸ ـ نفرت و ثروت را آسان‌تر از عشق و فقر می‌توان پنهان کرد. دانمارکی

۸۹ ـ نفرت محصول مزرعه را از بین می‌برد و حسادت ماهی دریا را. استونی

۹۰ ـ نو کهنه را بیرون می‌کند (نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار). استونی

۹۱ ـ نفع و ضرر برادران دوقلو هستند. استونی

۹۲ ـ نشستن در آتش با شلوار دیگری، کار سهل و ساده‌ای است. فنلاندی

۹۳ ـ نصف آرد شیطان عبارت از پوشال است. فرانسوی

۹۴ ـ نبوغ یعنی بردباری. فرانسوی

۹۵ ـ نبوغ زن در قلبش نهفته است. فرانسوی

۹۶ ـ نصف زندگی طی شده است قبل از اینکه بفهمیم زندگی چیست. فرانسوی

۹۷ ـ نیمه اول زندگی صرف انتظار کشیدن برای نیمه دوم می‌شود؛ نیمه دوم صرف حسرت خوردن بر نیمه اول می‌گذرد. فرانسوی

۹۸ ـ نصف دنیا از افترا زدن لذت می‌برد، و نصف دیگرش از باور کردن آن. فرانسوی

۹۹ ـ نسبت به زنی که از عفت خود صحبت می‌کند بدگمان باش. فرانسوی

۱۰۰ ـ نیکی زودتر از هر چیز دیگر پیر می‌شود. فرانسوی

۱۰۱ ـ نمی‌توان در آن واحد هم به آسیاب رفت و هم سر تنور. فرانسوی

۱۰۲ ـ نرسیدن خبر، علامت خوش‌خبری است. فرانسوی

۱۰۳ ـ نیک‌نامی از کمربند زرین بهتر است. فرانسوی

۱۰۴ ـ نسبت به خودت دوست باش تا دیگران هم با تو به همین شیوه سلوک کنند. آلمانی

۱۰۵ ـ نظم آهنین بهتر از هرج و مرج زرین است. آلمانی

۱۰۶ ـ نور از همان منبع می‌آید که سایه. آلمانی

۱۰۷ ـ نزاع کوچک، عشق را تر و تازه می‌کند. آلمانی

۱۰۸ ـ نمک فقط به درد نمک زدن می‌خورد. آلمانی

۱۰۹ ـ نخستین قدم دشوارترین قدم است. آلمانی

۱۱۰ ـ نباید در چاهی که از آن آب می‌خوری سنگ بیندازی. آلمانی

۱۱۱ ـ نخستین مرحله حماقت آن است که انسان خود را دانا بداند. یونانی

۱۱۲ ـ نخستین شب ازدواج غالباً آخرین شب عشق است. سیلزی

۱۱۳ ـ نام دیگر «حقیقت» وجدان است. اتازونی

۱۱۴ ـ نبوغ عبارت است از یک رکن، الهام و چهار رکن، عرق ریختن. اتازونی

۱۱۵ ـ نگذارید شلوارتان به پوتین‌تان بخندد. کانادایی

۱۱۶ ـ نصف جهان بر نصف دیگر جهان می‌خندد و من به هر دو می‌خندم. کوبا

۱۱۷ ـ نیرنگ بهتر از زور است. نگرویی

۱۱۸ ـ نژاد افریقایی توپی است که از لاستیک ساخته شده است: هر چه محکم‌تر بر زمینش بکوبی، بالاتر می‌رود. بانتو

۱۱۹ ـ نخستین فرزند، رفیق پدرش باشد. ترانسوال

۱۲۰ ـ نفرت دوا ندارد. ساحل طلا

۱۲۱ ـ نابینا می‌گوید که چشم، بد بوست. نیجریای شمالی

۱۲۲ ـ نیرنگ‌های زن (که بر مردها آشکار شده است) ۹۹ تا است و صدمین را حتّی شیطان کشف نکرده است. — نیجریای شمالی

۱۲۳ ـ نیرومندی مانع مرگ یک انسان نمی‌شود. — کیکویو

۱۲۴ ـ نیکی هرگز گم نمی‌شود. — کنگوی بلژیک

۱۲۵ ـ نگذار قلبت بر ثروت تکیه کند. — ماداگاسکار

حرف و

۱ ـ وقتی که با مردی دوست شدید، حتّی آب خانه‌اش شیرین می‌شود. چینی

۲ ـ وقتی که‌تلخی، مصیبت و محنت تمام می‌شود. شیرینی‌خوشبختی فرا می‌رسد. چینی

۳ ـ وقتی که مانع شوید اشعه خورشید از پنجره داخل اطاق بیاید، پزشک از در وارد اطاق شما خواهد شد. چینی

۴ ـ وقتی که پرواز خیلی بلند نباشد، سقوط هم بسیار شدید نخواهد بود. چینی

۵ ـ وقتی که یک برگ حرکت کند تمام شاخه‌ها تکان می‌خورند. چینی

۶ ـ وقتی که دایم شیر را هم بزنی، کره بدست می‌آید. چینی

۷ ـ وقتی که انسان تیره روز است حتّی طلا تیره و تار می‌گردد ولی وقتی که شادمان و خوشبخت است حتّی آهن می‌درخشد. چینی

۸ ـ ولو بوزینه را سوار بر اسب کنی، دست و پایش هم‌چنان دارای مو خواهد بود. چینی

۹ ـ وقتی که ماهی در رودخانه نباشد، میگو ارزش پیدا می‌کند. چینی

۱۰ ـ وقتی که از جوی می‌نوشی بیاد چشمه باش. چینی

۱۱ ـ وقتی که درخت بر زمین می‌افتد دیگر از خود سایه نمی‌اندازد. چینی

۱۲ ـ وقتی که باد می‌وزد علف خم می‌شود (یعنی زیردستان از زبردستان تقلید می‌کنند). چینی

۱۳ ـ وقتی که علف بلند را قطع کنی گرگ ظاهر می‌شود. چینی

۱۴ ـ وجدان اگر زخمی شد خوب شدنی نیست. چینی

۱۵ ـ وقتی که خشم سخن می‌گوید، خردمندی صورتش را می‌پوشاند. چینی

۱۶ ـ وقتی که متهم قاضی شود فاتحه قانون خوانده شود. چینی

۱۷ ـ وقتی که با گرگان هستی باید مانند گرگان زوزه بکشی. چینی

۱۸ ـ وجدان نماینده خداست در وجود آدمی. تازی

۱۹ ـ وطن، مادر دوم است. تازی

۲۰ ـ وای بر دانایی که میان دو نادان گرفتار شود. تازی

۲۱ ـ وقتی که ریش پسرت درآمد، ریش خودت را بتراش. تازی

۲۲ ـ وقتی که تقدیر فرا می‌رسد، پزشک کور می گردد. تازی

۲۳ ـ وقتی که کسی هدیه‌ای روی الاغ بیاورد، هدیه روی شتر دریافت میکند. تازی

۲۴ ـ وقتی که قاطر قاضی می‌میرد همه به تشییع جنازه‌اش می‌روند ولی وقتی که خود قاضی می‌میرد هیچ کس به تشییع جنازه‌اش نمی‌رود. تازی

۲۵ ـ وقتی که عقل زیاد می‌شود، نطق و بیان کم می گردد. تازی

۲۶ ـ وقتی که تیر راستی را پرتاب می کنی، اول آن را در عسل فرو کن. تازی

۲۷ ـ وای بر آن مردی که محنت و مصیبتش زن اوست. تازی

۲۸ ـ وقتی که دهانت را باز می کنی چشمانت را هم باز کن. ارمنی

۲۹ ـ ولو کلاغ را در گلاب بشویی آیا تصور می کنی پرهایش سفید خواهد شد؟ برنئو

۳۰ ـ وقتی که شهری آتش می گیرد می‌توان دودش را دید ولی وقتی که قلبی آتش می گیرد هیچ کس خبردار نمی‌شود. برنئو

۳۱ ـ وقتی که عاقل خشمگین می‌شود دیگر عاقل نیست. عبری

۳۲ ـ وقتی که گاو می‌افتد، بر تعداد قصابان افزوده می‌شود. عبری

۳۳ ـ وقتی که درد تو را می‌بوسد، دندان‌هایت را بشمار. عبری

۳۴ ـ وام بده و برای خود دشمن بتراش. عبری

۳۵ ـ وام بده و دعوا بخر. عبری

۳۶ ـ وقتی که به مرضی سخت مبتلا می‌شوی، نان و پیاز بخور. عبری

۳۷ ـ وقتی که عسل نیست، شیره قند بده. عبری

۳۸ ـ وقتی که آفتاب طلوع می کند، بیماری برطرف می‌شود. عبری

۳۹ ـ وقتی که با بدبختی روبرو می گردی حتّی عصبانیت تبدیل به مار می‌شود. عبری

۴۰ ـ وقتی که چشم‌ها بسته می‌شود، دنیا تاریک است. هندی

۴۱ ـ وقتی که مرد فقیر ثروتمند می‌شود ستارگان را در نیمروز می‌بیند. هندی

۴۲ ـ وای بر آن شهری که پای پزشکانش دچار نقرس است. هندی

۴۳ ـ ولو خاری که در پایت فرو رفته ناچیز و کوچک باشد آن را بیرون بیار. هندی

۴۴ ـ وقتی که خدا هلاکِ مورچه را اراده می‌کند، به او بال می‌دهد. فارسی

۴۵ ـ وقتی که بر لئیم وارد می‌شوی روزه‌داری را بهانه کن. فارسی

۴۶ ـ وفاداری مدار از بلبلان چشم فارسی

که هر دم بر گل دیگر سرایند.

۴۷ ـ وانکس که نکو گفت هم او خود نیکوست. فارسی

۴۸ ـ ولو صد ماما جمع شوند، باز هم زحمت زایمان را زائو متحمل می‌شود. آذربایجانی

۴۹ ـ وقار، لنگر مرد است. آذربایجانی

۵۰ ـ وقتی که خدا می‌دهد نمی‌پرسد: «پسر کیستی»؟ آذربایجانی

۵۱ ـ وقتی که یک مرد گرسنه با یک زن گرسنه همبستر می‌شود، یک گدا به دنیا می‌آید. ترکی

۵۲ ـ وام تبسم کنان می‌رود و گریان می‌آید. ترکی

۵۳ ـ وقتی رشوه از در وارد می‌شود، عدالت از پنجره فرار می‌کند. ترکی

۵۴ ـ وقتی زن مویش سفید می‌شود، تازه به فرک عشوه می‌افتد. ترکی

۵۵ ـ ولو به سگ صندل به مالی باز دنبال سگ ماده خواهد رفت. کتب مقدس

۵۶ ـ وقتی که سالخورده می‌شوی از اطفالت اطاعت کن. ژاپنی

۵۷ ـ وقتی که از اخلاق یک مرد سر در نمی‌آوری به دوستانش نگاه کن. ژاپنی

۵۸ ـ وقتی که خرس پیر می‌شود، بازیچهٔ توله‌هایش می‌گردد. کردی

۵۹ ـ وقتی که مار کشتی، عصایت را مشکن. مالایا

۶۰ ـ وقتی که خدا شیطان را در جهنم زندانی کرد، زن را آفرید تا در دنیا جای شیطان را بگیرد. مالایا

۶۱ ـ ولو دشمنتان یک طناب لیفی باشد، او را افعی بخوانید. افغانی (پشتو)

۶۲ ـ وقتی که عشق و شیفتگی از دل برخیزد، زیبایی به حساب نمی‌آید. افغانی (پشتو)

۶۳ ـ وقتی که از پا در می‌افتی نزد همه منفور می‌شوی. شرقی (متفرقه)

۶۴ ـ وقتی که گرگ تنهاست، شیر می‌شود. شرقی (متفرقه)

۶۵ ـ وقتی که با گرگ شام می‌خوری سگت را هم پهلویت نگهدار. شرقی (متفرقه)

۶۶ ـ وقتی که زنبور می‌مکد، آنچه مکیده است تبدیل به شهد می‌شود. شرقی (متفرقه)

۶۷ ـ وقتی عنکبوت می‌مکد، آنچه مکیده است تبدیل به سم می‌شود. اسپانیولی

۶۸ ـ وام‌ها مانند کودکانند، هر چه کوچکتر باشند بلندتر جیغ می‌کشند. اسپانیولی

۶۹ ـ وفاداری سگ تا پایان عمر وفاداری زن تا اولین فرصت دوام دارد. اسپانیولی

۷۰ ـ وقتی که یک در بسته می‌شود، صد در باز می‌گردد. اسپانیولی

۷۱ ـ وقتی که متخلفین جمع می‌شود، شیطان می‌رود که شام بخورد. اسپانیولی

۷۲ ـ ولو گوینده احمق باشد، ممکن است شنونده عاقل باشد. اسپانیولی

۷۳ ـ وقتی شیر مرده است شغال هم دم او را می‌کشد. اسپانیولی

۷۴ ـ وقتی چیزی دادی گنگ باش و وقتی که چیزی گرفتی حرف بزن. اسپانیولی

۷۵ ـ وقتی که شیطان شروع به موعظه می‌کند، دنیا به پایان خواهد رسید. اسپانیولی

۷۶ ـ وصیت‌نامه خطرناک‌تر از پزشک است بسیاری از افراد بیشتر در اثر نوشتن وصیت‌نامه مرده‌اند تا به علت بیمار بودن. اسپانیولی

۷۷ ـ وقتی که آب و آتش می‌جنگند همیشه آب است که پیروز می‌شود. اسپانیولی

۷۸ ـ وقتی که مرد کور، مرد چلاق را بر دوش می‌کشد هر دو رو به جلو می‌روند. سوئدی

۷۹ ـ وقتی که یک چرخ در ساعت می‌ایستد تمام چرخ‌ها می‌ایستند. سوئدی

۸۰ ـ وقتی که انسان سقوط می‌کند، تمام دنیا از رویش می‌گذرد. سوئدی

۸۱ ـ وقتی که چشمان با کیف پول به بازار می‌روند، شکم باید خود را برای روزه آماده کند. سوئدی

۸۲ـ وقتی که شوربا می‌بارد، بینوا قاشق ندارد. سوئدی

۸۳ ـ وقتی که گوشت در زنبیل از سقف آویزان باشد، گربه حیوان شرافتمند و درستکاری است. سوئدی

۸۴ـ وقتی که خورشید طلوع می کند، دیگر کسی به ماه توجه ندارد. نروژی

۸۵ـ وقتی که رفیق نداری با عصای خود مشورت کن. آلبانی

۸۶ـ وقتی که انجیر در کیسه‌ات هست همه می‌خواهند دوستت شوند. آلبانی

۸۷ـ وقتی که با یک یونانی دست می‌دهی انگشتانت را بشمار. آلبانی

۸۸ ـ وجود یک همسایه در آن‌ور دیوار بهتر از وجود برادر در آن دوردست‌هاست. آلبانی

۸۹ـ وقتی که گرگ شروع می کند به موعظه، مواظب مرغهایت باش. باسک

۹۰ ـ وقتی که مورچه بال پیدا می کند سرش را از دست می‌دهد. بوسنی

۹۱ ـ وقتی که مردم از کسی تعریف می کنند، کم‌تر کسی هست که باور کند ولی وقتی که از کسی بدگویی کنند، همه باورش می‌نمایند. بوسنی

۹۲ـ وجود امثال در گفتگو به مثابهٔ وجود مشغل در ظلمت است. بوسنی

۹۳ـ وقتی در شهر رم هستی مانند رومیان سلوک کن. انگلیسی

۹۴ ـ وقتی که یک زن دوبار شوهر می کند علتش نفرتی است که از شوهر قبلی خود داشته و زمانی که مردی دوباره زن می گیرد به واسطه علاقه‌ایست که به زن خود داشته است. انگلیسی

۹۵ـ وقت مانند مد دریا، برای کسی منتظر نمی‌ماند. انگلیسی

۹۶ـ وجدان یگانه محکمه‌ایست که در آن به وکیل دادگستری احتیاجی نیست. انگلیسی

۹۷ـ وقتی که چشم‌ها نابینا باشد عینک به درد نمی‌خورد. سوئیسی

۹۸ـ وقتی که در دل آتش باشد از کله دود بلند می‌شود. سوئیسی

۹۹ـ وقتی که زبان می‌لغزد، حرف راست را می‌زند. سوئیسی

۱۰۰ ـ وقتی که تلخی در دل باشد، هیچ شکری دهن را شیرین نمی کند. اروپا

۱۰۱ ـ وقتی که گریه می‌کنید همه می‌بینند، ولی وقتی که گریه نمی‌کنید هیچ کس نمی‌بیند. اروپا

۱۰۲ ـ وقتی که دیوار همسایه‌ات فرو می‌ریزد، دیوار خودت در خطر است. اروپا

۱۰۳ ـ وجدان مانند غلغلک است: بعضی‌ها از آن می‌ترسند و برخی نمی‌ترسند. ایتالیایی

۱۰۴ ـ وقتی که بچه‌ها کوچکند مایهٔ دردسرند، وقتی که بزرگ می‌شوند دل را به درد می‌آورند. ایتالیایی

۱۰۵ ـ وقتی که گرسنگی سوار می‌شود، غرور پیاده می‌گردد. ایتالیایی

۱۰۶ ـ وقتی که خانه همسایه‌ات آتش گرفته، به خانه خودت آب حمل کن. ایتالیایی

۱۰۷ ـ وقتی که می‌خوابم تنها به خاطر خودم می‌خوابم، ولی وقتی کار می‌کنم نمی‌دانم برای که کار می‌کنم. ایتالیایی

۱۰۸ ـ وقتی که آفتاب روی سرت بتابد، دربند مهتاب مباش. ایتالیایی

۱۰۹ ـ وجدان به اندازه هزار شاهد خوب و با ارزش است. ایتالیایی

۱۱۰ ـ وقتی که بیماری مهلک است، پزشک کور می‌شود. ایتالیایی

۱۱۱ ـ وقتی که دچار شک و تردید هستی به هیچ گونه اقدامی دست مزن. لاتینی

۱۱۲ ـ وای بر آن شهری که قیمت ماهی در آن بیش از قیمت گاو نر است. لاتینی

۱۱۳ ـ وقتی که طلا حرف می‌زند، حرف زدن بی‌فایده است. لاتینی

۱۱۴ ـ وارثِ وارثِ من، وارث من است. لاتینی

۱۱۵ ـ وقتی که گوش گرگ را دیدی به زودی دمش را هم خواهی دید. لاتینی

۱۱۶ ـ وقتی که مزیتی بدست می‌آید قدرش دانسته نمی‌شود. لاتینی

۱۱۷ ـ وقتی که انسان مریض است، فکرش هم مریض است. مونتونگرویی

۱۱۸ ـ وقتی که فقر خوابیده است، بیدارش مکن. لهستانی

۱۱۹ ـ وصیت‌نامه یک مرده، آینه زندگی اوست. لهستانی

۱۲۰ ـ وقتی که مار می‌میرد، زهرش هم می‌میرد. پرتقالی

۱۲۱ ـ وقتی که خورشید طلوع می‌کند، برای همه طلوع می‌کند. پرتقالی

۱۲۲ ـ وقتی که ارباب غیبش بزند موش‌ها روی میز سرگرم بازی می‌شوند. رومانی

۱۲۳ ـ وقتی که بار الاغ سبک باشد، میل پیدا می کند که روی زمین دراز بکشد. روسی

۱۲۴ ـ وقتی که خشم وِ انتقام با هم عروسی می کنند، بیرحمی متولد می‌شود. روسی

۱۲۵ ـ وقتی که دختر به دنیا می‌آید هر چهار دیوار می گریند. روسی

۱۲۶ ـ وقتی که یک یهودی را غسل تعمید می‌دهی، او را زیر آب نگاه بدار. روسی

۱۲۷ ـ وقتی که طلا روی سطح ظاهر می‌شود، حتّی حقیقت غرق می گردد. روسی

۱۲۸ ـ وقتی که تزار مبتلا به زکام می‌شود، تمام روسیه عطسه می کند. روسی

۱۲۹ ـ وقتی که تزار مبتلا به آبله می‌شود، تمام امپراطوری آبله‌رو می گردد. روسی

۱۳۰ ـ وقتی که مصیبت خفته است، بیدارش مکن. روسی

۱۳۱ ـ وقتی پول حرف می‌زند، حقیقت، سکوت اختیار می کند. روسی

۱۳۲ ـ وقتی سوزن خنجر را می‌بیند فریاد می‌زند: «برادر من». روسی

۱۳۳ ـ وقتی که پرستار هفت تا شد، بچه چشمش را از دست می‌دهد. روسی

۱۳۴ ـ وقتی شیطان ضعیف می‌شود، یک زن را به نمایندگی خود می‌فرستد. روسی

۱۳۵ ـ وقتی انسان خودش خوب نباشد میل دارد از بدی‌ها و عیب‌های دیگران سخن گوید. یوگسلاوی

۱۳۶ ـ وام رفیق بدی است. یوگسلاوی

۱۳۷ ـ وقتی که ناقوس‌های بزرگ به صدا در می‌آید صدای زنگ‌های کوچک شنیده نمی‌شود. یوگسلاوی

۱۳۸ ـ وقتی که انبار پر است می‌توانی خرمنت را جلو در بکوبی. اسکاتلندی

۱۳۹ ـ واژگون کردن گاری یک انسان تیره روز، آسان است. اسکاتلندی

۱۴۰ ـ وقتی که دل پر است، زبان به سخن می آید. اسکاتلندی

۱۴۱ ـ وجدان آشیانه‌ای است که در آن هر نوع خوبی رشد و پرورش می‌یابد. ولز

۱۴۲ ـ وقتی که در صدد برمی‌آیی سگت را بکشی، او را سگ دیوانه می‌خوانی. ولز

۱۴۳ ـ وای بر کسی که بر یک بیگانه اعتماد می‌کند. ولز

۱۴۴ ـ وقتی که پیمانه پر می‌شود، لبریز می‌گردد. جزایر انگلیس

۱۴۵ ـ وظیفه هرکس است که دیگران را سعادتمند گرداند. جزایر انگلیس

۱۴۶ ـ وقتی که خانه همسایه‌ات آتش گرفت، مواظب خانه خودت باش. جزایر انگلیس

۱۴۷ ـ وقتی که گربه نیست، موشان می‌رقصند. جزایر انگلیس

۱۴۸ ـ وقتی که پرنده‌ای گرفتار می‌شود، آوازهای خوبی برایش خوانده می‌شود. دانمارکی

۱۴۹ ـ وام‌های پرداخت نشده گناهان نابخشوده شده‌اند. دانمارکی

۱۵۰ ـ وقتی که شوربا می‌بارد گدا قاشق ندارد. دانمارکی

۱۵۱ ـ وام خیلی از افراد را بالا می‌برد و خیلی‌ها را هم زمین می‌زند. دانمارکی

۱۵۲ ـ وقتی که یک در بسته می‌شود، در دیگر باز می‌گردد. دانمارکی

۱۵۳ ـ وقتی که در دل جا باشد، در خانه هم جا هست. دانمارکی

۱۵۴ ـ وقتی که شمشیر در دهان است، باید غلاف را نوازش کنی. دانمارکی

۱۵۵ ـ وقتی که حقیقت با دروغ روبرو می‌شود، دروغ صدمه می‌بیند. دانمارکی

۱۵۶ ـ ولو طلا ببارد، عاشق هرگز ثروتمند نمی‌شود. دانمارکی

۱۵۷ ـ وقتی که به بستر خواب می‌روم، تشویش‌ها و ناراحتی‌های خود را در لباس‌هایم رها می‌کنم. هلندی

۱۵۸ ـ وجدان بد در آن واحد تهمت زننده، قاضی، شاهد و به دارزننده است. هلندی

۱۵۹ ـ وقتی که زن آدم می‌شود، تبدیل به شیشه می‌گردد. هلندی

۱۶۰ ـ وقتی که دوستی دوست دیگر از بشوید، هر دو تمیز می‌گردند. هلندی

۱۶۱ ـ وقتی که شاه ماهی روی زمین باشد، کار پزشک تق و لق است. هلندی

۱۶۲ ـ وجدان پاک، تشکی است نرم. هلندی

۱۶۳ ـ وقتی که زنی مردی را دوست دارد نه تنها از او می‌ترسد بلکه از هر زنی که بدو نزدیک می‌شود، هراسان است. هلندی

۱۶۴ ـ وام همیشه تازه است. هلندی

۱۶۵ ـ وجدان خوب صدای خداست. استونی

۱۶۶ ـ وقتی که پول سخن می گوید دنیا خاموش می نشیند. استونی

۱۶۷ ـ وقتی که مادر می‌میرد، پدر کور می شود. استونی

۱۶۸ ـ وکیل خوب، همسایه بد است. فرانسوی

۱۶۹ ـ وقتی که غرور از جلو گام برمی‌دارد، بدبختی از پشت می آید. فرانسوی

۱۷۰ ـ وقتی که عقل روی کار می آید، احساسات لگد مال می شود. فرانسوی

۱۷۱ ـ وقتی که رذایل ما را ترک می کنند ما به خود لاف می‌زنیم که خودمان آنها را ترک کرده‌ایم. فرانسوی

۱۷۲ ـ وجود چرخ پنجم در یک واگن بیشتر آن را از حرکت باز می‌دارد تا این که به حرکتش کمک کند. فرانسوی

۱۷۳ ـ وقتی که گوی و چوگان دارید به زودی بازی کنندگانش را هم پیدا خواهید کرد. آلمانی

۱۷۴ ـ وقتی که شخص به رختخواب می‌رود، باید ناراحتی‌هایش را توی کفشش رها کند. آلمانی

۱۷۵ ـ ویرانی فقط از دری وارد می‌شود که برای دخولش بازگذاشته شده است. آلمانی

۱۷۶ ـ وقتی که کبوتر با زاغ پرواز می کند، پرهایش همچنان سفید می‌ماند ولی دلش سیاه می گردد. آلمانی

۱۷۷ ـ وفاداری، خواهر عشق است. آلمانی

۱۷۸ ـ وقتی که انسان خوشبخت است صدای زنگ‌ساعت را نمی‌شنود. آلمانی

۱۷۹ ـ وقتی که دست و پا بسته می‌شود، زبان تندتر می‌دود. آلمانی

۱۸۰ ـ وقتی که یک نفر، یک نفر دیگر را کمک می کند هر دو نیرومند می‌شوند. آلمانی

۱۸۱ ـ وقتی که آتش عشق خاموش می‌شود، شخص خاکستر را پیدا می‌کند نه طلا. آلمانی

۱۸۲ ـ وقتی خدا می‌خواهد کسی را مجازات کند به فکرش می‌اندازد که ازدواج کند. آلمانی

۱۸۳ ـ وقتی که تواضع به مجلس رقص می‌رود، در کفش‌های شیشه‌ای می‌رقصد. آلمانی

۱۸۴ ـ ولو نتوانی بالای کوه بروی، در دره نمان. آلمانی

۱۸۵ ـ وقتی که احتیاج در می‌زند، عشق در را بازکرده خارج می‌گردد. آلمانی

۱۸۶ ـ وقتی که دهقان اعیان می‌شود، به زمین تخم زده با عینک نگاه می‌کند. آلمانی

۱۸۷ ـ وقتی که سراغ طبیب می‌روی سراغ قاضی هم برو، تا وصیت‌نامه‌ات را تهیه کند. آلمانی

۱۸۸ ـ وقتی که نقره حرف می‌زند همه به حرف‌هایش گوش می‌دهند، وقتی که طلا حرف می‌زند حتّی خردمندان به او گوش می‌دهند. آلمانی

۱۸۹ ـ وقتی که پیرمرد، زن جوان می‌گیرد، اجل می‌خندد. آلمانی

۱۹۰ ـ وقتی که زنی می‌میرد یک مرافعه در دنیا کم می‌شود. آلمانی

۱۹۱ ـ وقتی که مردان همدیگر را ملاقات می‌کنند به همدیگر گوش می‌دهند، وقتی که زنان یکدیگر را ملاقات می‌کنند به همدیگر نگاه می‌کنند. آلمانی

۱۹۲ ـ وقتی که خرس در چند قدمی توست، به آثار پایش نگاه مکن. یونانی

۱۹۳ ـ وقتی که طنابی زیاد کشیده شود، قطع می‌گردد. یونانی

۱۹۴ ـ وقتی که می‌میرم، دنیا هم می‌میرد. طبرستانی

۱۹۵ ـ وام‌ها رفقای بدی هستند. طبرستانی

۱۹۶ ـ ولو دشمنت مانند مورچه باشد، از او هم‌چنان بر حذر باش که از شیر دوری می‌کنی. طبرستانی

۱۹۷ ـ وقتی که سر مرتکب گناه می‌شود، دم مکافاتش را متحمل می‌شود. طبرستانی

۱۹۸ ـ وقتی که پول از دست برود، چیز مختصری از دست رفته است. وقتی که وقت از دست برود، همه چیز از دست رفته است. سیلزی

۱۹۹ ـ وقتی که گرگی تعقیبت می کند، گراز نر را عمو خواهی خواند. اسلواکی

۲۰۰ ـ وام گیران باید زیاد دروغ بگویند. مجارستانی

۲۰۱ ـ وکلاء مانند درشکه‌چی‌ها نیستند، آن‌ها انعام‌شان را قبل از حرکت می گیرند. اتازونی

۲۰۲ ـ وقتی که رودخانه صدا می کند، علامت آن است که سنگ با خود حمل می کند. کلمبیا

۲۰۳ ـ وجود درد در استخوان بهتر از وجود درد در قلب است. کوبا

۲۰۴ ـ وقتی که خورشید طلوع می کند برای همه طلوع می کند. کوبا

۲۰۵ ـ وقتی که طعمه گران‌تر از ماهی تمام شود، موقع آن است که صید ماهی را ترک گوییم. نگرویی (امریکایی)

۲۰۶ ـ وقتی که می‌بینی ریش همسایه‌ات آتش گرفته است، آب بردار و ریش خودت را تر کن. نگرویی (امریکایی)

۲۰۷ ـ وقتی که گربه می‌رود، موش‌ها مجلس رقص تشکیل می‌دهند. نگرویی

۲۰۸ ـ وقتی که ابر می‌آید خورشید غروب نمی کند. نگرویی

۲۰۹ ـ وقتی که سوسک حمام سور می‌دهد، از ماکیان اجازه نمی گیرد. نگرویی

۲۱۰ ـ وقتی که قاضی، جوجه‌ها باشند، با سوسک حمام هرگز منصفانه رفتار نمی‌شود. نگرویی

۲۱۱ ـ وقتی که به کشوری می‌روی که همه در آن با یک پا می‌رقصند تو هم با یک پا برقص. نگرویی

۲۱۲ ـ وقتی که مرد بینوا مقروض می‌شود، حتّی سگ و گربه هم خبردار می‌شوند. نگرویی

۲۱۳ ـ وقتی که چشم می‌بیند زبان حرف می‌زند. نگرویی

۲۱۴ ـ وقتی که با دوستانت دعوا می کنی، خواهی فهمید که آن‌ها چقدر از اسرارت باخبرند. نگرویی

۲۱۵ ـ وقتی که اسب می‌میرد، الاغ چاق می‌شود. نگرویی

۲۱۶ ـ وقتی که به تو کله گاو را می‌دهند که بخوری، از چشم‌هایش مترس. نگرویی

۲۱۷ ـ وقتی را که تلف کرده‌ای مانند پولی است که از سوراخ جیبت افتاده است. نگرویی

۲۱۸ ـ وقتی که روابط دوستانه داری، دعواهایت را به طریق دوستانه حل و فیصله بده، موقعی که در حال جنگ و جدال هستی صدماتی که به تو رسیده با عنف و شدت تلافی کن. استرالیایی و جزایراقیانوسیه

۲۱۹ ـ وقتی که فصل برداشتن محصول خرما می گذرد، همه‌کس به مسخره کردن درخت خرما می‌پردازد. حبشه‌ای

۲۲۰ ـ وقتی که بوزینه دستش به موز نمی‌رسد می گوید موز ترش است. بامبارا

۲۲۱ ـ وام، نعش نیست. بانتو

۲۲۲ ـ وقتی که مار ترا می گزد، حتّی از یک کرم فرار می کنی. لیبریا و نیجریا

۲۲۳ ـ وقتی که کیسه پر می‌شود آن را تنها رها کن. ترانسوال

۲۲۴ ـ وقتی که پرنده‌ای زیاد خودش را باد بزند، با بال‌هایش به چشم خود آسیب می‌رساند. ترانسوال

۲۲۵ ـ وجود ابر همیشه دلیل آمدن باران نیست، ولی هر کجا دود هست آنجا آتشی باید وجود داشته باشد. ترانسوال

۲۲۶ ـ وقتی شتر دولا می‌شود، بار الاغ را به دوشش بار کنید. مصری

۲۲۷ ـ ولو یک بوزینه مشغول سلطنت باشد، بزیر پایش بیفت. مصری

۲۲۸ ـ وقتی که به خانه‌ات نزدیک شدی، بار سبک می‌شود. کنیا

۲۲۹ ـ وقتی که گوشت دو قطعه باشد، مگس مشوش می‌شود. نیجریای شمالی

۲۳۰ ـ وقتی که دل انجام کاری را به عهده می گیرد، بدن بردهٔ آن می‌شود. نیجریای شمالی

۲۳۱ ـ وقتی که کسی غذا می‌خورد، ریش خودش می‌جنبد نه ریش دیگری. هو

۲۳۲ ـ وقتی که درختی به تنهایی در برابر باد مقاومت می کند، می‌شکند (یعنی قوت در اتحاد است). هو

حرف ه

۱ ـ هنگامی که برادران با هم کار کنند، کوه مبدل به طلا می‌شود. چینی

۲ ـ هرچه یک فنجان بیشتر لبریز باشد، زودتر می‌ریزد. چینی

۳ ـ هرچه انسان فقیرتر باشد به شیاطین بیشتری بر می‌خورد. چینی

۴ ـ هر چه بیشتر غذا بخورید کم‌تر مزه خواهد داشت، و هر چه کم‌تر بخورید، بیشتر مزه خواهد کرد. چینی

۵ ـ هیچ‌وقت بیش از زمانی که سر و کارمان با احمق است، احتیاج به هوش زیاد نداریم. چینی

۶ ـ هنگامی که واگن‌های اقبال خوب راه می‌افتد، حسد روی چرخ‌هایش آویخته می گردد. چینی

۷ ـ همه مردان بزرگ در زیر دانایی خود، دارای دل کودک هستند. چینی

۸ ـ هر اصلی دروازه‌ای دارد و هر دروازه خدایی. چینی

۹ ـ هرچه به دشمن نزدیک‌تر می گردیم، به همان نسبت شیردل ما به گوسفند تبدیل می‌شود. چینی

۱۰ ـ هنگامی که فساد به اوج می‌رسد، قدرت به خودنمایی می‌پردازد. چینی

۱۱ ـ هرقدر به شمارهٔ قوانین افزوده شود به همان نسبت عده تبهکاران رو به افزایش می گذارند. چینی

۱۲ ـ هیچ چشمی مثل دانایی نیست و هیچ چیز وحشتناک‌تر از مرگ نیست. چینی

۱۳ ـ هنگامی که تیرگی فضا را فرا می گیرد، دیگر خورشید نمی‌درخشد ولی آیا کسی رنگ‌های قوس‌قزح را فراموش می کند. چینی

۱۴ ـ هیچ‌چیز به اندازهٔ بردباری آکنده از پیروزی نیست. چینی

۱۵ ـ هرچه بو خوش‌تر باشد مگس‌های زشتتری اطراف بطری پرواز می کنند. چینی

۱۶ ـ همه‌کس مجبور است به اراذل کمک کند. چینی

۱۷ ـ هیچ لازم نیست کسی از کسی انتقام بگیرد، زیرا سرانجام روزگار جسد دشمن را کنار در خانه‌اش خواهد افکند. چینی

۱۸ ـ همیشه دزدی وجود دارد که دزد دیگر را غارت می‌کند. چینی

۱۹ ـ هرچه تعداد نوکران کم‌تر باشد، نوع خدمت بهتر خواهد بود. چینی

۲۰ ـ هرچه یک برده پست‌تر باشد، ارباب بی‌رحم‌تری خواهد گردید. چینی

۲۱ ـ هرچه انسان تهی مغزتر باشد، خوشحال‌تر خواهد بود. چینی

۲۲ ـ هر لحظه از زمان را از آن خود گردان. چینی

۲۳ ـ هرقدر هم درخت بلند باشد، کوتاه‌ترین تیشه به تنه‌اش می‌رسد. چینی

۲۴ ـ هر کس دیواره پوسیده و فکستنی را هل می‌دهد. چینی

۲۵ ـ هدایای عروسی قبل از عروسی می‌رسد. چینی

۲۶ ـ همیشه شتر پیر پوست شتر جوان را به بازار می‌برد. چینی

۲۷ ـ هرکس بر بازوی عدالت بایستد با مغز بر زمین می‌افتد. چینی

۲۸ ـ هزار بار گوش بده و بیش از یک‌بار سخن مگو. چینی

۲۹ ـ هنگامی که خشم حرف می‌زند عقل چهره خود را می‌پوشاند. چینی

۳۰ ـ هیچ سوزنی دو طرفش تیز نیست. چینی

۳۱ ـ هیچ‌کس را وادار به دو کار نکن: زن گرفتن و جنگ کردن. تازی

۳۲ ـ هر گیاهی از تخمش پیداست. تازی

۳۳ ـ هر انسان جاه طلب اسیری است و هر آزمند گدایی. تازی

۳۴ ـ هر مرد ارباب ریش خویش است. تازی

۳۵ ـ هر چه یک شهر مقدس‌تر باشد، مردمانش به همان نسبت خبیث‌اند. تازی

۳۶ ـ هرچه دلت می‌خواهد بخور ولی مانند دیگران لباس بپوش. تازی

۳۷ ـ هرکجا میوه کم است، برگ فراوان است. تازی

۳۸ ـ هرکس که به تو کمک و یاری کرده قوم و خویش توست. تازی

۳۹ ـ هرکجا روزیت را بدست آوری در همانجا بمان. تازی

۴۰ ـ هر حیوان گردن دراز، شتر نمی‌شود. تازی

۴۱ ـ هرچه تازه است، مطبوع است. تازی

۴۲ ـ همسایه تو معلم توست. تازی

۴۳ ـ هر مرد سلطان نفس خویش است و دم سگ هرگز مستقیم نیست. تازی

۴۴ ـ هرگز منشین در جای مردی که می‌تواند به تو بگوید، «برخیز». تازی

۴۵ ـ هیچ چیز در دنیا به اندازه زبان مستحق نیست که برای مدتی طولانی زندانی شود. تازی

۴۶ ـ هیچ‌کس بر درختی که میوه ندارد سنگ نمی‌افکند. ارمنی

۴۷ ـ هرگاه چاقویی بشکند، دلیل بر آن است که خیلی تیز بوده است. برنئو

۴۸ ـ همه چیز در دست خداست، غیر از ترس از خدا. عبری

۴۹ ـ هر روز صبح خود را بشور تا بیمار نشوی. عبری

۵۰ ـ هرچه در نمک بریزد، نمک می‌شود. عبری

۵۱ ـ هرکس بر دانش خود می‌افزاید، بر اندوه خود می‌افزاید. عبری

۵۲ ـ هیچ‌کس در صراط‌المستقیم راهش را گم نمی‌کند. عبری

۵۳ ـ هر اروپایی که به هند می‌رود چنانچه بردبار نباشد، بردباری تحصیل می‌کند و اگر بردبار باشد بردباری خود را از دست می‌دهد. عبری

۵۴ ـ همه را با یک چوب مران. عبری

۵۵ ـ هرکس زبان دارد، همه چیز دارد. عبری

۵۶ ـ هرکس گرفتاری‌های ویژهٔ خود را دارد. عبری

۵۷ ـ هرکس به حرف زنش گوش بدهد، احمق است. عبری

۵۸ ـ هر وقت الاغ توانست از نردبان بالا رود آن‌وقت هم عقل در زنان پیدا خواهی کرد. عبری

۵۹ ـ هزار بیمار باید بمیرند تا یک پزشک به وجود آید. هندی

۶۰ ـ هیچ دوستی مانند برادر نیست و هیچ دشمنی مانند برادر نه. هندی

۶۱ ـ هرکجا گاو هست، گوساله‌اش هم هست. هندی

۶۲ ـ هیچ روزی نیامده که غروبی داشته باشد. هندی

۶۳ـ هرکجا عسل هست، آنجا مگس‌ها جمع می‌شوند. هندی

۶۴ـ هر مرد محافظ شرافت خود می‌باشد. هندی

۶۵ـ هرکس برای یک و یا دو روز مهمان انگاشته می‌شود و در روز سوم فضول و مزاحم. هندی

۶۶ـ هرکجا زن‌ها هستند در آنجا دردسر هست. هندی

۶۷ـ هرکس خر شد ما پالانیم (تغییر و تبدیل رؤسا در ما اثر ندارد). فارسی

۶۸ـ هم آش معاویه را می‌خورد، هم نماز علی را می‌خواند. فارسی

۶۹ـ همسایه‌ها یاری کنید تا من شوهرداری کنم. فارسی

۷۰ـ هیچ ارزانی بی‌علت و هیچ گرانی بی‌حکمت نیست. فارسی

۷۱ـ هر سر بالایی یک سرازیری دارد. فارسی

۷۲ـ هر کار که عوض دارد گله ندارد. فارسی

۷۳ـ هر راهی را، به راهداری سپرده‌اند. فارسی

۷۴ـ هر ابری باران ندارد. فارسی

۷۵ـ هرکس وطن خود را دوست دارد، ولو این‌که جهنم باشد. فارسی

۷۶ـ هنر چشمهٔ زاینده است و دولت پاینده. فارسی

۷۷ـ هر ماهی خطر دارد، بدنامیش را صفر دارد. فارسی

۷۸ـ هرچه زود برآید دیر نپاید. فارسی

۷۹ـ هرچه در دل فرود آید، در دیده نکو نماید. فارسی

۸۰ـ هرکه شیرینی فروشد شتری بروی بجوشد. فارسی

۸۱ـ هرچه خواهی که نشنویش، مگوی. فارسی

۸۲ـ هر عمل اجری و هر کرده جزایی دارد. فارسی

۸۳ـ هرکسی آن درود عاقبت کار که کشت. فارسی

۸۴ـ هزار نقش برآرد زمانه و نبود یکی از آن‌که در آیینه تصور ماست. فارسی

۸۵ـ هر گردی، گردو نیست. فارسی

۸۶ـ هر نشیبی را فرازی در پی است. فارسی

۸۷ـ هرچه باداباد. فارسی

۸۸ـ هرکسی پنج روزه نوبت اوست. فارسی

۸۹ـ هر سری روزیی دارد. فارسی

۹۰ـ هیچ گلی بدون خار نیست. فارسی

۹۱ـ هرگلی علت و عیبی دارد فارسی

گل بی‌علت و بی‌عیب خداست

۹۲ـ هر که گوش را می‌خواهد گوشواره را هم می‌خواهد فارسی

۹۳ـ همنشین تو از توبه باید فارسی

عقل و دین تو بیافزاید

۹۴ـ هر دردی را نیز درمانی است. فارسی

۹۵ـ هر آنچه دیده بیند، دل کند یاد. فارسی

۹۶ـ هرکه دندان می‌دهد نان می‌دهد. فارسی

۹۷ـ هرکه فیل خواهد جور هندوستان کشد. فارسی

۹۸ـ هرکه عیب دگران پیش تو آورد و شمرد فارسی

بی‌گمان، عیب تو پیش دگران خواهد برد.

۹۹ـ هرجا گل است، خارست. فارسی

۱۰۰ـ هرچه نپاید، دلبستگی را نشاید. فارسی

۱۰۱ـ هر عیب که سلطان بپسندد، هنرست. فارسی

۱۰۲ـ هرکه را صبر نیست، حکمت نیست. فارسی

۱۰۳ـ هرکه با بدان نشیند، نیکی نبیند. فارسی

۱۰۴ـ هرکه با بدان نشیند، اگر نیز طبیعت ایشان در وی اثر نکند، به طریقت ایشان متهم گردد. فارسی

۱۰۵ـ هرکه با دشمنان صلح کند سر آزار دوستان دارد. فارسی

۱۰۶ ـ هرکه به زیردستان نبخشاید، به جور زبردستان گرفتار آید. فارسی

۱۰۷ ـ هرکه در زندگانی نانش نخورند، چون بمیرد نامش نبرند. فارسی

۱۰۸ ـ هرکه دست از جان بشوید، هرچه در دل دارد بگوید. فارسی

۱۰۹ ـ هرکه را دشمن پیش است، اگر نکُشد دشمن خویش است. فارسی

۱۱۰ ـ هرکه را ز دست، بازو در بازو است. فارسی

۱۱۱ ـ هرکه سخن نسنجد، از جوابش برنجند. فارسی

۱۱۲ ـ هرکس کم‌تر فکر می‌کند، بیشتر حرف می‌زند. فارسی

۱۱۳ ـ هرکه نان از عمل خویش خورد فارسی

منت حاتم طایی نبرد.

۱۱۴ ـ هر سکه که رایج است، اندوختنی است. فارسی

۱۱۵ ـ همت بلند دار مردان روزگار فارسی

از همت بلند به جایی رسیده‌اند.

۱۱۶ ـ هرچه کنی، به خود کنی. فارسی

۱۱۷ ـ هرکه را شرم نیست، ایمان نیست. فارسی

۱۱۸ ـ هر آنچه از دست برود، به تمنا باز نیاید. فارسی

۱۱۹ ـ هر قدر هم روابطت صمیمانه باشد، هرگز قلبت را به زن مده. کانوری

۱۲۰ ـ هر کس در باران مسافرت می‌کند، تر می‌شود. کنگوی بلژیک

۱۲۱ ـ هر آنچه از دست برود به تمنا باز نیاید. فارسی

۱۲۲ ـ هر آنچه حاکم عادل کند همه داد است. فارسی

۱۲۳ ـ هرجا که رنگ و بو بود، گفتگو بود. فارسی

۱۲۴ ـ هرکه به عروسی رفت به غزا هم برود. آذربایجانی

۱۲۵ ـ هرکه برای ثروتمند شدن عجله کند، زودتر مستمند می‌شود. آذربایجانی

۱۲۶ ـ همسایه دیوار به دیوار به از خویش دور. آذربایجانی

۱۲۷ ـ هر که را باغی است، در دلش داغی است. آذربایجانی

۱۲۸ ـ هر آن چیزی که به پای نیفتد بر فرق نشیند. آذربایجانی

۱۲۹ ـ هر کس دوست بی‌عیب جوید بی‌دوست ماند. آذربایجانی

۱۳۰ ـ هر صعودی، هبوطی در پیش دارد. ترکی

۱۳۱ ـ هرکس آنچه را که دلش خواست بگوید آنچه را که دلش نمی‌خواهد خواهد شنید. ترکی

۱۳۲ ـ هر قدر در یک جاده عوضی راه رفته باشی برگرد. ترکی

۱۳۳ ـ هر کس مهر دارد، سلیمان است. ترکی

۱۳۴ ـ هرکس با غیظ و غضب برخیزد، با زیان و خُسران نشیند. ترکی

۱۳۵ ـ هیچ وحشتی مانند ادراک نیست، هیچ نابینایی مانند دانایی نیست، هیچ دشمنی مانند بیماری و هیچ وحشتی بالاتر از وحشت مرگ نیست. کتب مقدس

۱۳۶ ـ هرکجا کنج شماست، در آنجا قلب شماست. کتب مقدس

۱۳۷ ـ هرکجا می‌روی، با تمام قلبت برو. کتب مقدس

۱۳۸ ـ هرکجا نفعی هست، در آنجا ضرری هم هست. ژاپنی

۱۳۹ ـ هر انسان، عادتی دارد. ژاپنی

۱۴۰ ـ هرکجا نور هست در آنجا سایه هم هست. ژاپنی

۱۴۱ ـ هرچیز در اثر نازک شدن می‌شکند، انسان در قوت زیاد از بین می‌رود. کردی

۱۴۲ ـ هر ابری باران ندارد. کردی

۱۴۳ ـ هرکجا مزرعه هست در آنجا ملخ هم هست (هرکجا آبادی هست در آنجا جمعیت هم هست. مالایا

۱۴۴ ـ هرکجا لاشه هست در آنجا لاشه خوار هم هست. مالایا

۱۴۵ ـ هیچ‌کس نمی‌تواند با دماغ دیگری تنفس کند. شرقی (متفرقه)

۱۴۶ ـ همیشه دعوای مهلکی بین زیبایی و عفت حکم‌فرماست. اسپانیولی

۱۴۷ ـ هرگز انگشت جراحت دیده‌ات را، به دنیا نشان مده. اسپانیولی

۱۴۸ ـ هر خانه برای خود دنیایی است. اسپانیولی

۱۴۹ ـ هیچ شنبه‌ای بدون خورشید و هیچ دختری بدون عشق نیست. اسپانیولی

۱۵۰ ـ هرگاه یک اسپانیولی آواز می‌خواند، یا دیوانه است یا مفلس. اسپانیولی

۱۵۱ ـ هرچه زنی با خودش بیشتر ور برود خانه را خراب‌تر ندارد. اسپانیولی

۱۵۲ ـ هرکس محصول اعمال خویش است. اسپانیولی

۱۵۳ ـ همه خوبند اما نه برای همه کار. اسپانیولی

۱۵۴ ـ همیشه قرض آدم فقیر صدا دارد. اسپانیولی

۱۵۵ ـ همین که تو به زنی تعلق گرفتی دیگر او به تو تعلق ندارد. اسپانیولی

۱۵۶ ـ هر قدر گناه‌کار بزرگتر باشد، گناهش هم بزرگ‌تر است. اسپانیولی

۱۵۷ ـ هر مرد عاقل ممکن است گول زن احمقی را بخورد. اسپانیولی

۱۵۸ ـ هرکس در نظر دیگری آدم احمقی است. اسپانیولی

۱۵۹ ـ هر قدر هم زود برخیزید نمی‌توانید کاری کنید که زودتر صبح شود. اسپانیولی

۱۶۰ ـ هر قدر گناه‌کار بزرگتر باشد، گناهش هم بزرگ‌تر است. اسپانیولی

۱۶۱ ـ هرچه یک ارباب نوکر داشته باشد، گناهش هم بزرگ‌تر است. اسپانیولی

۱۶۲ ـ هرکس که کله الاغ را می‌شوید، هم وقتش را ضایع می‌کند و هم صابونش را. اسپانیولی

۱۶۳ ـ هیچ‌چیز آسان‌تر از فریب دادن یک فرد درست‌کار نیست. اسپانیولی

۱۶۴ ـ همه برای عدالت ارزش قائلند ولی وقتی‌که می‌آید در را به رویش می‌بندند. سوئدی

۱۶۵ ـ هیچ دزدی نیست که عشق بدزدد ولی عشق غالباً دزدان را به وجود می‌آورد. سوئدی

۱۶۶ ـ هرچه خانه بلندتر باشد، طوفان شدیدتر خواهد بود. نروژی

۱۶۷ ـ هرقدر هم دم بچه خرگوش دراز شود، درازتر از دم مادرش نخواهد شد. آلبانی

۱۶۸ ـ هرکس درنگ کند، پشیمان می‌شود. آلبانی

۱۶۹ ـ هنگامی که مشروب داخل شد، خرد خارج می‌شود. انگلیسی

۱۷۰ ـ هر کاری که زن‌ها بخواهند می‌توانند انجام بدهند، زیرا بر هر چیز فرمانروایی دارند. انگلیسی

۱۷۱ ـ هنگامی که فقر از در وارد می‌شود عشق از پنجره پرواز می‌کند. انگلیسی

۱۷۲ ـ هر کس برخلاف جهت باد «تف» انداخت به صورت خودش انداخته می‌شود. انگلیسی

۱۷۳ ـ هیچ کس نمی‌تواند قاضی عادلی برای کردار خود باشد. انگلیسی

۱۷۴ ـ هیچ قائدهٔ عمومی نیست که بدون استثناء نباشد. انگلیسی

۱۷۵ ـ هرجا تصمیمی نیست راه موفقیتی نیست. انگلیسی

۱۷۶ ـ هر وقت مال هست، یار هست. انگلیسی

۱۷۷ ـ هر که خشم و غضب را فرو نشاند، زیاد عمر می‌نماید. انگلیسی

۱۷۸ ـ هر وقت بتوانی به اصلاح بپرداز، که دیر نیست. انگلیسی

۱۷۹ ـ هر دختر می‌تواند عروسی کند اما هر عروسی نمی‌تواند خانه‌دار خوبی باشد. انگلیسی

۱۸۰ ـ هیچ گلی بی‌خار نیست. آلمانی

۱۸۱ ـ هر کس در خانه خودش آقاست. آلمانی

۱۸۲ ـ هرچه قفس تنگ‌تر باشد، آزادی شیرین‌تر به نظر می‌رسد. آلمانی

۱۸۳ ـ هر کس آنچه را که می‌بیند می‌خرد، به زودی مجبور می‌شود آنچه را که دارد بفروشد. سوئیسی

۱۸۴ ـ هر کس اسبی را که در حال سقوط است، هل می‌دهد. سوئیسی

۱۸۵ ـ هیچ‌وقت برای مردن یا عروسی کردن دیر نیست. اروپا

۱۸۶ ـ همه‌کس می‌خواهد عمرش طولانی گردد ولی هیچ‌کس نمی‌خواهد که «پیر» خوانده شود. اروپا

۱۸۷ ـ هیچ سارقی بدتر از یک کتاب بد نیست. ایتالیایی

۱۸۸ ـ هرچه بیشتر به فکر مرگ باشی بهتر زندگانی خواهی کرد. ایتالیایی

۱۸۹ ـ هیچ میوه‌ای بدتر از میوه‌ای که هرگز نمی‌رسد نیست. ایتالیایی

۱۹۰ ـ هرچه انسان بیشتر بداند کم‌تر عفو می‌کند. ایتالیایی

۱۹۱ ـ هرکس داناتر است، دیر باورتر است. ایتالیایی

۱۹۲ ـ هربار که انسان می‌خندد، یک میخ از تابوتش جدا می‌شود. ایتالیایی

۱۹۳ ـ هیچ‌کس ارباب به دنیا نمی‌آید. ایتالیایی

۱۹۴ ـ هیچ دیگی آن‌قدر زشت و بد ترکیب نیست که دَر دیگی برایش پیدا نشود. ایتالیایی

۱۹۵ ـ هیچ‌چیز تندتر از اشک، خشک نشود. ایتالیایی

۱۹۶ ـ هیچ چیز به اندازه زمان از خود انتقام نمی‌گیرد. ایتالیایی

۱۹۷ ـ همانطور که اسب اعم از این‌که خوب باشد یا بد احتیاج به مهمیز دارد، زن هم اعم از این‌که بد باشد یا خوب محتاج به شلاق است. ایتالیایی

۱۹۸ ـ هیچ‌وقت دنبال یک زن و یا اتوبوس ندو، زیرا بزودی یکی دیگر پیدا خواهد شد. ایتالیایی

۱۹۹ ـ هیچ‌کس ناگهان بد نمی‌شود. لاتینی

۲۰۰ ـ هیچ چیز، غیرقابل تحمل‌تر از یک زن پولدار نیست. لاتینی

۲۰۱ ـ هرکجا به انسان خوش بگذرد، آنجا وطن اوست. لاتینی

۲۰۲ ـ هرکس مزرعه خود را درو می‌کند. لاتینی

۲۰۳ ـ همه جا هیچ کجاست. لاتینی

۲۰۴ ـ هم‌چشمی، هم‌چشمی ایجاد می‌کند. لاتینی

۲۰۵ ـ هر احمق، هر یهودی، هر هنرپیشه، هر سلمانی و هر پیرزن خود را طبیب می‌انگارد. لاتینی

۲۰۶ ـ هرچه مفید است شیرین است. لاتینی

۲۰۷ ـ هیچ‌کس به تنهایی عاقل نیست. لاتینی

۲۰۸ ـ هرچه دشمنان بیشتر باشد، افتخار هم بیشتر می‌شود. لاتویا

۲۰۹ ـ هیچ‌کس مرض را با پول نمی‌خرد. لاتویا

۲۱۰ ـ هرگز با مرد نیرومند کشتی مگیر و مرد پولدار را به دادگاه مکشان. لاتویا

۲۱۱ ـ هیچ سالی برادر سال دیگر نیست. لاتویا

۲۱۲ ـ هرچه پیرتر می‌شویم، بیماری‌های ما جوان‌تر می‌شوند. لاتویا

۲۱۳ ـ هر آغازی دشوار است. لتوانی

۲۱۴ ـ هرکجا شرم نیست، در آنجا زبان دراز هست. لتوانی

۲۱۵ ـ هرچه انسان آهسته‌تر راه برود، دورتر می‌رود. لتوانی

۲۱۶ ـ هرکس پول دارد، برحق است. لتوانی

۲۱۷ ـ هر چوبی کرم خود را دارد. مالت

۲۱۸ ـ هرگاه سه مرد عاقل به تو گفتند: الاغ هش، به عرعر بپرداز. مونتونگرویی

۲۱۹ ـ همیشه زنبوری هست که صورت گریان را نیش زند. مونتونگرویی

۲۲۰ ـ هرکجا شیطان توفیق حاصل نمی‌کند، به آنجا پیرزن را گسیل می‌دارد. مونتونگرویی

۲۲۱ ـ هرکجا که سد کوتاه است، آنجا را آب فرا می‌گیرد. مونتونگرویی

۲۲۲ ـ هیچ‌کس با خدا پیمان نمی‌بندد. مونتونگرویی

۲۲۳ ـ هیچ قاضی‌ای نجات نمی‌یابد مگر این‌که جهنم پر شده باشد. مونتونگرویی

۲۲۴ ـ هرکجا محبت است در آنجا خداست. مونتونگرویی

۲۲۵ ـ هرچه بیشتر دانا باشی، بیشتر رنج خواهی بود. مونتونگرویی

۲۲۶ ـ هرچه یک نفر ترک را بیشتر غارت کنی، غنی‌ترش خواهی یافت. مونتونگرویی

۲۲۷ ـ هیچ نوشابه‌ای قوی‌تر از آب نیست. مونتونگرویی

۲۲۸ ـ هر آدم، حوای خود را پیدا خواهد کرد. لهستانی

۲۲۹ ـ هیچ‌کس بدون یک «اگر» نیست. لهستانی

۲۳۰ ـ هر کجا کره هست، در آنجا مگس هم هست. لهستانی

۲۳۱ ـ هم صلیب و هم دار از چوب ساخته شده است. لهستانی

۲۳۲ ـ هرچه کک لاغرتر باشد، سگ لاغرتر است. لهستانی

۲۳۳ ـ هرکجا یک مجارستانی است، در آنجا خشم و غضب است و هر کجا یک اسلواکی است در آنجا آواز موسیقی است. لهستانی

۲۳۴ ـ هرکجا پاپ است، آنجا رُم است. لهستانی

۲۳۵ ـ هرچه زن‌ها کم‌تر باشند، دردسر کم‌تر خواهد بود. لهستانی

۲۳۶ ـ هرگز تمام آنچه را که می‌توانی انجام مده. پرتقالی

۲۳۷ ـ هرچه تعداد پزشکان افزوده شود، تعدا بیماری‌ها بیشتر می‌گردد. پرتقالی

۲۳۸ ـ همه هنر ریش تراشیدن را روی ریش مرد احمق فرا می‌گیرند. پرتقالی

۲۳۹ ـ هرگز چیزی را که نمی‌توانی بار کنی، قطع مکن. پرتقالی

۲۴۰ ـ همه برای یکی و یکی برای همه. روسی

۲۴۱ ـ هیچ درخت سیبی از شر کرم مصون نیست. روسی

۲۴۲ ـ هر آنچه که شنا می‌کند، صید مکن. روسی

۲۴۳ ـ هر کجا خرده‌های نان هست در آنجا موش هم پیدا خواهد شد. روسی

۲۴۴ ـ هر کجا گل هست، در آنجا عسل هم هست. روسی

۲۴۵ ـ هرکجا قدرت هست در آنجا قاضی هست. روسی

۲۴۶ ـ هر طورکه می‌توانی زندگانی کن ولی هر طور که دلت خواست بمیر. روسی

۲۴۷ ـ هیچ عشقی آنچنان آتشین نیست که ازدواج خاموشش نکند. روسی

۲۴۸ ـ هرکس پولدار است برادر من است. روسی

۲۴۹ ـ هر اتفاقی ممکن است رخ دهد، ممکن است حتّی یک مرد پول‌دار در خانه فقیری را بزند. روسی

۲۵۰ ـ هر مردی، پسر زنی است. روسی

۲۵۱ ـ هرکس که مالک ساحل است، مالک ماهی هم هست. روسی

۲۵۲ ـ هر چه زنت را بیشتر بزنی سوپ بهتری خواهی خورد. روسی

۲۵۳ ـ هر مردی که دیگران را بهتر می‌گرداند، خوب است. روسی

۲۵۴ ـ هر کس عسل شود، مگسانش می‌خورند. روسی

۲۵۵ ـ هر کجا آدمیان هستند در آنجا مصیبت هم هست. روسی

۲۵۶ ـ هر کجا سوزن می‌رود به آنجا نخ می‌رود. روسی

۲۵۷ ـ هر ده زن دارای یک روح انسان می‌باشند. روسی

۲۵۸ ـ هر کجا صرفه‌جویی هست در آنجا راستی و درستی هست. یوگسلاوی

۲۵۹ ـ هیچ نانی بدون جد و جهت بدست نمی‌آید. یوگسلاوی

۲۶۰ ـ هر گاو، گوساله خود را می‌لیسد. یوگسلاوی

۲۶۱ ـ هر کس به من خوبی می کند، برادر من است. یوگسلاوی

۲۶۲ ـ هر کس در جوانی نشان می‌دهد، که در پیری چه خواهد شد. یوگسلاوی

۲۶۳ ـ هیچ چیز بهتر از یک وجدان خوب نیست. یوگسلاوی

۲۶۴ ـ هیچ کس در دنیا نیست که برای همه کارها شایسته باشد. یوگسلاوی

۲۶۵ ـ همه چیز ترا به خشم می‌آورد و گریه دلت را می‌شکند! اسکاتلندی

۲۶۶ ـ هر کس به طریقه خود کمربندش را می‌بندد. اسکاتلندی

۲۶۷ ـ همه سگ گزنده را دندان می گیرند. اسکاتلندی

۲۶۸ ـ هر برگ علف، دارای قطره شبنم خودش می‌شود. اسکاتلندی

۲۶۹ ـ هیچ کس به خوبی یک مرد عاقل نقش احمق را بازی نمی کند. اسکاتلندی

۲۷۰ ـ هر در هم تند بروی، اقبالت به تو خواهد رسید. اسکاتلندی

۲۷۱ ـ هر چیز جنبهٔ خوب و بد دارد؛ هنر در پیدا کردن آن است. اسکاتلندی

۲۷۲ ـ هر چه بد نماست، بد نیست. اسکاتلندی

۲۷۳ ـ همه چیز فانی است، غیر از عشق و موسیقی. اسکاتلندی

۲۷۴ ـ هرچه کسی نجیب‌تر باشد، به همان نسبت متواضع‌تر است. اسکاتلندی

۲۷۵ ـ هیچ دوستی مانند پول نیست. اسکاتلندی

۲۷۶ ـ همه چیز در آغاز کوچک است. ولز

۲۷۷ ـ هیچ مردی خوب نیست مگر اینکه دیگران به وسیله او خوب شوند. ولز

۲۷۸ ـ هرچه گاو نر لاغرتر باشد، بهتر کار می‌کند. ولز

۲۷۹ ـ هرچه دریا عمیق‌تر باشد برای کشتی بی‌خطرتر است. ولز

۲۸۰ ـ هرکجا توت فرنگی هست در آنجا مار هم هست. ولز

۲۸۱ ـ هرچه پیمان محکم‌تر باشد، زودتر پاره می‌شود. ولز

۲۸۲ ـ هرکس پتو را به سوی خود می‌کشد. بلغارستانی

۲۸۳ ـ هرکس زیر درخت گلابی بنشیند گلابی خواهد خورد. بلغارستانی

۲۸۴ ـ هرچه کم‌تر ثروت بیندوزی، کم‌تر دیگران را محزون می‌سازی. بلغارستانی

۲۸۵ ـ هرچه مادر می‌ریسد، دختر می‌بافد. بلغارستانی

۲۸۶ ـ هر چه باسیل می‌آید، در هنگام ضرر بر می‌گردد ... جزایرانگلیس

۲۸۷ ـ هر طور که جا بیندازی خواهی خفت. جزایرانگلیس

۲۸۸ ـ هنگام مرض قدر عافیت را بشناسد. جزایرانگلیس

۲۸۹ ـ هرکس گوسفند شود، گرگانش ببرند. جزایرانگلیس

۲۹۰ ـ هیچ آفتابی نیست که سایه نداشته باشد. جزایرانگلیس

۲۹۱ ـ هیچ شروع نکردن بهتر از نیمه کار رها کردن است. چک

۲۹۲ ـ هرچه از گربه می‌رباید، موش خواهد گرفت. چک

۲۹۳ ـ هیچ‌چیز به نسیه گران به نظر نمی‌رسد. چک

۲۹۴ ـ هرگناه بهانه خود را دارد. چک

۲۹۵ ـ هر عقیده‌ای متضمن حقیقت نیست. چک

۲۹۶ ـ هر پرنده‌ای به پرهای خود محتاج است. دانمارکی

۲۹۷ ـ هرچه شخص نجیب‌تر باشد، غرورش کمتر است. دانمارکی

۲۹۸ ـ هر ماهی کوچک انتظار دارد که نهنگ شود. دانمارکی

۲۹۹ ـ هیچ کس آزادتر از مگس نیست که حتّی روی بینی شاه می‌نشیند. دانمارکی

۳۰۰ ـ هدایا را باید تقدیم کرد نه پرت. دانمارکی

۳۰۱ ـ هیچ‌چیز مانند هیچ کار نکردن، کشنده نیست. دانمارکی

۳۰۲ـ هیچ کس آن قدر ثروتمند نیست که از همسایه بی‌نیاز باشد. دانمارکی

۳۰۳ـ هرکس قاطی یونجه می‌شود، خوک‌ها می‌خورندش. دانمارکی

۳۰۴ـ همه چیز را نمی‌توان در ترازو وزن کرد. دانمارکی

۳۰۵ـ هفت چیز الاغ را ناراحت می کند و هشت چیز راننده را. هلندی

۳۰۶ـ هر انقلابی، اول به صورت یک فکر در مغز یک فرد بروز کرده است. هلندی

۳۰۷ـ هرچه بیشتر گربه را مورد نوازش قرار بدهد، دمش را بیشتر علم می کند. هلندی

۳۰۸ـ هرکسی مرگ را در آغوش خود حمل می کند. هلندی

۳۰۹ـ هرکس، در حرفه خود دزد است. هلندی

۳۱۰ـ هیچ کس بدبخت‌تر از کسی که همیشه خوشبخت است، نیست. هلندی

۳۱۱ـ هرچه که دل از آن پر است، روی زبان می‌آید. استونی

۳۱۲ـ هر آغازی دشوار است. استونی

۳۱۳ـ هرکس که گوشت می‌جوید، استخوان پیدا خواهد کرد. استونی

۳۱۴ـ هرکسی از روی یک حصار کوتاه می‌جهد. استونی

۳۱۵ـ هر چه تُرش‌تر، بهتر. استونی

۳۱۶ـ همیشه کمی بترس، تا هرگز محتاج نشوی که زیاد بترسی. فنلاندی

۳۱۷ـ همه خرس را می‌شناسند، ولی خرس هیچ کس را نمی‌شناسد. فنلاندی

۳۱۸ـ هیچ میزان سنجی نمی‌تواند درجه میهن پرستی را نشان دهد. فنلاندی

۳۱۹ـ هرکجا سگ مدت سه روز به سر برد، آنجا را خانه خود می‌انگارد. فنلاندی

۳۲۰ـ هدایا قانون را فلج می‌سازد و روغن چرخ را به گردش در می‌آورد. فنلاندی

۳۲۱ـ هرکجا گوینده‌ای هست، در آنجا شنونده‌ای هم هست. فنلاندی

۳۲۲ـ هیچ شبی آن قدر دراز نیست که روزی در پی نداشته باشد. فنلاندی

۳۲۳ـ هرکس گربه به دنیا آمد موش تعقیب خواهد کرد. فرانسوی

۳۲۴ـ هر متملقی به خرج کسی که به او گوش می‌دهد زندگانی می کند. فرانسوی

۳۲۵ ـ هرکس به اندازه کافی نیرو دارد که بدبختی دوستان خود را تحمل کند. فرانسوی

۳۲۶ ـ هرچه ارزش طلا را دارد، طلاست. فرانسوی

۳۲۷ ـ هرکس به اندازه دلش پیر است. فرانسوی

۳۲۸ ـ هرکس که شیپور زند، شکارچی نیست. فرانسوی

۳۲۹ ـ همیشه غیرممکن اتفاق می‌افتد. فرانسوی

۳۳۰ ـ هر دو طرف را باید گره بزنی. فرانسوی

۳۳۱ ـ همیشه شعر خودش را می‌خواند (خودپسند است). فرانسوی

۳۳۲ ـ هرکس محبتش بیشتر است سرزنش‌هایش هم بیشتر است. فرانسوی

۳۳۳ ـ هیچ اتفاقی برای هیچ، اتفاق نمی‌افتد. فرانسوی

۳۳۴ ـ هر دوره از عمر بازیچه‌های مخصوص خودش را دارد. فرانسوی

۳۳۵ ـ هرکس آنچه را که نیاز ندارد می‌خرد به زودی آنچه را که نیاز دارد خواهد فروخت. فرانسوی

۳۳۶ ـ هرکس از نیروی حافظه خود شکایت می‌کند ولی هیچ‌کس از قوهٔ داوری خود شاکی نیست. فرانسوی

۳۳۷ ـ هیچ‌چیز زیبا نیست مگر حقیقت. فرانسوی

۳۳۸ ـ همیشه بدترین چرخ‌ها بیشترین صدا را می‌دهد. فرانسوی

۳۳۹ ـ هرچه را زن شلخته در گنجه بگذارد، گربه آن را می‌خورد. فرانسوی

۳۴۰ ـ هر چیز تازه و نوظهور مقبول و پسندیده است. فرانسوی

۳۴۱ ـ هر عزتی را ذلتی در پی بود. فرانسوی

۳۴۲ ـ هرکس زن دارد، دعوا و مرافعه دارد. فرانسوی

۳۴۳ ـ هر که اول آمد اول برداشت. فرانسوی

۳۴۴ ـ هر روز باید غم همان روز را خورد نه غم فردا را. فرانسوی

۳۴۵ ـ هر گودالی، سنگر ندارد. آلمانی

۳۴۶ ـ همیشه هر آغاز، دشوار است. آلمانی

۳۴۷ ـ هرچه قفس تنگ‌تر باشد، آزادی شیرین‌تر خواهد بود. آلمانی

۳۴۸ ـ همیشه کک اشتها را از بین می‌برد. آلمانی

۳۴۹ ـ هر طفل اقبال خود را همراه خویش می‌آورد. آلمانی

۳۵۰ ـ هیچ‌کس خوشبخت‌تر از کسی که تصور می‌کند که خوشبخت است خوشبخت نیست. آلمانی

۳۵۱ ـ هیچ صحنه تئاتر به اندازه قلب انسان متلون و تغییرپذیر نیست. آلمانی

۳۵۲ ـ همسایه دل گرسنه، غالباً شکم پر است. آلمانی

۳۵۳ ـ همه‌کس می‌تواند درون قلب مردی که سینه‌اش را شیشه ساخته شده بخوابد. آلمانی

۳۵۴ ـ هرکس که شیپور می‌زند، شکارچی نیست. آلمانی

۳۵۵ ـ همه عاقبت وارد یک کاروانسرا می‌شویم. آلمانی

۳۵۶ ـ هیچ مرغی گران‌بهاتر از مرغی که به عنوان هدید واصل می‌شود، نیست. آلمانی

۳۵۷ ـ همه، کلید در پشت دیگران را دارند ولی کلید در پشت خود را ندارند. آلمانی

۳۵۸ ـ هیچ‌چیز به سرعت یک نیکی، پیر و کهنه نمی‌شود. آلمانی

۳۵۹ ـ هر چاقویی که استعمال می‌شود، زنگ می‌زند. آلمانی

۳۶۰ ـ هرکس که دروغ می‌گوید، دزد هم هست. آلمانی

۳۶۱ ـ همه از یک در وارد عرصه زندگی می‌شوند، ولی از یک در خارج نمی‌گردند. آلمانی

۳۶۲ ـ هرخرگوشی می‌تواند یال شیر مرده را بکشد. آلمانی

۳۶۳ ـ هرچه تنور گرم‌تر باشد، نان قرص‌تری بدست خواهد آمد. آلمانی

۳۶۴ ـ هرچه عشق بزرگتر گردد، از میزان کلمات بیشتر کاسته می‌شود. آلمانی

۳۶۵ ـ هرکسی که ازدواج می‌کند، عوض می‌شود آلمانی

۳۶۶ ـ هرکس از نور چراغ طبیعت اقتداء می‌کند هرگز به ضلالت نمی‌افتد. آلمانی

۳۶۷ ـ همسایه‌ای را دوست بدار، ولی پر چین را از بین نبر. آلمانی

۳۶۸ ـ هر کجا تخم شپش هست در آنجا شپش هم هست. آلمانی

۳۶۹ ـ هر بهشتی مار خود را دارد. آلمانی

۳۷۰ ـ هر کجا فلسفه تمام می‌شود، طلب آغاز می گردد. آلمانی

۳۷۱ ـ هیچ کس فقرا را نمی‌شناسد و اغنیاء خودشان را نمی‌شناسند. آلمانی

۳۷۲ ـ هر کجا شرم هست، فضیلت هست. آلمانی

۳۷۳ ـ هیچ کس به اندازه اندیشه‌های خودمان ما را گول نمی‌زند. آلمانی

۳۷۴ ـ هیچ‌چیز گران‌بهاتر از وقت نیست، هیچ‌چیز هم به اندازه آن تلف نمی‌شود. آلمانی

۳۷۵ ـ هر زنی زیبا بودن را بر خوب بودن ترجیح می‌دهد. آلمانی

۳۷۶ ـ همه کس، قوم و خویش انسان خوشبخت است. یونانی

۳۷۷ ـ هر کجا دوستان هستند، در آنجا ثروت هم هست. یونانی

۳۷۸ ـ هدایا، حتّی عقلاء را به ضلالت می‌افکند. یونانی

۳۷۹ ـ هیچ‌چیز به اندازه چشم ارباب، اسب را فربه نمی گرداند! یونانی

۳۸۰ ـ همسایه تو آیینه توست. گرجستانی

۳۸۱ ـ هر کس ریش دارد، شانه‌ای هم پیدا خواهد کرد. طبرستانی

۳۸۲ ـ هر کس به گربه خوراک ندهد به موش‌ها غذا می‌دهد. طبرستانی

۳۸۳ ـ هیچ دشمنی نیرومندتر از طلا نیست. طبرستانی

۳۸۴ ـ هر چه سر بزرگتر باشد، دردسر بزرگتر خواهد بود. طبرستانی

۳۸۵ ـ هر وقت دروغ می گویی، طوری دروغ بگو که خودت باور کنی سخنت راست است. طبرستانی

۳۸۶ ـ هر کجا شیطان به عدم موفقیت بر می‌خورد، پیر زن را می‌فرستد. طبرستانی

۳۸۷ ـ هر کس در آشیانه مورچه‌گان تف می کند، لبانش متورم می گردد. سیلزی

۳۸۸ ـ هیچ کس به اندازه افکار خودمان ما را گول نمی‌زند. سیلزی

۳۸۹ ـ هرچه دل کوچک‌تر باشد زبان بزرگ‌تر می‌شود. سیلزی

۳۹۰ ـ هر روزت را بهترین روز خود بدان. اسلواکی

۳۹۱ ـ هر کس در آتش فوت کند، داخل چشمش دود می‌رود. اسلواکی

۳۹۲ ـ هر کجا بخوابی برگ هست، در آنجا باد هم هست. اسلواکی

۳۹۳ ـ هر کس پول دارد دارای یک شیطان است؛ هرکس پول ندارد دارای دو شیطان است. اسلواکی

۳۹۴ ـ هر سنگی که به طرف سقف خانه همسایه‌ات می‌اندازی روی سر خودت می‌افتد. اسلواکی

۳۹۵ ـ هر چه یک جاده کوبیده‌تر باشد، بی‌خطرتر است. اسلواکی

۳۹۶ ـ هرکس خود را با سبوس قاطی کند، خوگانش می‌خورند. اسلواکی

۳۹۷ ـ هدایای کوچک دوستی را گرم نگه می‌دارد. اسلواکی

۳۹۸ ـ هر کجا لاشه هست، به آنجا لاش‌خورها حمله می‌آورند. اسلواکی

۳۹۹ ـ هرچه زود می‌رسد زود هم فاسد می‌شود. اسلواکی

۴۰۰ ـ هر جاده‌ای به رُم منتهی نمی‌شود. اسلواکی

۴۰۱ ـ هر آوازی پایان دارد. اسلواکی

۴۰۲ ـ هرکس به باد تف کند، بر روی چهرهٔ خودش تف کرده است. اسلواکی

۴۰۳ ـ هر کس خود را عاقل می‌انگارد، به همین جهت است که در دنیا این همه احمق وجود دارد. مجارستانی

۴۰۴ ـ هر مرد در خانه خود ارباب است. ایسلند

۴۰۵ ـ هر چه با گردن کلفتی بیشتر پیش بیایند، به همان سختی زمین خواهند خورد. اتازونی

۴۰۶ ـ هر چه بیشتر بخورید، بیشتر نیازمندی پیدا خواهید کرد. اتازونی

۴۰۷ ـ هر بار که انسانی را عفو می‌کنی، او را ضعیف و خود را توانا می‌گردانی. اتازونی

۴۰۸ ـ هر کس غازی دارد که برایش تخم طلایی می‌گذارد، به شرطی که از آن با خبر باشد. — اتازونی

۴۰۹ ـ هر احمقی می‌تواند پول در آورد، آدم عاقل لازم است که آن را نگاه بدارد. — اتازونی

۴۱۰ ـ هرگز به مرد فقیر قولی مده و به پولدار مقروض مباش. — اتازونی

۴۱۱ ـ هیچ مشاوری بدتر از ترس وجود ندارد. — شیلی

۴۱۲ ـ هیچ کس، هیچ کس را می‌شناسد. — کلمبیا

۴۱۳ ـ هر کله برای خود جهانی است. — کوبا

۴۱۴ ـ هیچ‌وقت دیده نشده که یک کیسه خالی سر پا بایستد (یعنی اگر گرسنه باشد نمی‌توانی کار کنی). — نگرویی

۴۱۵ ـ همیشه آب خالص بنوش، بسیاری افراد در اثر عدم رعایت این اصل مست گشته‌اند. — نگرویی

۴۱۶ ـ هر بار که مرغ تخم می‌گذارد، به تمام دنیا اعلام می‌کند که تخم گذاشته است. — نگرویی

۴۱۷ ـ هر قدر بیشتر سئوال کنی که چه قدر از سفر باقیمانده است به همان نسبت سفر طولانی به نظر خواهد رسید. — استرالیایی و جزایر اقیانوسیه

۴۱۸ ـ هر روز، قرص نان خود را همراه می‌آورد. — الجزائری

۴۱۹ ـ هر حیوان درنده‌ای در کمین‌گاه خود می‌خزد. — بانتو

۴۲۰ ـ هرگاه مار را کشتی، دهانش را نیز متلاشی کن. — بانتو

۴۲۱ ـ هر کس مداحی دارد و عیب‌جویی. — مصری

۴۲۲ ـ هر کس از روی دیوار کوتاه می‌جهد. — مصری

۴۲۳ ـ هیچ کس دوبار خر نمی‌شود. — ساحل طلا

۴۲۴ ـ هر کجا لاشه هست در آنجا لاش‌خورها جمع می‌شوند. — کنیا

۴۲۵ ـ هر چه شیرین است، کشنده است. — ایبو

۴۲۶ـ هر انسانی، مانع انسان دیگر است. ایبو

۴۲۷ـ هر چه آغازی دارد، انجامی هم دارد. کانوری

۴۲۸ـ هر قدر هم راه طولانی باشد، سرانجام به شهری می‌رسد. کانوری

حرف ی

۱ ـ یک مرد خوب هرگز زن خود را نمی‌زند، سگ نجیب کاری به کار مرغان خانگی ندارد. چینی

۲ ـ یک قایق فرسوده و از کار افتاده هنوز هم دارای سه هزار میخ است. چینی

۳ ـ یک سگ بی‌جهت عوعو می‌کند و سگ‌های دیگر به تقلید از او عوعو می‌کنند. چینی

۴ ـ یک مرد بزرگ عیوب مرد کوچک را نمی‌بیند. چینی

۵ ـ یک قطعه گوشت فاسد موجب می‌شود که تمام دیگ بو بدهد. چینی

۶ ـ یک متر طلا نمی‌تواند یک متر وقت را بخرد. چینی

۷ ـ یک مرد واقعاً پولدار، نسبت به لباس خود بی‌اعتناست. چینی

۸ ـ یک تکه گوشت فاسد همه غذا را فاسد می‌کند. چینی

۹ ـ یک پا بر دو قایق قرار نگیرد. چینی

۱۰ ـ یک گنجشک در دست بهتر از هزار پرنده در هواست. تازی

۱۱ ـ یمن گهوارهٔ نژاد عرب است و عراق مقبره آن. تازی

۱۲ ـ یک مشت زنبور بهتر از یک کیسه مگس است. تازی

۱۳ ـ یکی از قوانین رفاقت، سمج و مضر نبودن است. تازی

۱۴ ـ یک دروغ ممکن است عاقل باشد ولی حقیقت و راستی نفس خردمندی است. تازی

۱۵ ـ یک لئیم پولدار، فقیرتر از یک مرد فقیر است. تازی

۱۶ ـ یک ارباب خوب، یک نوکر خوب هم تواند شد. تازی

۱۷ ـ یک روز عاقل به یک عمر احمق می‌ارزد. تازی

۱۸ ـ یک گره سست، بسیاری از گره‌ها را باز می‌کند. تازی

۱۹ ـ یا پول در جیب داشته باش و یا زبانی شیرین در دهانت. هندی

۲۰ ـ یک «نه» ترا از هفتاد دردسر برهاند. هندی

۲۱ ـ یک رودهٔ راست در شکم نداشتن (به مزاح همیشه دروغ گفتن). فارسی

۲۲ ـ یک سر دارد و هزار سودا. فارسی

۲۳ ـ یک لقمه نان را سگ هم می‌خورد. فارسی

۲۴ ـ یک کار لئیم کاملاً به‌جاست آن هم مردن است. فارسی

۲۵ ـ یا رب مباد که گدا معتبر شود فارسی

گر معتبر شود زخدا بی‌خبر شود.

۲۶ ـ یکی را که در بند بینی مخند فارسی

مبادا که ناگه در افتی به بند

۲۷ ـ یار ناپایدار دوست مدار. فارسی

۲۸ ـ یک خلقت زیبا، به از هزار خلقت زیبا. فارسی

۲۹ ـ یا سخن دانسته گوی‌ای مرد عاقل یا خموش. فارسی

۳۰ ـ یکی که افتاد، هم کلنگ دارش را زند هم تیردار. آذربایجانی

۳۱ ـ یک زخم بزن اما کاری بزن. آذربایجانی

۳۲ ـ یکی در موقع غضب و یکی هم در هنگام شوخی خودت را به پا. آذربایجانی

۳۳ ـ یکی از زور گرسنگی تنبانش را می‌فروخت، یکی گفت: با غلاف غداره عوض می‌کنی؟ آذربایجانی

۳۴ ـ یار جانی کم است و بار نانی بسیار. آذربایجانی

۳۵ ـ یک احمق سنگی در دریا می‌اندازد که چهل عقل هم نمی‌توانند بیرونش آورند. ترکی

۳۶ ـ یک زن خوب، یک کدبانوی خوب است. ژاپنی

۳۷ ـ یک روز خروس بودن بهتر از یک سال مرغ بودن است. کردی

۳۸ ـ یک دست، دست دیگر را می‌شوید و هر دو دست صورت را. کردی

۳۹ ـ یک دهان سنگی لازم است که به زبان نصیحت کند که آرام و ساکت باشد. مالایا

۴۰ ـ یک رودخانه مانند یک پادشاه از هیچ نوع قانون و قاعده‌ای اطاعت نمی‌کند. شرقی(متفرقه)

۴۱ ـ یک دست آیینه، دست دیگر مست. شرقی(متفرقه)

۴۲ ـ یک عشق، عشق دیگر را از بین می‌برد. اسپانیولی

۴۳ ـ یک زن زیبا یا احمق می‌شود یا منکبر و یا هر دو. اسپانیولی

۴۴ ـ یک زن بسیار زیبا هرگز تماماً به شوهرش تعلق ندارد. اسپانیولی

۴۵ ـ یک پرنده در دست بهتر از یک گاو در حال پرواز است. اسپانیولی

۴۶ ـ یک دروغ در موقع احتیاج به اندازهٔ یک راست خوب و مفید است. سوئدی

۴۷ ـ یک مرد آیینه مرد دیگر است. سوئدی

۴۸ ـ یک بدبختی به بدبختی دیگر دست می‌دهد. سوئدی

۴۹ ـ یک دست پر از پول، قوی‌تر از دو دست پر از حقیقت است. سوئدی

۵۰ ـ یک بار دیدن بهتر از دوبار شیندن است. سوئدی

۵۱ ـ یک تخم‌مرغ نقد بهتر از یک مرغ نسیه است. آلبانی

۵۲ ـ یک جو اقبال بهتر از یک خروار دانش است. بلژیکی

۵۳ ـ یک لکه کافی است که تمام لباس را لکه‌دار کند. بلژیکی

۵۴ ـ یک کدبانوی واقعی هم کنیز است و هم خانم. بوسنی

۵۵ ـ یک اسب یک چشمی که یازده مهتر طویله نمی‌خواهد. انگلیسی

۵۶ ـ یک چیز بهتر از هیچ است. انگلیسی

۵۷ ـ یک سیب فاسد، تمام سیب‌ها را فاسد می‌کند. انگلیسی

۵۸ ـ یک سگ زنده بهتر از یک شیر مرده. انگلیسی

۵۹ ـ یک بوسه هر قدر هم بی‌سر و صدا باشد به اندازه توپ صدا می‌کند. آلمانی

۶۰ ـ یک خانه خالی پر از سر و صداست. سوئیسی

۶۱ ـ یک ضرب‌المثل کوتاه‌تر از نوک یک پرنده است. سوئیسی

۶۲ ـ یک کتاب خوب یک دوست خوب است. ایتالیایی

۶۳ ـ یونانی‌ها با زبان و ایتالیایی‌ها با قلب‌شان حرف می‌زنند. ایتالیایی

۶۴ ـ یک چشم تار به از دو چشم نابینا. ایتالیایی

۶۵ ـ یگانه اشتباه دلپذیر طبیعت، خلقت زن است. ایتالیایی

۶۶ ـ یک زن خشمگین دریای بی‌ساحل است. ایتالیایی

۶۷ ـ یک سگ خوب بی‌صاحب نیست و کسی که نان دارد هرگز بی‌سگ نیست. ایتالیایی

۶۸ ـ یگانگی هدف، دوستی ایجاد می‌کند. لاتینی

۶۹ ـ یک اسب معمولی، همیشه لاغر است. لتوانی

۷۰ ـ یک خانهٔ بدون سگ کور است و بدون خروس کر. لتوانی

۷۱ ـ یک پدر به پنج کودک نان می‌دهد ولی پنج کودک به یک پدر نان نمی‌دهند. لتوانی

۷۲ ـ یک خر خوب در کشور خودش به فروش می‌رود. مالت

۷۳ ـ یک مهمان خوب همان روز اول مرخص می‌شود. مونتونگرویی

۷۴ ـ یک آدم مجرد و یک سگ از عهده انجام هر کاری بر می‌آیند. لهستانی

۷۵ ـ یک لهستانی را یک آلمانی فریب می‌دهد و یک آلمانی را یک ایتالیایی و یک ایتالیایی را یک اسپانیایی و یک اسپانیایی را یک یهودی و یک یهودی را خود شیطان. لهستانی

۷۶ ـ یک اسب خوب را در اصطبل می‌خرند. لهستانی

۷۷ ـ یهودی را با شلاق مجازات کن و دهقان را با پول. لهستانی

۷۸ ـ یک کلید طلایی به هر دری می‌خورد. لهستانی

۷۹ ـ یک دروغگو می‌تواند دور دنیا برود ولی نمی‌تواند مراجعت کند. لهستانی

۸۰ ـ یک نقاش خوب لازم نیست بر تابلوی خود اسمی گذارد؛ ولی نقاش بد حتماً باید این کار را بکند. لهستانی

۸۱ ـ یک خوک، خوک دیگر را می‌شناسد. لهستانی

۸۲ـ یک دوست دروغین بدتر از یک دشمن خونی است. پرتقالی

۸۳ـ یک شمع به خدا بده و یک کیسه پول به قاضی. روسی

۸۴ـ یونانی‌ها فقط سالی یک‌بار راست حرف می‌زنند. روسی

۸۵ـ یک نفر یهودی، غسل تعمید یافته، یک مسیحی غسل تعمید نیافته است. روسی

۸۶ـ یک مرد و یک سگ همیشه از خانه خارجند؛ ولی یک زن و یک گربه همیشه در خانه‌اند. روسی

۸۷ـ یک ریش تمام را مو به مو می‌توان کند. روسی

۸۸ـ یک چکش نقره درب آهنی را می‌شکند چه برسد به طلا. روسی

۸۹ـ یک جنایتکار حتّی از سایه خود می‌ترسد. یوگسلاوی

۹۰ـ یک دست، دست نیست. اسکاتلندی

۹۱ـ یک دست، دست دیگر را به رایگان نمی‌شوید. اسکاتلندی

۹۲ـ یک مرد گاهی به اندازه یک زن زرین ارزش دارد. اسکاتلندی

۹۳ـ یک اسکاتلندی هیچ‌وقت خود را در وطن احساس نمی‌کند وقتی که خارج از وطنش است. اسکاتلندی

۹۴ـ یک سور که دادی باید یک هفته روزه بگیری. اسکاتلندی

۹۵ـ یک گناه، صد گناه به سوی خود جلب می‌کند. ولز

۹۶ـ یک گرگ در همان پوستی که به دنیا می‌آید می‌میرد. ولز

۹۷ـ یک‌سال برای یکی مادر است و برای دیگری زن پدر. ولز

۹۸ـ یک مهمان از مهمان دیگر متنفر است و صاحب‌خانه از هر دو. بلغارستانی

۹۹ـ یا باید به دیگران اذیت برسانی و یا این‌که خودت اذیت بینی. چک

۱۰۰ـ یک شوخی باید دندان گوسفند داشته باشد نه دندان سگ. چک

۱۰۱ـ یک جیب پر از حق احتیاج به یک جیب پر از طلا دارد. چک

۱۰۲ـ یک اشتباه قدیمی بیشتر رفیق و هواخواه دارد تا یک حقیقت‌نو. دانمارکی

۱۰۳ـ یک همسایه خوب بهتر از برادری است که در دهکدهٔ دیگر به سر می‌برد. دانمارکی

۱۰۴ ـ یک بار عروسی کردن وظیفه است؛ بار دوم ازدواج کردن دلیل حماقت است و بار سوم زن گرفتن نشانهٔ جنون است. دانمارکی

۱۰۵ ـ یک بدبختی، بدبختی دیگر را پشت خود حمل می‌کند. دانمارکی

۱۰۶ ـ یک پزشک خوب باید دارای چشم باز، دست دختر و قلب شیر باشد. هلندی

۱۰۷ ـ یک بز شیرده بهتر از یک گاو عقیم است. استونی

۱۰۸ ـ یک عمل نیک، متضمن بهره است. استونی

۱۰۹ ـ یک کلمه خوب، همیشه جایی در دل پیدا می‌کند. استونی

۱۱۰ ـ یک‌بار که نیمه پولدار شدی خیلی آسان است که کاملاً پولدار شوی. استونی

۱۱۱ ـ یک آواز خوب را می‌توان دوبار خواند. استونی

۱۱۲ ـ یک حرفه هرگز آن‌قدر بد نیست که مرد نتواند روزی‌اش را از طریق آن تحصیل کند. استونی

۱۱۳ ـ یک زن هرگز از زن دیگر تعریف نمی‌کند. استونی

۱۱۴ ـ یک گاو پیر به خاطر نمی‌آورد که زمانی گوساله بوده است. فنلاندی

۱۱۵ ـ یک لقمه خوشمزه و لطیف فقط تا وقتی خوب است که در دهان باقی می‌ماند. فرانسوی

۱۱۶ ـ یک اخگر بد هر روز دود می‌کند. فرانسوی

۱۱۷ ـ یک دوست خوب به اندازه صد قوم و خویش ارزش دارد. فرانسوی

۱۱۸ ـ یگانه مرد خوشبخت کسی است که تصور می‌کند خوشبخت است. فرانسوی

۱۱۹ ـ یک جرقه کوچک حریق جهان‌سوزی را باعث می‌شود. فرانسوی

۱۲۰ ـ یگانه رازی که زن می‌تواند نگاهش بدارد، سنش می‌باشد. فرانسوی

۱۲۱ ـ یک زن و یک کشتی همیشه احتیاج به آرایشی دارند. فرانسوی

۱۲۲ ـ یک مرد گاهی به یک زن زرین می‌ارزد. فرانسوی

۱۲۳ ـ یک چلچله بهار نمی‌آورد. فرانسوی

۱۲۴ ـ یک سنگ تنها، ذرت را آرد نمی‌کند. آلمانی

۱۲۵ ـ یک اشتباه کهنه، بیشتر دوست هواخواه دارد تا یک حقیقت جدید. آلمانی

۱۲۶ ـ یک مفصل پی‌دار از چاقوی تیز نمی‌ترسد. آلمانی

۱۲۷ ـ یک قاضی و چرخ گاری باید خوب چرب شوند. آلمانی

۱۲۸ ـ یک دروغ تبدیل به راست می‌شود وقتی که انسان باورش می کند. آلمانی

۱۲۹ ـ یک مرد کوچک غالباً سایه دراز می‌اندازد. آلمانی

۱۳۰ ـ یک ارباب کوچک بودن بهتر از یک نوکر بزرگ بودن است. آلمانی

۱۳۱ ـ یک مشت «قدرت» بهتر از یک خروار «حق» است. آلمانی

۱۳۲ ـ یک «نه» به همان سرعتی بیرون می‌اید که یک «آری». آلمانی

۱۳۳ ـ یک عقیده خوب تمام معایب را می‌پوشاند. آلمانی

۱۳۴ ـ یک صلح بهتر از ده پیروزی است. آلمانی

۱۳۵ ـ یک طبیب جوان باید سه میز داشته باشد. آلمانی

۱۳۶ ـ یک پزشک خوب دارای سه چیز باید باشد: دل شیر، دست دوشیزه و چشم عقاب. آلمانی

۱۳۷ ـ یک شاهد شاهدست. آلمانی

۱۳۸ ـ یک سخن صد گله دارد. آلمانی

۱۳۹ ـ یک هنرمند در همه جا زندگانی می کند. یونانی

۱۴۰ ـ یک کتاب بزرگ یک شر بزرگ است. یونانی

۱۴۱ ـ یک درخت گیلاس برای دو زاغ کبود، کم است. یونانی

۱۴۲ ـ یا اصلاً ازدواج مکن یا اگر ازدواج کردی، ارباب باش. یونانی

۱۴۳ ـ یا حرفی بزن که از خاموشی بهتر است و یا خاموش باش. یونانی

۱۴۴ ـ یگانه رازی که زن می‌تواند نگاه بدارد، رازی است که از آن اطلاع ندارد. طبرستانی

۱۴۵ ـ یک گناه، گناه دیگر را به وجود می‌آورد. طبرستانی

۱۴۶ ـ یک سکه تقلبی، دو سکه خوب را از ارزش می‌اندازد. اسلواکی

۱۴۷ ـ یأس و امید خواهر یکدیگرند. اسلواکی

۱۴۸ ـ یکی کباب می‌خورد و دیگری سیخ کباب را می‌لیسد. مجارستانی

۱۴۹ ـ یک دوشیزه پیر ارزشی بیش از یک نامه پست نشده ندارد. مجارستان

۱۵۰ ـ یک پسر، پسر است، دو پسر نصف پسر است و سه پسر اصلاً پسر نیست. اتازونی

۱۵۱ ـ یک «نه»ی به موقع بهتر از یک «آری» خیلی دیر است. برزیلی

۱۵۲ ـ یک قدم در روز به دو قدم در شب می‌ارزد. برزیلی

۱۵۳ ـ یک شیطان شناخته شده، بهتر از ۲۰ شیطان است که باید شناخته شوند. شیلی

۱۵۴ ـ یک خروس خوب روی هر مزبله‌ای بانگ برخواهد داشت. مکزیکی

۱۵۵ ـ یک نام دیگر سگ «رفیق» است. نگرویی

۱۵۶ ـ یک دندان فاسد موجب فساد تمام دندان‌ها می‌شود. کامرون

۱۵۷ ـ یکی را از میان آغل گوسفند به زنی بگیر ولی هرگز با کسی که خویش توست عروسی مکن. مصری

۱۵۸ ـ یک روز، روز دیگر را زمین می‌زند. داهومی

۱۵۹ ـ یک شکم می‌خورد و شکم دیگر بالا می‌آید. داهومی

۱۶۰ ـ یک انسان بد بهتر از یک خانه خالی است. ساحل طلا

۱۶۱ ـ یک زن محیل‌تر (حیله‌گر، فریب‌کار) از یک پادشاه است. نیجریای شمالی

۱۶۲ ـ یک ذره کاه کافی است برای جدا کردن عسل از کندو. هایا

۱۶۳ ـ یک انسان قبل از آن‌که قدرش را بدانیم می‌میرد. لیبریا

۱۶۴ ـ یک دوست خوب را با هر دو دستت نگاه بدار. کانوری

۱۶۵ ـ یک هدیه هرگز کهنه نمی‌شود. کیکویو

۱۶۶ ـ یک مرد چون فربه است، دو نفر حساب نمی‌شود و مرد لاغر هم به دلیل آن‌که لاغر است نصف انسان به حساب نمی‌آید. کنگوی بلژیک

۱۶۷ ـ یک دروغ در خلوت چاق و در جلوت لاغر است. ماداگاسکار